

۴۷۴

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۹ تا ۲۵ مرداد ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۴۰

پیامدهای یک جنگ هنوز اعلام نشده!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۴۰ (۴۷۴)
جمعه ۱۹ تا ۲۵ مرداد ۱۴۰۳
۹ تا ۱۵ اوت ۲۰۲۴



خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (مفسر خلیان)»
برای نخستین بار ایجاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالته رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

www.kayhanlife.com

سایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

خبرنامه کانون فرنگی پارس کهن ایرانی
پیش‌مادهای نزدیک و دیرینه، ۱۱ آگوست تا ۲۴ سپتامبر ۱۴۰۳ خورشیدی

کانون فرنگی پارس (ایران) در برنمه شنبه ۳۱ آگوست خود را گلدید برگزاری کند:

تلاش‌های زبان فارسی مدرسه کانون ایران
مسئولان اداری و آموزشی این مدرسه به اطلاع مخاطبان ثبت نام فرزندانشان در کلاس‌های آموزشی می‌رساند که مدرسه کانون ایران بازگشایی شده است.
همچنین برای روفه حال بزرگان و افرادی که خارج از لندن زندگی می‌کنند نیز تلاش‌های آنلاین برگزار می‌شود.
تلفن تماس: ۰۷۷۹۰۹۴۴-۰۷

برای آشنایی بیشتر با برنامه‌های کانون فرنگی پارس یکشنبه

با حضور سید انتشارات ساتراپ و معرفی کتاب جدید: «روایات، خاطرات زمره امکن از نخستین برستان‌ها دوره ای دوران حکومت زنا ناه»

زمان گردهمایی این ماه: ساعت ۷ پس از نیمهروز شنبه ۳۱ آگوست ۲۰۲۴

مکان: گلدیسی ایگس در منطقه نانتینگ هیل گیت
Essex Church: 112 Palace Gardens Terrace, Notting Hill, London W8 4RT

ورودیه: ۵ پوند

کانون فرهنگی پاریس از شبکه آموزشی و فرهنگی و رسانه‌های ایرانی و فرانسوی در فرانسه است.

کیمهان

فهرست مطالب**

سر مقاله - گروه تروریستی جمهوری اسلامی / الاله یقراط ۴
تیر هفته - پیامدهای یک جنک هنوز اعلام نشده!... / ۴-۵

شاهزاده رضا پهلوی: دوستداران ایران باید همچون انقلابیون آزادیخواه مشروطه،... / ۶
تصرف چند کیلومتر از خاک روسیه توسط ارتش اوکراین... / ۷
وال استریت ژورنال: جمهوری اسلامی به دیپلمات‌های عرب اعلام کرد احمیتی... / ۸
احتمال هدف گرفتن زیرساخت‌های ایران در واکنش به اقدام تلافی جویانه‌ی... / ۸-۹
بایدن در مورد حمایت نظامی آمریکا از اسرائیل در مقابل تهدیدات جمهوری... / ۹
اگر ترکیه به اسرائیل حمله کند، این حمله با استفاده از تسلیحات... / مایکل روبین ۱۰-۱۱
اعتراف!... / اخیر اندیش (احمد/حرار) ۱۱
به سوی سیاستی برای قرن بیست و یکم (۲) - دکتر هنری کیسینجر... / ۱۲-۱۳
آیا احتمال کودتای جمهوری آذربایجان وجود دارد؟... / مایکل روبین ۱۴
بلینکن: ایالات متحده مسئول ترور اسماعیل هنیه نیست... / مایکل روبین ۱۵
افزایش تهدیدهای حزب الله لبنان در فضای واقعی و مجازی... / احمدرافت ۱۶-۱۷
اختلاف اخوان المسلمین با جمهوری اسلامی برای تعیین جانشین... / احمدرافت ۱۷-۱۸
گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل از سرکوب گسترده اقلیت‌های... / احمدرافت ۱۸-۱۹
تئاتر ایرانی در تبعید: حرف‌های آمان‌تور؟... / ۱۹
حمله‌ی وحشیانه به یک دختر نوجوان توسط زنان سرکوبگر گشت ارشاد اسلامی... / ۲۰
«انتقام سخت» از شهروندان ایران: جمهوری اسلامی رضاسایی را اعلام کرد... / ۲۱
رویترز: پوتین از خامنه‌ای خواست در پاسخ به ترور اسماعیل هنیه «محتاط»... / ۲۲
سفر ناگهانی فرستاده پوتین به تهران؛ روسیه برای جمهوری اسلامی چه خواهی... / ۲۲-۲۳
«ماموریت ویژه» وزیر خارجه اردن در سفر به تهران؛ منصرف کردن جمهوری... / ۲۳
طرح «حمله پیش‌دستانه» ارتش اسرائیل علیه جمهوری اسلامی و... / ۲۴
یحیی سنوار جانشین اسماعیل هنیه شد... / ۲۴-۲۵
واشنگتن فری بیکن: آغاز تحقیقات در مورد رابطه مشاور امنیت ملی... / ۲۵
انتصاب‌های مسعود پزشکیان با جمع کردن متهمان فساد مالی و اختلاسگر... / ۲۶-۲۷
تشکیل «پرونده قضایی» برای ترور اسماعیل هنیه... / ۲۷
انتقادهای سازماندهی بازی‌های المپیک پاریس ادامه دارد... / احمدرافت ۲۸
بازی‌های المپیک، پرونده‌های کلان اقتصادی با هزینه‌های سرسام‌آور... / احمدرافت ۲۹
محمدجواد ظریف که تکرار می‌کرد در دولت چهاردهم هیچ پست و مقامی... / ۳۰
درگیری‌های جریانات مافیایی حکومت برای تصاحب کرسی وزارت نفت... / ۳۱
ادعای روزنامه کویتی «الجزیرده»: سفر مخفیانه یک هیأت آمریکایی به تهران... / ۳۲
کاخ سفید ادعای روزنامه کویتی «الجزیرده» درباره «سفر مخفیانه هیأت آمریکایی... / ۳۳
اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: اسماعیل هنیه با شلیک پرتابه‌ای کوتاه‌برد... / ۳۴
اعدام دستجمعی ۲۹ زندانی در قتل‌عام زندان مرکزی کرج... / ۳۴-۳۵
بازداشت یک پاکستانی «مرتبط با ایران» در آمریکا به اتهام توطئه برای قتل... / ۳۵
هشدار درباره پیامدهای «خونخواهی» علیه اسرائیل برای کل نظام... / ۳۶-۳۷
پنج آمریکایی در حمله به پایگاه «عین الاسد» زخمی شدند... / ۳۷
حدس و گمان هادر مورو شیوه ترور اسماعیل هنیه در تهران... / ۳۸
بازداشت شماری از مأموران و مقامات امنیتی در ارتباط با ترور رهبر حماس... / ۳۹
تخت جمشید و نقش رستم: ۲۵ سانی متر فرونشست در طول دو سال... / ۴۰-۴۱
اسلام، غرب و صلح جهانی... / ایاتنه آمدیری ۴۱-۴۲
پادشاهان پهلوی و مشروطیت... / نادر صدیقی ۴۲-۴۳
«پلپلاسی» در ده‌های مراکبیر و باخودبیر... / در ستایش آزادی و... / کتایون حلاجان ۴۴
تداوم بحران کمبود برق؛ هشدار هادرباره تهدید امنیت غذایی کشور... / ۴۵
برنامه ویژه گرمی ۲۰۲۵ برای کوروش یغمایی؟... / فیروزه نور دستروم ۴۶-۴۷
درس گفتارهای شاهرخ مسکوب درباره شاهنامه به زودی منتشر می‌شود... / ۴۷-۴۸
افزایش قیمت نان؛ دولت برای پرداخت بارانه‌ی آرد بول ندارد... / ۴۹
تداوم اعتراضات و اعتصابات صنفی بی‌اعتنا به وعده‌های دولت اصلاح‌طلب و... / ۵۰
خودکشی یکی دیگر از کارگران اخراج شده پتروشیمی ایلام... / ۵۱
ریزش شدید در بازار بورس ایران؛ افزایش خروج پول حقیقی از بازار سرمایه... / ۵۲
سایه جنگ و ناکارآمدی جمهوری اسلامی بر بازارهای ایران... / ۵۳
مهاجران افغان در ایران؛ از نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی کارشناسان تا... / ۵۴-۵۵
ضروت مقابله با رژیم ایران برای جلوگیری از توافق‌های پنهانی... / بهرام فرخی ۵۵
بحران آب و خشکسالی در استان سیستان و بلوچستان؛ سایش بادی ناشی از... / ۵۶-۵۷
کیهان لایف: ارسلان اخوان بازیکرو کم‌دین ایرانی - آمریکایی «ایرانی خوب» را... / ۵۷
پدیده خودکشی پزشکان جوان؛ «تراژدی بزرگ انسانی» در... / ۵۸
«دانه‌ی انجیر معابد» محمدرسول اف، مهمان ویژه جشنواره سینمایی لوکارنو... / ۵۹
خبرهای کوتاه... / ۶۰-۶۱
پشت جلد - عکس هفته / چه کسانی می‌گفتند گشت ارشاد اسلامی جمع شده؟! ۶۲

بازنشر
بازنشر



سرمقاله

گروه تروریستی جمهوری اسلامی

ایران تنها کشور بیست که تروریست‌های اسلامی در قرن بیستم توانستند در آن به قدرت برسند. پیش از آن، بعد از جنگ جهانی دوم، گروه‌های تروریستی چپ تحت عنوان «جنبش چریکی» در برخی کشورها از جمله کوبا به قدرت رسیده بودند.

«جنبش چریکی» چپ با پشتیبانی پیدا و پنهان بلوک شرق به شکل گرفتن گروه‌های مشابه حتا در دموکراسی‌ها منجر شد و اعضای آن تحت عنوان تئوری‌های جنگ چریکی شهری و روستایی برای رسیدن به قدرت، دست به ترورهای متعدد زدند تا اینکه در اواخر قرن بیستم به تاریخ پیوستند. تقریباً همزمان، بنیادگرایی اسلامی که ریشه‌های نظری آن در کشورهایمانند مصر قوی‌تر بود، به دلایل مختلف، در ایران با پشتیبانی پیدا و



پنهان بلوک غرب به قدرت دولتی دست یافت تا طی چند دهه جهان را با ویروس مرگبار اسلام سیاسی آلوده کرده و به یک مشکل بین‌المللی تبدیل شود.

در حالی که «جنبش چریکی» عمدتاً افرادی از طبقات متوسط و مرفه و به اصطلاح «روشنفکران» کشور مربوطه را جذب می‌کرد، «سربازان» بنیادگرایی اسلامی در دموکراسی‌ها اما یا در خانواده‌های مهاجر عمدتاً طبقات پایین پرورش یافته‌اند و یا با موج‌های مهاجرت به عنوان پناهجو راهی این کشورها شده‌اند که در میان آنها صادراتی‌های هدفمند نیز حضور دارند. آنها با سوء استفاده از دموکراسی و آزادی مذاهب و با پشتیبانی مالی از سوی به ویژه جمهوری اسلامی و عربستان سعودی توانسته‌اند تحت پوشش مساجد و مراکز اسلامی هسته‌هایی قوی را سازماندهی کنند تا بر سیاست و فرهنگ این کشورها تأثیر بگذارند. اسلامگرایان از یکسو از حمایت چپ افراطی و «ووک‌ها» که فکر می‌کنند خیلی «بیدار»ند برخوردارند و از سوی دیگر به تقویت راست افراطی در این کشورها دامن می‌زنند. هر سه این افراطیون در عمل ثابت کرده‌اند که از جمله با جداسازی‌های بی‌پایه و انواع برتری طلبی و تبعیض، ضد دموکراسی و ضد برابری حقوقی انسان‌ها و ضد نظم دموکراتیک و همزیستی جامعه هستند.

در چنین شرایطی است که به نظر می‌رسد خطر و تهدیدی به نام جمهوری اسلامی برای جهانی که طی بیش از چهار دهه گذشته به مباحثات و معامله با آن مشغول بوده بیش از پیش روشن می‌شود و یا اگر هم روشن بوده، حالا به عنوان یک مشکل عینی که باید رفع و دفع شود، درک می‌گردد؛ اینکه جمهوری اسلامی با وجود نهادهای مدنی و مدرن که از دوران مشروطه و پهلوی به آن تحمیل شده، یک گروه تروریستی است. به همین دلیل نیز آن نهادها را از محتوا تهی ساخته و با موازی‌سازی ساختار تروریستی خود را حفظ کرده است.

در این رژیم، «میدان» و «دیپلماسی» یکپسند چرا که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی هر دو یکی هستند! جنگ با نیابتی‌ها و شبه‌نظامیان جنگ با رژیم ایران و با اسلام سیاسی‌ست. تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز چیزی جز به رسمیت شناختن جمهوری اسلامی به عنوان یک گروه تروریستی نیست چرا که قدرت اقتصادی و سیاسی و عقیدتی جمهوری اسلامی در سپاهی است که از آن پاسداری می‌کند.

در این میان، کشورهایی که سپاه پاسداران را تروریستی اعلام کرده‌اند، در مباحثات و معامله با جمهوری اسلامی، تروریست‌های آن را تغذیه می‌کنند. اتحادیه اروپا و بریتانیا احتمالاً برای امتناع از این تناقض است که تا کنون از این کار خودداری کرده‌اند. اما بعید است سیاستمداران آنها ندانند که روز تعیین تکلیف نهایی یک گروه تروریستی جمهوری اسلامی، نه به خاطر مردم ایران بلکه برای مردم خودشان خواهد رسید.

تیر هفته

پیامدهای یک جنگِ هنوز اعلام نشده!



● در شرایطی که با فصل گرما، قطع مداوم برق و بی‌آبی و کمبود سوخت به همراه مشکلات معیشتی مردم را به شدت کلافه و عاصی کرده، کابوس جنگ نیز وضعیت کشور را قرمز کرده است.

خونخواهی برای رهبر یک سازمان تروریستی بعد از ترور اسماعیل هنیه در تهران، رهبر گروهی که توسط بسیاری از کشورهای جهان به عنوان گروه تروریستی طبقه‌بندی شده، رهبر جمهوری اسلامی بیرق «خونخواهی» برافراشت و تهدید کرد که انتقام خون مهمانان را از اسرائیل می‌گیریم. به پشتوانه‌ی رجزخوانی علی خامنه‌ای، از تریبون‌های نماز جمعه اعلام شد که پاسخ به اسرائیل «خون در مقابل خون» است. در مجلس شورای اسلامی یکی از نمایندگان گفت «به کشته شدن کمتر از تانیاها راضی نمی‌شویم!» برخی نیز حتا تهدید کردند که «باید یکی از سران اصلی اسرائیل حذف شود».

در میان رهبران و مقامات کشورهای مسلمان‌نشین که جزو مدافعان «آرمان‌های فلسطین» به شمار می‌روند، هیچکدام به اندازه سران جمهوری اسلامی برای کشته شدن هنیه معرکه نگرفتند. دولت‌های عرب منطقه با خزانه‌های سرشار از درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی، هرچند ترور اسماعیل هنیه را محکوم کردند اما با احتیاط ضمن در نظر گرفتن مصلحت و منافع اقتصادی و سیاسی خودشان، نه درباره «انتقام» از اسرائیل حرف زدند و نه برای غربی‌ها شاخ و شانه کشیدند؛ بلکه فقط خواستار «خویشترداری» طرفین برای جلوگیری از به راه افتادن یک جنگ دیگر در منطقه شدند.

علیه هم اسرائیل و هم آمریکا!

در مقابل اما مقامات جمهوری اسلامی علاوه بر اسرائیل، پای آمریکا را نیز به میان می‌کشند؛ از جمله علی

هشدارها در مورد پیامدهای فاجعه‌بار یک جنگ با واقعیت کنونی ایران کاملاً تطبیق دارد. علی خامنه‌ای با اصرار بر «خونخواهی» می‌خواهد یک جنگ را به مردم ایران تحمیل کند. افزایش احتمال درگیری مستقیم میان جمهوری اسلامی و اسرائیل و تشدید تنش‌ها در منطقه علاوه بر فشار روحی و روانی بر مردم، تأثیرات منفی بر اقتصاد نیز گذاشته که سقوط شاخص بورس و افزایش نرخ ارز از اولین پیامدهای آنست. وضعیتی که تجربه نشان می‌دهد زمینه‌ساز افزایش بیشتر قیمت انواع کالا و خدمات خواهد شد و معیشت مردم را بیش از پیش سخت خواهد کرد.

در شرایطی که با فصل گرما، قطع مداوم برق و بی‌آبی و کمبود سوخت به همراه مشکلات معیشتی مردم را به شدت کلافه و عاصی کرده، کابوس جنگ نیز وضعیت کشور را قرمز کرده است. در یک نمونه شرکت فولاد خوزستان، بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد ایران، از کاهش ۴۲ درصدی تولید به علت قطع برق خبر داد. تولید در شرکت‌های فولاد مبارکه و فولاد کاوه نیز به شدت کاهش یافته است. در اصفهان کشاورزان در اعتراض به بی‌آبی و کامیونداران در اعتراض به کمبود گازوئیل تظاهرات کردند. کارگران صنایع نفتی به علت پایین بودن دستمزدها دست به اعتصاب زده‌اند و بازنشستگان و مستمری‌بگیران هر هفته به خالی ماندن سفره‌هایشان اعتراض می‌کنند.

این در حالیست که خامنه‌ای در جریان مراسم «تنفید» به پزشک‌های گفته بود اولویت اصلی وضعیت اقتصاد و بهبود معیشت مردم است اما سیاست‌های وی بار دیگر به عاملی برای بحرانی‌تر شدن وضعیت مردم تبدیل شده است.

مردم ایران بار دیگر افکار عمومی و همچنین چهره‌های اپوزیسیون را به واکنش واداشته است. شاهزاده رضا پهلوی که بارها مخالفت خود را با جنگ اعلام کرده در «ایکس»

از سوی دیگر، اصرار جمهوری اسلامی به انتقام، لحن ملایم دولت بایدن را نیز تغییر داد و کار به اخطار مستقیم رسید. آمریکا و متحدانش در ناتو به سرعت یگان‌های

باقری کنی سرپرست موقت وزارت خارجه که عنوان کرد «مسئولیت آمریکا در ترور هنیه نباید نادیده گرفته شود». برخی مقامات و سرداران سپاه پاسداران از این هم



نوشت، «این جنگ ایران نیست؛ جنگ خامنه‌ای است و با حمله به اسرائیل با آتش بازی می‌کند.»

گروهی از مردم نیز با توجه به ناکارآمدی رژیم در تأمین نیازمندی‌های اولیه‌ی جامعه، سران نظام را به تمسخر گرفته و می‌گویند، «قدرت اول منطقه برق ندارد!» آنها مطرح می‌کنند که «انتقام گرفتن یا نگرفتن از اسرائیل بازی دوسر باخت خامنه‌ای است.»

در این میان، ترس از بالاگرفتن دوباره‌ی نارضایتی‌ها و تبدیل آن به اعتراضات خیابانی همراه با تحقیر امنیتی و نظامی در سطح بین‌المللی، نظام را به تشدید فضای سرکوب و ترساندن جامعه واداشته است. اعدام ناگهانی و بی‌خبر رضا رسایی زندانی سیاسی و به دار آویختن دستجمعی نزدیک به سی زندانی به جرائم مختلف، با همین هدف انجام شده است. جنایتی که تکرار آن در روزهای آینده دور از انتظار نیست.

احتمالاً هیچکس بیشتر از نهادهای امنیتی و اطلاعاتی تصویر واضحی از وضعیت ملت‌هپ ایران ندارد. وبسایت «بصیرت» وابسته به معاونت سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در واکنش به آشفتگی بازارهای مالی پس از ترور هنیه و احتمال اقدام تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی، در یادداشتی خطاب به «وزارتخانه‌های مرتبط با بازار و اقتصاد» اعلام کرده است که «باید آرایش جنگی بگیرند» و خود را برای «جنگ اقتصادی» آماده کنند.

اینهمه در حالیست که وضعیت بد معیشتی، فشارهای اجتماعی و استمرار سرکوب و خشونت عریان در خیابان‌ها مردم را عاصی کرده است. آنها ادامه این وضعیت را غیرممکن می‌دانند و بسیاری بر این باورند که اگر زور نظام در سرکوب و کشتار به هر طریقی کم شود، تعادل قوا در خیابان برای مقابله با حکومت برقرار خواهد شد.

نظامی خود را در خاورمیانه تقویت کرده‌اند و برخی منابع به تشکیل یک ائتلاف فراگیر علیه ماجراجویی احتمالی جمهوری اسلامی اشاره می‌کنند.

در همین ارتباط روزنامه «واشنگتن پست» چهارشنبه هفتم اوت (۱۷ مرداد) در گزارشی نوشت، جمهوری اسلامی ممکن است با «نمایش قدرت» ایالات متحده، از حمله به اسرائیل منصرف شود و «این به واسطه ارتباطات محرمانه‌ای است که کاخ سفید از طریق سفارت سوئیس در تهران و نمایندگی [رژیم] ایران در سازمان ملل متحد انجام داده است.»

امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه نیز در دومین تماس تلفنی خود با پزشکیان به وی هشدار داد: «برای جلوگیری از تشدید تنش‌های نظامی جدید تلاش کند، زیرا این موضوع به نفع هیچکس نیست.»

از سوی دیگر با افزایش احتمال حمله به اسرائیل، سرگنی شویگو دبیر شورای امنیت روسیه در سفری ناگهانی به تهران رفت. فرستاده ویژه پوتین با شماری از مقامات نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی و همچنین مسعود پزشکیان دیدار کرد. آنهم در حالی که برخی چهره‌های امنیتی نظام از جناح اصلاح‌طلب در مورد «خیانت روسیه به جمهوری اسلامی» هشدار داده و موضوع گیر افتادن ایران را در باتلاق جنگ بطور موازی با جنگ اوکراین برای باز کردن جبهه دوم توسط روسیه علیه ناتو مطرح کرده‌اند.

در همین ارتباط اما رویترز گزارش داد که پوتین از طریق فرستاده خود به تهران، به خامنه‌ای هشدار داده است که در پاسخ به ترور اسماعیل هنیه «محتاط» عمل کند و به غیرنظامیان آسیب نرساند!

کوبیدن بر طبل جنگ با اقتصاد ویران

احتمال تحمیل یک جنگ توسط جمهوری اسلامی به

فراتر رفتند و به عنوان مثال محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و حسین علایی فرمانده سابق نیروی دریایی سپاه در اظهاراتی مشابه گفتند «قطعاً آمریکا در ترور هنیه همکاری نزدیک عملیاتی و اطلاعاتی داشته است.»

همزمان با خط و نشان‌هایی که مقامات نظام علیه اسرائیل و آمریکا کشیدند، حزب‌الله و دیگر گروه‌های شبه‌نظامی منطقه از جمله حشدالشعبی و حوثی‌ها پرتاب راکت، موشک و پهپادهای انتحاری به اسرائیل و پایگاه‌های آمریکا و کشتی‌ها را افزایش دادند. در یکی از این حملات به پایگاه «عین الاسد» پنج پرسنل آمریکایی زخمی شدند.

هشدارهای بین‌المللی و تغییر لحن دولت بایدن

در این میان، واشنگتن فراتر از درخواست‌های دیپلماتیک برای «خویشتنداری» بطور رسمی اعلام کرد که متعهد به دفاع از امنیت اسرائیل است و در مقابل هرگونه اقدام علیه این کشور یا علیه نیروهای آمریکایی واکنش نشان خواهد داد.

سایر دولت‌های منطقه نیز از تنش‌های خاورمیانه نگران شده‌اند؛ به ویژه کشورهای مثل اردن که از نظر جغرافیایی ناخواسته درگیر جدال جمهوری اسلامی با اسرائیل هستند. از آنجا که موشک‌ها و پهپادهای سپاه بیشتر برای جان مردم عادی خطرناک است، نگرانی از انتقامجویی جمهوری اسلامی را بیشتر می‌کند. از این رو ایمن صفدی وزیر خارجه اردن به تهران سفر کرد تا در مورد پیامدهای حمله احتمالی به اسرائیل هشدار دهد چرا که این پرتابه‌ها برای رسیدن به اسرائیل می‌بایست از آسمان اردن عبور کنند.

همچنین گزارش شد فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و مصر هم برای منصرف کردن جمهوری اسلامی از «انتقام» تلاش می‌کنند. در مقابل اما مقامات رژیم با رد درخواست دیپلمات‌های عرب برای «خویشتنداری» اعلام کردند که اهمیتی نمی‌دهند که حمله به اسرائیل منجر به یک جنگ شود.

شاهزاده رضا پهلوی: دوستداران ایران باید همچون انقلابیون آزادیخواه مشروطه، متحد و همدل به نبرد با استبدادطلبان مشروطه‌خواه پردازند



همگی در راستای تحقق خواسته‌های مهم انقلاب مشروطه بودند. آن مسیر اگر با فاجعه ۵۷ متوقف نمی‌شد، ایران را که از نخستین حکومت‌های قانون در آسیا بود، امروز به یکی از پیشرفته‌ترین دموکراسی‌های آسیایی بدل می‌ساخت.

با وجود این ناکامی، تاریخ انقلاب مشروطه، فراز و فرودهای آن، و دستاوردها و شکست‌های آن، همچنان الهام‌بخش و راهنمای ما در مسیر مبارزه با جمهوری اسلامی و بازگرداندن قطار ایران به ریل ترقی و تمدن است.

از مهم‌ترین درس‌های انقلاب مشروطه برای امروز ما این است که حتی در دشوارترین لحظات، همچون دوره استبداد صغیر که از سوی استبدادطلبان و مشروطه‌خواهان بر مشروطه‌خواهان تحمیل شده بود، باور داشته باشیم که پایداری بر مسیر درست و پشتکار در مبارزه، زمینه‌ساز پیروزی نهایی است.

بزرگداشت واقعی انقلاب مشروطه در زمانه ما، تلاش دوچندان برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به عنوان یک رژیم غیرقانونی و ضدایرانی، و استقرار دگرباره‌ی دولت ملی است. ایرانیان حق دارند و باید بتوانند همچون یک ملت متمدن و مدرن، در انتخاباتی آزاد و منصفانه، شکل نظام سیاسی مورد نظرشان، قانون اساسی کشور، و دولت و پارلمان خود را برگزینند. برای تحقق این مهم، دوستداران ایران باید همچون انقلابیون ایران باید همچون انقلابیون آزادیخواه مشروطه، متحد و همدل به نبرد با استبدادطلبان مشروطه‌خواه پردازند. اگر چنین کنند، پیروزی حتمی و نزدیک است.

پاینده ایران
رضا پهلوی

اسلامی به عنوان یک رژیم غیرقانونی و ضدایرانی، و استقرار دگرباره‌ی دولت ملی است. ایرانیان حق دارند و باید بتوانند همچون یک ملت متمدن و مدرن، در انتخاباتی آزاد و منصفانه، شکل نظام سیاسی مورد نظرشان، قانون اساسی کشور، و دولت و پارلمان خود را برگزینند. برای تحقق این مهم، دوستداران ایران باید همچون انقلابیون آزادیخواه مشروطه، متحد و همدل به نبرد با استبدادطلبان مشروطه‌خواه پردازند. اگر چنین کنند، پیروزی حتمی و نزدیک است.»

متن کامل این پیام به شرح زیر است:

انقلاب مشروطه گامی بلند در مسیر بیداری ایرانیان، ساخت دولت مدرن، استقرار حاکمیت قانون، پاسخگوسازی حاکمان، و قدرت‌بخشی به شهروندان با دستیابی به حقوق و آزادی‌های بنیادین‌شان بود.

پیشرفت و تعمیق مشروطیت در ایران و دیگر کشورها، امری تدریجی و دارای فراز و فرود بوده است. در ایران، در انتهای دوران قاجار، نظام مشروطه دچار فترتی عمیق، و کشور گرفتار بحران‌ها و تهدیدهای وجودی بود. در چنان فضایی، نخبگان عصر که بسیاری‌شان از پیشگامان و قهرمانان انقلاب مشروطه بودند، برای نجات ایران و احیای مشروطه و خواسته‌های مترقی آن، در کنار سردار سپه ایستادند و سلسله پهلوی را در چارچوب قانون اساسی مشروطه تاسیس کردند.

تثبیت دولت ملی، برقراری ثبات و امنیت، و ایجاد نهادهای مدرن در دوران رضاشاه، و توسعه اقتصادی و صنعتی، و گستراندن آزادی‌های اجتماعی در عصر محمدرضاشاه

● شاهزاده رضا پهلوی در پیامی به مناسبت ۱۴ مرداد سالگرد انقلاب ملی و دموکراتیک مشروطه، بر دستاوردهای آن از جمله ساخت دولت مدرن و استقرار حاکمیت قانون و حقوق و آزادی‌های شهروندان تأکید کرد.

● شاهزاده رضا پهلوی با توجه به شرایط کنونی ایران و حاکمیت ویرانگر بیش از چهار دهه جمهوری اسلامی بر کشور و الهام‌بخش بودن انقلاب مشروطه «در مسیر مبارزه با جمهوری اسلامی و بازگرداندن قطار ایران به ریل ترقی و تمدن» افزوده است که از مهم‌ترین درس‌های انقلاب مشروطه این است که «باور داشته باشیم که پایداری بر مسیر درست و پشتکار در مبارزه، زمینه‌ساز پیروزی نهایی است.»

● در پایان این پیام بر ضرورت مبارزه‌ی متحد و همدل برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و «استبدادطلبان مشروطه‌خواه» و همچنین حق انتخاب ایرانیان به عنوان یک ملت متمدن و مدرن جهت برگزیدن شکل نظام سیاسی مورد نظرشان، قانون اساسی کشور و دولت و پارلمان خود تأکید شده است.

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی به مناسبت ۱۴ مرداد سالگرد انقلاب ملی و دموکراتیک مشروطه، بر دستاوردهای آن از جمله ساخت دولت مدرن و استقرار حاکمیت قانون و حقوق و آزادی‌های شهروندان تأکید کرد.

در این پیام همچنین با اشاره به فراز و فرودهای مسیر پیشرفت و تعمیق این انقلاب مترقی و آزادیخواهانه و نقش «نخبگان عصر که بسیاری‌شان از پیشگامان و قهرمانان انقلاب مشروطه بودند» آمده است که آنها «در کنار سردار سپه ایستادند و سلسله پهلوی را در چارچوب قانون اساسی مشروطه تاسیس کردند.»

در این پیام تأکید شده است: «تثبیت دولت ملی، برقراری ثبات و امنیت، و ایجاد نهادهای مدرن در دوران رضاشاه، و توسعه اقتصادی و صنعتی، و گستراندن آزادی‌های اجتماعی در عصر محمدرضاشاه همگی در راستای تحقق خواسته‌های مهم انقلاب مشروطه بودند. آن مسیر اگر با فاجعه ۵۷ متوقف نمی‌شد، ایران را که از نخستین حکومت‌های قانون در آسیا بود، امروز به یکی از پیشرفته‌ترین دموکراسی‌های آسیایی بدل می‌ساخت.»

شاهزاده رضا پهلوی با توجه به شرایط کنونی ایران و حاکمیت ویرانگر بیش از چهار دهه جمهوری اسلامی بر کشور و الهام‌بخش بودن انقلاب مشروطه «در مسیر مبارزه با جمهوری اسلامی و بازگرداندن قطار ایران به ریل ترقی و تمدن» افزوده است که از مهم‌ترین درس‌های انقلاب مشروطه این است که «باور داشته باشیم که پایداری بر مسیر درست و پشتکار در مبارزه، زمینه‌ساز پیروزی نهایی است.»

در پایان این پیام بر ضرورت مبارزه‌ی متحد و همدل برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و «استبدادطلبان مشروطه‌خواه» و همچنین حق انتخاب ایرانیان به عنوان یک ملت متمدن و مدرن جهت برگزیدن شکل نظام سیاسی مورد نظرشان، قانون اساسی کشور و دولت و پارلمان خود تأکید شده است: «بزرگداشت واقعی انقلاب مشروطه در زمانه ما، تلاش دوچندان برای به زیر کشیدن جمهوری

تصرف چند کیلومتر از خاک روسیه توسط ارتش اوکراین ولادیمیر پوتین از تنش‌های خاورمیانه سود می‌برد



شهر مرزی «سوژا» پس از حمله اوکراین

معاون رئیس شورای امنیت روسیه با مقایسه ضمنی نبرد اتحاد شوروی با رژیم هیتلری در کانال تلگرامی خود نوشت، «ما یاد قربانیان حمله نئونازی‌ها به استان کورسک را گرامی می‌داریم. بعد از این حمله کی‌یف، روسیه می‌تواند و باید به خاک اوکراین برود. ما دیگر اکنون باید علنی بدون خجالت یا تعارفات دیپلماتیک درباره این موضوع صحبت کنیم. از الان به بعد عملیات نظامی روسیه باید ویژگی علنی و فراتر از مرزهای منطقه‌ای پیدا کند.»

در بخش دیگری از این یادداشت که رسانه‌های حکومتی در ایران آن را بازتاب داده‌اند آمده است، «این عملیات دیگر یک عملیات صرف برای بازپس‌گیری خاک رسمی ما و مجازات نازی‌ها نیست بلکه ما باید به خاک اوکراین برویم از اودسا تا کی‌یف. یکی از دلایل عملیات تروریستی اوکراین در کورسک نشان دادن باقیمانده‌ی قدرت تحلیل رفته آنها به اربابان خود برای دستیابی به پول و سلاح بیشتر است.»

پیشروهای اوکراین در خاک روسیه که در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب گسترده پیدا کرده و تحلیلگران نظامی آن را یک موفقیت مهم و بزرگ برای ارتش اوکراین ارزیابی می‌کنند، در مقطعی حساس اتفاق افتاده است. برخی تحلیلگران معتقدند شکست‌های روسیه در مقابل اوکراین انگیزه پوتین را برای باز کردن «جبهه دوم» علیه ناتو با هدف درگیر کردن غرب در بحران خاورمیانه جهت کاهش تمرکز اوکراین افزایش می‌دهد.

جمهوری اسلامی با ارسال مهمات و پهپاد از روسیه در جنگ علیه اوکراین حمایت می‌کند. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی بارها در مصاحبه‌های خود به مقامات جمهوری اسلامی گفته که «روسیه کشور ما را تبدیل به یک خاکریز در برابر آمریکا کرده است.» در همین ارتباط وی هشدار داده بود، «روس‌ها پای ما را به جنگی کشاندند که هیچ منفعتی برایشان ندارد.»

آغاز حمله اوکراین دست‌کم پنج غیرنظامی کشته و ۳۱ نفر زخمی شده‌اند که ۶ نفر از آنها کودک هستند. گزارش‌های ضد و نقیض در ارتباط با این حمله زیاد است. وزارت دفاع روسیه گفت که نیروهای اوکراینی به شهر مرزی «سوژا» در ۵۳۰ کیلومتری جنوب غربی مسکو حمله کردند و نبرد تا صبح چهارشنبه ادامه داشته است. شماری از وبلاگ‌نویسان نظامی روسیه با اشاره به نبردهای شدید در کورسک از نفوذ ۱۰ تا ۱۵ کیلومتری نیروهای اوکراین به داخل خاک روسیه خبر دادند. منابع روسی ادعا کردند شماری غیرنظامی در این حملات کشته شدند. برخی منابع گزارش دادند یکی از بزرگترین ایستگاه‌های توزیع گاز پمپاژ به اروپا در منطقه کورسک روسیه تحت کنترل نیروهای مسلح اوکراین قرار گرفته است. همچنین گفته شد فرودگاه سوژا در حملات هوایی اوکراین آسیب دیده و شمار زیادی از سربازان روس نیز به اسارت گرفته شدند.

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در مورد حمله اوکراین به خاک روسیه گفت: «رژیم کی‌یف یک تحریک بزرگ دیگر را آغاز کرده». او ادعا کرده است که اوکراین بی‌رویه شهروندان عادی را در منطقه هدف قرار می‌دهد. پوتین تأکید کرد که به زودی در این مورد با مقامات ارشد وزارت دفاع و سرویس امنیت فدرال روسیه دیدار خواهد داشت.

وبلاگ‌نویسان نظامی روسیه ادعا می‌کنند که جنگجویان چچنی پیش از این امنیت این منطقه مرزی روسیه را تأمین می‌کردند. اما با حمله نظامیان اوکراینی مواضع خود را رها کرده و دست به عقب‌نشینی زده‌اند. وبلاگ نظامی Rybar گزارش داد که سربازان اوکراینی حتا توانسته‌اند در خاک روسیه مستقر شوند.

دیمیتری مدودف: عملیات نظامی روسیه باید فراتر از مرزهای منطقه‌ای باشد
در واکنش به حمله اوکراینی‌ها، دیمیتری مدودف

● الکسی آسمیرنوف سرپرست فرمانداری منطقه گفت که این اقدام «برای از بین بردن پیامدهای ورود نیروهای دشمن به منطقه» ضروری است.

● شماری از وبلاگ‌نویسان نظامی روسیه با اشاره به نبردهای شدید در کورسک از نفوذ ۱۰ تا ۱۵ کیلومتری نیروهای اوکراین به داخل خاک روسیه خبر دادند. منابع روسی ادعا کردند شماری غیرنظامی در این حملات کشته شدند.

● ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در مورد حمله اوکراین به خاک روسیه گفت: «رژیم کی‌یف یک تحریک بزرگ دیگر را آغاز کرده». وی ادعا کرده است که اوکراین بی‌رویه شهروندان عادی را در منطقه هدف قرار می‌دهد.

● در واکنش به حمله اوکراینی‌ها، دیمیتری مدودف معاون رئیس شورای امنیت روسیه در کانال تلگرامی خود نوشت، «بعد از این حمله کی‌یف، روسیه می‌تواند و باید به خاک اوکراین برود... از الان به بعد عملیات نظامی روسیه باید ویژگی علنی و فراتر از مرزهای منطقه‌ای پیدا کند.»

● پیشروهای اوکراین در خاک روسیه در مقطعی حساس اتفاق افتاده است. برخی تحلیلگران معتقدند شکست‌های روسیه در مقابل اوکراین انگیزه پوتین را برای باز کردن «جبهه دوم» علیه ناتو با هدف درگیر کردن غرب در بحران خاورمیانه جهت کاهش تمرکز اوکراین افزایش می‌دهد.

نیروهای اوکراینی پس از دریافت محموله تسلیحاتی و تجهیزات جدید از جمله هواپیماهای آمریکایی «اف-۱۶» توانستند روز چهارشنبه هفتم اوت (۱۷ مرداد) از محور شمال شرقی با طراحی عملیات تهاجمی با وارد کردن ضربات سنگین چندین کیلومتر وارد خاک روسیه در منطقه «کورسک» شوند.

الکسی آسمیرنوف سرپرست فرمانداری منطقه گفت که این اقدام «برای از بین بردن پیامدهای ورود نیروهای دشمن به منطقه» ضروری است. مقامات روسی مدعی شدند که از

احتمال هدف گرفتن زیرساخت‌های ایران در واکنش به اقدام تلافی جویانه‌ی جمهوری اسلامی علیه اسرائیل



رومپای از موشک‌های «خبرشکن» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

● جمهوری اسلامی در شرایطی تهدید کرده انتقام ترور اسماعیل هنیه را از اسرائیل و آمریکا خواهد گرفت که بر اساس گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مواد کافی برای ساختن سه بمب اتمی را نیز در اختیار دارد.

● سناتور لیندزی گراهام در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفته «حزب‌الله و حماس بدون رژیم ایران وجود نخواهند داشت و نخواهند توانست پول و سلاح تأمین کنند بنابراین اگر حمله‌ای توسط حزب‌الله علیه اسرائیل صورت بگیرد یا حمله مستقیمی توسط رژیم ایران علیه اسرائیل انجام شود، من به اسرائیل فراخوان می‌دهم تا تمامی پالایشگاه‌هایی را که به این شیطان تروریست سوخت می‌رسانند نابود کند».

● احتمال هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های کشور، با واکنش‌های مختلف در میان ایرانی‌ها روبرو شده است. شماری می‌گویند هدف گرفتن کنترل شده‌ی این قبیل حملات می‌تواند ضربه به جمهوری اسلامی باشد اما برخی دیگر معتقدند چنین حملاتی به منافع ملی ایران ضربه خواهد زد.

جمهوری اسلامی در شرایطی تهدید کرده انتقام ترور اسماعیل هنیه را از اسرائیل و آمریکا خواهد گرفت که بر اساس گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مواد کافی برای ساختن سه بمب اتمی را نیز در اختیار دارد.

سناتور لیندزی گراهام روز چهارم اوت (۱۴ مرداد) در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت، حمله به اسرائیل توسط حزب‌الله باید حمله رژیم ایران علیه اسرائیل تلقی شود. وی استفاده از گروه‌های نیابتی در جنگ را یک «نمایش مسخره» خواند و گفت که باید متوقف شود.

وال استریت ژورنال: جمهوری اسلامی به دیپلمات‌های عرب اعلام کرد اهمیتی نمی‌دهد که حمله به اسرائیل جرقه‌ی یک جنگ باشد!



علی خامنه‌ای بر جسد اسماعیل هنیه و محافظ او همار میت خواند

به گفته این منابع، ایالات متحده از اروپا و سایر دولت‌های متحدش خواسته است تا پیامی را به ایران برسانند و از مقامات جمهوری اسلامی بخواهند از تشدید تنش جلوگیری کند و هشدار دهند که هرگونه حمله بزرگ می‌تواند واکنش برانگیز باشد. این گزارش مدعی شده که آمریکا به عنوان بخشی از پیام خود به ایران، ادعا کرده است که اسرائیل نیز می‌خواهد تنش‌زدایی کند. «وال استریت ژورنال» تأکید کرد، «ایران از ارائه هشدارهای دقیق که به کاهش تأثیر هرگونه حمله کمک کند، خودداری کرده است».

پیشتر شبکه «المیادین» نیز به نقل از «یک منبع آگاه ایرانی» اعلام کرده بود که ترور هنیه عبور از خط قرمزهای جمهوری اسلامی است و حکومت ایران بر همین مبنا پاسخ خواهد داد.

همزمان با سفر ناگهانی ایمن صدقی وزیر خارجه دولت اردن به تهران، روزنامه «الجریده» چاپ کویت ادعا کرد که با میانجیگری عمان یک هیأت آمریکایی مخفیانه به تهران سفر کرده است. در گزارش این روزنامه که چهارم اوت (۱۴ مرداد) منتشر شد گفته شده مأموریت این هیأت جلوگیری از وقوع یک جنگ بزرگ در منطقه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل است؛ این هیأت پیشنهادات وسوسه‌انگیزی برای مقامات جمهوری اسلامی ارائه کرده است که شامل سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در اقتصاد بحرانبازده ایران می‌شود.

همزمان منابع اسرائیلی گزارش دادند با افزایش احتمال حمله از سوی جمهوری اسلامی علین این کشور، مقامات اسرائیل در حال هماهنگی با متحدان خود برای خنثی کردن حملات احتمالی هستند.

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید نیز گفته «باید مطمئن شویم که آماده‌ایم و توانایی کافی برای کمک به اسرائیل و دفاع از مردم و منافع خود را داریم».

● «افراد مطلع» از گفتگوی مقامات جمهوری اسلامی و دیپلمات‌های عرب به «وال استریت ژورنال» گفته‌اند که حکومت ایران درخواست دیپلمات‌های عرب برای «خویشتنداری» در حمله به اسرائیل را رد کرده است.

● این خبر پس از آن اعلام شد که ایمن صدقی وزیر خارجه اردن برای گفتگو با مقامات جمهوری اسلامی به تهران سفر کرد. برخی منابع گزارش داده بودند، «سفر صدقی به ایران به دنبال ادامه تماس‌های دیپلماتیک ایالات متحده و شرکای آن از جمله فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و مصر برای جلوگیری از تشدید بیشتر در منطقه صورت می‌گیرد».

● «وال استریت ژورنال» مدعی شده که آمریکا به عنوان بخشی از پیام خود به ایران، این ادعا را مطرح کرده است که اسرائیل نیز می‌خواهد تنش‌زدایی کند.

● پیشتر شبکه «المیادین» نیز به نقل از «یک منبع آگاه ایرانی» گفته بود که ترور هنیه عبور از خط قرمزهای جمهوری اسلامی است و حکومت ایران بر همین مبنا پاسخ خواهد داد.

روزنامه «وال استریت ژورنال» روز یکشنبه چهارم اوت (۱۴ مرداد) گزارش داد جمهوری اسلامی به دیپلمات‌های عرب اطلاع داده که نگران نیست اگر تلافی ترور اسماعیل هنیه منجر به شروع یک جنگ شود.

این خبر پس از آن اعلام شد که ایمن صدقی وزیر خارجه اردن برای گفتگو با مقامات جمهوری اسلامی به تهران سفر کرد. برخی منابع گزارش داده بودند، «سفر صدقی به ایران به دنبال ادامه تماس‌های دیپلماتیک ایالات متحده و شرکای آن از جمله فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و مصر برای جلوگیری از تشدید بیشتر در منطقه صورت می‌گیرد».

«افراد مطلع» از این گفتگو به «وال استریت ژورنال» گفته‌اند که حکومت ایران درخواست دیپلمات‌های عرب برای «خویشتنداری» در حمله به اسرائیل را رد کرده است.

بایدن در مورد حمایت نظامی آمریکا از اسرائیل در مقابل تهدیدات جمهوری اسلامی به نتانیاهو تضمین داد



تشییع جنازه اسماعیل هنیه در تهران

اسرائیل در برابر تهدیدها، از جمله در برابر موشک‌های بالستیک و پهپادها نیز گفتگو کرد. این حمایت‌ها شامل استقرار سیستم‌های دفاعی آمریکا برای تقویت سامانه‌های دفاعی اسرائیل نیز می‌شود. محمد باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی گفته بود، «اینکه محور مقاومت و ما چگونه خونخواهی هنیه را انجام دهیم در حال بررسی است. اقدامات گوناگونی باید صورت بگیرد و صهیونیست‌ها حتماً پشیمان خواهند شد.»

با آنکه مقامات آمریکایی رسماً اعلام کردند هیچ دخالتی در عملیات ترور هنیه نداشتند و حتی از انجام آن نیز مطلع نبودند مقامات جمهوری اسلامی اصرار دارند که در این ترور پای آمریکا را هم به میان بکشند.

در همین ارتباط محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی عنوان کرد، «هیچ جنایتی بدون هماهنگی آمریکای جنایتکار اتفاق نمی‌افتد هرچند در بیانیه‌ها بگویند مطلع نیستیم ولی ما می‌دانیم همه این اتفاقات چه آشکارا و چه پنهان در دست و با هماهنگی آمریکا است.»

در جریان حمله موشکی و پهپادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل در ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۳ (سه ماه پیش) آمریکا، بریتانیا، فرانسه و عمان برای تقویت پدافند دفاعی اسرائیل همکاری کردند. بر همین اساس مقامات جمهوری اسلامی برای آمریکا نیز خط و نشان کشیده‌اند از جمله ابوالفضل ظهروند عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفت، «ما چیزی به نام کشور اسرائیل نداریم فقط یک پایگاه نظامی و اطلاعاتی است و باید برای پایگاه‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه تصمیم جدی گرفته شود.»

برخی منابع گزارش دادند که «جمهوری اسلامی به کشورهای عربی منطقه اعلام کرده هر کشور عربی که حریم هوایی خود را در اختیار اسرائیل قرار دهد، به هدف مشروع تبدیل خواهد شد.»

● پایگاه خبری «آکسیوس» روز پنجشنبه اول اوت (۱۱ مرداد) به نقل از سه مقام آمریکایی نوشت «دولت بایدن متقاعد شده است که جمهوری اسلامی قصد دارد به تلافی قتل اسماعیل هنیه رهبر حماس در تهران، طی چند روز آینده به اسرائیل حمله کند، بنابراین برای مقابله با آن آماده می‌شود.»

● کاخ سفید اعلام کرد، جو بایدن تضمین کرده که آمریکا از اسرائیل در برابر همه تهدیدات جمهوری اسلامی از جمله تهدیدات گروه‌های تروریستی وابسته به رژیم ایران، یعنی حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها حمایت نظامی خواهد کرد.

● همچنین بایدن درباره تلاش‌ها برای حمایت نظامی از اسرائیل در برابر تهدیدها، از جمله در برابر موشک‌های بالستیک و پهپادها نیز گفتگو کرد. این حمایت‌ها شامل استقرار سیستم‌های دفاعی آمریکا برای تقویت سامانه‌های دفاعی اسرائیل نیز می‌شود.

در شرایطی که به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران خود را برای گرفتن انتقام ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس آماده می‌کند، جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در باره وضعیت منطقه تلفنی صحبت کردند. پایگاه خبری «آکسیوس» روز پنجشنبه اول اوت (۱۱ مرداد) به نقل از سه مقام آمریکایی نوشت «دولت بایدن متقاعد شده است که جمهوری اسلامی قصد دارد به تلافی قتل اسماعیل هنیه رهبر حماس در تهران، طی چند روز آینده به اسرائیل حمله کند، بنابراین برای مقابله با آن آماده می‌شود.» گفته شده دولت بایدن به دنبال جلوگیری از تبدیل شدن ترورهای اسرائیل در بیروت و تهران به یک جنگ منطقه‌ای است. کاخ سفید اعلام کرد، جو بایدن تضمین کرده که آمریکا از اسرائیل در برابر همه تهدیدات جمهوری اسلامی از جمله تهدیدات گروه‌های تروریستی وابسته به رژیم ایران، یعنی حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها حمایت نظامی خواهد کرد. همچنین بایدن درباره تلاش‌ها برای حمایت نظامی از

وی تأکید کرد، «حزب‌الله و حماس بدون رژیم ایران وجود نخواهند داشت و نخواهند توانست پول و سلاح تأمین کنند بنابراین اگر حمله‌ای توسط حزب‌الله علیه اسرائیل صورت بگیرد یا حمله مستقیمی توسط رژیم ایران علیه اسرائیل انجام شود، من امشب به اسرائیل فراخوان می‌دهم تا تمامی پایلایگاه‌هایی را که به این شیطان تروریست سوخت می‌رسانند نابود کند.»

این سناتور جمهوریخواه پیش از اینهم چند بار گفته بود برای ضربه زدن به شریان حیاتی آیت‌الله و جلوگیری از تأمین مالی حزب‌الله و سایر گروه‌های تروریستی باید پایلایگاه‌های نفت را در ایران به عنوان شریان‌های حیاتی جمهوری اسلامی مورد هدف قرار داد.

همزمان برخی منابع غیررسمی ادعا می‌کنند اسرائیل از طریق یک کشور اروپایی به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داده است که اگر اقدام آنها باعث کشته شدن شهروندان اسرائیلی شود تأسیسات اتمی داخل ایران هدف قرار خواهند گرفت.

با افزایش احتمال درگیری میان جمهوری اسلامی و اسرائیل شماری از کشورهای منطقه به طرفین در مورد شعله‌ور شدن بحران هشدار داده‌اند. پایگاه خبری «العربی‌الجدید» به نقل از «منابع آگاه» خود اعلام کرد، «مصر به اسرائیل و زامداران ایران اطلاع داده که این کشور در روند تشدید تنش‌های اخیر پس از ترور اسماعیل هنیه شرکت نخواهد داشت و به تلاش‌های خود با هدف کاهش سطح تنش در منطقه ادامه خواهد داد.»

قاهره اخیراً به تهران اطلاع داده که متعهد است حریم هوایی خود را به روی هرگونه اقدام نظامی که وضعیت منطقه را تهدید می‌کند ببندد و این اقدام به معنای رفتار خصمانه علیه ایران نیست بلکه برای حفظ منافع و حاکمیت خود است.

پیش از افزایش درگیری‌های جدید میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا جمعه ۱۹ ژوئیه (۲۹ تیرماه) در نشست امنیتی «آسپن» که در کلرادو برگزار شد، گفت که ایران می‌تواند ظرف «یک یا دو هفته» مواد لازم برای ساخت سلاح اتمی را تولید کند.

با اینهمه اما مقامات امنیتی جمهوری اسلامی می‌گویند بیشترین تهدید متوجه زیرساخت‌های صنعتی است. در همین ارتباط سردار غلامرضا جلالی کمتر از یک سال پیش گفته بود، «رژیم صهیونیستی راهبردی علیه ما تنظیم کرده بود و گفته بود که زیرساخت‌های صنعتی که خدمت به مردم ارائه می‌دهند، به میزان خدمت و وابستگی که میان مردم و آن زنجیره خدمات ایجاد می‌شود، اهمیت دارند.» احتمال هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های کشور، با واکنش‌های مختلف در میان ایرانی‌ها روبرو شده است. شماری می‌گویند هدف گرفتن کنترل شده‌ی این قبیل حملات می‌تواند ضربه به جمهوری اسلامی باشد اما برخی دیگر معتقدند چنین حملاتی به منافع ملی ایران ضربه خواهد زد.

در این میان، روزنامه «وال استریت ژورنال» روز یکشنبه چهارم اوت (۱۴ مرداد) گزارش داد جمهوری اسلامی به دیپلمات‌های عرب اطلاع داده که نگران نیست اگر تلافی ترور اسماعیل هنیه منجر به شروع یک جنگ شود.

این خبر پس از آن اعلام شد که ایمن صغدی وزیر خارجه اردن برای گفتگو با مقامات جمهوری اسلامی به تهران سفر کرد. برخی منابع گزارش داده بودند، «سفر صغدی به ایران به دنبال ادامه تماس‌های دیپلماتیک ایالات متحده و شرکای آن از جمله فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و مصر برای جلوگیری از تشدید بیشتر در منطقه صورت می‌گیرد.»

اگر ترکیه به اسرائیل حمله کند، این حمله با استفاده از تسلیحات آمریکایی خواهد بود!



● جدال لفظی خوراک اردوغان است، در حالی که همچنان در حال تجارت با اسرائیل بوده و سفارت خود در تل آویو را برقرار داشته است. ناکارآمدی اردوغان او را در برابر موج انتقادات حامیان و طرفداران خود قرار داده است. در همین حال، ارزش لیر ترکیه در حال سقوط بوده و نیز تورم ترک‌ها را در مضیقه قرار داده است.

● با این حال، بی‌اهمیت جلوه دادن تهدیدهای اردوغان اشتباه است. اردوغان تمایلات یهودستیزانه یا نفرت خود از کشور و دولت یهود را پنهان نمی‌کند. او بیش از ۱۸ سال گذشته از حضور حماس در آنکارا استقبال کرد و از آن زمان به بعد با اعطای پاسپورت دیپلماتیک به آنها حضور آنان را در این کشور تسهیل کرده، و علاوه بر اجازه دسترسی آنها به بانک‌های ترکیه اطلاعاتی نیز در اختیار آنها قرار داده و حتی به آنها اجازه داد تا عملیات تروریستی از خاک ترکیه برنامه‌ریزی کنند.

● رسوایی واقعی اینجاست که اگر ترکیه علیه اسرائیل اقدام کند، احتمالاً این کار را با تسلیحات آمریکایی انجام می‌دهد. مطمئناً ترکیه صنعت نظامی داخلی خود را دارد که عمدتاً بر اساس فناوری کپی‌برداری و دزدیده شده آمریکایی ساخته شده‌اند، اما آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه و چیک سالیوان مشاور امنیت ملی با حمایت کنگره به میزان قابل توجهی قدرت هوایی ترکیه را ارتقاء داده که اخاذی ترکیه از ناتو را به همراه داشته است.

● دیپلمات‌ها همانگونه که در حال تلاش برای یافتن راهکارهای سیاسی هستند باید به درستی تشخیص دهند که آرزوهای محال به قیمت جان انسان‌ها تمام می‌شود. شخصیت اردوغان به یکباره ساخته نشده، بلکه در درازمدت همراه با تکبر ناشی از ضعیف بودن غرب تکامل یافته است. تهدید به حمله علیه اسرائیل در حمایت از

حماس نشان‌دهنده شخصیت واقعی اوست. او این کار را با استفاده از تسلیحاتی که در دوران دولت بایدن به این کشور فروخته و منتقل شده انجام می‌دهد.

مایکل رویین (نشانال سکویرتی ژورنال) - اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۴ در زادگاهش ریزه در نشست با حزب حاکم خود، اسرائیل را به مداخله نظامی تهدید کرد. اردوغان گفت: ما باید بسیار قوی باشیم تا اسرائیل نتواند این کار را با فلسطین انجام دهد. او در ادامه وعده داد و گفت: «همانطور که وارد قره باغ شدیم، همانطور که وارد لیبی شدیم، می‌توانیم مشابه آنها انجام دهیم.»

این اظهارات رئیس‌جمهور ترکیه با واکنش تند مقامات اسرائیلی مواجه شد و پس از اینکه پسران کاتز وزیر امور خارجه اسرائیل اظهار کرد که سخنان اردوغان شبیه سخنان صدام حسین رئیس‌جمهور معدوم عراق است، وزارت خارجه ترکیه با تشدید موضع خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «نتانیاهو با این نسل‌کشی به همان عاقبتی دچار می‌شود که هیتلر دچار شد.»

بسیاری از دانشگرایان و تحلیلگران اسرائیلی به دنبال بررسی بسترهای فراهم‌کننده این تهدیدها هستند. بطور کلی، آنها در کنار بسیاری از تحلیلگران آمریکایی، تهدیدهای اردوغان را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. جدال لفظی خوراک اردوغان است، در حالی که همچنان در حال تجارت با اسرائیل بوده و سفارت خود در تل آویو را برقرار داشته است. ناکارآمدی اردوغان او را در برابر موج انتقادات حامیان و طرفداران خود قرار داده است. در همین حال، ارزش لیر ترکیه در حال سقوط بوده و نیز تورم ترک‌ها را در مضیقه قرار داده است.

با تهدید اسرائیل توسط اردوغان چه باید کرد؟

با این حال، بی‌اهمیت جلوه دادن تهدیدهای اردوغان اشتباه است. اردوغان تمایلات یهودستیزانه یا نفرت خود از کشور و دولت یهود را پنهان نمی‌کند. او بیش از ۱۸ سال گذشته از حضور حماس در آنکارا استقبال کرد و از آن زمان به بعد با اعطای پاسپورت دیپلماتیک به آنها حضور آنان را در این کشور تسهیل کرده، و علاوه بر اجازه دسترسی آنها به بانک‌های ترکیه اطلاعاتی نیز در اختیار آنها قرار داده و حتی به آنها اجازه داد تا عملیات تروریستی از خاک ترکیه برنامه‌ریزی کنند. اردوغان مدت‌هاست که در حال آماده ساختن بستری برای عثمانی‌گرایی نوین بوده و بر این باور است که می‌تواند با بازسازی تاریخ عثمانی نفوذ این کشور را در خاورمیانه، آفریقای شمالی و بالکان از نو برقرار ساخته و به آرزوهای خود جامه عمل بپوشاند.

تا امروز جاه‌طلبی‌های نوع‌نمائی‌گرایی او به این دلیل ساده شکست خورده که آنچه ترک‌ها از آن استقبال می‌کنند خاطرات متعلق به امپراتوری عثمانی است نه مردمان تابعه‌ی آن. اردوغان به ویژه به دنبال بازگرداندن نفوذ ترکیه بر اورشلیم و اماکن مقدس اسلامی آن بوده و فکر می‌کند که فلسطینی‌ها و اعراب برای تبعیت از خواست او به صف خواهند کشید!

سیاست‌گذاران آمریکایی هرگز نباید فراموش کنند که ایدئولوژی می‌تواند همچون ماده مخدری عمل کند که قضاوت‌ها را در ابری از ابهام پنهان کرده و موجب ایجاد توهم خودبزرگ‌پنداری می‌شوند.

آنچه تاریخ به ما می‌آموزد

اغلب اوقات، وزارت امور خارجه [ایالات متحده] ←

نژادپرستی را منطقی دانسته و نفرت را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و تهدیدهای مستقیم را نادیده می‌گیرد. سی و چهار سال پیش، صدام عدم نگرانی و توجه سفیر وقت آپرید گلاسی را پس از تهدید وی به حمله به کویت چراغ سبزی برای حمله به همسایه جنوبی خود تفسیر کرد. سفیر یوری کیم جانشین آپرید گلاسی نیز در دهه جاری، اساساً همین رویکرد اشتباه را در برخورد با اردوغان و رئیس جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف، قبل از پاکسازی قومی آذربایجان در قره‌باغ- ناگورنو در سال گذشته اتخاذ کرد. زمزمه‌های توجیه‌گرانه او مبنی بر اینکه علی‌اف به او اطمینان داده است که حمله نخواهد کرد، فقط نشان‌دهنده زودباوری اوست، نه خردمندی، و قطعاً این خطا را تیره نمی‌کند.

اما رسوایی واقعی اینجاست که اگر ترکیه علیه اسرائیل اقدام کند، احتمالاً این کار را با تسلیحات آمریکایی انجام می‌دهد. مطمئناً ترکیه صنعت نظامی داخلی خود را دارد که عمدتاً بر اساس فناوری کپی‌برداری و دزدیده شده آمریکایی ساخته شده‌اند، اما آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه و جیک سالیوان مشاور امنیت ملی با حمایت کنگره به میزان قابل توجهی قدرت هوایی ترکیه را ارتقاء داده که اخاذی ترکیه از ناتو را به همراه داشته است. سالیوان این معامله را پیچیده و کیسینجرآبانه می‌داند؛ اما در واقع نشان‌دهنده ناآگاهی او از انگیزه‌های واقعی اردوغان و ناتوانی او در درک این موضوع بود که میراث کیسینجر یک اقدام منفی محض در شرق مدیترانه به شمار می‌رود.

مطمئناً اف ۳۵- اسرائیل بر اف ۱۶-های ترکیه برتری دارد، اما سیستم‌های ارتقاء یافته آویونیک که ترکیه به لطف بایدن به دست آورده به معنای دست بالای این کشور در حملات مرگبار است. پاداش دادن به شیطنت‌های اردوغان بجای مشروط ساختن هرگونه روابط نظامی با آن به پایان دادن به اشغال قبرس شمالی، سکوی پیشرفتی را در اختیار ترکیه قرار داده که هوایماهای بدون سرنشین یا موشک‌های خود را از آنجا پرتاب کند. در واقع ترکیه قبلاً به خود می‌بالید که Geçitkale، نامی که به پایگاه هوایی اشغال شده Lefkoniko داده، یک پایگاه هوایماهای بدون سرنشین خواهد بود که از آنجا می‌تواند به تمام اسرائیل حمله کند.

البته با توجه به قدرت بازدارندگی هسته‌ای اسرائیل، ترکیه نمی‌تواند در جنگ با اسرائیل پیروز شود، با اینهمه اما ارتش ترکیه می‌تواند صدمات قابل توجهی به آن کشور وارد کند زیرا با در نظر گرفتن اقدامات تهاجمی حوثی‌ها علیه کشتی‌ها در دریای سرخ و نیز اقدامات مشابه ترکیه از دریای مدیترانه، اسرائیل می‌تواند در برابر چنین محاصره‌های نسبی آسیب‌پذیر باشد.

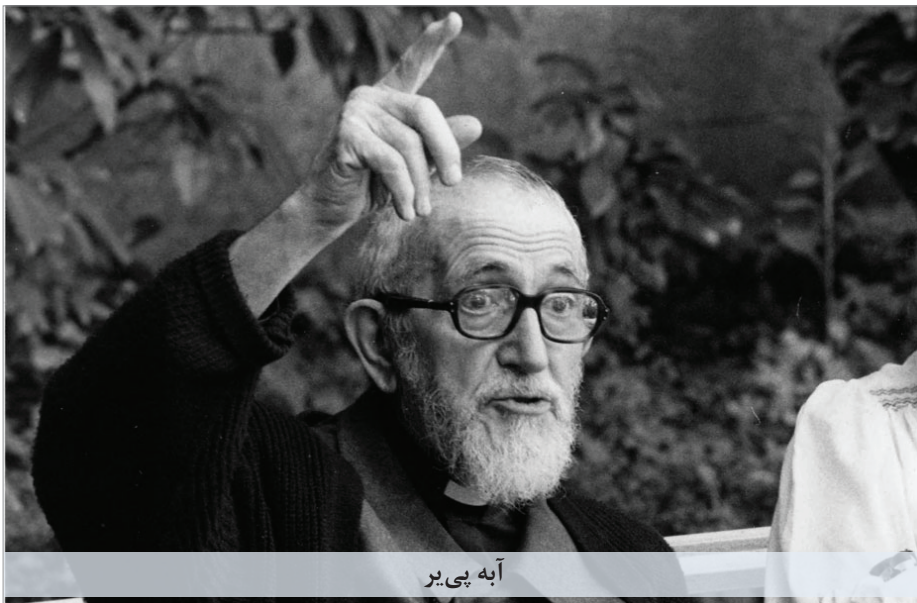
دیپلمات‌ها همانگونه که در حال تلاش برای یافتن راهکارهای سیاسی هستند باید به درستی تشخیص دهند که آرزوهای محال به قیمت جان انسان‌ها تمام می‌شود. شخصیت اردوغان به یکباره ساخته نشده، بلکه در درازمدت همراه با تکبر ناشی از ضعیف بودن غرب تکامل یافته است. تهدید به حمله علیه اسرائیل در حمایت از حماس نشان‌دهنده شخصیت واقعی اوست. او این کار را با استفاده از تسلیحاتی که در دوران بایدن به این کشور فروخته و منتقل شده انجام می‌دهد. امری که به نوبه‌ی خود نشان‌دهنده ویژگی‌های شخصیتی واقعی بایدن، بلینکن و سالیوان نیز به شمار می‌رود.

*منبع: نشنال سکيوریتی ژورنال
 *نویسنده: مایکل روبین
 *ترجمه و تنظیم: الهام رفیع‌زاده

اعتراف!

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۸۵) آذرماه ۱۳۸۴



آبه پی‌یر

این اعتراف، به‌ویژه بعد از چند محاکمه جنجالی که در آن «مردان خدا» به‌اتهام سوء استفاده جنسی از نوباوگان بر کرسی اتهام نشستند، هضمش برای کلیسای کاتولیک آسان نیست. در آئین گشایش اجلاس کشیشان فرانسوی در زیارتگاه معروف لورد (Lourdes)، قدوسی‌مآب «ژان پی‌یر ریکار» رئیس کنفرانس به‌لحنی تلخ اظهار داشت از سخنان «آبه پی‌یر» برای به محاکمه کشاندن سنت تجرد کشیشان کاتولیک «استفاده ابزاری» شده است. اسقف «هیپولیت سیمون» نیز با تأکید بر این که «عمیقاً تکان خورده است» گفت با مبتذل کردن گفته‌های آبه پی‌یر، قصد «فروختن کاغذ و جلب بیننده و شنونده» داشته‌اند. در حالی که هر کس حق دارد رازی را به کسی افشا کند ولی حفظ آن راز تکلیفی است بر گردن شنونده.»

فردریک لونوار، در جواب می‌گوید «رازی در بین نیست. آبه پی‌یر با جرأتی که خاص اوست، حرفی را که اکثریت کشیشان در سینه دارند و پنهان می‌کنند، به‌صدای بلند بیان کرد.»

یکی از دلایل تجدید نظرطلبی مذهبی و ظهور «پروتستانتیسم» همین بود که پروتستانها تجرد را لازمه تقدس نمی‌دانستند و می‌گفتند انسان با غرایزی آفریده شده است و غریزه جنسی یکی از آنهاست. غریزه طبیعی را نمی‌توان، و نمی‌باید سرکوب کرد زیرا به عقده‌های روانی و انحرافات جنسی منجر می‌شود.

دنیا را چه دیده‌اید. شاید روزی برسد که نوری‌زاده خودمان هم پای صحبت آیت‌الله مصباح یزدی بنشیند و حکایت آهنگر خرم‌آبادی را از زبان خودش بشنود و در کتاب مشابهی بیاورد.

پیش از این هم ما داشته‌ایم حکیم و فقیه بزرگی را چون ملا صدرا که در مسائل فقهی و فلسفی دیدگاههای انقلابی داشت. ازجمله در کتاب «اسفار» در بیان مراتب عشق می‌فرماید تعشق و محبت امارده عشق مجاز است که فی‌الحقیقه عشق به خداست نظر به قاعده المجاز قنطره‌الحقیقه!

آبه پی‌یر (Abbe Pierre) يك کشیش فرانسوی است که به جانبداری از مستضعفین شهرت دارد. هر جا مشکلی برای محرومان و فرودستان پیش آید این کشیش سالخورده غمخوار و غمگسار و پیشگام در گره‌گشایی از مشکل آنهاست. به همین جهت هم بین توده مردم مقبولیت و محبوبیت فراوان دارد و همه‌ساله، وقتی برای تعیین محبوبترین شخصیت‌های فرانسوی نظرخواهی می‌کنند «آبه پی‌یر» یا در صدر جدول جای دارد یا جزء نفرات اول است. «آبه پی‌یر» که با نظرات انقلابی خود عادتاً سنگ در برکه سیاست می‌اندازد و سیاستمداران را به چالش می‌طلبد، به‌تازگی با انتشار کتابی پر فروش به‌نام «خدای من... چرا؟» پاتوی کفش کلیسا کرده و آشوبی در بین همگنان برانگیخته است.

«خدای من... چرا؟» که تنها در يك روز صد هزار نسخه آن به فروش رفت مشتمل است بر خاطرات و دیدگاههای آبه پی‌یر. يك روزنامه‌نگار فرانسوی - فردریک لونوار - پای صحبت پیر مرد نشسته و سخنانش را ضبط و به‌صورت کتابی منتشر کرده است.

آبه پی‌یر می‌گوید «خدا در آسمان نیست. خدا در وجود این حقیر است که اکنون با تو حرف می‌زند.»

بیچاره حسین منصور حلاج همین را گفت و سرش بر سر دار رفت. اما در این سوی دنیا خطر این که زبان سرخ سر سبز کسی را بر باد دهد وجود ندارد حتی اگر «سلمان رشدی ملعون» باشد و از آن طرف دنیا فتوای قتلش صادر شود. دیدیم که سلمان رشدی از این «فتوا» ضرر نکرد. خیلی هم به نفعش تمام شد. فتوای کذائی بر شهرتش افزود. ثروت سرشار نصیبش کرد و يك زن خوشگل که نعمت وصلش را مرهون سبب‌سازی امام خمینی است.

و اما جنجال برانگیزترین بخش کتاب «آبه پی‌یر» آنجاست که اعتراف می‌کند دامن او از گناه مبرا نیست و يك چهارده‌ساله‌پسر نخستین عشق زندگی وی بوده است!
 هیچکس بی دامن تر نیست، لکن پیش خلق باز می‌پوشند و ما بر آفتاب افکنده‌ایم

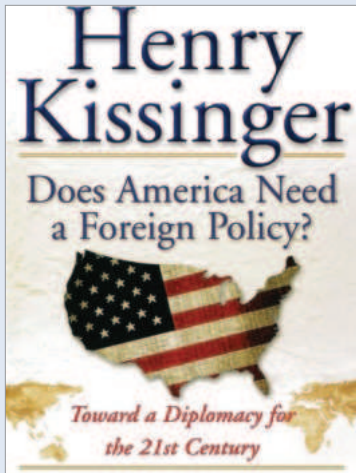
به سوی سیاستی برای قرن بیست و یکم (۲)

دکتر هنری کیسینجر

(تاریخ نشر در کیهان لندن: فروردین ماه ۱۳۸۱ - شماره ۸۹۸)

روابط امریکا با شاه بیشتر بر اساس ژئوپولیتیک بود تا مسائل عاطفی
وقت آن است که فکر خود را بر رژیم پس از صدام متمرکز کنیم
خامی در سیاست خارجی توفیق نخواهد داشت

بازنشر



دکتر هنری کیسینجر وزیر خارجه امریکا در دوران ریاست جمهوری ریچارد نیکسون و جerald فورد در کتابی با عنوان «آیا ایالات متحده نیازی به سیاست خارجی دارد؟» چالشهای ایالات متحده در خاورمیانه و خلیج فارس در قرن بیست و یکم را بررسی کرده و مورد تحلیل قرار داده است. با وجودی که این مقاله و کتاب پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر و جنگ امریکا در افغانستان نوشته و منتشر شده، اما نگاه تیزبین این سیاستمدار کهنه کار آن را کماکان تازه می نمایاند. ترجمه فصلی از این کتاب را که در نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی چاپ شده برای شما برگزیده ایم که در زیر می خوانید:

امریکا امنیت خود را براساس توانایی آن کشور در بر کناری صدام یا تضعیف وی تا حدی که تهدیدی به شمار نرود، می سنجیدند.

در حالیکه ایالات متحده ضامن همه مرزها در یکی از بی ثبات ترین مناطق جهان بود، امنیت خلیج فارس بستگی به شناخت گسترده از توانایی امریکا در پیامدهای ادامه حکومت صدام و افزایش قدرت او داشت. کشورهای خلیج فارس، هم به وابستگی خود به امریکا آگاه بودند و هم در مورد همکاری با آن کشور، بویژه هنگامی که تردید نشان می داد، عصبی می شدند. استراتژی صدام سه هدف داشت: (۱) توجه جهانیان را به شکایتهای عراق معطوف کند؛ (۲) اختلافات پنهانی میان اعضای دائمی شورای امنیت در باره تحریمهای عراق را آشکار کند؛ (۳) توجه را از بحث در باره نظارت، به لغو تحریمها منتقل نماید.

او به خوبی در راه رسیدن به هر يك از این سه هدف پیش می رود. هیچگونه تلاش جدی برای بازگرداندن هیات نظارت صورت نمی گیرد؛ بیشتر بحثهای بین المللی بر سبک کردن یا لغو تحریمها متمرکز است. چند کشور به رهبری روسیه و چین و فرانسه آشکارا با اجرای تحریمها مخالفت می کنند، به ویژه فرانسه که برای او مساله عراق به صورت آزمایشی دیگر برای اثبات هویت اروپایی و حتی مخالف با امریکا در آمده است.

تسلیم شدن امریکا به نظرات این گروه هیچ امتیازی در بر نخواهد داشت. کشورهایی که با تحریمها مخالفت می کنند خواهند دید که از مسخره کردن سیاست امریکا که مورد پشتیبانی سازمان ملل متحد است، هیچ سودی نخواهند برد. کشورهای خلیج فارس موقتاً از توقف فشار عراق آسوده خاطر، ولی در بحران بعدی در مورد استواری امریکا دچار نگرانی خواهند شد.

این نظر مطرح شده است که عملیاتی پنهانی که مورد پشتیبانی ایالات متحده باشد خواهد توانست آن کشور را قادر سازد که بیچیدگیهای سیاست تحریم را برطرف کند. من اصولاً با تشویق مقاومت داخلی در عراق موافقم ولی چون شخصاً شاهد این گونه عملیات از درون بوده ام سه تذکر عبرت انگیز را لازم می دانم: این عملیات پنهانی باید به دست افراد حرفه ای انجام شود نه ماجراجویان؛ باید منافع کشورهای همسایه بویژه ترکیه، عربستان، ایران و اردن در نظر گرفته شود و از اینکه پیامدهای آن دامنگیر کشورهای مزبور شود جلوگیری به عمل آید زیرا این کشورها قادر یا مایل نیستند پیامدهای عملیات پنهانی را نادیده بگیرند و ایالات متحده نیز آماده پذیرفتن چنین وضعی نیست.

سوم اینکه امریکا باید آماده باشد هرگاه جنبش

دلیل پاسخ تردیدآمیز امریکا به همه این چالشها را می توان در دو میراث روانی اعتراض به جنگ وینتام یافت: بی میلی شدید به کاربرد نیروی نظامی و اصرار در توجیه هرگونه عملیات نظامی با پشتیبانی هر چه گسترده تر دیگر ملتها. بدین سان، در پاسخ به توطئه عراقیها در سوء قصد به جان پرزیدنت بوش رئیس جمهور پیشین به هنگام دیدار وی از کویت، کلینتون دستور داد چند موشک کروز به ساختمانی شلیک شود که پنتاگون اطمینان داده بود خالی از سکنه است. در سال ۱۹۶۶، هنگامی که صدام نیروهای کُرد تحت حمایت امریکا را در هم شکست و نابود کرد، حکومت کلینتون با شلیک چند موشک کروز به ایستگاههای راداری که در چند صد کیلومتری جنوب قرار داشت، پاسخ داد. و چنان که در بالا اشاره شد، بمباران چهار شبه بی اهمیتی که به دنبال آن صورت گرفت، نشانه رضایت امریکا با بر چیده شدن سیستم نظارت ملل متحد در دسامبر ۱۹۹۸ بود.

در طول این مدت حکوت کلینتون گرایش به این داشت که برای توصیه های رهبران منطقه دایر به خویشترداری بهای اسمی قابل شود. البته این توصیه ها را رهبران گوناگون منطقه - که کاملاً از خطر صدام آگاه بودند، برای حفظ ظاهر می کردند و گرنه در باطن امیدوار بودند امریکا این توصیه ها را نادیده انگارد. باقی ماندن صدام در مسند قدرت، ایالات متحده را وادار کرد سیاست «مهاردوگانه» را هم در برابر ایران و هم در برابر عراق در پیش گیرد.

عربستان، کویت و دیگر کشورهای خلیج فارس آن قدر نیرومند نیستند که به تنهایی در برابر هر يك از این دو کشور مقاومت کنند، چه رسد به اینکه دو کشور با هم همدست شوند. به نظر می رسد که در مورد نقش صدام در دراز مدت در سیاست امریکا ابهام وجود دارد. از این رو پرزیدنت کلینتون در نوامبر ۱۹۹۸ پس از عقیم گذاشتن عملیات تلافی جویانه اظهار داشت:

«اگر بتوانیم گروه نظارت ملل متحد را به کار واداریم یکبار دیگر به او [صدام] شانس يك آشتی آبرومندانه را از طریق رعایت قطعنامه های سازمان ملل متحد بدهیم، خواهیم دید که نتیجه مطلوب را می توان به دست آورد.»

هیچ يك از متحدان امریکا در خلیج فارس و منطقه خاورمیانه اعتقادی به دورغی «آشتی آبرومندانه» بر اساس رعایت قطعنامه های سازمان ملل متحد نداشته بلکه یقین داشتند به محض اینکه تحریمها لغو شود، عراق دست به هر کاری برای دوباره مسلح شدن خواهد زد. کشورهای بزرگ از هم اکنون در صدد یافتن بهانه ای برای لغو تحریمهای سازمان ملل هستند. کشورهای منطقه که به امریکا متکی بودند به رغم اعلامیه های رسمی، در نهایت وابستگی به

حکومت کلینتون به این فرایند سرعت بخشید. هنگامی که صدام پس از پایان جنگ خلیج فارس در مسند قدرت باقی ماند، ایالات متحده سه گزینه سیاسی در پیش رو داشت: (۱) با صدام که امید می رفت تادیب شده باشد آشتی کند؛ (۲) صدام را با وادار کردن به اجرای مقررات قطعنامه ۶۸۷ در «چنگ» خود نگه دارد؛ (۳) براندازی او را تبدیل به سیاست ملی کند.

حکومت کلینتون همه این گزینه ها را همزمان دنبال کرد و در هیچ يك توفیق نیافت. همین که صدام از جنگ خلیج فارس جان به سلامت برد، رفتارش ترس همسایگان را افزایش داد. او پیوسته مقررات آتش بس را زیر پا می گذاشت. در ۱۹۶۶ نهادهای خودمختاری را که با پشتیبانی امریکا در نواحی کردنشین تاسیس شده بود بر انداخت. صدها نفر به قتل رسیدند و دستکم سه هزار نفر که با امریکا همکاری کرده بودند تبعید شدند. صدام از نوامبر ۱۹۹۷ خرابکاری در سیاست بازرسی ملل متحد را که هدف آن کنترل برنامه های عراق برای ساخت سلاحهای ویژه کشتار جمعی بود، آغاز کرد. حکومت کلینتون بارها تهدید کرد که نیروی نظامی به کار خواهد برد، اما هر بار از این موضع پس نشست و صدام را قادر ساخت که سیستم نظارت ملل متحد را برچیند. هنگامی که سرانجام در دسامبر ۱۹۹۸ امریکا به مدت چهار شب نیروی نظامی به کار برد، این اقدام پوششی پیش پا افتاده برای چشمپوشی از کل سیستم نظارت به شمار آمد.

با برچیده شدن سیستم نظارت، صدام توجه خود را معطوف به لغو تحریم اقتصادی کرد که برای تقویت سیستم نظارت وضع شده بود و قرار بود تا تأیید نابودی سلاحهای ویژه کشتار جمعی وسایل تولید آن اجرا شود. سه ماه پس از آنکه عراق ترتیبات آتش بس در نواحی کردنشین را بر هم زد، ایالات متحده در دسامبر ۱۹۹۶ با برنامه سازمان ملل متحد دایر بر اینکه عراق اجازه داشت باشد سالانه معادل ۲ میلیارد دلار نفت برای خرید خوراک و دارو صادر کند موافقت کرد. منطق این کار منزوی ساختن صدام از راه جدا کردن مساله اجرای مقررات نظامی از مساله رفاه مردم عراق بود. این فکر که تقویت موقعیت داخلی صدام در نهایت موجب تضعیف او خواهد شد، چندان با واقعیتهای منطقه همخوانی نداشت. از آن هنگام، برنامه مشهور به «نفت در برابر غذا» به ۶ میلیارد دلار در سال افزایش یافته و اکنون محدودیتی ندارد. بدین سان صدام در سال ۲۰۰۰ معادل ۱۶ میلیارد دلار نفت خام صادر کرد که تقریباً برابر با درآمدی است که پیش از جنگ خلیج فارس به دست می آورد. البته امروزه پول مثل قارچ بی ارزش شده است ولی این مبلغ می تواند برای خرید کالاهای خطرناک به کار برده شود.

را هدف قرار دهد. ضمناً با کمک فن آوری دوگانه‌ای که از روسیه و غرب دریافت می‌کند و به رغم اینکه قرارداد عدم گسترش اسلحه‌های هسته‌ای را امضا کرده است مخفیانه در حال دستیابی به قدرت اتمی است (چنین به نظر می‌رسد که چین به کمکهای پیشین خود پایان داده است).

مسئله کلیدی برای سیاستگذاران آمریکایی این است که آیا اینگونه اقدامات با ماهیت رژیم تهران آمیخته است یا اینکه روابطی بر اساس عدم مخاصمه دو جانبه امکان پذیر می‌باشد. این موضوع تبدیل به بخشی از دستور کار هر نشست و مذاکره میان نمایندگان آمریکا و متحدان اروپایی آن کشور شده است و مخالفت یا موافقت با آن به صورت آزمایش روابط کشورهای عضو پیمان آتلانتیک درآمده است. در یک سطح، اختلاف بر سر این است که آیا شرکتهای اروپایی

همان شیوه‌ای که کشورهای همسایه ایران در آسیای مرکزی بوسیله تزارها تسخیر شده بود، به امپراتوری روسیه منضم گردد. در ۱۹۴۶ اگر دخالت آمریکا نبود شورویها استان آذربایجان در شمال غربی ایران را به عنوان نخستین گام در تجزیه کامل کشور تصرف کرده بودند. ایران در سراسر دوران جنگ سرد کمک کرد که افغانستان در برابر فشار شوروی و رخنه آن کشور درخاورمیانه مقاومت کند.

منافع آمریکا در ایران، به موازات خواسته خود ایران در حفظ استقلالش بود. بسیاری از سیاستگذاران آمریکایی در آن دوران از جمله خود من، از سیاست شاه در پشتیبانی از آمریکا در بحرانهای مختلف جنگ سرد، احساس قدردانی می‌کردیم ولی انگیزه اصلی ما کمتر عاطفی و بیشتر بر اساس درک اهمیت جغرافیایی، منابع طبیعی و هوش و استعداد ملت ایران بود.

مقاومت در عراق دچار گرفتاری شود با نیروی نظامی خود از آن پشتیبانی کند وگرنه ماجرای شکست خلیج کوخکا و جنبش کردها و ۱۹۷۵ و ۱۹۶۶ تکرار خواهد شد که در جریان آنها بسیاری از کسانی که مورد حمایت آمریکا بودند کشته یا تبعید شدند. اگر این شرایط مراعات نشود دست زدن به عملیات پنهانی ممکن است تبدیل به دامی خطرناک شود.

هدف اقدام متحدان اروپایی آمریکا در لغو تحریمها نمی‌تواند این باشد که عراق چنان نیرومند شود که بتواند اوپک را تبدیل به سلاحی بر ضد دموکراسیهای صنعتی کند و در این فرایند به تدریج حکومتهای میانه‌رو منطقه را سرنگون سازد. تنها پس از آنکه صدام رفت، سیاست انعطاف پذیر آمریکا در قبال عراق امکان پذیر و مورد لزوم خواهد بود.

در پائیز ۲۰۰۰، با تلاش گسترده صدام در دستکاری در بازار نفت سبک، از طریق کاهش جریان نفتی که رژیم تحریمها اجازه داده بود، تحول شومی صورت گرفت، باید در برابر این گونه تلاشها رفتاری در خور آن نشان داده شود زیرا نه مساله عرضه و تقاضا در بازار انرژی، بلکه چالشی در زمینه امنیتی ملی مطرح است. اتخاذ یک سیاست نفتی منسجم از سوی دموکراسیهای صنعتی ضروری است ولی نمی‌توان آن را با به زانو در آوردن عراق یکسان فرض کرد. وقت آن رسیده است که فکر خود را بر نوع رژیمی که آرزو داریم پس از برکناری صدام در عراق سرکار آید متمرکز کنیم. عراق نباید چنان نیرومند باشد که موازنه قوا را در منطقه بر هم زند و نه آنچنان ضعیف که نتواند استقلال خود را در برابر همسایگان طمعکار خود، بویژه ایران حفظ نماید. یکی از علل بحران خلیج فارس در ۱۹۹۱، نرمش دولتهای غربی در آغاز جنگ ایران و عراق بود که متوجه نشدند عراق ممکن است تبدیل به متجاوز بعدی شود. اگر نتیجه جنگ به صورتی دیگر در می‌آمد و عراق سخت تضعیف می‌شد، همسایگان آن بویژه ایران در پر کردن خلأ شتاب می‌ورزیدند. ولی تا زمانی که صدام بر سر کار است، هیچگونه تماسی براساس موازنه قدرت نمی‌تواند با او صورت گیرد و این کار را باید برای آینده، پس از برکناری صدام گذاشت.

برای حفظ سرمایه‌های آمریکا در خلیج فارس، عزم راسخ و اراده قوی، بر تکرار اشتباهات گذشته و ضعفهای دهه ۱۹۹۰ رجحان دارد و این بر روابط آمریکا با ایران نیز که نیرومندترین و بزرگترین کشور منطقه است اثر می‌گذارد. اگر ایالات متحده نتواند اوضاع کشوری شکست خورده مانند عراق را رو به راه کند، یا اگر رهبران تهران به آن سوی مرزهای خود بنگرند و ببینند مخالفت ورزیدن با آمریکا چه اندازه آسان و موثر است، طبیعاً آمریکا نخواهد توانست ایران را به کشوری میانه‌رو مبدل کند. در این صورت رهبران جمهوری اسلامی چه انگیزه‌ای برای اتخاذ سیاست معتدل خواهند داشت؟

ایران

تنها چند ملت معدود مانند ایران در جهان وجود دارند که ایالات متحده دلایل اندکی برای مناقشه با آنها دارد و بیشتر با منافع آمریکا سازگارند. گر چه در دهه ۱۹۷۰ شاه تبدیل به مظهر دوستی دو کشور شده بود، منافع مزبور بستگی به یک فرد نداشت بلکه منعکس کننده واقعیهایی سیاسی و استراتژیک بود که تا امروز نیز ادامه دارد. ایالات متحده هیچ نفع قابل تصویری برای سلطه بر ایران، چنان که رهبران جمهوری اسلامی متذکر می‌شوند، ندارد. در دوران جنگ سرد منافع آمریکا ایجاب می‌کرده استقلال ایران از خطر اتحاد شوروی که منبع تاریخی فشارها و تجاوزات به این کشور بود محفوظ بماند. در قرن نوزدهم دخالت انگلستان که انگیزه آن دفاع از هند و راههای دریایی منتهی به آن بود مانع از این شده که بخشهای بزرگی از خاک ایران، به



«نویسنده به اتفاق شاه و اردشیر زاهدی»

و شرکتهای آمریکایی مقیم اروپا مشمول مجازاتی می‌شوند که کنگره آمریکا در مورد نقض کنندگان تحریم ایران وضع کرده است یا نه. توجیه اجرای برون مرزی این مجازاتها بویژه در مورد متحدان آمریکا دشوار است و نیاز به بازنگری دارد. لیکن مساله اصلی تبیین مبانی حقوقی استراتژی آمریکا نیست، بلکه این است که آیا بهبود مناسبات با ایران با دادن امتیازات یک جانبه بدون هیچ تقاضای متقابل سودمند است یا اینکه هجوم شرکتهای اروپایی به تهران مانعی برای نزدیکی با رژیم ایران که فی‌نفسه مورد اختلاف نیست به شمار خواهد رفت. آیا ادامه دادن به اعطای امتیازات یک جانبه به رژیم سرسخت ایران به بهبود روابط کمک خواهد کرد؟

در قلب این اختلاف نظر، اصرار متحدان اروپایی به آنچه «گفتگوی انتقادآمیز» با ایران می‌نامند قرار دارد. اروپاییان استدلال می‌کنند که هدف این گفتگوها کشف چشم اندازهای معتدل ساختن سیاست ایران است و شامل انتقاد از نقض حقوق بشر در ایران و دیگر تخلفات خواهد بود و خلاصه اینکه به کاهش تدریجی تنشها کمک خواهد کرد (از امضای قراردادهای پر سود نفت صحبت نمی‌کنیم).

تا کنون کمتر گفتگوی سازنده یا انتقادآمیزی با اروپا وجود داشته است، هرچند اشاره پرزیدنت خامی رئیس جمهور ایران به «گفتگوی تمدنها» ممکن است در موقع خودگشایی فراهم سازد. همچنین هیچ پاسخی به پیشنهاد حکومت کلینتون مبنی بر گفتگوی رسمی میان دو کشور داده نشده است. این پیشنهاد را رژیمی که به نظر می‌رسد در تصمیم‌گیری راجع به رفع اختلافات با آمریکا ناتوان است رد کرد و در پاسخ، به انتقادات تند از سیاست و رفتار

برای دشمنی میان ایران و ایالات متحده هیچگونه انگیزه‌ای از حیث ژئوپولیتیک وجود ندارد؛ لیکن ایران همچنان می‌کوشد دلایلی برای فاصله گرفتن از آمریکا بیابد. ایالات متحده در زمان حکومتهای متعدد خود روشن ساخته که آماده عادی کردن روابط با ایران است. مقدر چنین است که ایران نقشی حیاتی - و در بعضی موارد قاطعانه - در خلیج فارس و جهان اسلام ایفا کند.

یک حکومت باتدبیر و دوراندیش در آمریکا نیز نیازه دلایلی برای درک فواید و اهمیت مطلوب بودن روابط با ایران ندارد. مانع عمده در این راه حکومت ایران بوده است. از هنگام سرنگونی شاه در ۱۹۷۹، رژیم در یک رشته عملیات خلاف اصول شناخته شده بین‌المللی درگیر شده که هدف ضمنی بسیاری از آنها ایالت متحده آمریکا بوده است، از جمله از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۱ پنجاه و دو دیپلمات آمریکایی را به مدت چهارده ماه به گروگان گرفت... برای سلمان رشدی فتوای قتل صادر شده و هنوز هم آن را لغو نکرده‌اند؛ هر چند حکومت تهران از آن «فاصله» گرفته که معلوم نیست چه معنی دارد. در فراسوی این اقدامات فردی، ایران منتهای کوشش خود را برای بر هم زدن دیپلماسی صلح در خاورمیانه به کار می‌برد. ایران پشتیبان حزب‌الله است که به مخالفت مسلحانه با صلح اعراب و اسرائیل ادامه می‌دهد. ایران به حماس و جهاد اسلامی فلسطین کمکهای مالی فراوانی می‌کند که هر دوی آنها پیوسته مسئولیت حمله به افراد غیر نظامی اسرائیل را به عهده می‌گیرند.

در حال حاضر رژیم ایران مشغول ساختن موشکهای دوربرد است که می‌تواند خاورمیانه و اغلب کشورهای اروپای مرکزی

آیا احتمال کودتادر جمهوری آذربایجان وجود دارد؟



نفرت دارند. او فردی ولخرج است. با در نظر گرفتن شایعاتی مبنی بر ابتلای پسرشان به اوتیسم، ارتش از این احتمال که پسر علی‌اف جانشین وی شود ناراحت است. حتی اگر شرکای جمهوری آذربایجان مشکلات موجود را نادیده بگیرند، ولی این مشکلات در واقعیت وجود دارند. خروج الین سلیمانوف سفیر این کشور از ایالات متحده پس از ۱۶ سال نه به دلیل شکست وی، بلکه به دلیل اختلافات درونی در کشورش بود. دوران مسئولیت سلیمانف در بریتانیا نیز بیش از آنکه افتخاری برای او باشد بیشتر یک تبعید محترمانه است.

درست است که حکومت پلیسی بر جمهوری آذربایجان مستقر است اما سرویس‌های اطلاعاتی غرب هر آنچه را که آذربایجانی‌ها به زبان می‌آورند نیز می‌شنوند. همانگونه که سوء استفاده جنسی عُدی پسر صدام حسین از دختران خانواده‌های بالاست سیاسی دست کم به واسطه یک اقدام به ترور به اوج خود رسید، پرونده «MeToo» الهام علی‌اف نیز در زمانی که هنوز پدرش رئیس جمهور بود، به ویژه در ارتباط با دختری خردسال که از خانواده‌های بالای رژیم بود، به شدت آلوده است. به همان اندازه که علی‌اف معتقد است که دولت بریتانیا را به دلیل درآمد میلیارد دلاری «بریتیش پترولیوم» از میدان نفتی این کشور در جبهه خود دارد، به همان اندازه هم یک شریک جدید قراردادهای «صنایع نفت بریتانیا» را تضمین کند، تاریخ مصرف علی‌اف به پایان خواهد رسید.

به زبان ساده، فرانسه اگر بخواهد علی‌اف را ساقط کند، شرکای زیادی از جمهوری آذربایجان خواهد داشت. از لحاظ تاریخی، فرانسه در آفریقا در برکناری رهبران کشورها به روش‌های بس کمتر شرافتمندانه امتحان خود را پس داده است. در همین حال، انگلیس ممکن است آن حمایتی را که مد نظر علی‌اف است از وی نداشته باشد. احتمال دارد سرویس اطلاعاتی ترکیه نیز برای حمایت از حکومت نیابتی وفادار اردوغان تلاش بیشتری از خود نشان دهد، اما ممکن است کافی نباشد. جمهوری آذربایجان احتمالاً در نوامبر ۲۰۲۴ میزبان بیست و نهمین کنفرانس تغییرات آب و هوایی سازمان ملل متحد (COP۲۹) خواهد بود اما اینکه آیا علی‌اف برای ریاست در آنجا حضور داشته باشد یا نه جای سؤال است.

*منبع: میروار اسپیکتور

*نویسنده: مایکل روبین

*ترجمه و تنظیم: الهام رفیع‌زاده

● علی‌اف فردی متوهم است. همه ارامنه باید فرانسه را به خاطر آگاهی و درک مخاطرات توهمات یک دیکتاتور و اقدام در ممانعت از زیاده‌خواهی‌های وی ستایش کنند.

● علی‌اف باید محتاط باشد. نه تنها آذربایجانی‌های فقیر از او متنفرند، بلکه طایفه پاشایف نیز که همسرش از آن طایفه می‌آید، از او نفرت دارند.

مایکل روبین (میروار اسپیکتور) - الهام علی‌اف رئیس جمهوری آذربایجان حمایت این کشور را از ناآرامی‌های جدایی‌طلبان در کالدونیای جدید، قلمرو خارجی فرانسه، با مساحتی بیش از سه برابر ناگورنو-قره‌باغ افزایش داده و تقویت بخشیده است. تصمیم علی‌اف برای چرخش از درآمد گاز جمهوری آذربایجان به حمایت از ناآرامی‌ها در آن منطقه، درواقع واکنش خشم‌آلود وی به حمایت فرانسه از امنیت و حق حاکمیت ارمنستان در میانه تلاش‌های باکو برای اشغال ارمنستان است.

علی‌اف در سخنرانی هفته گذشته خود در «شوشی» [ناگورنو-قره‌باغ] بار دیگر ارمنستان را «آذربایجان غربی» نامید. اظهارات او گرچه تکراری اما در شرایط کنونی تحریک‌آمیز بود. مقامات و رسانه‌های آذربایجان از ارمنستان با عنوان «آذربایجان غربی» یاد می‌کنند و می‌گویند که کل خاک ارمنستان به لحاظ تاریخی متعلق به آذربایجان است. علی‌اف در سال ۲۰۲۲ در یک سخنرانی توضیح داد: «بر اساس اسناد تاریخی، نقشه‌های تاریخی و تاریخ خودمان، آذربایجان غربی سرزمین تاریخی ماست». وی قرار گرفتن «شهر تاریخی ما ایروان» در ارمنستان را «خیانت» خواند.

علی‌اف فردی متوهم است. همه ارامنه باید فرانسه را به خاطر آگاهی و درک مخاطرات توهمات یک دیکتاتور و اقدام در ممانعت از زیاده‌خواهی‌های وی ستایش کنند. صادقانه بگویم، ایالات متحده، بریتانیا و جهان غرب نیز بطور گسترده باید به همین شکل عمل کنند.

در زمان دیکتاتوری صدام حسین، عراقی‌ها به شوشی می‌گفتند: در یک کنفرانس مطبوعاتی، روزنامه‌نگاری از طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه وی پرسید: آیا فیل‌ها می‌توانند پرواز کنند؟ عزیز گفت: البته که نه. روزنامه‌نگار افزود: «اما جناب صدام حسین گفتند که می‌توانند!» عزیز بلافاصله پاسخ داد: «خب، البته آنها می‌توانند پرواز کنند، ولی بسیار آهسته.» نکته این است که اطراف دیکتاتورها با «بله قربان‌گو»های متملقی احاطه شده که هرگز به آنها نمی‌گویند اشتباه می‌کنند.

هنگامی که دیکتاتورها از واقعیت فاصله گرفته و ارتباط آنها با واقعیت از هم می‌گسلد، اتخاذ هر دو استراتژی رآکتیو و پروآکتیو (واکنشی و گُنشی) الزامی است. دفاع امری حیاتی در راستای بازدارندگی است. اگر زمانی که صدام حسین در ژوئیه ۱۹۹۰ شروع به تهدید کویت کرد، ایالات متحده نیروهای خود را در کویت مستقر می‌کرد، صدام حسین یک ماه بعد از آن دست به تهاجم نظامی می‌زد و می‌شد مانع از وقوع نه یک جنگ بلکه دو جنگ شد. به همین دلیل است که حمایت نظامی فرانسه از ارمنستان امروز امری بسیار حیاتی است و رک و پوست کنده بگویم، ایالات متحده و سایر کشورها نیز باید از آن پیروی کنند.

با این حال، همزمان با اینکه دیکتاتورها دچار توهم می‌شوند، فرصت‌هایی نیز پیدا می‌شوند. علی‌اف باید جانب احتیاط را رعایت کند چرا که نه تنها آذربایجانی‌های فقیر از او متنفرند، بلکه طایفه پاشایف نیز که همسرش از آن طایفه می‌آید، از وی

گذشته آمریکا در ایران پرداخت. اصولاً، ممکن است این نظر که اعطای امتیازات یک جانبه دشمنی ایران را به نحوی کاهش خواهد داد، در قالب فرضیه روانشناسی سیاسی درست باشد، ولی هنگامی که این شیوه در مورد ایران به کار برده شد کوچکترین نتیجه‌ای نداشت. اعطای امتیازات یک جانبه به جای اینکه آن کشور را نرم و معتدل سازد، آشتی‌پذیری‌اش را افزایش داد. در حالی که کوچکترین تردیدی وجود ندارد که پرزیدنت خاتمی با وجود مقاومت‌های شدید، در صدد اجرای سیاست‌های داخلی معتدل است، شواهد و دلایل ناچیزی در دست است که بتواند این سیاست را به صحنه بین‌المللی گسترش دهد یا اینکه به خاتمی اجازه دهند دست به یک تغییر سیاست کلی بزنند. احتمال می‌رود که او بتواند با ابراز هوشیاری عقیدتی میدانی برای مانور در اصلاحات داخلی به دست آورد ولی در سیاست خارجی توفیقی نخواهد داشت.

بحث باید از پیش‌بینی‌های تئوریک فراتر رود. اگر لازم است در مناسبات آمریکا با جمهوری اسلامی بهبودی پدید آید، نخستین گام ترک صدور انقلاب با قوه قهریه و خرابکاری، خودداری ایران از پشتیبانی تروریستها و پایان دادن به دخالت در دیپلماسی صلح، خاورمیانه است. همزمان باید در مورد دستیابی به ایران به موشکها و سلاح‌های هسته‌ای توافق حاصل شود.

اگر ایران تمایل جدی به بهبود مناسبات نشان می‌داد، طبعاً می‌شد یک رشته گام‌های موازی برداشت تا بهبود روابط صورت عملی پیدا کند، مشروط براینکه زمامداران ایران حاضر به پذیرفتن روابط عادی باشند حکومت جدید آمریکا می‌تواند یک گام‌بنده مورد اعتماد - یا یک سخنگوی «غیر رسمی» مورد اعتماد - برای دریافتن این مطلب تعیین کند که آیا ممکن است در مورد یک رشته اقدامات که منجر به بهبود گام به گام روابط گردد توافق حاصل شود؟

حتی ممکن است ایالات متحده موافقت کند که پس از مذاکرات مقدماتی نخستین گام نهادن را بر دارد، مشروط بر اینکه با اقدامی از سوی ایران در محدوده زمانی که آشکارا مطابق با گام اولیه باشد، دنبال شود.

اگر متحدان آمریکا بر این باورند که نتوانسته‌اند گزینه‌های دیپلماتیک را خوب کشف کنند، ایالات متحده باید آماده باشد که برای کاربرد دیپلماسی مشترک تلاش جدی، به عمل آورد و دستکم از لحاظ تئوری باید اشتراک منافع به وجود آید. ملتهای اروپایی نخستین قربانیان اصول‌گرایی اسلامی و موشک‌های دوربرد ایران خواهند بود. در برابر قدرت آتی ایران، اروپا (و روسیه) در دراز مدت به مراتب پیش از آمریکا در معرض خطر قرار خواهند داشت و اگر خلیج فارس منفجر شود، ملتهای اروپایی نخستین کسانی خواهند بود که برای جلوگیری از فاجعه اقتصادی از آمریکا تقاضای نفت خواهند کرد.

سیاست خارجی همواره منجر به گزینش می‌شود. لازمه سیاست موثر ضد تروریستی و ضدگسترش سلاح‌های هسته‌ای، تمایل غرب به فداکاری‌هایی به خاطر اهداف دراز مدت است. زمانی فرامی‌رسد که منافع اقتصادی باید جای خود را به منافع امنیتی گسترده‌تر بدهد. در مورد ایران، برای دستیابی به هدف جایگزین کردن مسائل امنیتی به جای منافع بازرگانی، رهبری آمریکا ضرورت دارد. ضمناً اگر اتحاد منجر به نفع بی‌هزینه برای یک طرف شود، مورد تصویب افکار عمومی قرار نخواهد گرفت. برای حصول اتفاق نظر میان کشورهای دو سوی اقیانوس اطلس که بتوانند دیپلماسی را با فشارها و نرمش‌های دیپلماتیک در برابر ایران به هم آمیزند، تلاش‌های جدی لازم است. تنها با اتخاذ سیاستی محکم، مداوم و آشتی‌پذیر می‌توان آن روزی را که ایران حاضر شود دست به اقدامات سیاسی ملموس بزند نزدیکتر ساخت و این تنها اساس قابل اطمینان برای آفریدن همکاری دراز مدت است.

(پایان)

بلیکن: ایالات متحده مسئول ترور اسماعیل هنیه نیست ولی اینکه خیلی بد است!



● نشان دادن ضعف در برابر رفتار قلدربانه جمهوری اسلامی نه تنها امنیت به بار نمی آورد بلکه موجب افزایش اقدامات تهاجمی آن می گردد.

● حذف رهبران تروریست نمی بایست مسئله مورد پرهیز ایالات متحده آمریکا باشد. ایالات متحده تقریباً سه دهه پیش حماس را نه تنها به دلیل کشتار کودکان و غیرنظامیان اسرائیلی ها بلکه به دلیل کشتار آمریکایی ها، در فهرست گروه های تروریستی قرار داد.

● پرزیدنت باراک اوباما (به توصیه معاون اش جو بایدن که اکنون رئیس جمهور ایالات متحده است) اسامه بن لادن را حذف کرد. سپس در تلویزیون ظاهر شد و در اینبار سخترانی هم کرد.

● چرا کسی باید از کشتن اسماعیل هنیه رهبر حماس خجالت بکشد؟ اگر قرار به توضیح دادن باشد این است که آیا ایالات متحده آمریکا هم اطلاعاتی که اسرائیلی ها در اختیار داشتند داشته است یا نه. اگر پاسخ منفی است، ویلیام برنز مدیر اطلاعات مرکزی باید این شکست را توضیح دهد. اگر پاسخ مثبت است، بلیکن باید توضیح دهد که چرا ایالات متحده از این اطلاعات استفاده نکرد؟! مماشات و مذاکره با حماس به خاطر آزادی گروگان ها،

رهبران تروریست را به گروگانگیری ترغیب کرده و به آنها احساس مصونیت می دهد. در عین حال، آزادی همه گروگان ها توسط حماس باید نقطه شروع مذاکرات باشد و نه نقطه پایان آن!

مایکل روبین (نشانال سکيوریتی ژورنال) - اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس مستقر در قطر که برای مراسم تحلیف مسعود پزشکیان رئیس جمهور منتصب جمهوری اسلامی به ایران سفر کرده بود، طی حمله هوایی آشکار اسرائیل در تهران کشته شد. آنتونی بلیکن وزیر امور خارجه با حضور در برابر خبرنگاران هرگونه مسئولیت آمریکا در این زمینه را رد کرد.

البته این تکذیب چیزی نیست که بتوان به آن افتخار کرد. بلیکن ممکن است چنین اظهاراتی را راهی برای تنش زدایی یا دست کم جلوگیری از مورد هدف قرار گرفتن اهداف آمریکایی توسط جمهوری اسلامی و حماس بدانند. اما مسئله این است که جمهوری اسلامی و حماس مدت هاست که آمریکایی ها را مورد هدف قرار داده اند.

بلیکن و برخی از روزنامه نگاران ممکن است پزشکیان را «اصلاح طلب» بدانند، اما شعارهای «مرگ بر آمریکا» در مراسم تحلیف او نیز سر داده شد. از آنجا که پرزیدنت جو بایدن، آنتونی بلیکن و جیک سالیوان مشاور امنیت ملی به دنبال مماشات با جمهوری اسلامی هستند، دولت جمهوری اسلامی علناً برای سر مقامات دولتی سابق مانند مایک پمپئو وزیر امور خارجه و برایان هوک جایزه تعیین کرده و به دنبال ربودن ایرانیان و دگراندیشان ایرانی- آمریکایی از خاک آمریکا است. نشان دادن ضعف در برابر رفتار قلدربانه جمهوری اسلامی نه تنها امنیت به بار نمی آورد

اطلاعات مرکزی باید این شکست را توضیح دهد. اگر پاسخ مثبت است، بلیکن باید توضیح دهد که چرا ایالات متحده از این اطلاعات استفاده نکرد؟! احتمالاً پاسخ این است که بایدن، بلیکن و سالیوان به دنبال دیپلماسی هستند. با چنین طرز فکری باید نتیجه گرفت که هدف قرار دادن حماس که از سوی آمریکا تروریستی [و بسیاری کشورهای اروپایی] تروریستی اعلام شده، تضعیف دیپلماسی برای آزادی گروگان های آمریکایی است. مشکل چنین طرز فکر و منطقی اما دو جنبه دارد:

اول اینکه با ترغیب به گروگانگیری به رهبران تروریست احساس مصونیت می دهد. دوم اینکه آزادی همه گروگان ها توسط حماس باید نقطه شروع مذاکرات باشد و نه نقطه پایان آن!

از آنجا که تیم بایدن هنوز به دنبال پیشرفت دیپلماتیک معجزه آساست، دلش نمی خواهد که مایه شرمندگی جمهوری اسلامی شود. با این حال، عدم تمایل به حمله علیه تروریست ها در خاک ایران، تنها نشان دهنده این امر است که کاخ سفید و وزارت امور خارجه اش عاجز از درک تعهد و پایبندی رژیم ایران به ایدئولوژی خود هستند.

بیانیه بلیکن مبنی بر اینکه مسئولیت کشته شدن هنیه بر عهده ایالات متحده نیست، بسیار قابل تأمل بوده و بیانگر ضعف ایالات متحده آمریکا و قدرت رو به افول آن در مقابل چشم دشمنانش است. تنها جنبه تأسفار مرگ هنیه این است که اسرائیل آمریکا را شکست.

*منبع: نشانال سکيوریتی ژورنال
*نویسنده: مایکل روبین
*ترجمه و تنظیم: الهام رفیع زاده

بلکه موجب افزایش اقدامات تهاجمی آن می گردد.

از حذف تروریست ها نترسد

همچنین حذف رهبران تروریست نمی بایست مسئله مورد پرهیز ایالات متحده آمریکا باشد. ایالات متحده تقریباً سه دهه پیش حماس را نه تنها به دلیل کشتار کودکان و غیرنظامیان اسرائیلی ها بلکه به دلیل کشتار آمریکایی ها، در فهرست گروه های تروریستی قرار داد.

تخصص این سازمان در مپاران اتوبوس های غیرنظامی، بازارها و رستوران ها بوده که مشخصاً نسل کشی به شمار می رود. تنها تفاوت بین دولت اسلامی (داعش) و حماس این است که دولت اسلامی قائل به مرزهای ملی نبوده در حالی که حماس با پنهان کردن خود پشت مرزهای ملی و ناسیونالیسم در راستای بسط حکومت اسلامگرا گام برمی دارد.

چند دهه پیش از روی کار آمدن دولت بایدن، ایالات متحده از هدف قرار دادن تروریست ها ابایی نداشت. پرزیدنت جرج دبلیو بوش دستور کشتن ابو مصعب الزرقاوی را داد که مسئول کشته شدن ده ها و چه بسا صدها و هزاران عراقی بود. پرزیدنت باراک اوباما (به توصیه معاون اش جو بایدن که اکنون رئیس جمهور ایالات متحده است) اسامه بن لادن را حذف کرد. سپس در تلویزیون ظاهر شد و در اینبار سخترانی هم کرد. همین کار را دونالد ترامپ چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا پس از حذف قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس پاسداران انقلاب اسلامی انجام داد.

چرا کسی باید از کشتن اسماعیل هنیه رهبر حماس خجالت بکشد؟ اگر قرار به توضیح دادن باشد این است که آیا ایالات متحده آمریکا هم اطلاعاتی که اسرائیلی ها در اختیار داشتند داشته است یا نه. اگر پاسخ منفی است، ویلیام برنز مدیر

افزایش تهدیدهای حزب‌الله لبنان در فضای واقعی و مجازی علیه منتقدین و مخالفان



پوستر فرماندهان کشته‌شده سپاه قدس و حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین در بیروت؛ از راست: اسماعیل هنیه، قاسم سلیمانی، فؤاد شکر / ۵ اوت ۲۰۲۴ / رویترز

آزادانه نداریم.» یک نمونه از آنچه این فعال سابق حزب‌الله می‌گوید اتفاقی است که در ماه مارس ۲۰۲۴ در روستای مسیحی‌نشین رمیش در نزدیکی مرز لبنان با اسرائیل اتفاق افتاد. عوامل حزب‌الله با ورود به این روستا قصد داشتند که با استفاده از موقعیت جغرافیائی آن، در چند صد متری مرز اسرائیل راکت پرتاب کنند، که کشیش این روستا با به صدا درآوردن زنگ‌های کلیسا مردم را خبر کرد و آنها شبه‌نظامیان حزب‌الله را بیرون کردند و راکت‌های آنها را نیز توقیف کرده و سپس به ارتش لبنان تحویل دادند. دو روز بعد بمبی در مقابل کلیسا منفجر شد. از این اتفاقات در سال‌های اخیر در برخی دیگر از روستاهای مرزی نیز رخ داده و هربار حزب‌الله از اهالی این روستاها با بمب‌گذاری انتقام گرفته است.

تهدیدها و فشارها از سوی حزب‌الله بر مردم لبنان پس از حمله تروریستی حماس در ۷ اکتبر و آغاز جنگ در باریکه غزه افزایش یافته است. این مهاجر لبنانی به کیهان لندن می‌گوید «اگر در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰، صدها هزار شهروند لبنانی از همه احزاب برای اعتراض به دولت و علیه حزب‌الله به خیابان آمدند، امروز تصور تظاهراتی مشابه مشکل است و این نه تنها به خاطر واکنش از واکنش خشونت‌بار هواداران حسن نصرالله بلکه به این دلیل نیز هست که امروز لبنانی‌ها درگیر معیشت روزانه‌شان هستند زیرا درگیری‌ها در مرزهای جنوبی کشور فاجعه جدیدی را رقم زده و آن آواره شدن ۸۰ هزار نفر در پی بمباران‌های اسرائیل است. برخلاف آوارگان روستاهای شمالی اسرائیل که دولت از آنها حمایت می‌کند، دولت ورشکسته ما آوارگان لبنانی را به حال خود رها کرده و این مردم هستند که این وظیفه را باید به دوش بگیرند.»

این شهروند لبنانی در ادامه می‌افزاید «امروز همه اگرچه در سکوت، مخالف ماجراجوئی‌های حزب‌الله و به ویژه اجرای سیاست‌های جمهوری اسلامی از سوی این سازمان

که در خیابان‌ها یا در فضای مجازی شاهدیم زیرا بسیاری از ترس واکنش‌های خشونت‌آمیز هواداران حزب‌الله ترجیح می‌دهند سکوت اختیار کنند.»

البته همه سکوت نمی‌کنند و بهای این شجاعت کلام را نیز پرداخت می‌کنند. ۱۸ ژوئن رامی نعیم روزنامه‌نگار لبنانی و یکی از مخالفان سرسخت حزب‌الله، در روز روشن توسط حدود ۲۰ مرد در یکی از کافه‌های «استارباکس» در بیروت مورد حمله قرار گرفت. ویدیوی این حمله را این روزنامه‌نگار همان شب در حساب کاربری خود در شبکه ایکس قرار داد. در این ویدیو یکی از مهاجمین اسلحه‌ای را به رامی نعیم نشان می‌دهد و می‌گوید «هر کسی که در مورد حزب‌الله صحبت کند را می‌کشیم.» این کادر سابق حزب‌الله به کیهان لندن می‌گوید «موضع‌گیری علیه حزب‌الله از سوی این گروه یک جنایت بزرگ محسوب می‌شود که نمی‌تواند بدون پاسخ بماند، به ویژه اگر این مواضع از سوی افرادی بیان شود که به نوعی تأثیرگذار هستند.»

این کادر سابق حزب‌الله در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید «انتقاد از عملکرد حزب‌الله خط قرمز این گروه افراطی است و برای آنها تفاوتی ندارد این انتقادات از سوی چه کسانی مطرح شود؛ چه دوزی، چه مسیحی و سنی و به ویژه شیعه. و اگر این انتقادات پس از چند اخطار متوقف نشوند، آنها حتی ایثانی از قتل منتقدین خود ندارند. من و چند نفر از دوستانم که همگی شیعه هستیم پس از یکسری انتقادات که علنی هم نبودند مجبور شدیم برای حفظ جان خود و خانواده لبنان را ترک کنیم و در اروپا هم احساس امنیت نمی‌کنیم زیرا اوباش حزب‌اللهی در تمام کشورها منطقه و اروپا حضور گسترده و سازمانیافته دارند.»

این عضو سابق حزب‌الله که به دلایل امنیتی نمی‌تواند از او نام برد می‌گوید «در شرایط کنونی ما در لبنان و خارج این کشور مخالفانی قادر به ایستادگی در مقابل حزب‌الله و انتقاد

حزب‌الله خود را آماده حمله‌ای گسترده به اسرائیل در واکنش به ترور فؤاد شکر فرمانده ارشد نظامی این گروه تروریستی می‌کند. در حمله به خانه‌ای در محله ضاحیه در جنوب بیروت، علاوه بر فؤاد شکر یکی از مشاوران ایرانی حزب‌الله به نام میلاد بیدی نیز کشته شد.

حسن نصرالله در مراسم خاکسپاری فواد شکر گفت «اسرائیل امروز خوشحال است، اما فردا گریه خواهد کرد» و در ادامه افزود آنها اکنون باید منتظر «خشم و انتقام از تمام جبهه‌های حامی غزه» باشند.

یکی از کادرهای سابق حزب‌الله لبنان در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «این روزها در لبنان نگرانی گسترده‌ای وجود دارد که حزب‌الله با پیروی از دستوراتی که از تهران دریافت می‌کند کل کشور را به یک جنگ فاجعه بار دیگر بکشاند.»

«واهمه‌ها و نارضائی‌ها از عملکرد حزب‌الله خیلی بیشتر و عمیق‌تر از آن است که در خیابان‌ها یا در فضای مجازی شاهد هستیم زیرا بسیاری از ترس واکنش‌های خشونت‌آمیز هواداران حزب‌الله ترجیح می‌دهند سکوت اختیار کنند.»

انتقاد از عملکرد حزب‌الله خط قرمز این گروه است و برای آنها تفاوتی ندارد این انتقادات از سوی چه کسانی مطرح شوند، و اگر این انتقادات پس از چند اخطار متوقف نشوند، آنها حتی ایثانی از قتل منتقدین خود ندارند.

حزب‌الله اخیراً با حمایت «مستشاران» اعزامی از سوی جمهوری اسلامی ارتش سایبری خود را نیز فعال کرده و در دنیای مجازی نیز به مخالفان و منتقدان خود اعلام جنگ کرده است.

احمد رأفت - حزب‌الله خود را آماده حمله‌ای گسترده به اسرائیل در واکنش به ترور فؤاد شکر فرمانده ارشد نظامی این گروه تروریستی می‌کند. در حمله به خانه‌ای در محله ضاحیه در جنوب بیروت، علاوه بر فؤاد شکر که اسرائیل از او به عنوان مسئول موشک‌پرانی به زمین بازی «مجدل‌الشمس» و کشته شدن دست‌کم ۱۲ کودک و نوجوان می‌کند، یکی از مشاوران ایرانی حزب‌الله به نام میلاد بیدی نیز کشته شد.

در مراسم تشییع جنازه فؤاد شکر که سه‌شنبه ۹ امرداد کشته شد، حسن نصرالله رهبر این گروه تروریستی تهدید کرد که رویارویی با دولت اسرائیل وارد مرحله جدیدی شده و وعده‌ی انتقام سخت داد. حسن نصرالله گفت: «اسرائیل امروز خوشحال است، اما فردا گریه خواهد کرد». وی در ادامه افزود آنها اکنون باید منتظر «خشم و انتقام از تمام جبهه‌های حامی غزه» باشند. منظور از جبهه‌های حامی غزه همان «محور مقاومت» مورد حمایت جمهوری اسلامی است. حسن نصرالله وعده داد که واکنش حزب‌الله «فراتر از حمایت» و «نبرد علنی در همه جبهه‌ها» خواهد بود.

یکی از کادرهای میانی حزب‌الله لبنان که پس از خروج از این نهاد تروریستی برای حفظ امنیت خود و خانواده‌اش به پاریس مهاجرت کرده، در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «این روزها در لبنان نگرانی گسترده‌ای وجود دارد که حزب‌الله با پیروی از دستوراتی که از تهران دریافت می‌کند کل کشور را به یک جنگ فاجعه‌بار دیگر بکشاند.» او در ادامه می‌افزاید «واهمه‌ها و نارضائی‌ها خیلی بیشتر و عمیق‌تر از آن است

اختلاف اخوان المسلمین با جمهوری اسلامی برای تعیین جانشین اسماعیل هنیه



تظاهرات در ارتباط با کشته شدن اسماعیل هنیه / صیدا / لبنان / ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴ / رویترز

ارتباط با دستیابی به توافقی برای اعلام آتش‌بس در غزه و آزادی شهروندان اسرائیلی که ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در حمله تروریستی حماس به گروگان گرفته شدند. حماس که نام کامل آن «حرکت مقاومت اسلامی» است در حقیقت شاخه فلسطینی جنبش اخوان المسلمین به شمار می‌رود که در کشورهای عربی و اسلامی حضوری چشمگیر دارد. برخی دولت‌های کشورهای اسلامی چون قطر و ترکیه نزدیک به جنبش اخوان المسلمین به حساب می‌آیند. اخوان المسلمین یک جنبش فراملی اسلام‌گرای اهل سنت است که در بسیاری از کشورهای عربی طرفدار دارد. این گروه را می‌توان بزرگترین گروه سیاسی سنی در جهان به شمار آورد که در سال ۱۹۲۸ میلادی در شهر اسماعیلیه مصر توسط حسن البنا بنیانگذاری شد و سپس فعالیت خود را به دیگر کشورهای عربی و اسلامی گسترش داد. پس از «بهار عربی» اخوان المسلمین توانست در مصر نیز دولت را برای مدتی در دست گیرد ولی با کودتای نظامی از قدرت برکنار شد.

در این روزها مذاکرات برای یافتن جانشینی برای اسماعیل هنیه در دو سطح انجام می‌پذیرد. اولی به صورت آنلاین با حضور نمایندگان هر سه بخش حماس که باریکه غزه، کرانه باختری رود اردن و فلسطینی‌های مهاجر را نمایندگی می‌کند؛ و دومی به صورت حضوری در لندن با شرکت نمایندگان اخوان المسلمین از کشورهای مختلف عربی و اسلامی. در این جلسه دوم، رهبری اخوان المسلمین به عنوان سازمان مادر حماس، از جانشینی خالد مشعل، که با نام «ابو الولید» نیز شهرت دارد، پشتیبانی می‌کند. خالد مشعل قبل از اسماعیل هنیه، تا سال ۲۰۱۷ میلادی ریاست دفتر سیاسی حماس را عهده‌دار بود. در محافل فلسطینی گفته می‌شود که در سال ۲۰۱۷ با «کودتای سفیدی» که توسط ←

● با کشته شدن اسماعیل هنیه اختلافات داخلی حماس علنی شدند. در مذاکرات جهت یافتن جانشینی برای اسماعیل هنیه، اخوان المسلمین که حماس شاخه فلسطینی آن به حساب می‌آید و فرماندهان نظامی نزدیک به جمهوری اسلامی هنوز به توافقی دست نیافته‌اند.

● مذاکرات برای یافتن جانشینی هنیه در دو سطح انجام می‌پذیرد. مذاکرات آنلاین با حضور نمایندگان هر سه بخش حماس که باریکه غزه، کرانه باختری رود اردن و فلسطینی‌های مهاجر را نمایندگی می‌کند؛ و مذاکره حضوری در لندن با شرکت نمایندگان اخوان المسلمین از کشورهای مختلف عربی و اسلامی.

● خلیل الحیه نایب رئیس دفتر سیاسی حماس و مسئول روابط با کشورهای عربی و اسلامی و زاهر جبّاری مسئول پرونده اسرای حماس که در بیروت زندگی می‌کند، دو کاندیدای مورد حمایت جمهوری اسلامی و فرماندهان نظامی حماس هستند.

● خالد مشعل کاندیدای اخوان المسلمین برای جانشینی اسماعیل هنیه است. انتخاب او چرخشی در سیاست‌های حماس را رقم خواهد زد و حماس نه تنها از جمهوری اسلامی فاصله خواهد گرفت بلکه به کشورهای عربی حوزه جنوبی خلیج فارس نزدیک خواهد شد.

احمد رأفت - کشته شدن اسماعیل هنیه پرده از اختلافات داخلی حماس برداشت. مذاکرات جهت یافتن جانشینی برای اسماعیل هنیه به عنوان رئیس آینده دفتر سیاسی حماس از روز بعد از قتل او در قلب تهران آغاز شد.

این مذاکراتی که در رهبری حماس پیش می‌روند، اختلاف نظرها در رابطه با دو مسئله را که به نوعی با یکدیگر در ارتباط هستند تشدید کرده است: دورنمای روابط با جمهوری اسلامی و آینده مذاکرات با اسرائیل به ویژه در

→ هستند. مردم هنوز ماجرای جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ اسرائیل با حزب‌الله را که میلیاردها دلار برای اقتصاد ما هزینه داشت فراموش نکرده‌اند و نگاهی به وضعیت ورشکسته اقتصادی کشور این واقعیت را هر روز یادآوری می‌کند. امروز این امکان که حزب‌الله می‌تواند ما را بار دیگر وارد جنگی با اسرائیل کند، خواب همه شهروندان لبنانی، حتی آنهایی را که ممکن است مخالف سرسخت اسرائیل و یا حامی حسن نصرالله باشند، به کابوس تبدیل کرده است.

یک نظرسنجی که اخیراً توسط «میزان سنج عرب» (Arab Barometer) بین فوریه و آوریل ۲۰۲۴ انجام گرفته و اخیراً منتشر شده نشان می‌دهد که حمایت‌ها از حزب‌الله در لبنان به صورت قابل توجهی کاهش یافته است: ۵۵ درصد از پاسخ‌دهندگان هیچگونه اعتمادی به حزب‌الله ندارند و ۱۵ درصد دیگر هم می‌گویند اعتماد آنها به صورت قابل توجهی کاهش یافته است.

کادر سابق حزب‌الله می‌گوید «حمایت ۳۰ درصدی لبنانی‌ها به حزب‌الله در اکثر موارد منشأ ایدئولوژیک ندارد. بسیاری از شیعیان به ویژه در سال‌های اخیر که اقتصاد ما کاملاً ورشکسته شده، بطور فزاینده‌ای به مؤسسات مالی حزب‌الله وابسته شده‌اند و بدون کمک‌های این نهادها که با پول از سوی جمهوری اسلامی ایران راه‌اندازی شده‌اند نمی‌توانند حداقل زندگی خود و خانواده را تامین کنند. منابع درآمد ملی ما که جهانگردی یکی از آنها بود، با وضعیت کنونی به صفر رسیده است.»

وی ادامه می‌دهد «هر فرد دیگری که تلاش کند نهادهای مالی و یا اجتماعی دیگری برای مقابله با حزب‌الله و جمهوری اسلامی به وجود بیاورد بلافاصله از میان برداشته می‌شود.» لقمان سلیم کنشگر لبنانی که همراه همسر آلمانی‌اش نهادی به نام «أمم» را مدیریت می‌کرد و توانسته بود گروهی از روشنفکران، بازرگانان و دانشگاهیان شیعه مخالف حزب‌الله را گرد آورد، در فوریه ۲۰۲۱ در جنوب لبنان ترور شد. تروری که همه آن را به حزب‌الله نسبت می‌دهند، اگرچه این گروه منکر دست داشتن در این جنایت شده است.

حزب‌الله اخیراً با حمایت «مستشاران» اعزامی از سوی جمهوری اسلامی ارتش سایبری خود را نیز فعال کرده و در دنیای مجازی نیز درگیر جنگ با مخالفان است.

پس از آغاز جنگ در باریکه غزه، در ابتدای ماه نوامبر، گروهی از روزنامه‌نگاران لبنانی پس از انتقاد از این گروه تروریستی برای تحریک ارتش اسرائیل در جنوب لبنان که منجر به کشته شدن یک زن و سه دختر شد، در پلتفرم‌های مختلف مورد هدف «ارتش رسانه‌های اجتماعی» حزب‌الله قرار گرفتند و متهم به همکاری با اسرائیل شدند. این روزنامه‌نگاران هدف «ترول» هائی قرار گرفتند که عکس‌های خود را با لکه‌های خون و ستاره داوود با نوشته‌هائی چون «کمک به کشتار کودکان» منتشر می‌کردند. البته بسیاری نیز تهدید به مرگ شدند.

در ارتش سایبری حزب‌الله بیش از یکصد نفر به صورت تمام‌وقت فعال هستند. این ارتش سایبری به گفته روزنامه‌نگاران کارشناس شبکه‌های اجتماعی، هزاران حساب جعلی راه‌اندازی کرده و به گفته یک روزنامه‌نگار لبنانی ساکن پاریس «قابلیت‌های گسترده‌ای مانند مکان‌یابی و برجسب‌گذاری مقالات، نظرات، پست‌ها و نمایه‌های رسانه‌های اجتماعی که به نظر می‌رسد منتقد این گروه هستند دارد.» این ارتش سایبری همچنین «از رسانه‌های اجتماعی برای راه‌اندازی کارزارهای دروغین علیه منتقدان و مخالفان حزب‌الله استفاده می‌کند» تا در فضای مجازی نیز «صداهای مخالف یا منتقد حزب‌الله و رهبرش حسن نصرالله را محدود کند.»

گزارش کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل از سرکوب گسترده اقلیت‌های قومی و دینی در ایران

● آخرین گزارش «کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل» که ۱۵ مرداد منتشر شد متمرکز بر سرکوب و آزار و اذیت اقلیت‌ها قومی و مذهبی از آغاز اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» است.

● در این گزارش با اشاره به حضور سنگین نیروهای نظامی و امنیتی در استان‌های مرزی ایران که عمدتاً محل سکونت اقلیت‌هاست اشاره می‌شود که نتیجه این حضور شمار بالای مرگ و جرح اقلیت‌های اقلیتی و مذهبی است. ● در ادامه این گزارش آمده است که اقلیت‌های بازداشت‌شده، در قالب بخشی از روایت دیرینه دولت در به تصویر کشیدن فعالیت‌های اقلیت‌ها به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی، اغلب به نادرستی به جرائم امنیتی متهم شدند.

احمد رأفت - «کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل» در آخرین گزارش خود که ۱۵ مرداد منتشر شد، اعلام کرد اقلیت‌های قومی و مذهبی، به‌ویژه کردها و بلوچ‌ها، از آغاز اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» هدف سرکوب بی‌رویه و خشن جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. در این گزارش به سرکوب اقلیت‌ها به‌ویژه در استان‌های خوزستان، کردستان، کرمانشاه، آذربایجان شرقی و غربی و سیستان و بلوچستان اشاره شده است. در این گزارش به اعدام‌های فراقضایی، استفاده از نیروی مرگبار، بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه، تجاوز، ناپدیدسازی قهری و آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت، به عنوان برخی از موارد نقض فاحش حقوق بشر اقلیت‌ها نیز اشاره می‌شود.

تاکید این گزارش همچنین بر تبعیض و خشونت علیه زنان اقلیت‌ها، سرکوب کودکان اقلیت‌ها، و احتمال تداوم «آسیب‌های چندبعدی آن برای دهه‌ها» است. در حالی که حکومت ایران معترضان را «اغتشاشگر» و یا «عناصر نفوذی دشمن» می‌خواند، گزارش نخست این کمیته نتیجه‌گیری کرده بود که «اکثریت غالب اعتراضات مسالمت‌آمیز بودند.»

«کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل» با اشاره به حضور سنگین نیروهای نظامی و امنیتی در استان‌های مرزی ایران که عمدتاً محل سکونت اقلیت‌هاست اشاره می‌کند که نتیجه این حضور شمار بالای مرگ و جرح اقلیت‌های اقلیتی و مذهبی است. این کمیته در گزارش قبلی خود که اسفندماه سال گذشته منتشر شد نیز جمهوری اسلامی را مسئول «خشونت فیزیکی» منجر به مرگ مهسا (ژینا) امنیتی معرفی کرد و اقدامات حکومت علیه زنان در ایران را مصداق «جنایت علیه بشریت» خواند.

در این گزارش جدید آمده است که «این مدرک طیف گسترده‌ای از نقض‌های فاحش حقوق بشر را که توسط نیروهای امنیتی ایران علیه اعضای جوامع اقلیت

نخواهد شد.

کاندیدای دیگر جانشینی اسماعیل هنیه که از حمایت شاخه نظامی و جمهوری اسلامی برخوردار است زاهر جباری مسئول پرونده اسرای حماس است که در بیروت زندگی می‌کند. زاهر جباری دارای روابط بسیار نزدیک با حزب‌الله لبنان است. انتخاب احتمالی او نیز گامی از سوی رهبری حماس برای همکاری نزدیک‌تر با «محور مقاومت» خواهد بود.

انتخاب خالد مشعل برای جانشینی اسماعیل هنیه البته چرخشی در سیاست‌های حماس را رقم خواهد زد. با بازگشت ابو الولید به ریاست دفتر سیاسی حماس، این گروه تروریستی تلاش خواهد کرد نه تنها از جمهوری اسلامی ایران فاصله بگیرد، بلکه به کشورهای عربی حوزه جنوبی خلیج فارس نزدیک شود. خالد مشعل در زمان آغاز جنگ در سوریه بلافاصله از رژیم بشار اسد فاصله گرفت و با ترک دمشق حمایت خود را از مخالفان اسلام‌گرای «قصاب دمشق» اعلام کرد. خالد مشعل که در ۱۵ سالگی و قبل از شکل گرفتن حماس به اخوان‌المسلمین ملحق شده بود، از اولین جوانانی است که به شیخ یاسین بنیانگذار حماس پیوستند. او در دهه هفتاد میلادی که در پایتخت اردن مستقر بود، وظیفه جمع‌آوری کمک‌های مالی این سازمان را بر عهده داشت. در همین رابطه در سال ۱۹۹۷ ده مامور امنیتی اسرائیلی که با پاسپورت‌های کانادایی به امان سفر کرده بودند او را در در نزدیکی دفترش با تزریق ماده‌ای مسموم کردند. ملک حسین، پادشاه وقت اردن، با دستگیری دو مامور موساد در امان، دولت اسرائیل را مجبور ساخت که پادزهر ماده سمی را که به خالد مشعل تزریق شده بود در اختیار این کشور قرار دهد. البته دو سال بعد، پادشاهی اردن دفاتر حماس را در این کشور تعطیل کرد و خالد مشعل نیز از امان به دمشق رفت.

در این میان، واکنش فلسطینی‌های باریکه غزه به ترور اسماعیل هنیه متفاوت بوده است. بخشی از اهالی این باریکه با مرگ رئیس دفتر سیاسی حماس به این نتیجه رسیده‌اند که باید به جنگ علیه اسرائیل بیش از پیش ادامه داد و مخالف هرگونه مذاکره‌ای با آنچه آنها «رژیم صیہونیستی» می‌خوانند هستند. بخش دیگری بیش از ماه‌های گذشته نگران سرنوشت خودند و حماس را بیش از گذشته مسئول این جنگ ویرانگر می‌دانند. ابو ایلا سعود روزنامه‌نگار فلسطینی که اخیراً غزه را ترک کرده است به کیهان می‌گوید «مخالفان حماس واهمه دارند که با ترور اسماعیل هنیه و با واکنش به اصطلاح محور مقاومت و حملات آنها به خاک اسرائیل، فشار بر مردم غزه افزایش پیدا کند و وضعیت بدتر شود.»

این روزنامه‌نگار در ادامه می‌افزاید، «حتی آنها که در غزه و در کرانه باختری رود اردن خواهان نابودی حماس هستند، امروز امیدوارند که جانشین اسماعیل هنیه فردی باشد که از جمهوری اسلامی فاصله بگیرد، زیرا آنها در کنار فرماندهانی چون یحیی ابراهیم سنوار، جمهوری اسلامی را نیز مسئول وضعیت کنونی دانسته و معتقدند که حمله ۷ اکتبر به خاک اسرائیل به خواست و تحت فشار جمهوری اسلامی انجام گرفته است.»

ابولایلا سعود در خاتمه می‌افزاید «فلسطینی‌ها و به ویژه اهالی باریکه غزه معتقدند هر گامی که در جهت فاصله گرفتن از رژیم حاکم بر تهران و نزدیکی به کشورهای عربی صورت گیرد، می‌تواند گامی در جهت پایان دادن به جنگ کنونی باشد.»

→ جمهوری اسلامی سازماندهی شده بود، خالد مشعل مجبور به استعفا شد و معاون او اسماعیل هنیه، که کاندیدای نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود، به این سمت منصوب شد.

جمهوری اسلامی با وعده کمک‌های مالی و به ویژه تسلیحاتی توانست حمایت بازوی نظامی حماس را به دست آورد و فردی نزدیک به خود را در رهبری این سازمان قرار دهد. در نشست لندن اخوان‌المسلمین جمهوری اسلامی را غیرمستقیم به مشارکت در در قتل اسماعیل هنیه متهم کرد و عدم حفاظت کافی از او را نوعی همکاری غیرمستقیم با اسرائیل خواند. در نشست لندن همچنین بر لزوم فاصله گرفتن حماس از جمهوری اسلامی و بازگشت این سازمان به جهان عرب تأکید می‌شود.

البته این تصمیم اخوان‌المسلمین مورد پذیرش برخی فرماندهان نظامی و بخش‌هایی از رهبری سیاسی سازمان حماس نیست. مخالفان بازگشت خالد مشعل به ریاست دفتر سیاسی حماس از کاندیداهائی پشتیبانی می‌کنند که دارای رویب نزدیکی با جمهوری اسلامی و سوریه باشند.

در این روزها دو نام دیگر از سوی شاخه نظامی برای جانشینی اسماعیل هنیه مطرح هستند: خلیل الحیه و زاهر



جباری. هر دو دارای روابط بسیار نزدیک به جمهوری اسلامی که از حمایت یحیی ابراهیم سنوار فرمانده ارشد نظامی حماس که در غزه مخفی است و تا کنون اسرائیلی‌ها با وجود تلاش‌های بسیار نتوانسته‌اند او را کشته و یا دستگیر کنند نیز برخوردار هستند.

جناب نظامی حماس امروز جمهوری اسلامی را تنها حامی خود در جنگ علیه اسرائیل می‌بیند. در شرایط کنونی و جنگی که ده ماه پیش با حمله تروریستی ۷ اکتبر به خاک اسرائیل آغاز شده، هیچ کشور عربی حاضر به حمایت تسلیحاتی از حماس نیست. خلیل الحیه نایب رئیس دفتر سیاسی حماس و مسئول روابط با کشورهای عربی و اسلامی، که با اسماعیل هنیه برای حضور در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان به تهران سفر کرده بود و همراه جسد او به قطر بازگشت و در دوحه نماز میت را در مراسم خاکسپاری رهبر حماس خواند، کاندیدای اصلی جمهوری اسلامی برای ریاست دفتر سیاسی حماس است. با انتخاب خلیل الحیه روابط نزدیک حماس با جمهوری اسلامی ادامه پیدا خواهد کرد و تغییری در سیاست‌های این گروه تروریستی به ویژه در جنگ کنونی و مذاکرات برای پایان دادن به آن مشاهده



«کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل» در تاریخ ۳ آذر ۱۴۰۱ از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با هدف تحقیق و بررسی موارد گزارش شده نقض حقوق بشر در ارتباط با اعتراضات پس از قتل مهسا (ژینا) امینی در بازداشتگاهی در تهران تشکیل شد. شورای حقوق بشر سه کارشناس مستقل و بی‌طرف برای انجام این تحقیقات انتخاب کرد. ریاست این کمیته با حقوقدان بنگلادشی سارا حسین است. شاهین سردار علی اهل پاکستان و ویویانا کرسٹیچویچ از آرژانتین دو عضو دیگر این کمیته هستند. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مأموریت این کمیته را در فروردین ۱۴۰۳ تمدید کرد.

سازمان ملل» را نادرست و بی‌اساس خوانده و آنها را «سیاسی و نامشروع» می‌خواند.
در تیرماه ۱۴۰۳ وزارت خارجه آمریکا نیز در گزارش سالانه بررسی آزادی مذهبی در اشاره به ایران اعلام کرد که پس از کشته‌شدگان مهسا (ژینا) امینی فشار و سرکوب اقلیت‌های مذهبی در ایران افزایش یافته‌است. در این گزارش با اشاره به موارد آزار مذهبی در جمهوری اسلامی به سرکوب و ادامه فشار بر بهائیان، دراویش، نوکیشان مسیحی، و اهل تسنن نیز پرداخته است. در گزارش وزارت خارجه آمریکا آمده است که در حال حاضر یک هزار بهایی در بازداشت، حبس خانگی، در انتظار صدور حکم یا احضار به دادگاه تحت فشارند.

تئاتر ایرانی در تبعید: حرفه‌ای یا آماتور؟



دیگر کسانی که در زمینه تئاتر در پایتخت بریتانیا فعالیت دارند نیز حضور داشتند، که یکی از آنها داریوش رضوانی نظر متفاوتی را بیان کرد.
کیهان لندن گزارشی از این نشست تهیه کرده و در حاشیه آن نظر محسن زارع را در مورد نقش رسانه‌ها در حمایت از تئاتر در تبعید جویا شده است.

نشست اندیشه، هنر و ادب که در لندن به همت عباس فیض و افسانه گیتی‌فروز برگزار می‌شود، جلسه‌ای را به بررسی تئاتر ایرانی در تبعید اختصاص داده بود. در این نشست که مژگان ربیعی گرداندگی آن را بر عهده داشت، بهناز وکیلی و محسن زارع صحبت کردند که از دست‌اندرکاران تئاتر در لندن هستند. البته در میان حضار

→ صورت گرفته‌اند مستند می‌کند. این موارد نقض شامل مرگ‌های غیرقانونی، اعدام‌های فراقضایی، استفاده غیرضروری از نیروی مرگبار، دستگیری‌های خودسرانه، شکنجه، تجاوز، ناپدیدسازی‌های قهری و آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت می‌شوند که بسیاری از آنها مصداق جنایات علیه بشریت به شمار می‌روند. کودکان اقلیت‌های اتینکی و دینی در جریان اعتراضات مورد نقض‌های فاحش حقوق بشر از جمله کشتار و مجروح شدن، دستگیری، ناپدیدسازی قهری، بازداشت و شکنجه و تجاوز و دیگر اشکال خشونت جنسی قرار گرفتند که منجر به آسیب‌های ماندگار شده است.»
در ادامه این گزارش نوشته شده است که «هرقدر در مورد تاثیر و پیامدهای اعتراضات بر اقلیت‌ها در ایران گفته شود، اغراق نیست. زنان اقلیت‌های اتینکی و دینی با آسیب‌های خاصی مواجه می‌شوند که به دلیل تبعیض و خشونت‌های موجود علیه آنها، هم به عنوان زن و هم به عنوان اقلیت‌های اتینکی و دینی، تشدید می‌شود. تاثیر این سرکوب بر کودکان فرانسلی است و آسیب‌های چندبُعدی آن ممکن است برای دهه‌ها ادامه یابند.»

در این گزارش یادآوری می‌شود که «اقلیت‌های اتینکی و دینی بالاترین و طولانی‌ترین میزان مشارکت را در این جنبش، تا اواخر سال ۲۰۲۳ (میلادی) به ثبت رسانده‌اند، این در حالیست که آنها از پیش با فقر گسترده، دهه‌ها تبعیض و مصونیت از مجازات گسترده مرتکبین نقض‌هایی که علیه آنها صورت گرفته‌اند، مواجه بوده‌اند. حضور سنگین نیروهای نظامی و امنیتی در استان‌های مرزی که جمعیت اقلیت‌ها در آنها سکونت دارند، محیطی مناسب و آسانی برای دولت ایجاد کرده تا اعتراضات را از جمله، از طریق یک واکنش نظامی هماهنگ‌شده و قاطع سرکوب کند. این امر منجر به آن شد که اقلیت‌های اتینکی و دینی با بالاترین شمار مرگ و جراحات در طول کل جنبش روبرو شوند.»

«کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل» در اشاره به دادگاه‌هایی که پس از خیزش مردمی سال ۱۴۰۱ علیه معترضان برگزار شد در این گزارش می‌نویسد «با نقض برگزاری دادگاه منصفانه و آیین دادرسی عادلانه حقوق اقلیت‌ها خدشه‌دار شده است. اقلیت‌های بازداشت‌شده، در قالب بخشی از روایت دیرینه دولت در به تصویر کشیدن فعالیت‌های اقلیت‌ها به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی، اغلب به نادرستی به جرائم امنیتی متهم شدند.» در ادامه در همین رابطه اشاره به احکام اعدام اخیر علیه زنان اقلیت‌های اتینکی می‌شود. کمیته حقیقت‌یاب در این گزارش نتیجه‌گیری می‌کند که جنایت علیه بشریت در تعقیب و آزار مبتنی بر جنسیت با تعقیب و آزار مبتنی بر اتینک و دین درهم تنیده شدند.»

این کمیته تأکید دارد که در وضعیت کنونی «پاسخگوسازی و مسئول دانستن کسانی که مسئول نقض حقوق بشر هستند دور از دسترس است» زیرا «دو سال پس از اعتراضات هیچ تحقیقات کیفری معناداری علیه مقامات بلندپایه درباره نقض‌هایی که در مورد اعضای اقلیت‌ها در ارتباط با اعتراضات ارتکاب یافته‌اند، مشاهده نشده است.» گزارشگران کمیته حقیقت‌یاب «خواستار اقدامات تحولی در زمینه جبران خسارت و پاسخگوسازی در سطح ملی و بین‌المللی برای تأمین حقوق قربانیان و به ویژه زنان و کودکان اقلیت‌ها» شده‌اند.
این گزارش بر اساس مصاحبه‌هایی تهیه شده است که نیمی از آنها با قربانیان و شاهدانی از اعضای گروه‌های اقلیت بوده و مبتنی بر مستندات حوادثی است که در استان‌هایی که اکثریت آنها را گروه‌های اقلیت تشکیل می‌دهند رخ داده است. جمهوری اسلامی همواره گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری، از جمله گزارش نخست «کمیته مستقل حقیقت‌یاب

حمله‌ی وحشیانه به یک دختر نوجوان توسط زنان سرکوبگر گشت ارشاد اسلامی ماله‌کشان پزشکیان دست به کار شدند!



طرفداران پزشکیان نیز واکنش‌هایی در همدلی با قربانیان تحمیل حجاب اجباری نشان دهند. از جمله محمدجواد آذری جهرمی کارمند پیشین وزارت اطلاعات و وزیر پیشین ارتباطات در دولت حسن روحانی و از اعضای اصلی تیم انتخاباتی مسعود پزشکیان در شبکه «ایکس» نوشته «همون دختر کم حجاب، دختر منه...»

علی مجتهدزاده وکیل پایه یک دادگستری و از حامیان مسعود پزشکیان در سیرک انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ هم نوشته «جناب آقای پزشکیان قول دادید در برابر چنین اقدامات خلاف قانون و شرع در قبال فرزندان مان سکوت نکرده و اگر توان جمع کردن این بساط را نداشتید عطا قدرت بی‌ارزش را به لقایب بسپارید و ما روی حرف‌تان حساب کرده‌ایم.»

ساعاتی پس از انتشار این ویدئو و پخش شدن آن در شبکه‌های اجتماعی مرکز اطلاع‌رسانی پلیس پایتخت در اطلاعیه‌ای اعلام کرده «این ویدئو مربوط به گذشته بوده که در تاریخ یکم تیرماه ۱۴۰۳ مأموران به دو خانم جوان در خصوص پوشش نامناسب و کشف حجاب تذکر داده که متأسفانه با فحاشی و الفاظ ناروا روبرو شدند.»

این اطلاعیه افزوده «در تعاقب هر دو نفر در خیابان وطن‌پور مجدداً با پوشش نامناسب مشاهده که در حین انتقال به خودرو با عوامل انتظامی مجادله و کشمکش و بر اثر مقاومت جراحی جزئی در احدی از ایشان ایجاد می‌شود. پس از بروز حادثه، ویدئو گرفته شده توسط پلیس و فیلم دوربین مداربسته خیابان برای شفاف‌سازی به مقام قضایی تحویل داده شد.» پلیس پایتخت همچنین نوشته «پلیس رفتار این چنینی توسط عوامل انتظامی را در چارچوب استانداردهای کُشی و عملیاتی خود ندانسته و پرونده در سیستم قضایی و بازرسی فراجا مفتوح و در حال بررسی می‌باشد.»

این اطلاعیه اما همچنان انگشت اتهام را به سوی شهروندان و از جمله دختران نوجوانی مانند نفس گرفته و رفتار مأموران را با طرح ادعای «فحاشی و الفاظ ناروا» توجیه کرده است!

او افزوده برخورد مأموران در محل پلیس امنیت اخلاقی با او نیز «طلبکارانه» بوده است: «گفتند دو انگشت مامور ما در رفته و شما باید رضایت ایشان را بگیرید چون دختر من مقاومت کرده است. صُغر سن دخترم را یادآوری کردم. گفتند از ۹ سالگی باید حجاب رعایت شود. پاسخ دادم که طبق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی برخورد قانونی به این شکل شامل حال طفل نمی‌شود. این حد از ضرب و شتم که به هیچ وجه شامل حال بزرگسال هم نمی‌شود.»

مادر نفس گفته از طریق نهادهای مختلف انتظامی شکایت‌اش را پیگیری کرده و تا جایی به نتیجه رسیده که قاضی کشیک اجازه‌ی گرفتن دوربین مداربسته را به او داده و از آن به بعد در پرونده‌اش هنوز اتفاق مشهودی نیفتاده است.

او می‌گوید با گذشت یک ماه هنوز حتی شهود این پرونده هم احضار نشده‌اند. مریم عباسی به بازرسی نیرو انتظامی، حفاظت اطلاعات فراجا و بازرسی کل ناجا هم مراجعه کرده است. علاوه بر این هر روز با ۱۹۷ نیز تماس گرفته است. انتشار ویدئوی خشونت مأموران گشت ارشاد جمهوری اسلامی علیه دختری نوجوان با واکنش کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است. بخش زیادی از کاربران به سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی اشاره کرده و ادعای حامیان پزشکیان را در روند انتخابات که با «جلیلی‌هراسی» مدعی «میان‌رو» بودن پزشکیان و ایجاد تغییراتی از جمله برچیده شدن گشت ارشاد شده بودند، مورد توجه قرار داده‌اند. از جمله کاربری نوشته «مسعود پزشکیان به همه وعده‌های انتخاباتی سعید جلیلی عمل میکند ولی بازم فرق میکند به کی رای بدی.»

کاربر دیگری با انتشار تصاویری از ویدئوی ضرب و جرح نفس نوشته «طی یک عملیات محیرالعقول عامل نفوذی ترورهای اخیر، و همچنین اختلاس‌های نجومی دستگیر شد!» اعتراض کاربران سبب شد دو هشتگ «#طرح_نور» و «#پزشکیان» در شبکه ایکس ترند شوند.

موج گسترده واکنش کاربران همراه با یادآوری ادعاهای مسعود پزشکیان و تیم حامیان انتخاباتی او سبب شد

● مادر نفس حاجی شریف گفته سر دخترش را به پست برق کوبیدند و پس از بازداشت در داخل ون نیز برخوردها با او ادامه پیدا می‌کند و مأموران پایشان را روی گردنش گذاشتند.

● «دخترم را با صورتی زخمی، لب‌های ورم کرده، گردن کبود، لباس پاره پاره و صدایی که در نمی‌آمد دیدم. چشم‌اش از هم باز نمی‌شد اینقدر گریه کرده بود.»

● کاربران ادعای حامیان پزشکیان را در روند انتخابات که با «جلیلی‌هراسی» مدعی «میان‌رو» بودن پزشکیان و ایجاد تغییراتی از جمله برچیده شدن گشت ارشاد شده بودند، مورد توجه قرار داده‌اند.

انتشار ویدئویی از ضرب و جرح یک دختر نوجوان توسط مأموران گشت ارشاد اسلامی با واکنش شدید کاربران در رسانه‌های اجتماعی روبرو شده و وعده‌های پوچ مسعود پزشکیان را درباره برخورد با زنانی که از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند در مرکز توجه قرار داده است. نیروی انتظامی تهران با انتشار اطلاعیه‌ای جرح و جراحت وارد شده به این دختران را «جزیی» خوانده و آنها را متهم به فحاشی کرده است.

نفس حاجی شریف نوجوان ۱۴ ساله ساکن تهران یکی از تازه‌ترین قربانیان تحمیل حجاب اجباری در ایران است: نوجوانی که انتشار ویدئوی ضرب و جرح او هنگام بازداشت با واکنش شهروندان روبرو شده و پلیس پایتخت را وادار به ارائه توضیحاتی، هرچند با تحریف و توجیه، کرده است.

ویدئوی ضرب و جرح نفس حاجی شریف روز گذشته، سه‌شنبه ۱۶ مرداد، از سوی وبسایت اصلاح‌طلب «انصاف نیوز» در گفتگویی با مادر این دختر نوجوان منتشر شد.

این ویدئو مربوط به بازداشت وی در تاریخ اول تیرماه امسال در خیابان «وطن‌پور شمالی» در تهران و حاوی تصاویر خشونت‌آمیزی از تنک زدن نفس توسط چند زن سرکوبگر گشت ارشاد اسلامی است؛ مأمورانی که از ابتدای امسال با «طرح سراسری نور» به صورت گسترده در خیابان‌ها فعال شده و با زنان و مردانی که از پوشش عادی و اختیاری استفاده می‌کنند درگیر شده و آنها را بازداشت می‌کنند.

مریم عباسی، مادر نفس، در گفتگو با «انصاف نیوز» از ثبت شکایت علیه مأموران گشت ارشاد اسلامی خبر داده و گفته سر نفس را به پست برق کوبیدند و پس از بازداشت در داخل ون نیز برخوردها با او ادامه پیدا می‌کند و مأموران پایشان را روی گردن دخترش گذاشتند. مادر این دختر نوجوان می‌گوید وقتی ساعت ۸ شب در پی تماس دوست دخترش به پلیس امنیت اخلاقی مراجعه می‌کند دخترش را در وضعیتی بد می‌بیند: دخترم را با صورتی زخمی، لب‌های ورم کرده، گردن کبود، لباس پاره پاره و صدایی که در نمی‌آمد دیدم. چشم‌اش از هم باز نمی‌شد اینقدر گریه کرده بود.

مادر نفس می‌گوید برای اثبات ادعاهایش عکس و شاهد موجود است و با گذشت یک ماه هنوز حتی شهود این پرونده هم احضار نشده‌اند.

مریم عباسی همچنین به «کودک» و «زیر سن قانونی» بودن دخترش اشاره کرده و گفته «دختر ۱۴ ساله‌ی من طفل محسوب میشه! اطفال حتی اگر قتل انجام داده باشند والدشان باید پاسخگو باشد! چند روز قبل انتخابات هم بوده. جوری بچه‌ی من رو می‌زنن که مردم از پنجره‌ها هم واکنش نشون میدن! موبایل کسی رو که عکس گرفته هم می‌گیرن!»

«انتقام سخت» از شهروندان ایران جمهوری اسلامی رضا رسایی را اعدام کرد



رضا رسایی

شکنجه‌های روحی و جسمی زیاد به شدت وزن کم کرد، تمامی انگشت‌های پا و دنده‌های او را شکستند تا وی را مجبور به اعتراف کنند که در قتل بیرامی مشارکت داشته است.»

«کیهان لندن» در مهرماه ۱۴۰۲ طی یک گزارش اختصاصی به نقل از یکی از نزدیکان رضا رسایی نوشته بود که «قاضی پرونده محمد رسول حق نجاتی در حالی که مدرک و شاهدهی علیه رضا رسایی نیست، حکم اعدام علیه وی صادر کرده؛ در حالی که پزشکی قانونی نتوانسته نظر قطعی بدهد و در تمامی بخش‌های این حکم نوشته «محمتم»، یا «می‌تواند با آلات جارحه دیگری هم اتفاق افتاده باشد». واقعیت این است که رضا رسایی در هیچ‌کدام از فیلم‌های درگیری مشاهده نشده و حتی یک فیلم یا عکس یا مدرک معتبر علیه او وجود ندارد، حتی در اعترافات اجباری که از رضا رسایی گرفته‌اند نوشته شده رضا از پشت ضربه زده که ضربات پشت کشنده نبوده و پزشک قانونی این را تأیید کرده که ضربه پشت کشنده نبوده و فقط یک ضربه از جلو کشنده بوده حتی بر اساس اعتراف اجباری که خودشان خواستند و از رضا رسایی گرفتند باز هم رضا نباید حکم قصاص می‌گرفت.»

این فرد آگاه به پرونده رضا رسایی گفته بود: «شاهدهی داریم که نظامی است و در دادگاه شهادت داده که وقتی به سرهنگ پاسدار بیرامی رسیده مشاهده کرده که از جلوی سینه و پشت پا خونریزی داشته و بعد زمانی که نیمه‌جان بوده و ضربه کشنده وارد آمده، ربطی به رضا رسایی ندارد.» وی در ادامه توضیح داد: «دو روز پیش حکم اعدام از داخل زندان به رضا رسایی اعلام شد، متأسفانه روحیه خوبی ندارد. به خانواده‌اش گفته است مگر می‌شود بدون مدرک و دلیل یکی بگویند من دوست دارم با علم خودم بگویم این فرد قاتل است! این چه عدالتی است؟!»

آذرماه گذشته از سوی شعبه ۱۷ دیوان عالی کشور تأیید شد. اوایل دی‌ماه سال گذشته «دادبان» گزارش داد که حکم اعدام رضا رسایی به بخش «اجرای احکام» ارجاع شده است. اوایل تیرماه امسال نیز گروه حقوقی «دادبان» به نقل از یک منبع آگاه خبر داده بود که خطر اجرای حکم اعدام «رضا رسایی» از هر زمان دیگری جدی‌تر است. این منبع مطلع به «دادبان» گفته بود «حکم قطعی شده اعدام پیشتر توسط شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه به اجرای احکام دادگستری کرمانشاه فرستاده شده و کارهای اداری مربوط به آن نیز انجام شده است.»

به گفته این منبع «خانواده مقتول تأکید کرده‌اند که دنبال قصاص نیستند و اصلاً برایشان روشن نیست که قاتل رضا رسایی است. با این حال می‌گویند دست ما نیست و رضایت ما فایده‌ای ندارد، با سپاه صحبت کنید.»

این منبع مطلع به «دادبان» گفته بود که «اعتراض ماده ۴۷۷ چندین ماه است که ثبت شده اما هیچ جوابی به خانواده و وکلا داده نمی‌شود. حکم قطعی شده اعدام پیشتر توسط شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه به اجرای احکام دادگستری کرمانشاه فرستاده شده و کارهای اداری مربوط به آن نیز انجام شده است.»

پیشتر یکی از نزدیکان رضا رسایی به «کیهان لندن» گفته بود که رضا در روز تجمع که نادر بیرامی در آن کشته شد فقط یک پوستر از تصویر پسر دایی‌اش خیرالله حق جوین زندانی سیاسی در دست داشت و برای آزادی او شعار می‌داد که: «خیرالله حق جوین را آزاد کنید!»

این فرد آگاه به پرونده رضا رسایی افزوده بود: «پس از کشته شدن بیرامی فرمانده سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در صحنه، رضا رسایی به کرج رفت و در سوم آذرماه در کرج دستگیر و به کرمانشاه منتقل شد. او را هر روز به اطلاعات کرمانشاه بردند و شکنجه کردند بطوری که به دلیل

● حکم اعدام رضا رسایی در «بی‌خبری» و بدون اینکه رضا امکان ملاقات آخر با خانواده را داشته باشد اجرا شده است.

● فاطمه حیدری از خانواده دادخواهان نوشته «مأموران امنیتی ساعت ۲ صبح امروز درب خانه پدری رضا دروین نصب کردند و صبح به خانواده‌اش اطلاع می‌دهند که رضا اعدام شده است.»

● امنیتی‌ها به خانواده این جوان که توسط جمهوری اسلامی اعدام شده، گفته‌اند که نمی‌توانند رضا را در شهر «صحنه» دفن کنند و باید پیکرش در جاده‌ای دورافتاده به خاک سپرده شود.

رضا رضایی از شهروندان معترض بازداشت شده در اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ بامداد امروز در زندان کرمانشاه اعدام شد. مأموران حکومتی اعلام کرده‌اند پیکر این جوان باید در نقطه‌ای دورافتاده به خاک سپرده شود. حکم اعدام این زندانی سیاسی در آذرماه گذشته در دیوان عالی کشور تأیید شده بود.

«دادبان» که به شهروندان معترض و خانواده‌های دادخواه مشاوره حقوقی ارائه می‌کند گزارش داده حکم اعدام رضا رسایی از زندانیان سیاسی محبوس در زندان دیزل‌آباد کرمانشاه صبح امروز سه‌شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ اجرا شده است.

برخی منابع حقوق بشری نیز با انتشار خبر اعدام رضا رسایی اعلام کردند این حکم در «بی‌خبری» و بدون اینکه این زندانی امکان ملاقات آخر با خانواده را داشته باشد اجرا شده است.

فاطمه حیدری خواهر دادخواه جواد حیدری از جانباختگان اعتراضات نیز درباره اجرای حکم رضا رسایی در شبکه «ایکس» نوشته «مأموران امنیتی ساعت ۲ صبح امروز درب خانه پدری رضا دروین نصب کردند و صبح به خانواده‌اش اطلاع می‌دهند که رضا اعدام شده! قبل از اعدام هیچ ملاقاتی صورت نگرفته! به خانواده‌اش گفته‌اند نمی‌توانند رضا را در شهر «صحنه» دفن کنند و باید پیکرش در جاده‌ای دورافتاده دفن شود.»

(غلام) رضا رسایی متولد ۵ اسفند ۱۳۶۷ فرزند آخر یک خانواده یارسانی در شهرستان صحنه استان کرمانشاه از جمله قربانیان پرونده‌سازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی علیه شهروندانی بود که در اعتراضات سراسری شناسایی و بازداشت شدند.

رضا رسایی در مهرماه ۱۴۰۲ از سوی شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه به اتهام قتل سرهنگ پاسدار نادر بیرامی فرمانده اطلاعات سپاه شهرستان صحنه به «قصاص نفس» محکوم شد.

نادر بیرامی رئیس اداره اطلاعات شهرستان صحنه در تاریخ ۲۷ آبان ۱۴۰۱ در جریان یکی تجمعات اعتراضات جنبش ملی در شهرستان صحنه و در جریان به خشونت کشیده شدن این اعتراضات، با حمله نیروهای امنیتی و انتظامی، کشته شد.

رضا رسایی ۳۵ ساله دارای مدرک کارشناسی مدیریت بازرگانی بود که پیش از بازداشت و زندانی شدن به حرفه زنبورداری و فروش عسل اشتغال داشت. حکم اعدام صادر شده علیه رضا رسایی در آخرین روزهای

رویترز:

پوتین از خامنه‌ای
خواست در پاسخ به ترور
اسماعیل‌هنیه «محتاط»
عمل کند و به غیرنظامیان
آسیب نرساند!

● خبرگزاری رویترز روز سه‌شنبه ششم اوت (۱۶ مرداد) به نقل از دو منبع «بلندپایه ایرانی» مدعی شد ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه از علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی خواست تا در پاسخ دادن به کشته شدن اسماعیل‌هنیه محتاط باشد و از کشته شدن غیرنظامیان اجتناب کند.

● براساس این گزارش، پیام پوتین را روز دوشنبه سرگئی شویگو دبیر شورای امنیت ملی روسیه در سفر به تهران در دیدار با مقامات امنیتی جمهوری اسلامی به آنها رسانده است.

● این منابع به رویترز گفتند که تهران همچنین به مسکو برای تحویل جنگنده‌های «سوخو۳۵» ساخت روسیه فشار آورده است. رویترز مدعی شد «این دو منبع ایرانی در این

در دیدار با مقامات امنیتی جمهوری اسلامی به آنها رسانده است.

این منابع به رویترز گفتند که تهران همچنین به مسکو برای تحویل جنگنده‌های «سوخو۳۵» ساخت روسیه فشار آورده است. رویترز مدعی شد «این دو منبع ایرانی در این نشست در تهران حضور داشتند.» دو منبع مطلع جزئیات بیشتری در مورد گفتگوها با شویگو ارائه نکردند.

شویگو در مورد سفرش به ایران در یک نشست خبری گفت، «البته مسائلی که در دیدار با رئیس‌جمهوری جدید و دبیر شورای امنیت ایران مطرح شد، مربوط به همه دنیا می‌شد. طیف وسیعی از مسائل، از سوره تا تحولات نگران‌کننده در مرز لبنان با اسرائیل در دستور کار قرار داشت. البته به اتفاقات تلخ اخیر که در تهران روی داد نیز پرداخته شد. نپرداختن به این موضوع غیرممکن بود.»

پوتین در شرایطی از رهبر جمهوری اسلامی خواسته است که به غیرنظامیان در اسرائیل آسیب نرساند که علی خامنه‌ای در واکنش به کشته شدن اسماعیل‌هنیه در قلب تهران گفته است «اسرائیل ما را داغدار کرد، خونخواهی را وظیفه خود می‌دانیم!» یک منبع لبنانی برجسته نزدیک به حزب‌الله می‌گوید: «حمله تلافی‌جویانه اجتناب‌ناپذیر است و دیپلماسی دیگر گزینه مناسبی نیست.» وی افزود که ایران می‌خواهد این حمله «شدید» باشد اما به جنگ منطقه‌ای منجر نشود.

همزمان با سفر سرگئی شویگو دبیر شورای امنیت روسیه به تهران، روزنامه «نیویورک تایمز» دوشنبه پنجم اوت (۱۵ مرداد) به نقل از «مقامات ایرانی» گزارش داد، «روسیه به درخواست جمهوری اسلامی تجهیزات پدافندی و راداری پیشرفته به ایران تحویل داده است.»

برخی منابع نیز گزارش دادند که چند هواپیمای باری

سفر ناگهانی فرستاده
پوتین به تهران؛
روسیه برای جمهوری
اسلامی چه خوابی
دیده است؟

دیدار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با دبیر شورای امنیت روسیه

● در شرایطی که جمهوری اسلامی خود را برای گرفتن انتقام خون‌هنیه آماده می‌کند، سرگئی شویگو دبیر شورای امنیت روسیه در سفری ناگهانی به تهران رفت.

● محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به شویگو اطمینان داد که «روابط جمهوری اسلامی و روسیه راهبردی، عمیق و بلندمدت است و با تغییر دولت‌ها دچار اختلال نخواهد شد و بی‌شک در دولت جدید هم روابط و تعاملات فی‌مابین دو کشور افزایش خواهد داشت.»

● سفر این مقام امنیتی روسیه به تهران، طرفداران نظام را امیدوار به پشتیبانی روسیه از جمهوری اسلامی در جنگ احتمالی علیه اسرائیل کرده است.

● برخی نسبت به سفر مشکوک و ناگهانی یک مقام ارشد امنیتی روس به ایران هشدار داده و معتقدند روسیه برای اهداف کلان خود آنهم در حالی که در باتلاق جنگ اوکراین فرو رفته، جمهوری اسلامی را به یک جنگ با نتایج نامشخص می‌کشاند که کمترین سود آن برای روسیه، انحراف جهان از جنگ اوکراین خواهد بود.

همزمان با سفر سرگئی شویگو دبیر شورای امنیت روسیه به تهران، روزنامه «نیویورک تایمز» دوشنبه پنجم اوت (۱۵ مرداد) به نقل از «مقامات ایرانی» گزارش داد، «روسیه به درخواست جمهوری اسلامی تجهیزات پدافندی و راداری پیشرفته به ایران تحویل داده است.»

این روزنامه به نقل از یک سپاهی مدعی شد که تحویل این تجهیزات آغاز شده است. رد یا تأیید این گزارش به صورت مستقل ممکن نیست.

در گزارش نیویورک تایمز اشاره‌ای نشده که ایران چه تجهیزاتی از روسیه درخواست کرده یا چه تجهیزاتی تحویل گرفته است. جمهوری اسلامی در حال حاضر بخشی از سیستم دفاع هوایی خود را با سیستم پدافندی S-300 ←



دیدار خامنه‌ای و پوتین در تهران که رئیس‌ی نیز در آن حضور داشت / تیرماه ۱۴۰۱ / رویترز

روسی به مقصد ایران پرواز کرده است. در همین ارتباط روزنامه اسرائیلی «معارب» خبر داده چندین فروند هواپیمای ترابری نظامی «ایلیوشین ۷۶-» روسیه وارد ایران شده است. بعد از ترور اسماعیل‌هنیه چند کشور از جمله ایالات متحده، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، اردن و مصر تلاش کردند که جمهوری اسلامی را از هرگونه اقدام که به بحران خاورمیانه دامن بزند منصرف کنند اما مقامات تهران اعلام کردند برای آنها اهمیتی ندارد که حمله به اسرائیل به جنگ بیانجامد!

جزئیات دقیقی از دلایل سفر دبیر شورای امنیت روسیه به تهران منتشر نشده اما جرج مالروونو خبرنگار ارشد روزنامه فرانسوی «فیگارو» در «ایکس» نوشت: «یک منبع غربی که ایران را به خوبی می‌شناسد، می‌گوید: سرگئی شویگو در ایران است تا پیامدهای پاسخ ایران و متحدانش علیه اسرائیل را مدیریت کند.»

نشست در تهران حضور داشتند.» دو منبع مطلع جزئیات بیشتری در مورد گفتگوها با شویگو ارائه نکردند.

● پوتین در شرایطی از رهبر جمهوری اسلامی خواسته است که به غیرنظامیان در اسرائیل آسیب نرساند که علی خامنه‌ای در واکنش به کشته شدن اسماعیل‌هنیه در قلب تهران گفته است «اسرائیل ما را داغدار کرد، خونخواهی را وظیفه خود می‌دانیم!»

● خبرگزاری رویترز روز سه‌شنبه ششم اوت (۱۶ مرداد) به نقل از دو منبع «بلندپایه ایرانی» مدعی شد ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه از علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی خواست تا در پاسخ دادن به کشته شدن اسماعیل‌هنیه محتاط باشد و از کشته شدن غیرنظامیان اجتناب کند. بر اساس این گزارش، پیام پوتین را روز دوشنبه سرگئی شویگو دبیر شورای امنیت ملی روسیه در سفر به تهران

در همین ارتباط منابع قبرسی نوشته‌اند «سفر صدی به ایران به دنبال ادامه تماس‌های دیپلماتیک ایالات متحده و شرکای آن از جمله فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و مصر برای جلوگیری از تشدید بیشتر در منطقه صورت می‌گیرد.»

علی خامنه‌ای رهبر و فرمانده کل قوای جمهوری اسلامی در واکنش به ترور اسماعیل هنیه گفته بود، «اسرائیل ما را داغدار کرد، خونخواهی را وظیفه خود می‌دانیم!»

از سوی دیگر، در جدال میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، وضعیت اردن ویژه است زیرا موشک‌ها و پهپادهایی که جمهوری اسلامی از ایران به سمت اسرائیل پرتاب می‌کند از آسمان اردن عبور می‌کنند تا به اسرائیل برسند. بنابراین اردنی‌ها حق دارند برای دفاع از امنیت خودشان این موشک‌ها و پهپادها را رهگیری کنند و قوانین بین‌المللی این اجازه را به آنها می‌دهد که برای این منظور از متحدان خود از جمله آمریکا و بریتانیا نیز کمک بگیرند.

این وضعیت اصلاً برای جمهوری اسلامی مطلوب نیست چون عمده موشک‌ها و پهپادهایی که احتمال دارد برای انتقام کشته شدن هنیه به سمت اسرائیل پرتاب کند، پیش از آنکه به سامانه «گنبد آهنین» اسرائیل برسند در آسمان اردن رهگیری و منهدم می‌شوند.

در جریان حمله موشکی و پهپادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک عملیات انتقامی علیه اسرائیل (۲۵ فروردین ۱۴۰۳) هواپیماهای جنگنده آمریکا، فرانسه، انگلیس و برخی کشورهای منطقه از جمله اردن در ردگیری پهپادها و موشک‌ها و جلوگیری از اصابت آنها به خاک اسرائیل کمک کردند که خشم مقامات جمهوری اسلامی را برانگیخت.

در آن مقطع خبرگزاری «فارس» نزدیک به سپاه تهدید کرد، اگر اردن برای دفع حمله ایران به اسرائیل اقدام کند، هدف بعدی اردن است. در واکنش به این تهدیدات وزارت خارجه اردن یکشنبه ۲۶ فروردین، کاردار جمهوری اسلامی در اردن را احضار و پیامی مبنی بر توقف توهین و زیر سوال بردن مواضع اردن به وی ابلاغ کرد. تحت فشارهای بین‌المللی علی اصغر ناصری کاردار سفارت جمهوری اسلامی در امان، اظهارات خبرگزاری «فارس» مبنی بر تهدید اردن را «نادرست و غیررسمی» اعلام کرد.

مقامات اردنی اعلام کردند که اجازه نخواهند داد از حریم هوایی این کشور برای حمله به سایر کشورها استفاده شود. در جریان مقابله اردن با موشک‌پرانی‌های سپاه پاسداران، برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به اردن هشدار داده بودند «از همراهی با اسرائیل پشیمان خواهید شد!»

در جریان حمله فروردین‌ماه سپاه به اسرائیل، ایمن صدی به «سی‌ان‌ان» گفته بود، «هر چیز که به آسمان ما می‌آید و حریم هوایی ما را نقض می‌کند خطری برای اردن است، ما برای پایان دادن به این تهدید هر کاری که در حد توانمان باشد انجام خواهیم داد و این همان کاری است که انجام دادیم.»

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی و پادشاهی اردن اساساً و از زمان ملک حسین پدر ملک عبدالله پادشاه کنونی این کشور روابط خوبی ندارند. ملک حسین دوست صمیمی خانواده پهلوی به شمار می‌رفت.

طی سال‌های اخیر منابع اطلاعاتی و نظامی اردن گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی را متهم کردند که با همکاری مستقیم سپاه پاسداران از طریق خاک اردن اقدام به قاچاق سلاح و مواد مخدر می‌کنند.

همزمان منابع اسرائیلی گزارش دادند با افزایش احتمال حمله از جمهوری اسلامی به این کشور، مقامات اسرائیل در حال هماهنگی با متحدان خود برای خنثی کردن این حملات هستند.

«مأموریت ویژه» وزیر خارجه اردن در سفر به تهران؛ منصرف کردن جمهوری اسلامی از تلافی ترور اسماعیل هنیه؟!



ایمن صدی وزیر خارجه اردن

● همزمان با تهدید مقامات جمهوری اسلامی برای حمله علیه اسرائیل به تلافی ترور اسماعیل هنیه در قلب پایتخت، منابع حکومتی روز یکشنبه ۱۴ امرداد گزارش دادند که ایمن صدی وزیر خارجه اردن به تهران سفر کرده است.

● به نظر می‌رسد صدی یک «مأموریت ویژه» داشته باشد زیرا برخی منابع ادعا کردند او قرار است با مقامات جمهوری اسلامی صحبت کند تا ترور اسماعیل هنیه را تلافی نکنند.

● در همین ارتباط منابع قبرسی نوشته‌اند «سفر صدی به ایران به دنبال ادامه تماس‌های دیپلماتیک ایالات متحده و شرکای آن از جمله فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و مصر برای جلوگیری از تشدید بیشتر در منطقه صورت می‌گیرد.»

همزمان با تهدید مقامات جمهوری اسلامی برای حمله علیه اسرائیل به تلافی ترور اسماعیل هنیه در قلب پایتخت، منابع حکومتی روز یکشنبه ۱۴ امرداد گزارش دادند که ایمن صدی وزیر خارجه اردن به تهران سفر کرده است. براساس این گزارش‌ها، صدی در جریان این سفر با علی باقری کنی سرپرست موقت وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مورد وضعیت منطقه و روابط ایران و اردن گفتگو می‌کند.

اعلام شده است که این دو مقام طی ۴۸ ساعته دوبار نیز به صورت تلفنی در مورد آخرین تحولات منطقه گفتگو کرده‌اند.

به نظر می‌رسد صدی یک «مأموریت ویژه» داشته باشد زیرا برخی منابع ادعا کرده‌اند که او قرار است با مقامات جمهوری اسلامی صحبت کند تا دست به تلافی ترور اسماعیل هنیه نزند.

→ روسی تقویت کرده است اگرچه روس‌ها خودشان از سیستم پدافندی پیشرفته‌تر S-400 استفاده می‌کنند.

پس از ترور اسماعیل هنیه در تهران، علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای تهدید کرد که اسرائیل با این اقدام «زمینه مجازات سختی را برای خود فراهم ساخت!» وی گفت که «خونخواهی هنیه را که در حریم جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسید، وظیفه خود می‌دانیم.»

در شرایطی که جمهوری اسلامی خود را برای گرفتن انتقام خون هنیه آماده می‌کند، سرگئی شویگو دبیر شورای امنیت روسیه در سفری ناگهانی به تهران رفت. او در این سفر با محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی و مسعود پزشکیان رئیس دولت جدید دیدار کرد. باقری به شویگو اطمینان داد که «روابط جمهوری اسلامی و روسیه راهبردی، عمیق و بلندمدت است و با تغییر دولت‌ها دچار اختلال نخواهد شد و بی‌شک در دولت جدید هم روابط و تعاملات فی‌مابین دو کشور افزایش خواهد داشت.» برخی منابع غیررسمی گفته بودند انگیزه‌های پزشکیان و جریان حامی وی جهت بهبود روابط با دولت‌های غربی باعث نگرانی روسیه شده است.

سفر این مقام امنیتی روسیه به تهران، طرفداران نظام را امیدوار به پشتیبانی روسیه از جمهوری اسلامی در جنگ احتمالی علیه اسرائیل کرده است. شویگو پس از ترک تهران راهی باکو شد تا در آنجا با مقامات جمهوری آذربایجان دیدار کند. برخی کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه ادعا کرده‌اند «قصد شویگو از سفر به باکو هشدار به مقامات آذربایجان در مورد هرگونه اقدام به نفع اسرائیل در مورد ایران است!» مقامات نظام بارها جمهوری آذربایجان را متهم کرده‌اند که به اسرائیل اجازه می‌دهد از پایگاه‌های مستقر در آن کشور برای اقدام امنیتی علیه جمهوری اسلامی استفاده کند. جزئیات دقیقی از دلایل سفر دبیر شورای امنیت روسیه به تهران منتشر نشده اما جرج مالبرونو خبرنگار ارشد روزنامه فرانسوی «فیگارو» در «ایکس» نوشت: «یک منبع غربی که ایران را به خوبی می‌شناسد، می‌گوید: سرگئی شویگو در ایران است تا پیامدهای پاسخ ایران و متحدانش علیه اسرائیل را مدیریت کند.»

بعد از ترور اسماعیل هنیه چند کشور از جمله ایالات متحده، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، اردن و مصر تلاش کردند که جمهوری اسلامی را از هرگونه اقدام که به بحران خاورمیانه دامن بزند منصرف کنند اما مقامات تهران اعلام کردند برای آنها اهمیتی ندارد که حمله به اسرائیل به جنگ بیانجامد!

در شرایطی که آمریکا و متحدان‌اش برای تقویت اسرائیل در مقابل حملات احتمالی جمهوری اسلامی و متحدانش برنامه‌ریزی می‌کنند، برخی منابع می‌گویند بعید است روسیه به این سرعت بتواند تجهیزات و تسلیحات دفاعی پیشرفته‌تر در اختیار جمهوری اسلامی بگذارد.

از سوی دیگر برخی نسبت به سفر مشکوک و ناگهانی یک مقام ارشد امنیتی روس به ایران هشدار داده و معتقدند روسیه برای اهداف کلان خود آنها در حالی که در باتلاق جنگ اوکراین فرو رفته، جمهوری اسلامی را به یک جنگ با نتایج نامشخص می‌کشاند که کمترین سود آن برای روسیه، انحراف جهان از جنگ اوکراین خواهد بود.

پیش از اینها حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس‌پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی بارها به نظام هشدار داده بود، «روسیه منافع ایران را قربانی تباری با غرب می‌کند.»

در ایران شماری از تحلیلگران در چشم‌انداز آینده جمهوری اسلامی در منطقه با انتقاد از «بازی دو سر باخت ایران» در رابطه با روسیه هشدار داده بودند، که در نهایت «هم از ناتو می‌خوریم، هم از خود روس‌ها.»

طرح «حمله پیش‌دستانه»ی ارتش اسرائیل علیه جمهوری اسلامی و حزب‌الله



یوآف گالانت وزیر دفاع اسرائیل در جمع پرسنل نیروی هوایی

یحیی سنوار
جانشین اسماعیل
هنیه شد؛ رهبری
تروریست‌های
حماس از تونل‌های
زیرزمینی غزه؟!



یحیی سنوار

● شورای گروه حماس روز ششم اوت (۱۶ مرداد) به صورت رسمی اعلام کرد که یحیی سنوار رئیس دفتر سیاسی این گروه خواهد بود. این در شرایطی است که نام او در فهرست کسانی قرار دارد که اسرائیل برای حذف آنها برنامه دارد.

● اختلافات بر سر جانشینی هنیه زیاد بود. شبکه خبری «المیادین» یک روز پیش از انتخاب سنوار ادعا کرد «ابو عمر حسن» رئیس مجلس حماس جانشین موقت هنیه خواهد شد. قبل از آن هم نام «خالد مشعل» و همچنین «خلیل الحیه» مسئول روابط عربی-اسلامی و نایب رئیس حماس مطرح بود.

● اسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل در واکنش به انتصاب سنوار به عنوان رهبر حماس در «ایکس» نوشت «انتصاب تروریست ارشد یحیی سنوار به عنوان رهبر جدید حماس، بجای اسماعیل هنیه، دلیل قانع‌کننده دیگری برای حذف سریع او و محو این سازمان منحوس از روی زمین است».

● بعضی منابع رسانه‌ای در تهران انتخاب سنوار را «غیرمنتظره» دانستند زیرا به اعتقاد آنها «یکی از مهم‌ترین ملاک‌ها برای انتخاب ریاست حماس امکان حضور آزاد و فعال به ویژه در محافل منطقه‌ای است؛ امری که

زیادی ندارد. به نظر می‌رسد اولویت آنها استفاده از حجم آتش زیاد با موشک‌های بالستیک و پهپادهای انتحاری و همچنین حملات موشکی شبه‌نظامیان به اسرائیل است. حوثی‌های یمن که اخیراً تسلیحات متنوع و دقیق‌تری در اختیار گرفته‌اند نیز اعلام کرده‌اند که آماده گرفتن انتقام کشته شدن اسماعیل هنیه هستند.

مقامات آمریکایی و چند کشور اروپایی در مورد کاهش تنش‌ها و ضرورت «خویشتنداری» به جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند. روزنامه «وال استریت ژورنال» روز یکشنبه چهارم اوت (۱۶ مرداد) گزارش داد که رژیم ایران به دیپلمات‌های عرب اطلاع داده که نگران نیست اگر تلافی ترور اسماعیل هنیه منجر به شروع یک جنگ شود. از سوی دیگر برخی منابع تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشته‌اند که رسم مسلمانان نیست در ماه‌های حرام (محرم و صفر) بجنگند و پس از آن اقدام خواهد شد.

همزمان با نگرانی‌های رو به افزایش از وقوع درگیری در خاورمیانه، روزنامه «اورشلیم پست» گزارش داد که اسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل از طریق مقامات مجارستان این پیام را دریافت کرده که حکومت ایران تصمیم گرفته به اسرائیل حمله کند.

کاتز در اینباره گفت، علی باقری کنی سرپرست موقت وزارت خارجه جمهوری اسلامی پیام حمله علیه اسرائیل را به پیتز سیارتو وزیر خارجه مجارستان رسانده و سیارتو نیز در تماسی مستقیم با کاتز او را در جریان این تصمیم جمهوری اسلامی قرار داده است. اسرائیل کاتز تأکید کرد که جهان باید به ازای هر اقدام متجاوزانه از سوی حکومت ایران، به جمهوری اسلامی هزینه‌های سنگین تحمیل کند.

یوآو گالانت وزیر دفاع اسرائیل یکشنبه ۴ اوت (۱۶ مرداد)، در بازدید خود از یگان‌های ارتش گفت، «آمدادی ما از نظر دفاعی بالاست، چه روی زمین و چه در هوا. ما هم برای پاسخ سریع و هم برای حمله آماده هستیم. اگر جرأت حمله به ما را داشته باشند تاوان سنگینی خواهند پرداخت».

● کانال ۱۳ تلویزیون اسرائیل گزارش داد، برای این حملات چند طرح نیز پیشنهاد شده که در دست بررسی است.

● برخی مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند پاسخ به اسرائیل با همکاری «گروه‌های مقاومت» انجام می‌شود. بعضی از عملیات «وعده صادق ۲» می‌گویند و برخی منابع ادعا می‌کنند این پاسخ «موشکی نیست!»

● از سوی دیگر برخی منابع تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشته‌اند که رسم مسلمانان نیست در ماه‌های حرام (محرم و صفر) بجنگند و پس از آن اقدام خواهد شد.

با افزایش تنش‌ها در منطقه و احتمال حمله جمهوری اسلامی علیه اسرائیل برای «خونخواهی» اسماعیل هنیه، افسران ارشد ارتش اسرائیل به وزیر دفاع و نخست وزیر این کشور پیشنهاد کرده‌اند که علیه جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان حمله پیشدستانه انجام شود.

کانال ۱۳ تلویزیون اسرائیل گزارش داد، برای این حملات چند طرح نیز پیشنهاد شده که در دست بررسی است. به مقامات اسرائیلی پیشنهاد شده است قبل از آنکه حزب‌الله و جمهوری اسلامی دست به هر اقدامی بزنند به آنها ضربه وارد شود.

اگرچه این پیشنهاد مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته، اما هنوز از سوی هیأت سیاسی مورد پذیرش قرار نگرفته است. دفتر نخست وزیر نیز اظهار نظری نکرده و سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد که در مورد مسائل طبقه‌بندی شده اظهار نظر نمی‌کند.

برخی مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند پاسخ به اسرائیل با همکاری «گروه‌های مقاومت» انجام می‌شود. بعضی از عملیات «وعده صادق ۲» می‌گویند و برخی منابع ادعا می‌کنند این پاسخ «موشکی نیست!»

البته جمهوری اسلامی که از درون و در خاک ایران ضربه‌های سنگین می‌خورد، برای پاسخ به اسرائیل گزینه‌های

با توجه به شرایط کنونی نوار غزه برای سنوار مهیا نیست و اسرائیل به شدت به دنبال ترور او است.

یحیی سنوار که گفته می‌شود طراح اصلی عملیات مرگبار «هفت اکتبر» است پس از ترور اسماعیل هنیه به عنوان رئیس گروه تروریستی حماس منصوب شد. شورای گروه حماس روز ششم اوت (۱۶ مرداد) به صورت رسمی اعلام کرد که یحیی سنوار رئیس دفتر سیاسی این گروه خواهد بود. این در شرایطی است که نام او در فهرست کسانی قرار دارد که اسرائیل برای حذف آنها برنامه دارد. اختلافات بر سر جانشینی هنیه زیاد بود. شبکه خبری «المیادین» یک روز پیش از انتخاب سنوار ادعا کرد «ابو عمر حسن» رئیس مجلس حماس جانشین موقت هنیه خواهد شد. قبل از آن هم نام «خالد مشعل» و همچنین «خلیل الحیه» مسئول روابط عربی-اسلامی و نایب رئیس حماس مطرح بود.

مقامات اسرائیلی می‌گویند سنوار در غزه بسر می‌برد و به گفته‌ی منابع اسرائیلی در تونل‌هایی که این گروه تروریستی طی سال‌ها از جمله در مسیر کشور مصر ساخته است، رفت و آمد می‌کند.

یسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل در واکنش به انتصاب سنوار به عنوان رهبر حماس در «ایکس» نوشت «انتصاب تروریست ارشد یحیی سنوار به عنوان رهبر جدید حماس، بجای اسماعیل هنیه، دلیل قانع کننده دیگری برای حذف سریع او و محو این سازمان منحوس از روی زمین است.» گروه‌های فلسطینی در بیانیه‌ای ادعا کردند که انتخاب سنوار «یک سیلی بزرگ به صورت صهیونیست‌ها و ضربه‌ای عظیم به توطئه‌های آنهاست!» جهاد اسلامی در پیامی جداگانه اعلام کرد، «انتخاب یحیی سنوار به عنوان رئیس دفتر سیاسی حماس پیامی قاطع به دشمن است.» حزب‌الله لبنان نیز اعلام کرد انتخاب سنوار «پیام ایستادگی و یکپارچگی حماس به دشمن صهیونیستی است.»

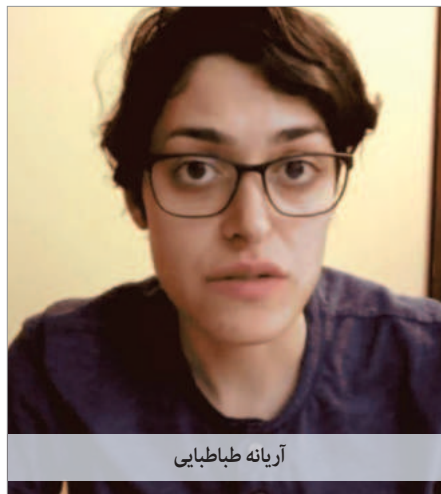
در این میان، بعضی منابع رسانه‌ای در تهران انتخاب سنوار را «غیرمنتظره» دانستند زیرا به اعتقاد آنها «یکی از مهم‌ترین ملاک‌ها برای انتخاب ریاست حماس امکان حضور آزاد و فعال به ویژه در محافل منطقه‌ای است؛ امری که با توجه به شرایط کنونی نوار غزه برای سنوار مهیا نیست و اسرائیل به شدت به دنبال ترور او است.»

یحیی ابراهیم حسن السنوار در اکتبر ۱۹۶۲ در اردوگاه پناهندگان خان یونس به دنیا آمد. او در دانشگاه اسلامی غزه در رشته مطالعات عربی تحصیل کرد. برادر کوچک‌ترش محمد سنوار نیز از رهبران نظامی گروه تروریستی حماس است. سنوار در سال ۲۰۱۱، یک ماه پس از آزادی از زندان، با همسرش سمر که ۱۸ سال از او کوچک‌تر است ازدواج کرد. سنوار فرزندان خردسال دارد. این تروریست حماس در سال ۱۹۸۸ ربودن و قتل دو سرباز اسرائیلی و چهار فلسطینی را که به باور او با اسرائیل همکاری می‌کردند، برنامه‌ریزی کرده بود.

وی در سال ۱۹۸۹ به چهار بار حبس ابد محکوم شد اما در زندان نیز به باور زندانبانان اسرائیلی، مسئول مدیریت کشتن زندانیانی بود که گمان می‌کرد خرمچین باشند.

سنوار در سال ۲۰۱۱ در جریان تبادل زندانیان همراه با ۱۰۲۵ زندانی فلسطینی در مقابل آزادی گیلعاد شالیت سرباز اسرائیلی به نوار غزه بازگشت. رهبر جدید تروریست‌های حماس که پس از کشته شدن اسماعیل هنیه در قلب تهران رئیس این گروه شده است، در سال ۲۰۱۷ به عنوان جانشین اسماعیل هنیه ریاست حکومت حماس را در نوار غزه به عهده گرفته بود.

واشنگتن فری بیکن: آغاز تحقیقات در مورد رابطه مشاور امنیت ملی کامالا هریس با آریانه طباطبایی



آریانه طباطبایی

● سناتور جمهوریخواه تام کاتن به همراه الیز استفانیک از نمایندگان مجلس آمریکا درباره ارتباط فیلیپ گوردون مشاور امنیت ملی کامالا هریس با شبکه نفوذ جمهوری اسلامی تحقیق می‌کنند.

● در این گزارش آمده، «ارتباط گوردون با طباطبایی نگرانی‌ها را پیش از انتخابات ۲۰۲۴ تشدید می‌کند. گوردون احتمالاً نقش مرکزی امنیت ملی را در کاخ سفید هریس ایفا خواهد کرد و ارتباطات او با گروه‌های حامی تهران حاکی از آن است که در صورت انتخاب هریس، احیای دیپلماسی با حکومت ایران اولویت اصلی سیاست خارجی وی خواهد بود.»

سناتور جمهوریخواه تام کاتن به همراه الیز استفانیک از نمایندگان مجلس آمریکا درباره ارتباط فیلیپ گوردون مشاور امنیت ملی کامالا هریس با شبکه نفوذ جمهوری اسلامی تحقیق می‌کنند.

پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» در مطلبی که ۳۱ ژوئیه (دهم مرداد) منتشر شد گزارش داد تام کاتن و الیز استفانیک تحقیقاتی را در مورد فیلیپ گوردون به دلیل ارتباط وی با یک شبکه نفوذ جمهوری اسلامی آغاز کرده‌اند. این دو نماینده طی نامه‌ای به کامالا هریس معاون جو بایدن و نامزد دموکرات‌ها در انتخابات آتی ریاست جمهوری آمریکا از وی خواستند که اطلاعاتی در مورد ارتباطات فیلیپ گوردون مشاورش با آریانه طباطبایی، یکی از مقامات ارشد وزارت دفاع که گفته می‌شود در عملیات حکومت برای گسترش قدرت نرم تهران در ایالات متحده دست داشته است، ارائه دهد.

در این گزارش آمده، «ارتباط گوردون با طباطبایی نگرانی‌ها را پیش از انتخابات ۲۰۲۴ تشدید می‌کند. گوردون احتمالاً نقش مرکزی امنیت ملی را در کاخ سفید هریس ایفا خواهد کرد و ارتباطات او با گروه‌های حامی تهران حاکی از آن است که در صورت انتخاب هریس، احیای دیپلماسی با حکومت ایران اولویت اصلی سیاست خارجی وی خواهد بود.»

کاتن و استفانیک در درجه اول نگران دسترسی گوردون به اطلاعات طبقه‌بندی شده هستند و می‌خواهند بدانند که آیا روابط او با مقامات تهران ممکن است او را از داشتن مجوز امنیتی فوق سری محروم کند.»

نویسندگان این نامه تأکید کردند سوءظن‌هایی وجود دارد که طباطبایی همسو با جمهوری اسلامی منافع رژیم ایران را در آمریکا تبلیغ می‌کند.

بر اساس این نامه، گوردون از نزدیک با «نایاک» از سازمان‌های نفوذ جمهوری اسلامی که گفته می‌شود با تهران همکاری می‌کند، در ارتباط است. در این گزارش تأکید شده نایاک مدت‌هاست که با اتهاماتی مبنی بر خدمت به عنوان بازوی لابیگری ثبت‌نشده رژیم ایران در آمریکا روبروست و گفته می‌شود «اتاق پژواک» طرفداران حکومت ایران در آمریکا است.

شبکه تلویزیونی «ایران اینترنشنال» و مؤسسه «سمافور» مهرماه ۱۴۰۲ در یک گزارش مشترک شبکه نفوذ جمهوری اسلامی در آمریکا شامل افرادی مثل علی واعظ عضو «گروه بین‌المللی بحران»، آریانه طباطبایی عضو سابق تیم رابرت مالی در وزارت خارجه آمریکا، عدنان طباطبایی، الی گراهمپه، دینا اسفندیاری و چند نفر دیگر را افشا کردند. آریانه طباطبایی یکی از کسانی بود که با رابرت مالی مسئول سابق امور ایران در وزارت خارجه آمریکا ارتباط نزدیک داشت.

روزنامه «نیویورک پست» آذرماه ۱۴۰۲ گزارش داد آریانه طباطبایی با مجوز امنیتی در بالاترین سطح در پنتاگون فعال است. در همین گزارش افشا شد او از کسانی بود که در ارتباط با پرونده «عملیات نفوذ رژیم ایران» در نهادهای دولتی آمریکا تحت بازجویی قرار گرفت.

روزنامه «نیویورک پست» همچنین فاش کرده بود «آریانه طباطبایی نه تنها منشی کریستوفر مایر معاون وزیر دفاع آمریکا در عملیات‌های ویژه است، بلکه به گفته منابع نیروی دریایی، او اخیراً به عنوان افسر ذخیره اطلاعات نیروی دریایی دوره دیده است.»

این ماجراها پس از آن بالا گرفت که براساس اطلاعات محرمانه افشا شد که نهادهای امنیتی آمریکا «صلاحیت امنیتی» رابرت مالی را به اتهام «سوء استفاده از اطلاعات طبقه‌بندی شده» باطل کرده‌اند.

منابع نیمه‌رسمی در ایران از جمله روزنامه «تهران تایمز» مدعی شده بودند که لغو مجوز امنیتی رابرت مالی به علت افشای برخی اطلاعات طبقه‌بندی شده مرتبط با برخی ایرانیان در آمریکا بود که نقش دلان دیپلماتیک و کارشناس رسانه‌ای را ایفا می‌کنند.

چند نفر از اعضای کنگره آمریکا از جمله مایک مک‌کال رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان بارها از وزارت خارجه دولت بایدن خواستند گزارش دقیقی درباره دلیل «مرخصی اجباری» رابرت مالی و دلیل «تعلیق مجوز امنیتی» وی ارائه کنند اما این اتفاق نیفتاد.

دو عضو کنگره آمریکا در نامه خود خطاب به هریس پرسیده‌اند «آیا از ادامه کار طباطبایی در وزارت دفاع حمایت می‌کنید؟ شما به عنوان معاون رئیس جمهور چه اقدامات مشخصی برای رسیدگی شناسایی شبکه نفوذ جمهوری اسلامی در دولت انجام داده‌اید؟»

انتصاب‌های مسعود پزشکیان با جمع کردن متهمان فساد مالی و اختلاسگر در کابینه!



حمید پورمحمدی، شهرام دبیری



علی طیب‌نیا در دولت نخست حسن روحانی و در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ به عنوان وزیر امور اقتصادی و دارایی فعالیت می‌کرد. در آن زمان خبرهایی درباره اختلاف نظر میان علی طیب‌نیا و محمدجواد ظریف که وزیر امور خارجه وقت بود منتشر شده بود.

روزنامه «کیهان» چاپ تهران در شماره امروز دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۳ درباره انتصاب علی طیب‌نیا به عنوان «مشاور عالی» با کنایه عنوان کرده «طیب اقتصاد کابینه نیامده کنار گذاشته شد». کیهان تهران نوشته که «قرار گرفت علی طیب‌نیا به عنوان مشاور عالی رئیس جمهور پس از آنهمه هیاهو درباره معاون اولی او، نشان داد اهمیت حل مشکلات اقتصادی در اردوگاه مدعیان اصلاحات، شعاری بیش نیست و تنها مربوط به دوره انتخابات و ابزاری برای گرفتن رای مردم است و وقتی پای تقسیم پست‌ها در میان باشد، مناسبات جناحی پدرخوانده‌ها تعیین‌کننده خواهد بود.»

روزنامه «کیهان» همچنین نوشته که «انتخاب علی طیب‌نیا وزیر اقتصاد ضعیف دولت روحانی به عنوان مشاور عالی رئیس جمهور، شاید به در صدر بودن مسائل اقتصادی در دولت چهاردهم تعبیر شود اما حضور دو چهره سیاسی در مقام بالاتر از طیب‌نیا، یعنی عارف در مقام معاون اول و ظریف به عنوان معاون راهبردی نه تنها به معنای کنار زدن طیب‌نیا از سطح عالی دولت بلکه نشانه کنار گذاشته شدن اقتصاد از مسئله اول کشور در دولت است. طیب‌نیا قرار بود معاون اول شود اما گویا زورش به جریان اصلاحات نرسید و حالا باید تحت اوامر عارف و ظریف باشد.»

انتصاب‌هایی که تا کنون در سطح معاونان و مشاوران و رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس دفتر از سوی مسعود پزشکیان صورت گرفته با واکنش روزنامه «همشهری» نیز روبرو شده است. این روزنامه در مطلبی نوشته «در شرایطی که پزشکیان در دوران رقابت‌های انتخاباتی و پس از آن، بر تشکیل کابینه وفاق ملی با حضور جوانان تأکید می‌کرد، اما منتقدان انتصاب‌های اخیر بر این اعتقادند که تاکنون

او خود را دارای مدرک دکترا معرفی می‌کرد، احمد توکلی رئیس وقت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفته بود او مدرک دکترا ندارد.

حمید پورمحمدی از حامیان محمود احمدی‌نژاد و البته از دوستان نزدیک مقامات دو دولت یازدهم و دوازدهم به ریاست حسن روحانی است.

او در حالی در دولت محمود احمدی‌نژاد قائم مقام بانک مرکزی بود که از حامیان سرسخت برنامه‌های اقتصادی احمدی‌نژاد نیز به شمار می‌رفت.

حمید پورمحمدی پس از تشکیل دولت حسن روحانی با حکمی از سوی محمدباقر نوبخت به عنوان معاون امور تولیدی سازمان برنامه و بودجه منصوب شد. او در سال ۱۳۹۶ به عنوان معاون امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه سازمان برنامه و بودجه و چند ماه بعد به عنوان دبیر ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی منصوب شد.

حمید پورمحمدی در اوایل فعالیت دولت ابراهیم رئیسی نیز معاون امور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه بود.

مسعود پزشکیان همچنین در حکم دیگری علی طیب‌نیا را به عنوان «مشاور عالی» خود منصوب کرده است. این در حالیست که بعد از پیوستن علی طیب‌نیا به تیم مسعود پزشکیان، حامیان او موج تبلیغات گسترده‌ای راه انداختند و با ادعای حل مشکلات اقتصادی کشور با آمدن طیب‌نیا، او را به عنوان استاندار اقتصادی دولت چهاردهم معرفی کرده‌اند.

تا چند روز پیش نیز از علی طیب‌نیا به عنوان گزینه‌های ریاست بانک مرکزی و وزارت اقتصاد یاد می‌شد در حالی که مقام معاونت او نشان از تغییر سیاست‌گذاری مسعود پزشکیان و محمدجواد ظریف در چیدن مهره‌های دولت چهاردهم، و یا مخالفت علی طیب‌نیا با گرفتن پست وزارت در دولت پزشکیان دارد.

علی طیب‌نیا همچنین به عنوان یکی از گزینه‌های معاون اول پزشکیان هم مطرح بود اما خودش گفته «به دلایل شخصی» این جایگاه را نپذیرفت.

● شهرام دبیری به عنوان معاون پارلمانی ریاست جمهوری و حمید پورمحمدی به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه منصوب شدند. هر دو فرد در سال‌های گذشته با پرونده‌های فساد مالی روبرو بوده‌اند.

● شهرام دبیری از همشهری‌های مسعود پزشکیان در سال ۱۳۹۹ و در حالی که رئیس شورای اسلامی شهر تبریز بود به اتهام فساد و سوء استفاده مالی توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت شد.

● حمید پورمحمدی در کنار محمود خاوری از متهمان پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی است.

انتصاب کابینه چهاردهم جمهوری اسلامی از سوی مسعود پزشکیان بار دیگر جاسازی «خودی»‌هایی رانتخوار و فاسد در جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشته است. پست‌های معاون پارلمانی ریاست جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه از سوی مسعود پزشکیان به دو متهم به فساد مالی سپرده شده است.

مسعود پزشکیان در احکامی جداگانه شهرام دبیری را به عنوان معاون پارلمانی خودش و حمید پورمحمدی را به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه منصوب کرد. هر دو فرد در سال‌های گذشته با پرونده‌های فساد مالی روبرو بودند.

شهرام دبیری از همشهری‌های مسعود پزشکیان در سال ۱۳۹۹ و در حالی که رئیس شورای اسلامی شهر تبریز بود به اتهام فساد و سوء استفاده مالی توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت شد.

بر اساس گزارش سازمان بازرسی استان آذربایجان شرقی، شهرام دبیری در پرونده‌ای با عنوان «مسافرت‌های خارجی و هزینه‌کرد مواد ۱۶ و ۱۷ بودجه شهرداری مربوط به اهدا به اشخاص حقیقی و حقوقی» مجرم شناخته شده بود. او به همراه ۱۱ تن دیگر از اعضای شورای مالی فساد و سوء استفاده مالی و برداشت غیرقانونی از منابع شورای اسلامی شهر را انجام داده بودند.

هرچند خبرهایی درباره جزئیات روند محاکمه شهرام دبیری منتشر نشده اما به هر حال او در زندان نیست و هم‌اکنون رئیس شورای استان آذربایجان شرقی و نماینده این استان در شورای عالی استان‌ها است.

شهرام دبیری که او نیز مانند مسعود پزشکیان دانش‌آموخته رشته پزشکی است، در سال ۷۷ باشگاه فوتبال «دبیری» را در تبریز تأسیس کرد و اکنون مدیر این مجموعه است که تیم فوتبال و مدرسه فوتبال دارد.

دیگر انتصاب حاشیه‌ساز مسعود پزشکیان مربوط به سیدحمید پورمحمد گل سفید معروف به حمید پورمحمدی از همکاران محمود خاوری در پرونده فساد معروف سه هزار میلیارد تومانی است!

در زمان وقوع اختلاس بی‌سابقه سه هزار میلیارد تومانی، حمید پورمحمدی قائم مقام بانک مرکزی در دولت احمدی‌نژاد بود. در این پرونده در نهایت مه‌آفرید خسروی به عنوان متهم ردیف اول در روز سوم خرداد ۱۳۹۳ اعدام شد و محمودرضا خاوری مدیرعامل پیشین بانک ملی به کانادا گریخت.

حمید پورمحمدی پنجم آبان ۱۳۹۰ به عنوان متهم پرونده فساد سه هزار میلیارد تومانی بازداشت شد و ۲۸ آذر همان سال با وثیقه ۵ میلیارد ریالی آزاد شد. همزمان در حالی که

تشکیل «پرونده قضایی» برای ترور اسماعیل هنیه

دستور شناسایی و بازداشت مقصرین و «عوامل نفوذی»



مراسم تشییع جنازه اسماعیل هنیه و محافظش در تهران

مسئولیت تأمین امنیت افراد بلندپایه سیاسی را بر عهده دارند. سناریوهای مختلفی در مورد شیوه ترور هنیه مطرح شده است اما اغلب افرادی که در این ارتباط نظر داده‌اند به صورت مشترک معتقدند بدون همکاری عوامل نفوذی در داخل نیروهای مسلح و امنیتی جمهوری اسلامی انجام چنین عملیات دقیق و حساب شده‌ای ممکن نبوده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای که شنبه ۱۳ مرداد (سه روز بعد از کشته شدن هنیه) منتشر شد، با اشاره به اینکه اسرائیل عامل این ترور بود عنوان کرد، «با توجه به تحقیقات و بررسی‌های به عمل آمده، این عملیات با شلیک پرتابه کوتاه‌برد با سر جنگی حدود هفت کیلوگرمی، همراه با انفجار شدید» و «از خارج محدوده استقراری» مهمانسرای که هنیه در آن اقامت داشت انجام شده است.

با توجه به این گزارش، عملیات ترور هنیه توسط تیمی حرفه‌ای هدایت شده که دست‌کم بخشی از مجریان عملیات می‌بایست از بین نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی بوده باشند تا از زمان و مکان استقرار هنیه خبر می‌داشتند و همچنین این امکان نیز برای آنها وجود می‌داشت که تجهیزات شامل اسلحه و دوربین را به نقطه شلیک حمل کنند و بعد از پایان مأموریت نیز از آنجا دور شوند. در ارتباط با کشته شدن اسماعیل هنیه در تهران که مهمان جمهوری اسلامی بود، روز یکشنبه ۱۴ مرداد مجلس شورای اسلامی برای بررسی ابعاد ترور وی جلسه غیرعلنی برگزار کرده است. محمدباقر قالیباف رئیس مجلس در نطقی تهدید کرد «نیروهای مقتدر نظامی درسی تاریخی به این دشمن تروریستی خواهند داد». اشاره‌ی گراف و بی‌پایه‌ی قالیباف به «نیروهای مقتدر نظامی» در شرایطی است که ترور هنیه در قلب تهران نشان از ضعف و ناتوانی دستگاه امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی دارد که منجر به ضربه‌ای سنگین‌تر از کشته شدن قاسم سلیمانی در بغداد برای علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا و رهبر رژیم شده که همه‌ی سیاست‌های کلان به ویژه در زمینه‌های نظامی و امنیتی زیر نظر و توسط وی تعیین و پیش برده می‌شود.

● **حجت‌الاسلام صادق رحیمی از معاونان قوه قضائیه جمهوری اسلامی می‌گوید، «دستور شناسایی و بازداشت کسانی که در ماجرای ترور اسماعیل هنیه قصور داشتند و یا به عنوان عامل نفوذی از آنها استفاده شده صادر شده است».**

● **وی توضیح داد، «تردید نداریم این جنایت توسط رژیم صهیونیستی صورت گرفته، اما اینکه اسرائیل در این ترور از عوامل نفوذی و عامل انسانی و جاسوس استفاده کرده یا مستقیم این جنایت را انجام داده، در حال بررسی و پیگیری است».**

حجت‌الاسلام صادق رحیمی از معاونان قوه قضائیه جمهوری اسلامی می‌گوید، «دستور شناسایی و بازداشت کسانی که در ماجرای ترور اسماعیل هنیه قصور داشتند و یا به عنوان عامل نفوذی از آنها استفاده شده صادر شده است».

معاون قوه قضائیه این سخنان را روز یکشنبه ۱۴ مرداد که برای شرکت در همایش «بسیح حقوقدانان» در قزوین رفته بود بیان داشت. در این همایش شماری از مقامات قضایی استان و همچنین سردار پاسدار رستمعلی رفیعی آتانی فرمانده «سپاه صاحب الامر» قزوین حضور داشتند.

رحیمی با بیان اینکه در مورد ترور هنیه، پرونده قضایی تشکیل شده است، گفت به دستور دادستان کل کشور کسانی که در ماجرای ترور «قصور» داشتند و یا به عنوان «عامل نفوذی» از آنها استفاده شده، شناسایی و دستگیر می‌شوند. وی توضیح داد، «تردید نداریم این جنایت توسط رژیم صهیونیستی صورت گرفته، اما اینکه اسرائیل در این ترور از عوامل نفوذی و عامل انسانی و جاسوس استفاده کرده یا مستقیم این جنایت را انجام داده، در حال بررسی و پیگیری است». روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از «منابع مطلع» گزارش داده بود که بیش از ۲۰ نفر از جمله تعدادی از افسران اطلاعاتی، مقامات نظامی و کارکنان مهمانسرای که هنیه آنجا اقامت داشت بازداشت شده‌اند. در این گزارش تأکید شده «بازداشت‌ها سطح بالا» بوده است.

در ایران «سپاه ولی امر» و «سپاه حفاظت انصارالمهدی»

→ در احکام صادر شده از سوی رئیس‌جمهور، چنین رویکردهایی در نظر گرفته نشده است.»

در ادامه آمده که «بالا بودن میانگین سنی افراد منصوب شده، تعلق حزبی خاص و انتخاب از میان حلقه دوستان و همکاران سابق، از جمله نکاتی است که طی روزهای اخیر از سوی منتقدان مطرح شده؛ موضوعی که توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی را نیز به خود جلب کرده و با واکنش‌هایی از سوی چهره‌های نزدیک به دولت نیز مواجه شده است.»

اینهمه در حالیست که هنوز فهرست وزرای پیشنهادی مسعود پزشکیان به مجلس شورای اسلامی ارائه نشده و رایزنی‌ها دربارۀ وزرا ادامه دارد.

برخی رسانه‌ها اعلام کرده‌اند پرویز فتاح رئیس «ستاد اجرایی فرمان امام» و از حامیان سعید جلیلی در انتخابات اخیر نیز گزینه پزشکیان برای وزارت نیرو است. همچنین گفته شده محمد مخبر دزفولی به جای پرویز فتاح به ریاست «ستاد اجرایی فرمان امام» خواهد رسید.

پرویز فتاح متولد سال ۱۳۴۰ دانش آموخته مهندسی عمران و مهندسی صنایع از دانشگاه‌های «شریف» (آریامهر) و «امیرکبیر» (پلی تکنیک) است. او سابقه عضویت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را دارد و در دولت نهم وزیر نیروی دولت احمدی نژاد بود و پس از آن مدیرعامل بنیاد تعاون سپاه، رئیس کمیته «بنیاد امام خمینی»، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و رئیس «ستاد فرمان اجرایی امام» بوده است.

به گفته دو نماینده مجلس شورای اسلامی قرار است فهرست وزرای پیشنهادی تا آخر همین هفته از سوی مسعود پزشکیان به مجلس شورای اسلامی ارائه شود.

علیرضا سلیمی به نقل از محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی گفته «آقای پزشکیان هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده است. هر زمانی که لیست وزرا به مجلس اعلام شود یک هفته مهلت بررسی در کمیسیون‌های تخصصی است و بعد موضوع رای اعتماد در جلسات علنی مطرح می‌شود.»

احمد نادری از اعضای هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی گفته که «هنوز رئیس‌جمهور درباره برخی اعضای کابینه خود به جمع‌بندی نرسیده است. امیدواریم سه‌شنبه یا چهارشنبه هفته جاری لیست وزرای پیشنهادی دولت چهاردهم به مجلس ارائه شود.»

روزنامه «جمهوری اسلامی» نیز خواستار ارائه هرچه زودتر فهرست وزرای پیشنهادی به مجلس شده تا از بروز «اختلافات» جلوگیری شود. در مطلب «جمهوری اسلامی» آمده «انتظار این بود که با استفاده از فرصت ۲۲ روزه میان مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری تا مراسم تحلیف، فهرست اسامی اعضاء پیشنهادی کابینه به مجلس داده شود و هرچه زودتر دولت جدید مستقر گردد. نه تنها این انتظار برآورده نشد بلکه هنوز چشم‌انداز روشنی از حرکت به سوی استقرار دولت مشاهده نمی‌شود.»

این مطلب افزوده «قطعاً آقای رئیس‌جمهور از بعضی اقدامات در زمینه‌های امتیاز دادن‌ها، صدور مجوزها، جابجائی‌ها اعم از موارد داخلی و خارجی، هزینه کردن‌های خارج از ضوابط قانونی و تصمیم‌سازی‌هایی که با سیاست‌های اعلام شده دولت چهاردهم منافات دارند، مطلع هستند. هرچند در شرایط کنونی نیز اگر آقای رئیس‌جمهور بخواهد می‌تواند مانع این اقدامات شود ولی اینکه خری از ممانعت نیست می‌تواند به این معنا باشد که ساختار لازم برای تصمیم‌گیری، اجرا و برخورد را در اختیار ندارد.»

انتقادها به سازماندهی بازی‌های المپیک پاریس ادامه دارد ورزشکاران برای فرار از گرمای خوابگاه در پارک می‌خوابند!



توماس چککون ایتالیایی برنده مدال طلای شنای صد متر کراال پشت

رسانه‌ای نیز مشکلات خود را دارند. در بسیاری از محل‌هایی که میزبان رقابت‌ها هستند برخلاف سنت دیگر مسابقات جهانی ورودی جداگانه‌ای برای آنها در نظر گرفته نشده و کنترل‌های امنیتی چنان کند هستند که در بسیاری اوقات آنها در نیمه بازی‌ها موفق به ورود به ورزشگاه می‌شوند. یک مشکل دیگر راهنمایی است که در مسیرها به سمت محل رقابت‌ها با وظیفه کمک به بازدیدکنندگان مستقر شده‌اند. نه تنها این راهنمایان که همگی داوطلب هستند دوره‌ای برای این کار ندیده‌اند و حتی برای پرسش‌های بسیار ساده نیز پاسخی ندارند، بلکه گروهی از آنها انگلیسی صحبت نمی‌کنند و نیم دیگر که داوطلبان خارجی هستند زبان فرانسه بلد نیستند و با پاریس آشنائی ندارند. فرهاد که یک جوان داوطلب ایرانی-هلندی است و به عنوان راهنمای داوطلب در این بازی‌ها حضور دارد، به کیهان لندن می‌گوید «برای ما تنها سمیناری ۳ ساعته گذاشتند و از روی نقشه محل رقابت‌ها و برخی محله‌های معروف پاریس را نشان دادند و بس.» همین جوان داوطلب اضافه می‌کند که «شمار داوطلبانی که اهل پاریس هستند بسیار اندک است و آنها نیز مانند بسیاری دیگر از ساکنان پاریس، پایتخت را ترک کرده و تنها در پایان بازی‌ها باز خواهند گشت.» گرانی هم یکی دیگر از مشکلاتی است که صدای بیش از یک میلیون نفری را که برای حضور در بازی‌های المپیک به این شهر سفر کرده‌اند درآورده است. فرهاد به کیهان لندن می‌گوید «در این روزها برای یک قهوه آبکی و یک بطری شیشه‌ای یک چهارم لیتری آب باید حداقل ۱۱ یورو پرداخت کرد. بطری‌های پلاستیکی را برای مقابله با آلودگی محیط زیست ممنوع اعلام کرده‌اند و کافه‌تریاها بطری‌های یک لیتری را تنها به کسانی می‌فروشند که غذا هم سفارش داده باشند.» یک ساندویچ ساده، یک قهوه و یک بطری کوچک آب می‌تواند بین ۲۰ تا ۳۵ یورو هزینه بردارد. برای یک ناهار در یک رستوران معمولی هم باید مبلغی بین ۴۰ تا ۵۰ یورو پرداخت کرد.

از سوی دیگر، عمق استخری که بسیاری از رقابت‌های شنا را میزبانی می‌کند تنها ۳ متر است، زیرروی یک پارکینگ زیرزمینی ساخته شده. شناگران می‌گویند این عمق کم باعث شده که امواج تولیدشده بسیار بلند باشند و شنا در آنها مشکلاتی را به وجود آورد. توماس چککون در همین رابطه می‌گوید بسیاری از شناگران نتوانستند رکوردهای خود را حفظ کنند. البته برخی ورزشکاران از خدمات ارائه شده در پاریس رضایت دارند. ورزشکاران کاروان آمریکا در شبکه‌های اجتماعی از خدمات پزشکی رایگان، حتی خدمات دندانپزشکی، تعریف می‌کنند و می‌نویسند در کشور خودشان برای خدمات پزشکی که در پاریس دریافت کردند مجبور بودند مبالغ هنگفتی از جیب خود پرداخت کنند. تنها کاروان‌های ورزشی نیستند که از ناسامانی‌های این دوره از بازی‌های المپیک شکایت دارند و ناراضی هستند. در دوره‌های گذشته بازی‌های المپیک در دیگر کشورها بازدیدکنندگان برای جابجایی می‌توانستند از اتوبوس‌های رایگان استفاده کنند. در پاریس چنین نیست و در نزدیکی محل رقابت‌ها نیز ایستگاه‌های مترو را به دلایل امنیتی بسته‌اند و تنها راه برای رفت و آمد استفاده از تاکسی است. تاکسی‌هایی که نه تنها یافتن آنها مشکل است بلکه هزینه بالائی نیز دارند و با توجه به ترافیک این روزها و خیابان‌هایی که تنها اتومبیل‌هایی که مجوز ویژه‌ای دریافت کردند می‌توانند تردد کنند، می‌بایست مسیرها بسیار طولانی و فرعی را طی کرد و مدت رفت و آمد نیز تقریباً دو برابر شرایط طول می‌کشد.

چندین هزار روزنامه‌نگار از سراسر جهان برای پوشش خبری این بازی‌ها راهی پاریس شده‌اند. مرکز کنگره «پورت مایو» به این مناسبت به مرکز رسانه‌ای تبدیل شده ولی مشکل اینجاست که بیش از یک سوم از روزنامه‌نگاران که به این مناسبت به پاریس رفته‌اند نتوانسته‌اند میزبانی را در این محل برای کار به دست آورند و بسیاری روی زمین کامپیوتر و بساط کار خود را پهن کرده‌اند. عکاسان و فیلمبرداران

● فیلم چند ثانیه‌ای توماس چککون ایتالیایی برنده مدال طلای شنای صد متر کراال پشت که روی یک حوله در پارک دهکده المپیک در سنت دنی در حومه پاریس روی زمین خوابیده است، به صورت گسترده در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود.

● کلر میشل ورزشکاری که در تریالتون زنان شرکت کرده بود به دلیل ابتلا به باکتری «اشرشیاکلی» که در رودخانه سن بیش از حد مجاز وجود دارد، از شرکت در رقابت تیم مختلط در این رشته منصرف شده است.

● بعد از اعتراض‌های روزهای اول در رابطه با کیفیت غذایی که برای ورزشکاران سرو می‌کردند گویا وضعیت بهتر شده ولی هنوز صفاها در غذاخوری بسیار طولانی است و گاهی ورزشکاران باید بیش از یک ساعت در صف غذا بایستند.

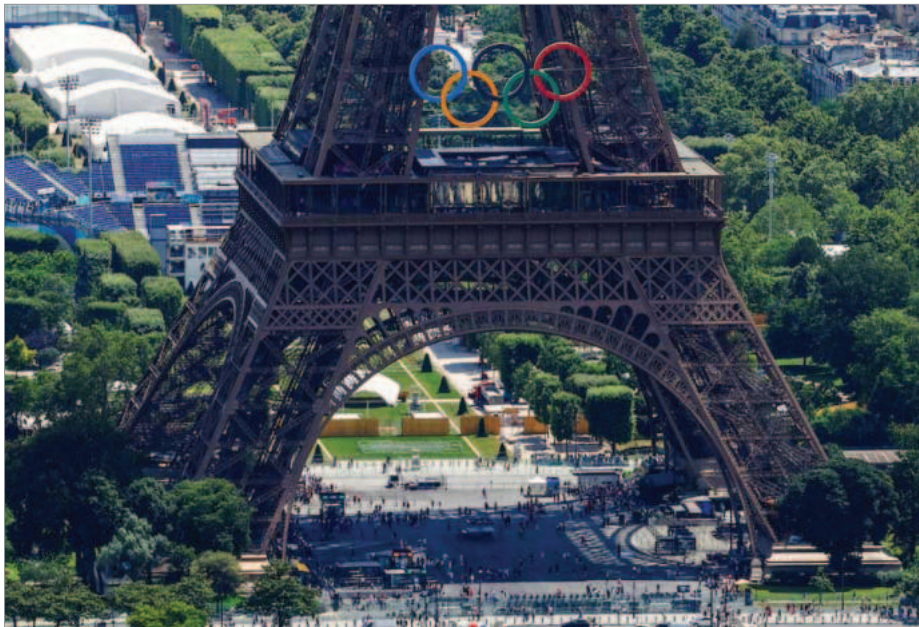
احمد رأفت - شکایت‌ها و ناراضی‌ها از سازماندهی بازی‌های المپیک پاریس ادامه دارد. اخیراً فیلم کوتاهی که حسین علی رضا قایقران سعودی در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته، دست به دست می‌گردد. در این فیلم توماس چککون ایتالیایی برنده مدال طلای شنای صد متر کراال پشت دیده می‌شود که روی یک حوله در پارک دهکده المپیک در سنت دنی در حومه پاریس روی زمین خوابیده است.

توماس چککون بعد از اینکه این فیلم چند ثانیه‌ای در شبکه‌های اجتماعی به صورت گسترده دست به دست شد، گفت برای فرار از هوای گرم خوابگاهی که کولر ندارد به پارک پناه برده تا بتواند چند ساعتی در دمای قابل قبول استراحت کند. این قهرمان شنای ایتالیایی در ادامه می‌گوید دمای خوابگاه‌ها به حدی گرم است که شب‌ها تا پاسی از نیمه‌شب بسیاری از ورزشکاران نمی‌توانند بخوابند و صبح خسته بیدار می‌شوند. در دهکده المپیک تنها فضاهای عمومی مانند غذاخوری یا سالن‌های سرگرمی مجهز به کولر هستند. برای کاهش آلودگی هوا در خوابگاه‌ها کولر قرار نداده‌اند و با گرمای بالای ۳۵ درجه این روزها تحمل این وضعیت برای بسیاری از ورزشکاران غیرقابل تحمل است. اتوبوس‌هایی که ورزشکاران را به محل رقابت منتقل می‌کنند هم مجهز به کولر نیستند و گاهی این انتقال بیش از یک ساعت به طول می‌انجامد.

بعد از اعتراض‌های روزهای اول در رابطه با کیفیت غذایی که برای ورزشکاران سرو می‌کردند و موجب شد کاروان بریتانیا دهکده المپیک را ترک کرده و با آوردن آشپزهایی از لندن از استفاده از غذاخوری دهکده المپیک صرف نظر کنند، گویا وضعیت بهتر شده است. البته هنوز صفاها در غذاخوری بسیار طولانی است و گاهی ورزشکاران باید بیش از یک ساعت در صف غذا بایستند.

مشکل آلودگی سن هم که ادعا می‌شد رفع شده چون پس از یک روز تأخیر بالاخره شناگران رقابت‌های تریالتون که بخشی از آن شنا در رودخانه سن است باید می‌توانستند به آب‌های این رودخانه وارد شوند، ولی دوشنبه صبح ۵ اوت سخنگوی کاروان بلژیک اعلام کرد که کلر میشل ورزشکاری که در تریالتون زنان شرکت کرده بود به دلیل ابتلا به باکتری «اشرشیاکلی» که در رودخانه سن بیش از حد مجاز وجود دارد و به همین دلیل این رقابت‌ها به تأخیر افتاد، نخواهد توانست در رقابت‌های تیم مختلط زنانه-مردانه در این رشته شرکت کند.

بازی‌های المپیک، پروژه‌های کلان اقتصادی با هزینه‌های سرسام‌آور



● بودجه نهایی تخمینی ۱۲/۸ میلیارد یورویی المپیک پاریس این بازی‌ها را به یک پروژه اقتصادی بسیار مهم تبدیل کرده است. در سال ۲۰۱۷ میلادی، سالی که پاریس برای برگزاری بازی‌های امسال برگزیده شد، صحبت از بودجه‌ی ۶/۸ میلیارد یورویی بود.

● بر اساس برآوردهای Insee (مرکز آمار فرانسه)، فروش بلیت و درآمد حاصل از فروش حق پخش تلویزیونی حدود نیم درصد بر تولید ناخالص داخلی فرانسه در ماه‌های ژوئیه تا سپتامبر تاثیر خواهد گذاشت.

● بازی‌های المپیک زمستانی ریودوژانیرو در سال ۲۰۱۶ مدال طلای ضرر را به خود اختصاص داد. بازی‌های المپیک در این شهر با دو میلیارد دلار ضرر به پایان رسید.

● گران‌ترین بازی‌های المپیک زمستانی در سال ۲۰۱۴ در شهر بندری سوچی در روسیه برگزار شد. در سوچی روسیه ۳۷ میلیارد یورو هزینه کرد.

احمد رأفت - با بودجه نهایی تخمینی ۱۲/۸ میلیارد یورو المپیک پاریس نیز یک پروژه اقتصادی بسیار مهم به شمار می‌رود. در سال ۲۰۱۷ میلادی، سالی که پاریس برای برگزاری بازی‌های امسال برگزیده شد، صحبت از بودجه‌ی ۶/۸ میلیارد یورویی بود.

این بودجه از سوی نهادهای مختلف تأمین می‌شود. کمیته بین‌المللی المپیک، حدود ۱/۲ میلیارد یورو به کمیته برگزاری بازی‌های پاریس کمک می‌کند. حمایت‌های بخش خصوصی، مدیریت صدور مجوزهای مختلف و البته فروش بلیت قرار است بقیه این بودجه را تأمین کنند. بر پایه گمانه‌زنی‌ها بازی‌های المپیک و پارالمپیک حدود ۱۶/۵ میلیارد یورو ورودی خواهد داشت و این بازی‌ها می‌توانند با سودی چند میلیارد یورویی به پایان برسند.

تنها از فروش حق پخش تلویزیونی به بیش از ۱۲۰ کشور حدود ۷۵۰ میلیون یورو به به صندوق بازی‌های سال ۲۰۲۴ وارد خواهد شد. فروش بلیت‌های ورودی هم رکورد بازی‌های قبلی را شکسته و درآمد حاصل از آن می‌تواند حدود ۱/۱ میلیارد یورو باشد. ورودی‌های رقابت‌های مختلف نیز از صد یورو به بالا خواهد بود.

ارزان‌ترین بلیت ورودی برای مراسم آغازین و پایانی، ۱۵۰۰ یورو است. حدس زده می‌شود در مجموع، بیش از ۱۰ میلیون بلیت ورودی برای المپیک و یک میلیون برای پارالمپیک فروخته خواهد شد. درآمد حاصل از اعطای مجوزها و قراردادهای اسپانسر برای شرکت‌های تجاری نیز ۱/۴ میلیارد یورو برآورد شده است. شمار کسانی که در جریان این بازی‌ها به پاریس سفر می‌کنند، بر مبنای پیش‌بینی نهادهای گردشگری فرانسوی بیش از ۱۱ میلیون تن خواهد بود.

بر اساس برآوردهای Insee (مرکز آمار فرانسه)، فروش بلیت و درآمد حاصل از فروش حق پخش تلویزیونی حدود نیم درصد بر تولید ناخالص داخلی فرانسه در ماه‌های ژوئیه تا سپتامبر تاثیر خواهد گذاشت. تا آغاز بازی‌ها حدس زده

نداشتند، بلکه بار زیادی را نیز بر دوش مالیات‌دهندگان خود گذاشتند. بازی‌های المپیک زمستانی ریودوژانیرو در سال ۲۰۱۶ مدال طلای ضرر را به خود اختصاص داد. بازی‌های المپیک در این شهر با دو میلیارد دلار ضرر به پایان رسید که ۱/۱ میلیارد آن را شهرداری این شهر پرداخت کرد و ۹۰۰ میلیون دلار از این ضرر را دولت فدرال به عهده گرفت. رئیس کمیته برگزاری این بازی‌ها نیز به اتهام فساد و رشوه‌خواری به زندان محکوم شد.

بازی‌های المپیک توکیو ۲۰۲۰ نیز که با یک سال تاخیر به دلیل کووید در سال ۲۰۲۱ میلادی برگزار شد، یکی از بالاترین افزایش هزینه تاریخ را بعد از ریودوژانیرو به ثبت رساند. در ابتدا هزینه برگزاری این بازی‌ها در پایتخت ژاپن ۳/۷ میلیارد دلار تخمین زده شده بود ولی در بیان نهایی این مخارج ۲۸ میلیارد ارزیابی شد.

برآورد هزینه بازی‌های ریودوژانیرو در ابتدا ۲/۶ میلیارد دلار برآورد شده بود ولی در پایان به ۱۳/۷ میلیارد رسید که افزایش ۳۰۲ درصدی را نشان می‌دهد.

از بازی‌های المپیک سال ۱۹۲۴ در پاریس، بازی‌های بعدی که در آمستردام (۱۹۲۸)، هلسینکی (۱۹۵۲)، ملبورن (۱۹۵۶)، مونترال (۱۹۷۶)، مسکو (۱۹۸۰)، آتن (۲۰۰۵)، ریو (۲۰۱۶) و توکیو در سال ۲۰۲۱ برگزار شدند نیز با ضرر به پایان رسیدند.

بازی‌های زمستانی المپیک نیز وضعیت بهتری ندارند، اگرچه کل هزینه آنها خیلی کمتر از بازی‌های تابستانی است. گران‌ترین بازی‌های المپیک زمستانی در سال ۲۰۱۴ در شهر سوچی روسیه برگزار شد. روسیه در سوچی ۳۷ میلیارد یورو هزینه کرد که قابل مقایسه با هزینه میزبانان دوره‌های قبلی چون تورین در ایتالیا و یا ونکوور در کانادا نیست. حتی پکن و لندن دو میزبان المپیک‌های تابستانی که رویداد مهمتری در مقایسه با المپیک زمستانی هستند هم این مقدار هزینه نکرده بودند.

می‌شد که در دوران المپیک و پارالمپیک در مقایسه با سال ۲۰۲۳ در همین بازه زمانی، حضور در هتل‌ها کاهش ۱۵ درصدی را ثبت کند. در بازی‌های سال ۲۰۱۲ در لندن نیز هتل‌ها کاهش ده درصدی داشتند. البته با توجه به گسترش آپارتمان‌ها و اتاق‌هایی که از طریق سیستم Airbnb در سال‌های اخیر توسط جهانگردان رزرو می‌شوند این آمار شاید با واقعیت تطبیق نداشته باشند. حدس زده می‌شود که سیستم Airbnb در این بازه زمانی حضور بیش از ۴۰۰ درصدی برای اسکان گردشگران نسبت به سال قبل داشته باشد.

درآمد احتمالی این بازی‌ها، که رقم نهایی آن تا پایان سال جاری میلادی اعلام نخواهد شد، بین کمیته بین‌المللی المپیک و کمیته برگزاری بازی‌های پاریس تقسیم می‌شود. این کمیته در همکاری کمیته بین‌المللی و کمیته المپیک فرانسه تشکیل شده است. یک شرکت دولتی فرانسوی نیز برای زیرساخت‌ها تشکیل شده که سهمی در این درآمد خواهد داشت. کمیته المپیک فرانسه برآورد کرده است که سهم آن می‌تواند نزدیک به ۳/۷ میلیارد یورو باشد، که ۱/۱ میلیارد یورو آن حاصل از درآمد فروش بلیت‌های ورودی خواهد بود.

درآمد تخمین زده شده از حضور بازدیدکنندگان و روزنامه‌نگاران و هیات‌های همراه نیز حدود ۳/۵ میلیون یورو برآورد شده که باید به آن ۷۰۰ میلیون دریاقتی از حق پخش تلویزیونی و ۴۴۰ میلیون یوروی دیگر حاصل از اسپانسرها یا حامیان عمده را نیز به آن افزود. بازی‌های المپیک ۱۶ حامی مالی جهانی دارد که می‌توان از جمله به شرکت‌هایی چون کوکاکولا، سامسونگ، آلبانز و تویوتا اشاره کرد. بخشی از این درآمدها که مستقیم به کمیته بین‌المللی المپیک پرداخت می‌شود به کمیته محلی واریز خواهد شد.

در دوره‌های گذشته کم نبودند شهرهایی که بازی‌های المپیک و پارالمپیک را میزبانی کردند و نه تنها درآمدی

محمد جواد ظریف که تکرار می‌کرد در دولت چهاردهم هیچ پست و مقامی نخواهد داشت، «معاون راهبردی» پزشکيان شد!



از سوی شورای نگهبان بوده است. با اینهمه او مسئولیت اصلی نمایش انتخابات را برعهده گرفت و با نقش بازی کردن از جمله داد و بیداد و هیاهو و لودگی و تهییج مخاطبان به سود پزشکيان تلاش کرد مردم را پای صندوق رأی کشانده و تنور انتخابات نمایشی جمهوری اسلامی را داغ کند.

محمد جواد ظریف خوانساری معروف به «ظریف» وزیر امور خارجه دو دولت حسن روحانی از ۱۹۹۲ تا ۱۴۰۰ و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای جمهوری اسلامی در مذاکراتی بود که در تیرماه ۱۳۹۴ منجر به امضای برجام شد.

ظریف که مسئولیت اصلی‌اش به عنوان وزیر خارجه‌ی دولت‌های یازدهم و دوازدهم به سرانجام رساندن توافق آتی و دور زدن تحریم‌ها و سازماندهی لابیگران بود، در سیاست‌های منطقه‌ای به بازی گرفته‌ی شد و حتی سفر بشار اسد به تهران به او اطلاع داده نشد که همین سبب قهر چند ساعته و استعفا‌ی وی در اینستاگرام شد که خیلی زود آن را پس گرفت. بعد هم علی خامنه‌ای برای رفع هرگونه ابهامی، وزارت خارجه را مجری تصمیمات دانست و خود ظریف نیز بارها به همین موضوع اعتراف کرد.

وی در سه سال گذشته و همزمان با فعالیت دولت ابراهیم رئیسی در سایه قرار گرفت و با آغاز انتخابات نمایشی ریاست جمهوری چهاردهم که در پی مرگ ابراهیم رئیسی یک سال زودتر از موعد در تیرماه امسال برگزار شد، بلافاصله و با جنجال وارد صحنه شد تا از نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان پشتیبانی کند و بلافاصله پس از اعلام پیروزی پزشکيان نیز برای چیدن و جاسازی اعضای کابینه‌ی چهاردهم فعال شد.

او با مجوز خامنه‌ای و ایجاد شورایی نوظهور در جمهوری اسلامی با عنوان «شورای راهبری دوره انتقالی دولت چهاردهم» و معرفی خودش به عنوان رئیس این شورا در عمل ساز و کار تعیین اعضای کابینه را در دست گرفت و مسعود پزشکيان را به حاشیه راند. اکنون نیز پست «معاون راهبردی» برای وی اختراع شده تا نقش خود را عمدتاً برای ساماندهی لابیگران و معامله با غرب پیش ببرد.

بود، نوشته «بعضی حرف‌ها از آن حرف‌هایی است که می‌گویند بشنو اما باور نکن... دکتر محمد جواد ظریف مزد تلاش‌هایش در انتخابات را گرفت و به عنوان معاون راهبردی پزشکيان منصوب شد ... به این ترتیب و با این حکم، در دولت پزشکيان که می‌گفت من جناحی نیستم،



جمع راستگويان جمع شد!

محمد جواد ظریف به عنوان چهره اصلی دولت چهاردهم شناخته می‌شود و برخی او را «نامزد نیابتی خامنه‌ای» در جریان انتخابات و «رئیس جمهور در سایه» و یا «رئیس جمهور نیابتی» و مسعود پزشکيان را رئیس جمهور نمایشی ارزیابی می‌کنند.

با مرگ ابراهیم رئیسی و آغاز زود هنگام فرایند انتخابات دولت چهاردهم از محمد جواد ظریف به عنوان یکی از داوطلبان احتمالی نامزدی در انتخابات نام برده می‌شد اما خودش اعلام کرد که در انتخابات ثبت‌نام نخواهد کرد. برخی معتقدند داوطلب نشدن او به دلیل احتمال بالای رد صلاحیت

● مسعود پزشکيان در حکمی محمد جواد ظریف را به عنوان «معاون راهبردی» خودش و مسئول مرکز بررسی استراتژیک ریاست جمهوری منصوب کرد. «راهبرد» و «راهبردی» کلماتی هستند که در جمهوری اسلامی بجای استراتژی و استراتژیک استفاده می‌شود.

● پزشکيان در حکم ظریف نوشته «میزان توفیق در دستیابی به اهداف قانون اساسی سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری را رصد نموده، مستقیماً به اینجانب منعکس نمایید.»

● محمد جواد ظریف به عنوان چهره اصلی دولت چهاردهم شناخته می‌شود و برخی او را «نامزد نیابتی خامنه‌ای» در جریان انتخابات و «رئیس جمهور در سایه» و «رئیس جمهور نیابتی» و مسعود پزشکيان را رئیس جمهور نمایشی ارزیابی می‌کنند.

● ظریف با مجوز خامنه‌ای و ایجاد شورایی نوظهور در جمهوری اسلامی با عنوان «شورای راهبری دوره انتقالی دولت چهاردهم» و معرفی خودش به عنوان رئیس این شورا در عمل ساز و کار تعیین اعضای کابینه را در دست گرفت و مسعود پزشکيان را به حاشیه راند. اکنون نیز پست «معاون راهبردی» برای وی اختراع شده تا نقش خود را عمدتاً برای ساماندهی لابیگران و معامله با غرب پیش ببرد.

در حالی که محمد جواد ظریف گفته بود در دولت مسعود پزشکيان نقشی نخواهد داشت، روز گذشته در حکمی از سوی رئیس دولت به عنوان مشاور و «معاون راهبردی رئیس جمهور» منصوب شد.

مسعود پزشکيان روز گذشته در حکمی که تصویر آن در رسانه‌های داخلی منتشر شده محمد جواد ظریف را به عنوان «معاون راهبردی» خودش و مسئول مرکز بررسی استراتژیک ریاست جمهوری منصوب کرد. «راهبرد» و «راهبردی» کلماتی هستند که در جمهوری اسلامی بجای استراتژی و استراتژیک استفاده می‌شود.

مسعود پزشکيان در حکم محمد جواد ظریف نوشته «به منظور جلوگیری از اضافه کردن ساختار و تشکیلات جدید و استفاده پهنه‌ای از ظرفیت‌های موجود، شایسته است مسئولیت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری را بر عهده گرفته و وظایف و کارویژه‌های این مرکز را به تشکیلات مناسب برای معاونت راهبردی ریاست جمهوری تبدیل کنید.»

در این حکم آمده که «انتظار می‌رود با بهره‌گیری از تجربه‌های انباشته مدیران ارشد کشور در دهه‌های گذشته و توانمندی‌های گسترده علمی تخصصی و کاربردی، نخبگان اندیشکده‌ها و نهادهای جامعه مدنی، تحولات کلان داخلی و بین‌المللی و میزان توفیق در دستیابی به اهداف قانون اساسی سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری را رصد نموده، مستقیماً به اینجانب منعکس نمایید.»

محمد جواد ظریف در حالی در دولت چهاردهم برای خودش پُست «معاونت راهبردی» اختراع کرده که از زمانی که وارد تیم تبلیغاتی مسعود پزشکيان شد تا چند روز پیش که فهرست کابینه را تنظیم می‌کرد، بارها اعلام کرده بود در دولت پزشکيان نخواهد بود و مسئولیتی نخواهد داشت.

خبرگزاری «فارس» در واکنش به انتصاب محمد جواد ظریف با انتشار ویدئوی جلسه‌ای مربوط به چند روز پیش که او با صراحت می‌گوید در دولت چهاردهم نخواهد

درگیری‌های جریان‌های مافیایی حکومت برای تصاحب کرسی وزارت نفت



● در حالی که هنوز فهرست نهایی وزرای پیشنهادی مسعود پزشکیان اعلام نشده اما درگیری‌های جریان‌های حکومتی برای تصاحب منصب وزارت نفت بالا گرفته است. ● اینهمه در حالیست که روزنامه اصولگرای «جوان» نیز در سرمقاله امروز خود به گزینه وزارت نفت پرداخته و استفاده از «چهره‌های درجه ۳» برای این وزارتخانه را زیر سوال برده است.

در حالی که هنوز فهرست نهایی وزرای پیشنهادی مسعود پزشکیان اعلام نشده اما درگیری‌های جریان‌های حکومتی برای تصاحب منصب وزارت نفت بالا گرفته است. گزینه‌های مختلفی برای وزارت نفت دولت چهاردهم مطرح شده است؛ از جمله محمد شریعتمداری وزیر کار سابق، محمود امین نژاد مدیرعامل پالایشگاه بید بلند، اسحاق جهانگیری معاون اول سابق رئیس‌جمهور، جعفر ربیعی، مدیر عامل سابق هلدینگ خلیج فارس، مرضیه شاهدایی مدیر عامل اسبق شرکت ملی صنایع پتروشیمی، رضا دهقان مدیر توسعه شرکت ملی نفت، سید عماد حسینی عضو هیئت مدیره شرکت نفت خزر، غلامحسین نوذری وزیر اسبق نفت، تورج دهقانی مدیر عامل سابق شرکت مت و بهروز نعمتی عضو سابق هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی.

مورد کنایه کاربران قرار گرفته است.

جالب آنکه وبسایت «دیده‌بان ایران» برای توجیه این چرخش از وعده تا عمل از سوی پزشکیان و تیم‌اش نوشته «این روزها استفاده کلید واژه‌های «پیرسالاری» و ... ابزاری برای تخریب دیگر گزینه‌ها شده حال آنکه انتخاب وزیر نفت با پروژه در توپیت و تلگرام و سایت‌ها شده؛ حال آنکه تجربه وزارت و مدیریت اقتصادی و صنعتی برای شیخ الوزرای دولت بودن یک امتیاز است نه نقطه ضعف!»

اینهمه در حالیست که روزنامه اصولگرای «جوان» نیز در سرمقاله امروز خود به گزینه وزارت نفت پرداخته و استفاده از «چهره‌های درجه ۳» برای این وزارتخانه را زیر سوال برده است.

در این مطلب آمده که «بیم آن می‌رود که ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا شود و همه می‌دانیم که او شمشیر را از رو بسته است، بنابراین بلافاصله فشار را روی چین زیاد خواهد کرد و ممکن است دولت چین، پیامی به پالایشگاه خصوصی بدهد که خرید نفت از ایران محدود شود، بنابراین ما باید وزیر نفت قوی داشته باشیم که در صحنه بین‌المللی ارتباط لازم و کافی را داشته باشد تا کار را جلو ببرد.»

روزنامه «جوان» افزوده «عمده افرادی که تا به حال به عنوان وزیر مورد ارزیابی قرار گرفته اند، مدیران درجه ۳ هستند، در صورتی که ما نمی‌توانیم با مدیران درجه ۳ از وضعیت فعلی خارج شویم و به جهان پیشرفته برسیم. باید این سؤال مهم پرسیده شود که افرادی که تا امروز مورد بررسی قرار گرفته‌اند، چقدر از اعتبار جهانی برخوردار هستند؟ چقدر در صحنه بین‌المللی شناخته شده‌اند؟ چقدر با فرهنگ غرب و شرق آشنایی دارند؟ اصلاً چقدر زبان انگلیسی بلدند؟»

این روزنامه تأکید کرده که «وقتی شما می‌خواهید در جمعی تأثیرگذار باشید، اینکه فقط حرف بزنید و بشنوید کافی نیست، بلکه باید با فرهنگ آن‌ها نیز آشنایی داشته باشید و بتوانید ارتباط لازم، کافی و مطلوب را با خارج از کشور برقرار کنید.»

کاندید شده است.»

این گزارش افزوده «شانس محمود امین نژاد هم برای وزارت نفت بالاست چرا که هم یک چهره فنی است و هم نسبت به سایر گزینه‌ها، کمتر در رسانه‌ها مورد نقد قرار گرفته است. رکن‌الدین جوادی هم اعلام کرده علاقه‌ای به وزیر شدن ندارد تا برخی چهره‌های کمیته نفت، پیشنهادی را برای معرفی گزینه‌های جدید ارائه دهند که با مخالفت دولت مواجه شده است.»

وبسایت «دیده‌بان ایران» هم از لابیگری مافیای برای تحمیل گزینه مورد نظر خود به مسعود پزشکیان نوشته است. بر اساس گزارش «دیده‌بان ایران» جریان‌ی از طریق «پول‌پاشی و پروژه» در فضای مجازی و رسانه‌های پزشکیان را تحت فشار قرار داده تا گزینه‌ای که سفارش شده اعتدال گرایان و اطرافیان لاریجانی است را به عنوان وزیر نفت پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی معرفی کند.

این گزارش مدعی شده که «قابت و معرفی گزینه برای دولت اصلاح‌طلب پزشکیان به خودی خود هیچ ایرادی ندارد اما در حالی که صنعت نفت به دلیل شرایط بحرانی خود نیازمند یک فرماندهی متخصص، قوی و کارنامه دار است، اصرار فعالان مجازی برای رساندن بهروز نعمتی نماینده سابق

مجلس به کرسی وزارت نفت هم در نوع عجیب است.» «دیده‌بان ایران» که در دوران انتخابات از حامیان نامزدی مسعود پزشکیان و اکنون از حامیان گزینه‌هایی با سابقه فعالیت در دولت روحانی برای وزارت نفت است روی سه گزینه اسحاق جهانگیری، محمد شریعتمداری و بهروز نعمتی به عنوان گزینه‌هایی تأکید کرده که «می‌توانند وزارت نفت خسته را نجات دهند!»

در حالی که استفاده از نیروهای جوان و کارشناس در بدنه هیئت وزیران دولت چهاردهم مورد تأکید مسعود پزشکیان و محمد جواد ظریف و دیگر اعضای ستاد انتخاباتی پزشکیان بوده اما افرادی که تا کنون به عنوان معاونان و رئیس دفتر پزشکیان انتخاب شدند چهره‌هایی تکراری و البته مسن بوده‌اند که از سوی کاربران با عبارت «پیرسالاری»

سیدحمید حسینی از مدیران نفتی اصلاح‌طلب و عضو اتاق بازرگانی ایران هم در شبکه «ایکس» سه نام را برای بررسی به دولت پیشنهاد کرده است: امیرحسین زمانی‌نیا معاون سابق امور بین‌الملل و بازرگانی وزیر نفت در دولت روحانی و عضو تیم مذاکره هسته‌ای در همان دولت، حمید رضا عراقی مدیر عامل سابق شرکت ملی گاز، و حمید بورد مدیر عامل سابق مناطق نفت‌خیز جنوب و فلات قاره.

گزارش برخی رسانه‌ها حکایت از اختلاف نظر در درون تیم مسعود پزشکیان برای انتخاب وزیر نفت دارد. وبسایت «میز نفت» در گزارشی نوشته «با اضافه شدن محمدرضا عارف به دولت چهاردهم با سمت معاون اول بر پیچیدگی‌های انتخاب گزینه نهایی وزارت نفت افزوده شده است چراکه شنیده شده عارف، روی برخی گزینه‌ها خط قرمز کشیده و بطور قاطع در موضع مخالفت ایستاده است. شنیده شده عارف به دلیل همشهری بودن با محسن پاک‌نژاد، روی این گزینه حذف شده نظر جدی دارد اما پاک‌نژاد مخالفان جدی دارد و تقریباً هیچ‌یک از افراد مؤثر در انتخاب گزینه نهایی، روی او نظر مثبتی ندارند.»

در این گزارش آمده که «روی کاغذ شانس عماد حسینی به دلیل اهل تسنن و جوان بودن وی بیشتر است اما با توجه به حساسیت وزارت نفت، سپردن سکان این وزارتخانه به دست بسیار سخت به نظر می‌رسد.»

«میز نفت» افزوده بهروز نعمتی هم که یکی از شانس‌های جدی وزارتخانه است با نظر منفی عارف مواجه شده است؛ ریشه این مخالفت شاید به روزهای مجلس برگردد که مواضع نعمتی و عارف در باب ریاست مجلس شورای اسلامی کاملاً در مقابل هم قرار داشت.

در این گزارش تأکید شده که «مهمترین گزینه وزارت نفت هم اسحاق جهانگیری بود که او نیز به دلیل برخی ملاحظات در رده‌های بالای حاکمیت، از گردونه خارج شد؛ مانند محمد شریعتمداری که این روزها برای وزارت صمت

ادعای روزنامه کویتی «الجریده»: سفر مخفیانه یک هیأت آمریکایی به تهران با «پیشنهادهای وسوسه‌انگیز» برای جمهوری اسلامی و جلوگیری از جنگ با اسرائیل!



نصب بیلبرد در تهران برای انتقام و «مجازات سخت» اسرائیل پس از ترور اسماعیل هنیه

اسرائیل حمله کنند، دولت آمریکا مجبور خواهد شد دوباره از دولت عبری دفاع کند و این وضعیت فرصت جدیدی برای نتانیاهو جهت فرار از فشارها فراهم می‌کند؛ بنابراین ایالات متحده امیدوار است که تهران درگیر نشود.

این روزنامه نوشته است که طرفین آمریکایی به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند که نتانیاهو برای آنها «دام» پهن کرده و واشنگتن خواستار درگیری با جمهوری اسلامی نیست. این هیأت همچنین ابراز امیدواری کرده است که تهران به «توافق اتمی» برگردد.

روزنامه «الجریده» در بخش دیگری از این گزارش مدعی شده «آمریکایی‌ها تمایل خود را برای تعلیق تحریم‌های اقتصادی ایران اعلام کردند به شرط اینکه آنها از حمله به اسرائیل خودداری کنند.»

در گزارش این روزنامه ادعا شده نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ۳۰ ایرانی و ۵۰ تبعه خارجی را به اتهام دست داشتن در ترور حماس دستگیر کرده‌اند. همچنین ادعا شده «هیأت آمریکایی» فهرستی حاوی «اسامی ۱۰ نفر از عوامل موساد» در داخل ایران را که در ترور هنیه دست داشتند به جمهوری اسلامی داده است.

تأیید یا رد این ادعاهای «الجریده» کویت به صورت مستقل ممکن نیست با این حال برخی منابع غیررسمی سفر یک هواپیمایی شخصی کوچک با رجیستری ناشناس از ازمیر ترکیه به فرودگاه «پیام» کرج را تأیید می‌کنند که اگر واقعا حامل هیأت آمریکایی بوده باشد، معلوم نیست تا چه اندازه ادعاهای روزنامه کویتی درباره محتوای پیام‌های «هیأت آمریکایی» احتمالی درست باشد.

تجربه نشان داده است در مواقع مشابه نمایندگان دولت‌های خارجی با دلایلی دولتی‌هایی مثل عمان و قطر و حتی ترکیه به عنوانی مختلف تلاش می‌کنند با دادن امتیازاتی به جمهوری اسلامی پیشنهادها را بر اساس منافع خود به رژیم ارائه کنند. شبیه همین اخبار و گزارش‌ها نیز پیش از حمله موشکی و پهبادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل در اواخر فروردین ماه ۱۴۰۳ منتشر شد. آن حمله به تلافی کشته شدن شماری از فرماندهان «سپاه قدس» در حمله هوایی اسرائیل به ساختمان مجاور کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق رخ داد.

در گزارش این روزنامه که چهارم اوت (۱۴ مرداد) منتشر شده تأکید شده است که مأموریت این هیأت جلوگیری از وقوع یک جنگ بزرگ در منطقه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل است؛ این هیأت پیشنهادات وسوسه‌انگیزی برای مقامات رژیم اسلامی ارائه می‌کند از جمله سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در اقتصاد بحران‌زده ایران.

یک «منبع ناشناس» به «الجریده» گفته هیأت آمریکایی با یک هواپیمای شخصی از ترکیه به تهران پرواز کرده و روز پنجشنبه اول اوت (۱۱ مرداد) در فرودگاه «پیام» کرج در غرب تهران به زمین نشستند.

گفته می‌شود این هیأت آمریکایی در مورد پیامدهای شدید یک جنگ احتمالی به مقامات تهران هشدار داده‌اند. این رسانه کویتی همچنین ادعا کرده است که دولت جو بایدن نیز منتقد سرسخت سیاست‌های بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل است و حتی برای کنار گذاشتن نتانیاهو از قدرت تلاش می‌کند.

«الجریده» در بخشی از این گزارش طی یک ادعای عجیب نوشته است «دولت بایدن فهرستی از عوامل موساد را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده و از مقامات تهران خواسته به توافق اتمی بازگردند!» معلوم نیست «فهرستی از عوامل موساد» از یکسو به چه درد جمهوری اسلامی می‌خورد که نمی‌تواند از عوامل و فرماندهان و مهمان شبه‌نظامی و تروریست خود محافظت کند! و از سوی دیگر با کدام ابزار می‌خواهد این فهرست را راست‌آزمایی کند! و در عین حال اگر قصد «هیأت آمریکایی» جلوگیری از جنگ است، با کدام هدف «فهرست عوامل موساد» را در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌دهد؟!

این منبع تصریح کرده که هیأت آمریکایی به مقامات رژیم ایران گفته است که نتانیاهو در جریان سفر به آمریکا چیزی را که در واشنگتن دوست دارد نشنیده است، زیرا کاخ سفید اصرار داشت که می‌خواهد به سرعت جنگ غزه را متوقف کند و به آرامشی همه‌جانبه در منطقه دست یابد، اما نخست‌وزیر اسرائیل هنیه را ترور کرد.

«الجریده» همچنین نوشت «این هیأت به مقامات جمهوری اسلامی هشدار داد که اگر به تلافی ترور هنیه به

همزمان با سفر ناگهانی ایمن صفدی وزیر خارجه اردن به تهران، روزنامه «الجریده» چاپ کویت ادعا کرد که میانجیگری عمان یک هیأت آمریکایی مخفیانه به تهران سفر کرده است.

در گزارش این روزنامه که چهارم اوت (۱۴ مرداد) منتشر شد تأکید شده مأموریت این هیأت جلوگیری از وقوع یک جنگ بزرگ در منطقه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل است؛ این هیأت پیشنهادات وسوسه‌انگیزی برای مقامات جمهوری اسلامی ارائه می‌کند از جمله سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در اقتصاد بحران‌زده ایران.

یک «منبع ناشناس» به «الجریده» گفته هیأت آمریکایی با یک هواپیمای شخصی از ترکیه به تهران پرواز کرده و روز پنجشنبه اول اوت (۱۱ مرداد) در فرودگاه «پیام» کرج در غرب تهران به زمین نشستند.

هیأت آمریکایی در مورد پیامدهای شدید یک جنگ احتمالی به مقامات تهران هشدار داده است. این رسانه کویتی همچنین ادعا کرده است که دولت جو بایدن نیز منتقد سرسخت سیاست‌های بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل است و حتی برای کنار گذاشتن نتانیاهو از قدرت تلاش می‌کند.

«الجریده» در بخشی از این گزارش طی یک ادعای عجیب نوشته است «دولت بایدن فهرستی از عوامل موساد را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده و از مقامات تهران خواسته به توافق اتمی بازگردند!» معلوم نیست «فهرستی از عوامل موساد» از یکسو به چه درد جمهوری اسلامی می‌خورد که نمی‌تواند از عوامل و فرماندهان و مهمان شبه‌نظامی و تروریست خود محافظت کند! و از سوی دیگر با کدام ابزار می‌خواهد این فهرست را راست‌آزمایی کند! و در عین حال اگر قصد «هیأت آمریکایی» جلوگیری از جنگ است، با کدام هدف «فهرست عوامل موساد» را در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌دهد؟!

همزمان با سفر ناگهانی ایمن صفدی وزیر خارجه اردن به تهران، روزنامه «الجریده» چاپ کویت ادعا کرد که با میانجیگری عمان یک هیأت آمریکایی مخفیانه به تهران سفر کرده است.

کاخ سفید ادعای روزنامه کویتی «الجریده» درباره «سفر مخفیانه هیأت آمریکایی به ایران» را رد کرد



کاخ سفید

واکنش شماری از کاربران و فعالان سیاسی در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد. گروهی معتقدند دولت‌های آمریکا از حمله دولت بایدن در مداخلات با جمهوری اسلامی بدسابقه هستند و با توجه به مناسبات و معاملات پنهان که به ویژه دولت‌های دموکرات در طول چهار دهه گذشته با جمهوری اسلامی داشته‌اند، بعید نیست دولت کنونی آمریکا نیز با توجه به انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ دنبال هر فرصتی باشد تا با رژیم ایران به یک توافق حتما موقت برسد و برای این کار به هر اقدامی دست بزند. اما شماری دیگر این خبر را جعلی و «فیک نیوز» خواندند و عنوان کردند که «رسانه‌های فارسی خارج از ایران همچنان خزعبلات وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی را که از زبان الجریده منتشر می‌شود طوطی‌وار» باز نشر می‌کنند.

در هر صورت ادعای روزنامه کویتی «الجریده» واکنش کاخ سفید را به دنبال داشته بطوری که در یک خبر اختصاصی در صدای آمریکا آن را تکذیب کرده است. اینهمه در حالیست که رهبر جمهوری اسلامی روز چهارشنبه دهم مرداد ساعاتی پس از ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس در شمال تهران، در بیانیه‌ای تهدید کرده بود که اسرائیل با این اقدام «زمینه مجازات سختی را برای خود فراهم ساخت!» وی گفت که خونخواهی هنیه را که در حرم جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسید، وظیفه خود می‌دانیم.

در این میان، بسیاری از کشورهای غربی از شهروندان خود در لبنان خواسته‌اند تا آن کشور را ترک کنند چرا که احتمال تشدید درگیری بین اسرائیل و حزب‌الله لبنان می‌رود که فرزند و دست‌نشانده‌ی جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی در پی افزایش تنش‌ها در منطقه پس از ترور اسماعیل هنیه را تکذیب کرده است. همزمان با سفر ناگهانی ایمن صفدی وزیر خارجه اردن به تهران، روزنامه «الجریده» چاپ کویت چهارم اوت (۱۴ مرداد) به نقل از منابع منطقه‌ای ادعا کرد با میانجیگری عمان یک هیأت آمریکایی با یک هواپیمای شخصی از ترکیه به تهران رفته است. در این گزارش آمده بود، ماموریت این هیأت جلوگیری از وقوع یک جنگ بزرگ در منطقه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل است و آنها «پیشنهادات وسوسه‌انگیزی» به مقامات جمهوری اسلامی ارائه دادند که شامل سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در اقتصاد ایران است.

شورای امنیت ملی کاخ سفید روز یکشنبه چهارم ماه اوت (۱۴ مرداد) به بخش فارسی شبکه «صدای آمریکا» گفته است چنین ادعایی صحت ندارد.

برخی منابع گزارش دادند که ایمن صفدی وزیر خارجه عمان حامل پیام ایالات متحده و شرکای آن از جمله فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و مصر برای جلوگیری از تشدید بیشتر در منطقه بود. با اینهمه روزنامه «وال استریت ژورنال» گزارش داد که جمهوری اسلامی به دیپلمات‌های عرب اطلاع داده که نگران نیست اگر تلافی ترور اسماعیل هنیه منجر به شروع یک جنگ شود. ایالات متحده از اروپا و سایر دولت‌های متحد خود خواسته بود تا پیامی را به ایران برسانند و از مقامات جمهوری اسلامی بخواهند از تشدید تنش جلوگیری کند و هشدار دهند که هرگونه حمله بزرگ می‌تواند واکنش برانگیز باشد.

انتشار خبر «سفر مخفیانه هیأت آمریکایی به تهران» با

● کاخ سفید ادعای روزنامه کویتی «الجریده» درباره سفر مخفیانه یک هیأت آمریکایی به ایران و دیدار با مقامات جمهوری اسلامی در پی افزایش تنش‌ها در منطقه پس از ترور اسماعیل هنیه را تکذیب کرده و به بخش فارسی شبکه «صدای آمریکا» گفته است چنین ادعایی صحت ندارد.

● همزمان با سفر ناگهانی ایمن صفدی وزیر خارجه اردن به تهران، روزنامه «الجریده» چاپ کویت چهارم اوت (۱۴ مرداد) به نقل از منابع منطقه‌ای ادعا کرد با میانجیگری عمان یک هیأت آمریکایی با یک هواپیمای شخصی از ترکیه به تهران رفته است. در این گزارش آمده بود، ماموریت این هیأت جلوگیری از وقوع یک جنگ بزرگ در منطقه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل است و آنها «پیشنهادات وسوسه‌انگیزی» به مقامات جمهوری اسلامی ارائه دادند که شامل سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در اقتصاد ایران است.

● این ادعا نه تنها واکنش کاخ سفید بلکه واکنش شماری از کاربران و فعالان سیاسی را نیز در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشته است. برخی معتقدند با توجه به سابقه دولت‌های آمریکا، دولت بایدن نیز ممکن است به هر کاری برای رسیدن به توافقی با جمهوری اسلامی هر چند موقت و فقط تا انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ دست بزند و برخی دیگر آن را جعلی و «فیک نیوز» و «خزعبلات وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی» خواندند.

کاخ سفید ادعای روزنامه کویتی «الجریده» درباره سفر مخفیانه یک هیأت آمریکایی به ایران و دیدار با مقامات

اعدام دستجمعی ۲۹ زندانی در قزلحصار و زندان مرکزی کرج؛ ۸۷ اعدام در یک ماه پس از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی



● بنا به اطلاع سازمان حقوق بشر ایران، صبح امروز چهارشنبه ۱۷ مردادماه، حکم اعدام ۲۶ مرد در زندان قزلحصار کرج و ۳ مرد دیگر در زندان مرکزی کرج (ندامتگاه) به صورت گروهی به اجرا درآمد.

● سازمان حقوق بشر ایران بار دیگر نسبت به اعدام‌های بی‌سابقه زندانیان در زیر سایه تنش بین ایران و اسرائیل توسط جمهوری اسلامی هشدار می‌دهد و خواهان توجه فوری جامعه جهانی به ماشین کشتار در ایران است.

● در یک ماه پس از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی از ۱۶ تیرماه، دست‌کم ۸۷ نفر در زندان‌های ایران اعدام شدند.

● اعدام گروهی ۲۶ زندانی در یک روز و در یک زندان طی دو دهه اخیر بی‌سابقه بوده است. آخرین اعدام گروهی در این سطح در تاریخ ۱۲ تیر ماه ۱۳۸۸ و در بحبوحه اعتراضات مردمی آن سال که به «جنبش سبز» معروف شد رخ داده بود. آن زمان ۲۰ زندانی با اتهامات مربوط به «مواد مخدر» در یک روز در زندان «رجایی شهر» کرج اعدام شدند.

عملیات ترور رهبر حماس منتشر کرد. در این اطلاعیه که شنبه ۱۳ مرداد منتشر شد، با اشاره به اینکه اسرائیل عامل این ترور بود عنوان شد، «با توجه به تحقیقات و بررسی‌های به عمل آمده، این عملیات با شلیک پرتابه کوتاه بُرد با سر جنگی حدود هفت کیلوگرمی، همراه با انفجار شدید» و «از خارج محدوده استقرار» مهمانسرای که هنیه در آن اقامت داشت انجام شده است.

سپاه پاسداران با تأکید بر «خونخواهی» اسماعیل هنیه تهدید کرد، «رژیم ماجراجو و تروریست صهیونی پاسخ این جنایت را که مجازات سخت است در زمان، مکان و کیفیت مقتضی، قاطعانه دریافت خواهد کرد.»

پیش از این وبسایت «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی گفته بود هنیه با «پرتابه هدایت‌شونده هواپایه» مورد اصابت قرار گرفته است. منظور از هواپایه همان «کوادکوپتر» است که با چهار یا تعداد بیشتری موتور با کنترل از راه دور به پرواز درمی‌آیند. در این میان، هرچند «نیویورک تایمز» پیشتر ادعا کرده بود که انفجار در اتاق هنیه مربوط به بمبی بود که دو ماه قبل آنجا جاسازی شده بود اما خالد القدومی نماینده حماس در ایران خبر کار گذاشتن بمب زیر تخت خواب هنیه را رد کرد و گفت: «این حادثه در بامداد روز چهارشنبه رخ داد و از وضعیت محل حمله و جسد هنیه مشخص است که این حمله با استفاده از یک پرتابه از هوا یا موشک صورت گرفته است.»

پیش از این خلیل الحیه معاون حماس در غزه دهم مرداد در نشست مطبوعاتی در تهران در شرح کشته شدن اسماعیل هنیه عنوان کرد که به گفته شاهدان عینی که همراه وی بودند «یک موشک وارد اتاق شد.» الحیه تأکید کرد که هنیه «آنجا مورد اصابت مستقیم قرار گرفت.» این ادعا شلیک از نواحی اطراف اقامتگاه به آن محل را تقویت می‌کند به ویژه آنکه در ارتفاعات ولنجک عمق دید کافی به اتاق اسماعیل هنیه وجود داشته است.

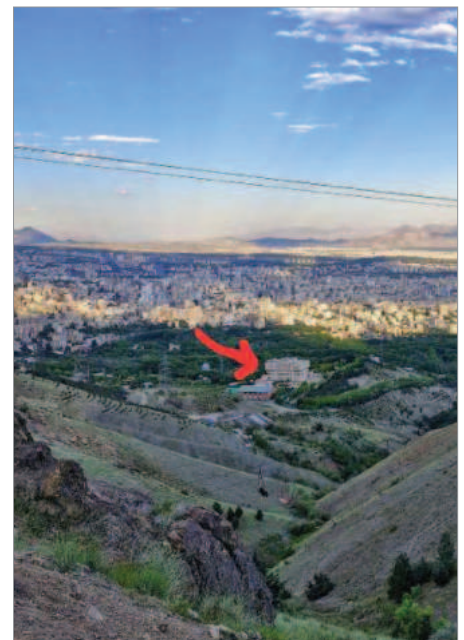
احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «در نظام امنیتی-اطلاعاتی شکاف‌ها و آلودگی‌هایی وجود دارد»، در مصاحبه با وبسایت «دیدهبان ایران» که ۱۳ مرداد منتشر شد توضیح می‌دهد که «دو سناریوی محتمل درباره ترور هنیه محتمل است: استفاده از یک ریزپرنده و از محل ایستگاه شماره دو توچال، محل مورد نظر را مورد اصابت قرار داده‌اند و سناریوی دوم این است که ریزپرنده‌ای در کار نبوده است، بلکه عده‌ای عوامل نفوذی در داخل ایران در حوالی همان ایستگاه شماره دو توچال مستقر شده‌اند و با سلاحی شبیه موشک، محل اقامت هنیه را زده‌اند.»

این اطلاعیه سپاه پاسداران در واقع تأیید قصور، ناتوانی و یا نفوذ عمیق در «سپاه ولی امر» و «سپاه حفاظت انصارالمهدی» است که مسئول تأمین امنیت افراد بلندپایه سیاسی را بر عهده دارند. هر چند که برخی تحلیلگران معتقدند حذف حماس خواست جریان‌های درون حکومتی بود.

اسماعیل هنیه رهبر حماس که برای شرکت در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان به ایران سفر کرده بود، بامداد چهارشنبه ۱۰ مرداد در اقامتگاه خود به همراه یکی از محافظانش کشته شد. مقامات جمهوری اسلامی، این ترور را به اسرائیل نسبت می‌دهند.

منظور از «پرتابه کوتاه بُرد» انواع موشک‌اندازه‌های است که با آنها موشک «الماس» یا «اسپایک» شلیک می‌شود و دقت هدایت‌شوندگی دارند.

اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: اسماعیل هنیه با شلیک پرتابه‌ای کوتاه‌بُرد «خارج از محدوده» مهمانسرا کشته شد



● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سه روز بعد از کشته شدن اسماعیل هنیه در تهران، طی اطلاعیه‌ای جزئیات جدیدی از عملیات ترور رهبر حماس منتشر کرد.

● در این اطلاعیه که شنبه ۱۳ مرداد منتشر شد، با اشاره به اینکه اسرائیل عامل این ترور بوده است عنوان شد، «با توجه به تحقیقات و بررسی‌های بعمل آمده، این عملیات با شلیک پرتابه کوتاه بُرد با سر جنگی حدود هفت کیلوگرمی، همراه با انفجار شدید» و «از خارج محدوده استقرار» مهمانسرای که هنیه در آن اقامت داشت انجام شده است.

● این اطلاعیه سپاه پاسداران در واقع تأیید قصور، ناتوانی و یا نفوذ عمیق در «سپاه ولی امر» و «سپاه حفاظت انصارالمهدی» است که مسئول تأمین امنیت افراد بلندپایه سیاسی را بر عهده دارند. هر چند که برخی تحلیلگران معتقدند حذف حماس خواست جریان‌های درون حکومتی بود.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سه روز بعد از کشته شدن اسماعیل هنیه در تهران، طی اطلاعیه‌ای جزئیات جدیدی از

➔ به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، حکم اعدام ۲۹ زندانی از جمله دو تبعه کشور افغانستان و یک شهروند بلوچ که عمدتاً با اتهاماتی همچون «قتل عمد»، «مواد مخدر» و «تجاوز به عنف» به قصاص نفس و یا اعدام محکوم شده بودند، بامداد امروز به صورت گروهی در زندان قزلحصار کرج و زندان مرکزی کرج (ندامتگاه) به اجرا درآمد. بدین ترتیب در یک ماه پس از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی از ۱۶ تیرماه، دست کم ۸۷ نفر در زندان‌های ایران اعدام شدند.

سازمان حقوق بشر ایران بار دیگر نسبت به اعدام‌های بی‌سابقه زندانیان در زیر سایه تنش بین ایران و اسرائیل توسط جمهوری اسلامی هشدار می‌دهد و خواهان توجه فوری جامعه جهانی به ماشین کشتار در ایران است.

محمود امیری‌مقدم مدیر این سازمان گفت: «جمهوری اسلامی با سوء استفاده از توجه جامعه جهانی به تنش این حکومت با اسرائیل، در حال کشتار دستجمعی زندانیان و تشدید فضای اختناق در ایران است. در صورت فقدان واکنش فوری جامعه جهانی، صدها نفر در ماه‌های آینده می‌توانند قربانی ماشین کشتار جمهوری اسلامی شوند. تمام کشورهای که با جمهوری اسلامی روابط دیپلماتیک دارند موظفند در قبال این جنایات و برای پیشگیری از جنایات بیشتر واکنش نشان دهند.»

بنا به اطلاع سازمان حقوق بشر ایران، صبح امروز چهارشنبه ۱۷ مردادماه، حکم اعدام ۲۶ مرد در زندان قزلحصار کرج و ۳ مرد دیگر در زندان مرکزی کرج (ندامتگاه) به صورت گروهی به اجرا درآمد. در بین این اعدام‌شدگان دو شهروند تبعه افغانستان نیز وجود دارد که با اتهام «تجاوز به عنف» به اعدام محکوم شده بودند. دو شهروند افغان دیگر در بین کسانی که جهت اعدام به سلول انفرادی منتقل شده بودند حضور داشتند که با توقف اجرای حکم به سلول‌های خود بازگشتند. سه زندانی که در زندان مرکزی کرج اعدام شدند، با اتهام «قتل عمد» به «قصاص نفس» محکوم شده بودند.

هویت هفت تن از اعدام‌شدگان که با اتهامات مربوط به «مواد مخدر» به اعدام محکوم شده بودند، عبدالله شهنوازی (شهبخش) شهروند بلوچ، محمد کرمی (غلامی)، اسماعیل شرفی، فرود گراوند، شهاب ملکی، خلیل شاهوزی، رسول (نام فامیل نامشخص) اهل تهران احراز شده است. یک منبع مطلع به سازمان حقوق بشر ایران گفت: «در مجموع ۱۷ نفر با اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شده بودند، ۷ تن با اتهامات مربوط به مواد مخدر و ۲ تن نیز با اتهام تجاوز به عنف به اعدام محکوم شده بودند.»

لازم به ذکر است، برخی رسانه‌های حقوق بشری خبر از اعدام دو زن نیز در این روز دادند که تحقیقات ما در این زمینه ادامه دارد.

این ۲۹ زندانی طی روزهای دوشنبه و سه‌شنبه ۱۵ و ۱۶ مرداد ماه، از زندان قزلحصار کرج و زندان مرکزی کرج (ندامتگاه)، جهت اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شدند. تا لحظه تنظیم این گزارش هویت سایر زندانیانی که صبح امروز اعدام شدند، احراز نشده است. تلاش سازمان حقوق بشر ایران برای احراز هویت و اتهامات تمام اعدام‌شدگان صبح امروز ادامه دارد. گزارش تکمیلی در این خصوص منتشر خواهد شد.

اعدام گروهی ۲۶ زندانی در یک روز و در یک زندان طی دو دهه اخیر بی‌سابقه بوده است. آخرین اعدام گروهی در این سطح در تاریخ ۱۲ تیر ماه ۱۳۸۸ و در بحبوحه اعتراضات مردمی آن سال که به «جنبش سبز» معروف شد رخ داده بود. آن زمان ۲۰ زندانی با اتهامات مربوط به «مواد مخدر» در یک روز در زندان «رجایی شهر» کرج اعدام شدند.

بازداشت یک پاکستانی «مرتبط با ایران» در آمریکا به اتهام توطئه برای قتل دونالد ترامپ



آصف مرچانت تبعه پاکستانی

● وزارت دادگستری ایالات متحده سه‌شنبه ششم اوت (۱۶ مرداد) در بیانیه‌ای اعلام کرد یک تبعه پاکستانی «مرتبط با ایران» را به اتهام توطئه برای قتل سیاستمداران آمریکایی از جمله دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا دستگیر کرده است.

● این فرد «آصف مرچانت» ۴۶ ساله است که در ماه ژوئن سال ۲۰۲۴ به منظور ملاقات با عواملی که گمان می‌کرد برای انجام این قتل‌ها استخدام کرده است به نیویورک سفر کرد. این فرد مبلغ ۵ هزار دلار نیز به عنوان پیش‌پرداخت به آنان داده بود.

● اما افرادی که او به عنوان قاتل اجیر کره بود در واقع عوامل مخفی پلیس آمریکا بودند. مرچانت به آنها گفته بود به پاکستان می‌رود و در بازگشت در ماه اوت یا سپتامبر اطلاعات بیشتری از جمله نام اهداف مورد سوء قصد را به آنها خواهد گفت.

● این فرد ماه گذشته (ژوئن) وقتی قصد ترک آمریکا را داشت بازداشت شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که همسر و فرزندان این فرد پاکستانی در ایران ساکن‌اند. او اغلب به

ایران، سوریه و عراق سفر می‌کرده است.

وزارت دادگستری ایالات متحده سه‌شنبه ششم اوت (۱۶ مرداد) در بیانیه‌ای اعلام کرد یک تبعه پاکستانی «مرتبط با ایران» را به اتهام توطئه برای قتل سیاستمداران آمریکایی از جمله دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا دستگیر کرده است.

این فرد «آصف مرچانت» ۴۶ ساله است که در ماه ژوئن سال ۲۰۲۴ به منظور ملاقات با عواملی که گمان می‌کرد برای انجام این قتل‌ها استخدام کرده است به نیویورک سفر کرد. این فرد مبلغ ۵ هزار دلار نیز به عنوان پیش‌پرداخت به آنان داده بود.

اما افرادی که او به عنوان قاتل اجیر کره بود در واقع عوامل مخفی پلیس آمریکا بودند. مرچانت به آنها گفته بود به پاکستان می‌رود و در بازگشت در ماه اوت یا سپتامبر اطلاعات بیشتری از جمله نام اهداف مورد سوء قصد را به آنها خواهد گفت.

وی به آن دو نفر گفته بود، «افرادی که هدف قرار خواهند گرفت کسانی هستند که به پاکستان و اسلام صدمه می‌زنند و شهروند عادی نیستند.»

این فرد ماه گذشته (ژوئن) وقتی قصد ترک آمریکا را داشت بازداشت شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که همسر و فرزندان این فرد پاکستانی در ایران ساکن‌اند. او اغلب به ایران، سوریه و عراق سفر می‌کرده است.

بر اساس گزارش نهادهای امنیتی آمریکا، مرچانت قبل از پرواز از پاکستان به آمریکا حدود دو هفته را در ایران گذرانده بود.

داستان‌ها اعلام کردند این پاکستانی از زبان رمز برای صحبت در مورد ترور افراد استفاده می‌کرد. وی نقشه قتل را روی یک دستمال در داخل اتاق هتل در نیویورک کشیده بود و قصد داشت بتواند افراد دیگری را برای کمک به اجرای این نقشه جذب کند.

در بیانیه دستگاه قضایی آمریکا اشاره‌ای به نام سایر اشخاص مرتبط با این پرونده نشده اما یک مأمور پلیس فدرال آمریکا (FBI) شهادت داد که مرچانت نقشه ترور مقامات بلندپایه فعلی و سابق آمریکا از جمله دونالد ترامپ را در سر داشته است.

طبق اعلام وزارت دادگستری، مرچانت از همدستان خود (همان دو رابط مخفی پلیس) خواسته بود تا اسناد یا درایوهای USB را از خانه اهداف سرقت و برای آشوب برنامه‌ریزی کنند و یک سیاستمدار یا مقام دولتی را به قتل برسانند.

مقامات آمریکایی ماه گذشته اعلام کرده بودند که تهدیدی از سوی رژیم ایران علیه جان دونالد ترامپ را خنثی کرده‌اند. آنها البته گفته بودند این توطئه برای قتل رئیس‌جمهور سابق آمریکا ارتباطی با سوء قصد به جان وی توسط یک جوان ۲۰ ساله در پنسیلوانیا در ماه گذشته ندارد.

داستان‌ها اعلام کردند شکایت کیفری صرفاً یک ادعا است و همه متهمان تا زمانی که جرم آنها در دادگاه اثبات نشود بی‌گناه محسوب می‌شوند.

میک گارلند دادستان کل آمریکا می‌گوید، «وزارت دادگستری سال‌ها است که جهت مقابله با تلاش‌های بی‌شرمانه و بی‌وقفه [رژیم] ایران برای انتقام از مقامات دولت آمریکا در قتل سردار سلیمانی تلاش کرده است. انتظار می‌رود که این تهدیدها ادامه پیدا کند و این اتفاقات آخرین مورد در نوع خود نباشند.»

وی اضافه کرد: «وزارت دادگستری از هیچ اقدامی برای برهم زدن برنامه کسانی که از طرف جمهوری اسلامی ایران دست به دسیسه‌های مرگبار علیه آمریکایی‌ها می‌زنند و پاسخگو کردن آنها دریغ نخواهد کرد.»

هشدار درباره پیامدهای «خونخواهی» علیه اسرائیل برای کل نظام پذیرش خطر از سر اجبار؟!



مراسم تشییع جنازه اسماعیل هنیه در تهران

در سیستم اطلاعاتی ما وجود دارد که اسرائیلی‌ها تا کنون چندین بار توانسته‌اند از این نقطه ضعف‌ها استفاده کرده و به ما ضربه بزنند.»

مرعشی هرچند به ظاهر از «پاسخ نظامی حساب‌شده» دفاع کرده اما همزمان می‌گوید، «اگر ما دیپلماسی را بر اقدامات نظامی ترجیح دهیم، ایران به اتکاء ابزارهای نظامی موثری که دارد، با اتکاء به قدرت و توان بسیار شایسته نظامی و موشکی می‌تواند در دیپلماسی حرف مهمی بزند و تأثیرگذار باشد.»

اصلاح‌طلبان وانمود می‌کنند دولت پزشکیان به دنبال «میانه‌روی در سیاست خارجی» است اما واقعیت آن است که او بلافاصله پس از شمارش آراء به رهبران حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها نامه نوشت و نه تنها از آنها تقدیر کرد بلکه به آنان وعده داد که حمایت‌های جمهوری اسلامی از «جریان مقاومت» ادامه خواهد داشت. پزشکیان در مراسم تحلیف خود نیز از هیچکس به اندازه اسماعیل هنیه گرم و دل‌باخته استقبال نکرد!

باید گفت که جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر بارها در شرایط مشابه قرار گرفته است، یعنی وضعیتی که بعد از یک شکست سنگین اطلاعاتی و امنیتی مجبور شده برای حفظ آبرو و حیثیت خود «پاسخ سخت» بدهد اما هر اقدام آن در نهایت خسارات شدید و فاجعه‌بار در پی داشته که یکی از شاخص‌ترین آنها اصابت موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به هوایمیای «اوکراین اینترنشنال» در سحرگاه ۱۸ دی ۱۳۹۸ است.

در این میان، علاوه بر ناتوانی نظامی و تسلیحاتی در عملی کردن شعار «انتقام سخت»، جمهوری اسلامی با یک مشکل اساسی‌تر نیز روبروست که آن ضعف بنیه اقتصادی است.

ترس نظام از جنگ

به عنوان مثال، در فضایی مشابه در دی‌ماه سال ۱۴۰۲ پس از بمب‌گذاری در مراسم سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی در کرمان، حکومت انگشت اتهام را به سوی اسرائیل نشانه رفت و باز موضوع «انتقام سخت» مطرح شد. احمد بخشایش ←

از «خونخواهی» هنیه و «مجازات سخت» اسرائیل کرد، سایر مقامات نظام روی همین مدار تهدید کردند که «پاسخ پیشیمان‌کننده به صهیونیست‌ها می‌دهیم.»

رسانه‌ها و افراد شناخته‌شده‌ی جریان «اصلاح‌طلب» ادعا می‌کنند، اسرائیل از ترور هنیه آنهم در تهران، یک روز پس از تحلیف مسعود پزشکیان اهداف چندگانه دنبال می‌کند، از جمله می‌خواهد از هرگونه سیاست تنش‌زدایی در سطح منطقه و جهان جلوگیری کرده و التهاب را حفظ کند.

روزنامه «آرمان ملی» با اشاره به اینکه اسرائیل قصد «گسترش دامنه جنگ» را دارد به نظام هشدار می‌دهد، «واکنش قطعاً باید بسیار هوشمندانه باشد.»

روزنامه «شرق» در گزارشی می‌نویسد پس از ترور هنیه «نگرانی فراوانی» از پُررنگ شدن نقش نهادهای نظامی و امنیتی و سنگین شدن کفه‌ی معادلات به سود جریان موسوم به «میدان» شکل گرفته است، بنابراین احتمال وقوع سلسله کنش‌ها و واکنش‌ها میان رژیم ایران و اسرائیل با آغاز به کار دولت پزشکیان وجود دارد.

جلال ساداتیان سفیر پیشین جمهوری اسلامی در لندن، در یادداشتی می‌نویسد: «آنچه از مجموع اخبار برمی‌آید این است که جمهوری اسلامی در تلاش است در میدان بازی اسرائیل قرار نگیرد. چرا که نیت اسرائیل از ترور هنیه این است که در مرحله اول در برابر دولت جدید در ایران ایجاد مانع کند و دکتر پزشکیان نتواند حتی شعارهایی که مطرح کرده به عادی‌سازی روابط با غرب و کشورهای همسایه بپردازد و بهبود اوضاع در داخل کشور کمک کند.»

اصلاح‌طلبان مستقیم و غیرمستقیم نسبت به ریسک و پیامدهای اقدام نظامی علیه اسرائیل هشدار می‌دهند. حسین مرعشی دبیرکل حزب «کارگزاران سازندگی» در مصاحبه با «ایرنا» گفته «اقدام اول پاسخ نظامی در دفاع از تمامیت ارضی و حیثیت ایران است [اما] مشروط بر اینکه در دام حاکمان اسرائیل نیافتیم و خواسته نتانیاهو که گسترش جنگ است محقق نشود.»

او تأکید کرد، دومین اقدام ضروری «رفع خلاءهای امنیتی و اطلاعاتی» است. مرعشی گفته «باید بپذیریم ضعف‌هایی

● ترور اسماعیل هنیه در تهران که شکست اساسی برای دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی به شمار می‌رود، وضعیت اقتصادی ایران را بیش از پیش بهم ریخته است. اولین پیامدهای وقوع یک درگیری احتمالی، سقوط شاخص بورس و خروج فوری بخشی از سرمایه‌ها از بازارهای مالی و همچنین افزایش قیمت ارز و کمبود سوخت است.

● رسانه‌ها و افراد شناخته‌شده‌ی جریان «اصلاح‌طلب» ادعا می‌کنند، اسرائیل از ترور هنیه آنهم در تهران، یک روز پس از تحلیف مسعود پزشکیان اهداف چندگانه دنبال می‌کند، از جمله می‌خواهد از هرگونه سیاست تنش‌زدایی در سطح منطقه و جهان جلوگیری کرده و التهاب را حفظ کند.

● روزنامه «شرق» در گزارشی می‌نویسد پس از ترور هنیه «نگرانی فراوانی» از پُررنگ شدن نقش نهادهای نظامی و امنیتی و سنگین شدن کفه‌ی معادلات به سود جریان موسوم به «میدان» شکل گرفته است، بنابراین احتمال وقوع سلسله کنش‌ها و واکنش‌ها میان ایران و اسرائیل با آغاز به کار دولت پزشکیان وجود دارد.

● جلال ساداتیان سفیر پیشین جمهوری اسلامی در لندن، در یادداشتی می‌نویسد: «آنچه از مجموع اخبار برمی‌آید این است که جمهوری اسلامی در تلاش است در میدان بازی اسرائیل قرار نگیرد.

● حسین مرعشی دبیرکل حزب «کارگزاران سازندگی» در مصاحبه با «ایرنا» گفته «اقدام اول پاسخ نظامی در دفاع از تمامیت ارضی و حیثیت ایران است [اما] مشروط بر اینکه در دام حاکمان اسرائیل نیافتیم و خواسته نتانیاهو که گسترش جنگ است محقق نشود.»

● نه فقط طرفداران نظام بلکه شماری از مقامات نظامی و امنیتی رده‌بالا می‌گویند اگر نظام واکنش مناسب به ترور هنیه نشان ندهد پیامدهای سنگین‌تری در پی خواهد داشت. چنانکه برخی کارشناسان حامی جمهوری اسلامی ترور هنیه را ناشی از عدم رعایت اصل غافلگیری در عملیات «صبح صادق» می‌دانند که طی آن حکومت پیش از پرتاب موشک‌ها و پهپادها به سوی اسرائیل از ساعت‌ها قبل آغاز عملیات را اعلام کرده بود!

● وبسایت «بصیرت» وابسته به معاونت سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در واکنش به آشفته‌گی بازارهای مالی پس از ترور هنیه و احتمال اقدام تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی، در یادداشتی خطاب به «وزارتخانه‌های مرتبط با بازار و اقتصاد» اعلام کرد که «باید آرایش جنگی بگیرند» و خود را برای «جنگ اقتصادی» آماده کنند.

ترور اسماعیل هنیه در تهران که شکست اساسی برای دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی به شمار می‌رود، وضعیت اقتصادی ایران را بیش از پیش بهم ریخته است. اولین پیامدهای وقوع یک درگیری احتمالی، سقوط شاخص بورس و خروج فوری بخشی از سرمایه‌ها از بازارهای مالی و همچنین افزایش قیمت ارز و کمبود سوخت است.

هرچند برای جمهوری اسلامی واکنش نظامی تبدیل به یک مسئله حیثیتی شده اما بسیاری از ناظران حتا خودی‌های نظام نسبت به پیامدهای هرگونه اقدام تلافی‌جویانه هشدار داده‌اند.

پس از آنکه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی صحبت



تصاویری از حمله راکتی به پایگاه «عین الاسد» در عراق

پنج آمریکایی در حمله به پایگاه «عین الاسد» زخمی شدند؛ کاخ سفید: در مکان و زمان مناسب اقدام می‌کنیم

نیز در تهران ترور شدند. العربیه به نقل از منابع امنیتی عراق گزارش داد که هشت راکت شلیک شده به سوی این پایگاه رهگیری و منهدم شده‌اند.

هنوز هیچ گروهی مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفته و گزارشی از خسارات یا تلفات احتمالی منتشر نشده است. منابع عراقی گفته‌اند که عراق می‌خواهد نیروهای ائتلاف نظامی به رهبری ایالات متحده از ماه سپتامبر از عراق خارج شوند.

یک مقام عراقی به رویترز گفت که آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا از محمد شیاع السوداني نخست وزیر عراق خواسته است تا رژیم ایران را نسبت به تعدیل واکنش علیه اسرائیل متقاعد کند.

دفتر مطبوعاتی کاخ سفید اعلام کرد، جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا و معاونش از حمله به پایگاه عین الاسد مطلع شدند و در مورد اقداماتی برای پاسخ به آن در زمان و مکان مناسب اقدام خواهند کرد.

ژنرال مایکل اریک کوریلای رئیس فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام)، در حال حاضر در خاورمیانه بسر می‌برد. یکی از مقامات آمریکایی گفت کوریلای با متحدان خود صحبت می‌کند تا از هماهنگی در صورت حمله جمهوری اسلامی ایران به اسرائیل اطمینان حاصل کند.

پس از آنکه جمهوری اسلامی تهدید کرد به اسرائیل حمله خواهد کرد، کوریلای در اسرائیل با یوآو گالانت وزیر دفاع این کشور و همچنین هرتری هالوی رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل دیدار و گفتگو کرد.

شماری از مقامات نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی می‌گویند آمریکا به اسرائیل برای ترور هنیه کمک کرده است. در همین ارتباط محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی تهدید کرد، «اسرائیل و حامی آن یعنی آمریکا از اقدام خود پشیمان خواهند شد و مجبور می‌شوند نظام محاسباتی خود را اصلاح کند تا دیگر دچار چنین اشتباهی نشوند.»

همچنین سردار پاسدار حسین علایی از چهره‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان و رئیس پیشین ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت، «قطعاً آمریکا در ترور هنیه همکاری نزدیک عملیاتی و اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی داشته است.»

● خبرگزاری رویترز دوشنبه شب ۵ اوت (۱۵ مرداد) به نقل از دو منبع امنیتی عراقی اعلام کردند که دو موشک کاتیوشا به سمت پایگاه هوایی عین الاسد در غرب عراق شلیک شده است. یکی از منابع امنیتی عراق گفت که موشک‌ها در داخل پایگاه سقوط کرده است.

● مقامات آمریکایی که نخواستند نام‌شان فاش شود به رویترز گفتند که یکی از نیروهای آمریکایی به شدت مجروح شده است. آنها همچنین گفتند که شمار تلفات بر اساس گزارش‌های اولیه بود که ممکن است تغییر کند.

● یک مقام عراقی به رویترز گفت که آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا از محمد شیاع السوداني نخست وزیر عراق خواسته است تا رژیم ایران را نسبت به تعدیل واکنش علیه اسرائیل متقاعد کند.

● دفتر مطبوعاتی کاخ سفید اعلام کرد، جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا و معاونش از حمله به پایگاه عین الاسد مطلع شدند و در مورد اقداماتی برای پاسخ به آن در زمان و مکان مناسب اقدام خواهند کرد.

در شرایطی که درگیری‌ها در خاورمیانه بالا گرفته است، مقامات ایالات متحده به رویترز گفتند که دست کم پنج پرسنل آمریکایی در حمله به پایگاه «عین الاسد» در عراق زخمی شدند.

خبرگزاری رویترز دوشنبه شب ۵ اوت (۱۵ مرداد) به نقل از دو منبع امنیتی عراقی اعلام کردند که دو موشک کاتیوشا به سمت پایگاه هوایی عین الاسد در غرب عراق شلیک شده است. یکی از منابع امنیتی عراق گفت که موشک‌ها در داخل پایگاه سقوط کرده است.

مشخص نیست که آیا این حمله با تهدیدات جمهوری اسلامی در گرفتن انتقام خون اسماعیل هنیه ارتباط دارد یا نه. مقامات آمریکایی که نخواستند نام‌شان فاش شود به رویترز گفتند که یکی از نیروهای آمریکایی به شدت مجروح شده است. آنها همچنین گفتند که شمار تلفات بر اساس گزارش‌های اولیه بود که ممکن است تغییر کند.

یکی از مقامات افزود: «پرسنل پایگاه در حال انجام ارزیابی خسارت پس از حمله هستند.»

موج جدید حمله به پایگاه‌های آمریکایی پس از حمله موشکی حزب‌الله لبنان به زمین فوتبال بچه‌ها در مجدالشمس در شمال اسرائیل آغاز شد. پس از آن بود که فؤاد سُکر فرمانده ارشد حزب‌الله در لبنان و اسماعیل هنیه

→ اردستانی عضو پیشین کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی گفت «ایران باید پاسخ انفجارهای کرمان را با موشک بدهد» اما همزمان عنوان کرد «جمهوری اسلامی کمی محافظه‌کاری بیش از اندازه دارد؛ درواقع شاید بتسد اگر بخواهد انتقامی بگیرد آنها نیز مجدد پاسخ دهند و جنگ رخ دهد و خب در آن شرایط مردم ایران بیرون بریزند. شاید یک ترسی برای جمهوری اسلامی وجود دارد.»

در ارتباط با پیامدهای اقتصادی شرایط کنونی، خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به سقوط شدید شاخص بورس بعد از ترور هنیه نوشت، «کارشناسان بازار سرمایه معتقدند ترس از تنش‌های بین‌المللی در بازار منجر به این موضوع شده است که عده‌ای از ترس مرگ خودکشی کنند. یعنی سهامداران بدون توجه به مسائل اصلی موجود در بازار، تنها خواستار خروج از این بازار هستند.»

روزنامه «وال استریت ژورنال» روز یکشنبه چهارم اوت (۱۴ مرداد) گزارش داد جمهوری اسلامی به دیپلمات‌های عرب اطلاع داده که نگران نیست اگر تلافی ترور اسماعیل هنیه منجر به شروع یک جنگ شود.

همچنین روزنامه کویتی «الجریده» نیز ادعا کرد جمهوری اسلامی «پیشنهادهای وسوسه‌انگیز» آمریکا برای جلوگیری از جنگ با اسرائیل را نپذیرفته است.

موسی غنی نژاد اقتصاددان حامی مسعود پزشکیان هشدار داده که حکومت با آبرچالش‌های خطرناکی روبروست که امنیت و بقای «ملی» [نظام] را تهدید می‌کنند.

دو هفته پیش از ترور هنیه، «بانک جهانی» نسبت به «ناترازی‌های اقتصادی»، «سیاست‌های اقتصادی نامناسب»، «تحریم‌ها»، «تشدید عدم اطمینان ژئوپلیتیک»، «تجارت با شرکای تجاری معدود» به جمهوری اسلامی هشدار داد و اعلام کرد که این وضعیت ایران را در برابر تکانه‌های تجاری آسیب‌پذیر کرده است.

از سوی دیگر، نه فقط طرفداران نظام بلکه شماری از مقامات نظامی و امنیتی رده‌بالا می‌گویند اگر نظام واکنش مناسب به ترور هنیه نشان ندهد پیامدهای سنگین‌تری علیه آن در پی خواهد داشت. چنانکه برخی کارشناسان حامی جمهوری اسلامی ترور هنیه را ناشی از عدم رعایت اصل غافلگیری در عملیات «صبح صادق» می‌دانند که طی آن حکومت پیش از پرتاب موشک‌ها و پهپادها به سوی اسرائیل از ساعت‌ها قبل آغاز عملیات را اعلام کرده بود!

وبسایت «بصیرت» وابسته به معاونت سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در واکنش به آشفته‌گی بازارهای مالی پس از ترور هنیه و احتمال اقدام تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی، در یادداشتی خطاب به «وزارتخانه‌های مرتبط با بازار و اقتصاد» اعلام کرده است که «باید آرایش جنگی بگیرند» و خود را برای «جنگ اقتصادی» آماده کنند.

در این نوشتار برای مقابله با آنچه «شوکه‌های نظامی و امنیتی بر اقتصاد» ناشی از کشته شدن اسماعیل هنیه خوانده شده، از مقامات اقتصادی خواسته شده که همزمان با رسیدن به «ساعت صفر» برای آغاز نوعی اقدام تلافی‌جویانه نظامی «نظارت و مدیریت بر بازار» را «تقویت و تشدید» کنند.

در این یادداشت همچنین آمده، «نقش بانک مرکزی به منزله قرارگاه مرکزی جنگ اقتصادی» از نظر «کنترل نرخ ارز به عنوان لنگرگاه انتظارات تورمی کشور اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.»

در بخش دیگری از این یادداشت از مردم خواسته شده که «به وظیفه و تکلیف خود عمل کنند» و برای «کنترل مصرف» از «هجوم به بازارها و منابع» خودداری کنند.

حدس و گمان‌ها در مورد شیوه ترور اسماعیل هنیه در تهران

سخنگوی حماس: موشک مستقیم وارد اتاق شد!۸

حفاظتی رژیم بردارد.

در این همین ارتباط حتا برخی منابع حکومتی از جمله کارشناسی در صداوسیما جمهوری اسلامی قصور را به گردن خود هنیه و محافظان‌اش انداخته‌اند. بعضی مطرح کرده‌اند که هنیه و محافظان‌اش از طریق سیگنال موبایل یا حساب کاربری خود در واتساپ لو رفتند.

گمانه‌زنی در مورد نحوه اجرای این عملیات زیاد است و مدام منابع مختلف داخلی و خارجی به نقل از کارشناسان، مقامات یا «منابع» خود و «ناشناس» موضوعات متفاوت و متناقضی را مطرح می‌کنند.

در این میان اما در داخل کشور انتقادات از قصور و ضربه‌پذیری دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی بالا گرفته است. روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران روز پنجشنبه ۱۱ مرداد در واکنش به ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس در قلب تهران نوشت، «اصلی‌ترین آسیب، وجود عوامل نفوذی در داخل خودمان است. اینکه اسرائیل می‌تواند موشک خود را از پنجره اتاق خواب اسماعیل هنیه در نقطه کاملاً حفاظت شده‌ای در تهران عبور بدهد و او را به شهادت برساند، هیچ مفهومی غیر از این ندارد که این رژیم جنایتکار در داخل خودمان عوامل نفوذی دارد.»

در این نوشتار آمده «ما برای مصون ماندن از ترورها باید اولاً قدرت رهگیری خودمان در برابر پرنده‌های دشمن را تقویت کنیم و ثانیاً اقدام به یک پاکسازی ریشه‌ای در مجموعه‌های اطلاعاتی و امنیتی خودمان نمائیم.»

در این مطلب همچنین تأکید شده، «از انتقام گرفتن مهم‌تر، بستن راه‌های نفوذ دشمن در هوا و زمین و شناسائی و مجازات عناصر وابسته است که از آن غفلت می‌کنیم، همان «ایلی‌کوهن»‌های وطنی که با فریبکاری تا بالاترین سطوح نفوذ می‌کنند و عوامل اصلی ترورها هستند.»

ایلی یا الیاهو کوهن جاسوس اسرائیلی در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت میلادی معروفیت خود را به علت عملیات جسورانه‌اش در سوریه دارد. وی با نفوذ در دولت سوریه تا مقام معاون وزیر دفاع نیز رسید و از تندرترین افراد ضد اسرائیلی در میان مقامات سوریه به شمار می‌رفت. وی که با این عملیات اطلاعات ارزشمندی در اختیار کشورش اسرائیل قرار داد، سرانجام هویت‌اش لو رفت و در سال ۱۹۶۵ اعدام شد. حالا اقدامات مختلف اسرائیل در ایران، مقامات رژیم را نگران جاسوس‌ها و نفوذی‌هایی کرده است که احتمال دارد با وجود اظهارات تند ضد اسرائیلی بیخ گوش خودشان جاسازی شده باشند.

در چنین شرایطی جمهوری اسلامی خود را آماده «انتقامجویی» و «خونخواهی» از اسرائیل می‌کند؛ اقدامی که به نظر می‌رسد با وجود همه خطراتی که در پی دارد اما نیاز جدی حکومت است تا لطمه‌ی شدیدی را که متحمل شده چبران کند.

از سوی دیگر، رسانه‌های ترکیه‌ای مقامات جمهوری اسلامی را متهم می‌کنند که این کشور هشدارهای امنیتی در مورد احتمال ترور رهبران «مقاومت» را به اطلاع حسن نصرالله رسانده‌اند و شخص وی را از سفر به تهران برای شرکت در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان منصرف کرده‌اند اما در مورد اسماعیل هنیه این کار را نکردند.

پاسداران انقلاب اسلامی بطور شبانه‌روزی در کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف آن به صورت شیفت گشت می‌زنند و مراقبت می‌کنند.

حدس و گمان در مورد شیوه اجرای عملیات ترور هنیه زیاد است. برخی منابع صحبت از آن می‌کنند که عملیات انفجار با استفاده از «کوادکوپتر» انفجاری صورت گرفته است. برخی دیگر معتقدند با موشک‌های هدایت‌شونده مینباتوری اقامتگاه هنیه هدف قرار داده شده است.

روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از «منابع» خود مدعی شده که پیشتر مپی در اقامتگاه هنیه جاسازی شده بود که یک دستگاه انفجاری با فناوری بالا بوده که برای کاربرد آن از هوش مصنوعی استفاده شده است. این در حالیست که خلیل الحیه معاون گروه تروریستی حماس در غزه دهم مرداد در نشست مطبوعاتی در تهران در شرح کشته شدن اسماعیل هنیه عنوان کرد که به گفته شاهدان عینی که همراه هنیه بودند «یک موشک وارد اتاق شد.»

الحیه تأکید کرده که رهبر حماس در «آنجا مورد اصابت مستقیم قرار گرفت». این ادعا شلیک از نواحی اطراف اقامتگاه به آن محل را تقویت می‌کند به ویژه آنکه در ارتفاعات ولنجک عمق دید کافی به اتاق اسماعیل هنیه داشته است.

ترور هنیه به هر شکلی که انجام شده باشد، ضربه‌ای سخت بر حیثیت نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی وارد آورده است. اگرچه گروه‌های مختلفی انگشت اتهام را به سوی خود جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران هم نشانه گرفته‌اند و معتقدند عامل قتل رهبر حماس جریان‌های درونی حکومت ایران هستند که با اسرائیل همدست شده‌اند.

عبدالحامید خراسانی فرمانده سپاه بدری طالبان در واکنش به ترور رهبر سازمان حماس در ویدیویی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، ادعا کرده که جمهوری اسلامی در کشته شدن هنیه نقش داشته است. او همچنین جمهوری اسلامی را به دوستی «در سایه» و پنهانی با آمریکا و اسرائیل متهم کرد.

در شبکه‌های اجتماعی برخی کاربران می‌گویند آنچه «نیویورک تایمز» درباره شیوه ترور هنیه مطرح کرده همان سناریویی است که مورد پسند جمهوری اسلامی است زیرا بار مسئولیت را از دوش نهادهای امنیتی و تیم تأمین سپاه پاسداران برمی‌دارد.

آنچه اما بدیهی است و تقریباً کسی در آن تردید ندارد، نقش عناصر نفوذی در حکومت ایران از جمله برای ترور اسماعیل هنیه است. عناصری که آنقدر به حلقه‌های اصلی تیم امنیتی و حفاظتی نزدیک هستند که زمان و مکان حضور هنیه را که شرکت وی در مراسم تحلیف پزشکیان پیشتر اعلام نشده و معلوم هم نبوده که وی در کجا و تا کی در تهران می‌ماند، دقیق و به‌موقع می‌دانستند. به همین دلیل به نظر می‌رسد دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی کارزاری برای انتشار سناریوهای مختلف در مورد شیوه ترور هنیه به راه انداخته تا توجهات را از حفره‌های امنیتی و همچنین نقش خود در این عملیات منحرف کند و طرح سناریوهای موازی و انحرافی بار مسئولیت را از دوش یگان‌ها و تیم‌های

مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند که اقامتگاه اسماعیل هنیه با یک «موشک هدایت‌شونده» که از خارج ایران کنترل می‌شد کشته شده است اما روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از «منابع» خود گزارش داد موساد از طریق انفجار یک مپب که قبلاً در آن ساختمان جاسازی شده بود عملیات ترور را انجام داد.

در شبکه‌های اجتماعی برخی کاربران می‌گویند آنچه «نیویورک تایمز» در باره شیوه ترور هنیه مطرح کرده همان سناریویی است که مورد پسند جمهوری اسلامی است زیرا بار مسئولیت را از دوش نهادهای امنیتی و تیم تأمین سپاه پاسداران برمی‌دارد.

به نظر می‌رسد دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی کارزاری برای انتشار سناریوهای مختلف در مورد شیوه ترور هنیه به راه انداخته تا توجهات را از حفره‌های امنیتی و همچنین نقش خود در این عملیات منحرف کند و طرح سناریوهای موازی و انحرافی بار مسئولیت را از دوش یگان‌ها و تیم‌های حفاظتی رژیم بردارد.

خلیل الحیه معاون حماس در غزه دهم مرداد در نشست مطبوعاتی در تهران در شرح کشته شدن اسماعیل هنیه عنوان کرد که به گفته شاهدان عینی که همراه وی بودند «یک موشک وارد اتاق شد». الحیه تأکید کرد که هنیه «آنجا مورد اصابت مستقیم قرار گرفت». این ادعا شلیک از نواحی اطراف اقامتگاه به آن محل را تقویت می‌کند به ویژه آنکه در ارتفاعات ولنجک عمق دید کافی به اتاق اسماعیل هنیه داشته است.

گمانه‌زنی در مورد نحوه اجرای این عملیات زیاد است و مدام منابع مختلف داخلی و خارجی به نقل از کارشناسان، مقامات یا «منابع» خود و «ناشناس» موضوعات متفاوت و متناقضی را مطرح می‌کنند. اما ترور هنیه به هر شکلی که انجام شده باشد، ضربه‌ای سخت بر حیثیت نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی وارد آورده است.

اقدامات مختلف اسرائیل در ایران، مقامات رژیم را نگران جاسوس‌ها و نفوذی‌هایی کرده است که احتمال دارد عین ایلی یا الیاهو کوهن جاسوس اسرائیلی در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت میلادی در حکومت وقت سوریه، با وجود اظهارات تند ضد اسرائیلی، بیخ گوش خودشان جاسازی شده باشند.

مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند که اقامتگاه اسماعیل هنیه با یک «موشک هدایت‌شونده» که از خارج ایران کنترل می‌شده کشته شده است؛ اما روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از «منابع» خود گزارش داده که موساد از طریق انفجار یک مپب که قبلاً در آن ساختمان جاسازی شده بود عملیات ترور را انجام داده است.

مهمانسرای که اسماعیل هنیه در آن اقامت داشت در منطقه‌ای حفاظت شده توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اداره می‌شود. این مجموعه که از قرار معلوم بخشی از آن یک مرکز توانبخشی ویژه جانبازان است در پایین ارتفاعات ولنجک در شمال تهران قرار دارد.

در ضلع شمالی این مجموعه کوهپایه‌هایی دیده می‌شوند که به شهر تهران مُشرّف‌اند و در ضلع جنوبی آن منازل مسکونی قرار دارند که بر اساس اطلاعات و شواهد موجود مأموران نیروی انتظامی و حفاظت سپاه

بازداشت شماری از مأموران و مقامات امنیتی در ارتباط با ترور رهبر حماس احتمال هدف‌گیری مهمانسرای هنیه از ارتفاعات توچال



ساختمان محل اقامت اسماعیل هنیه در شمال تهران (راست) و ارتفاعات مشرف به آن

کرد و گفت: «این حادثه در بامداد روز چهارشنبه رخ داد و از وضعیت محل حمله و جسد هنیه مشخص است که این حمله با استفاده از یک پرتابه از هوا یا موشک صورت گرفته است.»

پیش از این خلیل الحیه معاون حماس در غزه دهم امرداد در نشست مطبوعاتی در تهران در شرح کشته شدن اسماعیل هنیه عنوان کرد که به گفته شاهدان عینی که همراه وی بودند «یک موشک وارد اتاق شد.» الحیه تأکید کرد که هنیه «آنجا مورد اصابت مستقیم قرار گرفت.» این ادعا شلیک از نواحی اطراف اقامتگاه به آن محل را تقویت می‌کند به ویژه آنکه در ارتفاعات ولنجک عمق دید کافی به اتاق اسماعیل هنیه وجود داشته است.

رهبر حماس در حالی که مهمان رژیم بوده در تهران کشته شده و بعید است جمهوری اسلامی بتواند با ضداطلاعات و چند دستگیری به سادگی نظر مقامات حماس را درباره مسئولیت خود در حفظ امنیت رهبر این گروه تروریستی تغییر دهد به ویژه آنکه زمامداران حماس خودشان شبه‌نظامی هستند و هم تجهیزات و ادوات را می‌شناسند و هم بارها خودشان دست به ترور زده‌اند و هم عناصر خود را در جریان همین ترورها از دست داده‌اند و از تجربه کافی در این زمینه برخوردارند و سرشان کلاه نمی‌رود.

بهرامی نایب رئیس کمیسیون انرژی و عضو مجلس شورای اسلامی نیز تأکید کرده «با توجه به نحوه ترور اسماعیل هنیه، می‌توان حدس زد که عوامل نفوذی داخلی در وقوع این حادثه نقش داشته‌اند. نحوه حضور عوامل ترور و نوع ترور نشان می‌دهد، نفوذی‌های دشمن در ترور مؤثر بوده‌اند.»

همچنین منصور حقیقت‌پور نماینده سابق مجلس و معاون سابق قاسم سلیمانی در «سپاه قدس» در یک اظهار نظر تأکید کرده «بعضی از مسئولان سیاسی، نظامی و امنیتی ما باید برکنار شوند. در پایتخت، مهمان ما شبانه ترور می‌شود، این اتفاق از نگاه امنیتی، غیرقابل قبول است.»

این روزنامه اشاره کرده که انفجار مرگبار که همچنین منجر به کشته شدن محافظ شخصی هنیه شد، «نه تنها یک شکست بزرگ اطلاعاتی و امنیتی، نه فقط یک ناتوانی در حفاظت از یک هم‌پیمان اصلی، نه تنها نشان‌دهنده ناتوانی در مهار نفوذ موساد، و نه فقط ضربه‌ای تحقیرآمیز به حیثیت حماس، بلکه بسی بیش از اینها بود.»

همچنین در گزارش این روزنامه آمده، واکنش‌ها نشان می‌دهد ترور هنیه در قلب تهران یک شکست امنیتی ویرانگر برای رهبری جمهوری اسلامی ایران بوده است، چرا که این ترور در یک محوطه به شدت محافظت شده در تهران آنهم ساعاتی پس از مراسم تحلیف رئیس جمهور جدید رژیم رخ داده است.

سناریوهای مختلفی در مورد شیوه ترور هنیه مطرح شده است اما اغلب افرادی که در این ارتباط نظر داده‌اند به صورت مشترک معتقدند بدون همکاری عوامل نفوذی در داخل نیروهای مسلح و امنیتی جمهوری اسلامی انجام چنین عملیات دقیق و حساب شده‌ای ممکن نبود.

احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «در نظام امنیتی-اطلاعاتی شکاف‌ها و آلودگی‌هایی وجود دارد»، در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» که ۱۳ امرداد منتشر شد توضیح می‌دهد که «دو سناریوی محتمل درباره ترور هنیه محتمل است: استفاده از یک ریزپرنده و از محل ایستگاه شماره دو توچال، محل مورد نظر را مورد اصابت قرار داده‌اند و سناریوی دوم این است که ریزپرنده‌ای در کار نبوده است، بلکه عده‌ای عوامل نفوذی در داخل ایران در حوالی همان ایستگاه شماره دو توچال مستقر شده‌اند و با سلاحی شبیه موشک، محل اقامت هنیه را زده‌اند.»

در این میان، هرچند «نیویورک تایمز» پیشتر ادعا کرده بود که انفجار در اتاق هنیه مربوط به مپی بود که دو ماه قبل آنجا جاسازی شده بود اما خالد القدومی نماینده حماس در ایران خبر کار گذاشتن مپ زیر تخت خواب هنیه را رد

● روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داده که در ارتباط با ترور اسماعیل هنیه در تهران «بازداشت‌های سطح بالا» صورت گرفته است. بر اساس این گزارش بیش از ۲۰ نفر از جمله افسران ارشد اطلاعاتی و امنیتی، مقام‌های نظامی و کارکنان مهمانسرای که هنیه در آن اقامت داشت بازداشت شده‌اند.

● اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ادعا می‌کند اسرائیل با «چراغ سبز آمریکا» اسماعیل هنیه رهبر حماس را در تهران ترور کرده است.

● احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «در نظام امنیتی-اطلاعاتی شکاف‌ها و آلودگی‌هایی وجود دارد»، در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» توضیح می‌دهد که دو سناریوی محتمل درباره ترور هنیه محتمل است: استفاده از یک ریزپرنده و از محل ایستگاه شماره دو توچال، محل مورد نظر را مورد اصابت قرار داده‌اند و سناریوی دوم این است که ریزپرنده‌ای در کار نبوده است، بلکه عده‌ای عوامل نفوذی در داخل ایران در حوالی همان ایستگاه شماره دو توچال مستقر شده‌اند و با سلاحی شبیه موشک، محل اقامت هنیه را زده‌اند.»

اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ادعا می‌کند اسرائیل با «چراغ سبز آمریکا» اسماعیل هنیه رهبر حماس را در تهران ترور کرده است.

محل اقامت کوتاه و مرگبار اسماعیل هنیه در شمال تهران در منطقه‌ای حفاظت شده متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نزدیک ارتفاعات ولنجک بود. در ایران «سپاه ولی امر» و «سپاه حفاظت انصارالمهدی» مسئول تأمین امنیت افراد بلندپایه سیاسی هستند.

روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از «منابع مطلع» گزارش داده که بیش از ۲۰ نفر از جمله تعدادی از افسران اطلاعاتی، مقامات نظامی و کارکنان مهمانسرای که هنیه آنجا اقامت داشت بازداشت شده‌اند. در این گزارش تأکید شده «بازداشت‌ها سطح بالا» بوده است.

تخت جمشید و نقش رستم: ۲۵ سانتی‌متر فرونشست در طول دو سال



نقش رستم و تخت جمشید واقع شده که متأسفانه در بازدیدها شکاف‌های فرونشستی در محوطه تخت جمشید کاملاً مشخص و واضح است و مهمتر اینکه در حال توسعه است. این شکاف‌ها به مجرای نفوذ آب تبدیل می‌شوند و تونل‌های زیرسطحی را ایجاد می‌کنند و در نهایت به فروریزش سطحی زمین منجر می‌شوند.

او در ادامه گفته بود که «در نقش رستم هم دقیقاً در مجاورت و نزدیکی صخره‌های سنگی و نقش نگارهای سنگی ارزشمند، شکاف عمیق و عجیب طولی با عمق چشمی ۶ متر و با عرض نیم متری وجود دارد که این نشان می‌دهد این زون [ناحیه] بسیار خطرناک است.»

نتایج یک پژوهش که در خردادماه امسال در رابطه با فرونشست در ایران منتشر شد نشان می‌داد علاوه بر جمعیت ۲۵۶ شهر و زیرساخت‌هایی مثل مترو که از فرونشست تأثیر می‌گیرند، یک هزار و ۳۸۰ کیلومتر از خطوط راه‌آهن بین‌شهری و هشت فرودگاه ایران نیز در معرض آسیب شدید از این پدیده قرار دارند.

بر اساس این پژوهش، کاهش سالانه ۱/۷ میلیارد مترمکعب از آب‌های زیرزمینی ایران باعث شده که بیش از سه هزار کیلومتر مربع از مساحت کشور با فرونشست شدید روبرو شود.

این مقاله که بر اساس تصاویر ماهواره‌ای سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ برای ارزیابی پیامدهای برداشت آب‌های زیرزمینی در ایران تنظیم شده تأکید کرده در حال حاضر ۲۵۶ شهر از ۴۲۹ شهر ایران درگیر بحران فرونشست هستند.

در این مقاله آمده که فرونشست به تهدیدی جدی برای زیرساخت‌های ایران تبدیل شده بطوری که خطوط مترو، بزرگراه‌ها، جاده‌های اصلی، خطوط راه‌آهن و جاده‌های کامیون‌رو در معرض آسیب‌هایی شدید قرار دارند.

بر اساس مطالعات صورت گرفته، از ۹ هزار و ۵۰۰ کیلومتر خطوط ریلی در سراسر کشور، حدود ۱۵ درصد (معادل یک‌هزار و ۳۸۰ کیلومتر) در نواحی دچار فرونشست کشیده شده‌اند.

این مقاله افزوده هشت فرودگاه بزرگ و متوسط ←

قسمت خاکی دشت یعنی بخش‌هایی نزدیک به نقش‌رستم یا تخت جمشید هستند اما نکته حائز اهمیت این است که بارندگی باعث می‌شود شکاف‌هایی که بین دشت و کوه به وجود می‌آید، فرسایش خندقی پیدا کند و به‌مرور زمان بزرگتر شود.»

به گفته ایمان انتظام سلطانی «سته‌شدن این شکاف‌ها و فرسایش خندقی ناشی از آن، به قسمت‌هایی از آثار تاریخی که در بخش خاکی واقع شده‌اند مثل کعبه زرتشت در نقش‌رستم، تأثیر منفی می‌گذارد، متأسفانه هرسال با شروع فصل بارش عمیق‌تر شدن شکاف‌ها بیشتر می‌شود.»

این کارشناس درباره راهکارهای احتمالی مقابله با این پدیده گفته «راهکار کوتاه‌مدت شیوه‌های مهندسی مانند تزریق سیمان در شکاف و یا دورکردن آب از آن است که همگی راه‌حل‌های موقتی محسوب می‌شوند اما نکته اصلی اینجاست که دشت مرو دشت باید به حالت تعادل آبی برسد و بیشتر از ورودی از آن برداشت آبی نشود.»

ایمان انتظام سلطانی با ارائه امار تکانه‌دهنده‌ای گفته طی دو سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ دشت مرو دشت چیزی بین ۲۱ تا ۲۵ سانتی متر فرونشست داشته است و این در حالی است که در یک بازه ۹ ساله از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ حداکثر نشست‌ها جمعی بوده است که میانگین آن در مرو دشت به ۱۰۰ سانتی‌متر می‌رسد!

پیش از این نیز علی بیت الهی درباره آسیب به تخت جمشید و نقش رستم بر اثر فرونشست هشدار داده و گفته بود که در مرو دشت که آثار تاریخی تخت جمشید و نقش رستم در آن قرار دارند، نرخ فرونشست به ۱۷ سانتی‌متر در سال می‌رسد که رکورددار فرونشست در استان فارس است. او گفته بود «در حالی که ۵۰ سال گذشته در مرو دشت با حفر چاه ۳۰ متری به آب می‌رسیدند امروز با حفر چاهی به عمق ۱۲۰ متری هم به آب نمی‌رسند و در طول این سال‌ها با برداشت‌های بی‌رویه آب وضعیت فرونشست در این منطقه بحرانی شده است.»

علی بیت‌الهی افزوده بود «در حاشیه این پهنه فرونشستی خرساز استان فارس دو آثار تاریخی ارزشمند و منحصر بفرده

● سست شدن خاک در مرو دشت به ویژه در محدوده نقش رستم موجب نفوذ آب شده و بجز فرونشست سبب رانش زمین نیز شده است.

● در نتیجه فرونشست در مرو دشت شکاف‌های زیادی در مرز سنگی سازه‌های هخامنشی مثل تخت جمشید یا نقش‌رستم با بخش خاکی آن که همان دشت مرو دشت است، ایجاد شده است.

● در حال حاضر ۲۵۶ شهر از ۴۲۹ شهر و هشت فرودگاه بزرگ ایران درگیر بحران فرونشست زمین هستند.

● از ۹ هزار و ۵۰۰ کیلومتر خطوط ریلی در سراسر کشور، حدود ۱۵ درصد معادل یک‌هزار و ۳۸۰ کیلومتر در نواحی دچار فرونشست قرار دارند.

رئیس گروه سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی گفته فقط در طول دو سال گذشته تا ۲۵ سانتی‌متر فرونشست در دشت مرو دشت در اطراف تخت جمشید و نقش‌رستم ایجاد شده است.

در شرایطی که از مدت‌ها پیش فرونشست در مرو دشت به تهدیدی علیه نقش رستم و تخت جمشید تبدیل شده، نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد سست شدن خاک در این دشت به ویژه در محدوده نقش رستم موجب نفوذ آب شده و بجز فرونشست سبب رانش زمین نیز شده است.

در همین رابطه ایمان انتظام سلطانی رئیس گروه سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی گفته فرونشست معمولاً در مرکز دشت مرو دشت جایی که زیرساخت اصلی سازه‌های هخامنشی قرار دارد، زیاد بوده و در نواحی که به کوه می‌رسیم، فرونشست کمتر شده اما شکاف‌هایی ایجاد می‌شود که باعث ایجاد شکل نامتقارن شده است،

او افزوده در نتیجه چنین روندی، شکاف‌های زیادی در مرز سنگی سازه‌های هخامنشی مثل تخت جمشید یا نقش‌رستم با بخش خاکی آن که همان دشت مرو دشت است، وجود دارد.

وی توضیح داده که «فرونشست در مناطق سنگی نه رخ می‌دهد نه پیشرفت می‌کند. شکاف‌های پیش‌آمده در

اسلام، غرب و صلح جهانی



ناآرامی‌ها به جایی کشید که نخست وزیر بریتانیا، پس از جلسه‌ای در همین ارتباط در ۵ اوت ۲۰۲۴ سخنان شدیدالحنی علیه معترضان انگلیسی که آنها را «خلافکاران راست افراطی» نامید، مطرح کرد و گفت آنها حق ندارند به شهروندان مسلمان و یا مساجد آنها حمله کنند.

در سال‌های اخیر، اروپا شاهد هجوم بی‌سابقه پناهجویانی بوده است که از درگیری‌ها در سوریه و دیگر کشورهای عمدتاً مسلمان‌نشین فرار کرده‌اند. این موج مهاجران مسلمان به بحث‌ها در مورد مهاجرت و سیاست‌های امنیتی زده و سوالاتی را در مورد تعداد فعلی و آینده مسلمانان در اروپا مطرح کرده است.

مرکز تحقیقاتی «پیو» برای اینکه ببیند اندازه جمعیت مسلمانان اروپا در دهه‌های آینده چگونه ممکن است تغییر کند، مطالعاتی را انجام داده که بر اساس آنها سه سناریو را مدل‌سازی کرده که بسته به سطوح آتی مهاجرت پیش‌بینی‌های متفاوتی را ارائه می‌دهند. این تحقیق و سناریوها پیش‌بینی آنچه در آینده اتفاق می‌افتد نیستند، بلکه مجموعه‌ای از حدس و گمان‌ها هستند درباره آنچه در شرایط مختلف احتمال دارد اتفاق بیفتد.

بطور کلی دو راه برای توضیح تأثیرات تغییرات در جهان اسلام بر اروپا وجود دارد: یکی از سناریوها از میلیون‌ها مهاجرتی صحبت می‌کند که از زیر آوار جنگ و درگیری‌های خاورمیانه به سوی غرب سرازیر شده‌اند و با تحمیل فرهنگ بدوی، بنیادگرا و تروریستی خود، اروپا را ویران می‌کنند. دیدگاه کمتر بدبینانه بر مسئولیت اخلاقی اروپا بر پذیرش پناهجویان از خاورمیانه، نجات جان آنها و ارائه یک زندگی جدید به آنها در جوامع آزاد و دموکراتیک تأکید می‌کند.

بر اساس این مطالعات، مسلمانان در عرض سه دهه ممکن است ۱۴ درصد از جمعیت اروپا را تشکیل دهند. این بدین معناست که چهره قاره تاریخی مسیحی که در سال ۲۰۱۶ تنها ۵ درصد مسلمان داشت، ممکن است تا سال ۲۰۵۰ به طرز چشمگیری تغییر کند. از آنجا که

● در سال‌های اخیر، اروپا شاهد هجوم بی‌سابقه پناهجویانی بوده است که از درگیری‌ها در سوریه و دیگر کشورهای عمدتاً مسلمان‌نشین فرار کرده‌اند. این موج مهاجران مسلمان به بحث‌ها در مورد مهاجرت و سیاست‌های امنیتی در بسیاری از کشورهای اروپایی دامن زده و سوالاتی را در مورد تعداد فعلی و آینده مسلمانان در اروپا مطرح کرده است.

● بطور کلی دو راه برای توضیح تأثیرات تغییرات در جهان اسلام بر اروپا وجود دارد: یکی از سناریوها از میلیون‌ها مهاجرتی صحبت می‌کند که از زیر آوار جنگ و درگیری‌های خاورمیانه به سوی غرب سرازیر شده‌اند و با تحمیل فرهنگ بدوی، بنیادگرا و تروریستی خود، اروپا را ویران می‌کنند. دیدگاه کمتر بدبینانه بر مسئولیت اخلاقی اروپا بر پذیرش پناهجویان از خاورمیانه، نجات جان آنها و ارائه یک زندگی جدید به آنها در جوامع آزاد و دموکراتیک تأکید می‌کند.

● شاید شناسائی «اسلام سیاسی» به عنوان یک فرقه و ایدئولوژی مانند نازیسم و فاشیسم، و نه دین و مذهب، بتواند گام اول و مفیدی برای جلوگیری از رسیدن قطار تمدن به لبه پرتگاه درگیری‌های خشونت‌بار با پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی باشد.

پانته‌آمدیری - در روزهایی که جهانیان در انتظار واکنش جمهوری اسلامی به کشته شدن اسماعیل هنیه در تهران هستند، اتفاق ناگواری در انگلستان افتاد. دوشنبه ۲۹ ژوئیه، در «ساوث‌پورت» یک پسر ۱۷ ساله بریتانیایی به نام اکسل رودا کوبانا، با چاقو در یک مهمانی رقص با تم «تیلور سوئیفت» در این شهر ساحلی شمال غربی به شکل دیوانه‌واری به شرکت‌کنندگان در یک مسابقه رقص حمله کرد که در آن ۳ دختر بچه ۷، ۶، و ۹ ساله کشته و ۱۰ کودک دیگر مجروح شدند. این حمله ناآرامی‌هایی را برای اولین بار در این شهر شعله‌ور کرد که به سرعت به سراسر انگلستان گسترش یافت.

در این واقعه تعدادی پلیس زخمی شدند و دامنه

شامل فرودگاه بین‌المللی «امام» با بیش از ۸ میلیون مسافر در سال، فرودگاه‌های بین‌المللی اصفهان و ارومیه و نیز فرودگاه‌های کرمان، گرگان و شهرکرد که از جمله فرودگاه‌هایی هستند که در مناطق شهری قرار دارند، با خطر آسیب زیرساختی از فرونشست روبرو هستند. همچنین ۵۴ ایستگاه از ۳۱۰ ایستگاه راه‌آهن و ۲۵ ایستگاه مترو از ۲۱۵ ایستگاه احداث‌شده در نواحی فرونشست واقع شده‌اند.

در این مقاله آمده که در مجموع، ۳/۵ درصد از مساحت ایران یعنی حدود ۵۶ هزار کیلومترمربع با خطر فرونشست مواجه است؛ درحالی‌که ایران بطور میانگین ۱/۸ سانتی‌متر در سال در خود فرومی‌رود، بیش از سه‌هزار کیلومترمربع از این سرزمین شاهد فرونشست بیش از ۱۰ سانتی‌متر در سال است. این عارضه در برخی نقاط به ۳۵ سانتی‌متر در سال نیز می‌رسد.

در حال حاضر ۲۵۶ شهر از ۴۲۹ شهر ایران درگیر مسئله فرونشست هستند. هشت شهرستان شامل کرمان، رفسنجان و سیرجان در استان کرمان، مرودشت در استان فارس، نیشابور در استان خراسان رضوی، بویین زهرا در استان قزوین و گنبدکاووس و آق‌قلا در استان گلستان، فرونشستی به‌وسعت بیش از یک‌هزار کیلومترمربع را تجربه می‌کنند. وضعیت استان کرمان و به خصوص شهرستان رفسنجان، با ۳۷ سانتی‌متر فرونشست در سال، هشداردهنده برآورد شده‌اند.

به جز استان گیلان که به‌دلیل حجم بارش‌های فراوان، استخراج آب‌های زیرزمینی در مقیاس بزرگ صورت نمی‌گیرد، فرونشست زمین در تمام استان‌های ایران قابل مشاهده است. حتی استان مازندران در مجاورت استان گیلان، در وسعتی حدود ۱۴۰ کیلومترمربع با ۴ سانتی‌متر فرونشست در سال مواجه است.

امیر شمشکی معاون مدیر کل دفتر زمین‌شناسی، مهندسی و زیست‌محیطی سازمان زمین‌شناسی نیز ماه گذشته با اعلام اینکه که از حدود دو دهه پیش پژوهش‌های سازمان زمین‌شناسی درباره فرونشست‌ها در ایران افزایش پیدا کرده، گفته بود «فرونشست ممکن است در مناطقی به وجود آید که بروز خطر در آن مناطق دارای اهمیت بالایی است ولی در عین حال ممکن است خالی از سکنه باشد و یا تأسیسات خطوط انتقال انرژی از آن عبور نکرده باشد که بر همین اساس ریسک و خطرپذیری آن مناطق پایین‌تر است، ولی در مقابل با مناطقی مواجه هستیم که میزان خطر در آن ممکن است در مرحله بالایی نباشد ولی این خطر در جایی قرار گرفته که با تأسیسات شهری و عمرانی، شریان‌های حیاتی و تمرکز جمعیتی همراه است که همین عوامل می‌تواند میزان ریسک در آن منطقه را افزایش دهد.» امیر شمشکی افزوده بود که طی سال‌های گذشته در استان‌هایی مثل خراسان‌رضوی، تهران، قزوین، کرمان، فارس و اصفهان همچنان فرونشست با نرخ بالا مشاهده می‌شود و در برخی استان‌ها مثل استان گلستان که کنار دریا قرار دارد و دارای منابع آب مناسبی است، متصور نبودیم که فرونشست در آن رخ بدهد ولی متأسفانه بیشتر پهنه‌های آبرفتی آن درگیر مسئله فرونشست شده است.

معاون سازمان زمین‌شناسی همچنین گفته بود که برای استان خوزستان نیز متصور بودیم فرونشست در آن روی ندهد ولی متأسفانه در زمان کم‌آبی، ساخت سدها و فشار به منابع آب زیرزمینی باعث می‌شود حتی در این استان هم پدیده فرونشست مشاهده شود که البته مسائلی از جمله رهاسازی سدها، بارندگی، کاهش فشار به منابع آب زیرزمینی باعث اثر توفقی و کنترل‌شونده بر فرونشست می‌شود.

پادشاهان پهلوی و مشروطیت

● ذکاء الملک فروغی در نامه‌اش به حسن تقی‌زاده با عنوان «خریزار غریبی است در این مملکت» می‌نویسد: «آخوندها می‌خواهند در دولت استخدام شوند؛ بازاریان می‌خواهند وارد سیاست شوند، معیار پست و مقام گرفت، شارلاتان‌باز نیست، رد و قبول در تحصیلات از روی دسته‌بازی‌های سیاسی است، متحیرم که چه عرض کنم؟ آنچه در روزنامه‌ها ملاحظه می‌فرمائید نمونه‌ی خیلی ضعیفی از حقیقت است... بیرون مجلس هم نعوذ بالله!»

نادر صدیقی - جنبش والای مشروطیت ایران تاریخ یکصد و هجدهمین سال را ثبت کرد و هنوز هم پس از یک قرن و اندی، دستاورهای آن تکیه‌گاه مردمان ترقیخواه ایران است. آغاز مشروطیت با استبداد همراه بود که به استبداد صغیر معروف شد و البته مدت زیادی نپایید و سرانجام پس از یک سال و چند روز طومار مستبد دوران سیاه سلطانی با نام محمدعلی میرزا که اراده پدر را هم پاس نداشته بود، توسط قهرمانان زادگاه من تبریز و سایر آزادیخواهان ایران، درهم پیچید؛ ولی استبداد بزرگتر، ۴۵ سال است که جاریست! علت و یا علل طولانی شدن این استبداد نیم قرن، هرچه باشد، از جمله یک عنصر آشکار دخالت بیگانگان فرصت‌طلب و سودجو در آن، تردیدناپذیر است.

برای درک و فهم دلیل و یا دلایل این دگرگونی بسیار مهم، همه ما همچنان در تاریخ‌مان کنکاش می‌کنیم و در این کنکاش، البته به نکات ارزنده و آموزنده‌ای پی می‌بریم که نشانه‌های مهمی از اخلاق و رفتارهای اجتماعی قشرهای گوناگون جامعه ایران را آشکار می‌کند.

اخیرا در خبرها گفته شد که محمد جواد ظریف این سیاست‌خوانده‌ی رژیم مشروطه در دوران شاهنشاهی پهلوی، به نیابت از جانب دکتر مسعود پزشکیان، یکی دیگر از بهره‌وران نظام آموزشی پهلوی‌ها، مسئول چینش کابینه دولت چهاردهم جمهوری اسلامی بود و پست‌ها را تقسیم می‌کرد، از وزیر و معاون وزیر تا مدیرکل و استاندار و فرماندار و بخشدار و سایر عناوین!

در چنان احوالی نامه‌ای از زنده‌یاد ذکاء الملک فروغی خطاب به زنده‌یاد حسن تقی‌زاده به یاد آمد که هر دو از پیشگامان و بزرگان مشروطیت ایران بودند و در اوایل حکومت مشروطه در بیش از یکصد سال پیش نوشته شده و تصویر مشابهی از آخرین فصل قاجار را ارائه می‌داد.

ذکاء الملک فروغی در نامه‌اش به حسن تقی‌زاده با عنوان «خریزار غریبی است در این مملکت» می‌نویسد: «آخوندها می‌خواهند در دولت استخدام شوند؛ بازاریان می‌خواهند وارد سیاست شوند، معیار پست و مقام گرفت، شارلاتان‌باز نیست، رد و قبول در تحصیلات از روی دسته‌بازی‌های سیاسی است، متحیرم که چه عرض کنم؟

آنچه در روزنامه‌ها ملاحظه می‌فرمائید نمونه‌ی خیلی ضعیفی از حقیقت است... بیرون مجلس هم نعوذ بالله!» نامه‌ی طولانی و تأثرانگیزی است که البته گویای بخشی از تاریخ معاصر ماست. گوئی شرح حال وضع کنونی مملکت با تفاوتی در نام‌ها و چهره‌هاست. در آن دوران پلبشوی اوایل استقرار حکومت مشروطه هم می‌بینیم که فرهیخته‌ای چون ایرج میرزا تصویر مشابهی از اوضاع ارائه می‌دهد و در مثنوی دردمندی، تنها امید ملت و

ایجاد محله‌های مسلمان‌نشین مساجد خود را ساختند و مدرسی باز کردند و مهر خود را بر جامعه زدند. جامعه اروپایی که زمانی از آنها استقبال می‌کرد، شروع به نگرانی کرد. شهروندان در آرای در آلدراش، جنوب انگلستان، روز یکشنبه شاهد تظاهرکنندگانی بودند که پلاکاردهایی را در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود «تهاجم را متوقف کنید» و «ما راست افراطی نیستیم، فقط راست هستیم (یعنی راست/حقیقت را می‌گوئیم)». این بدین معنی است که مردم انگلستان دیگر به مهاجران به عنوان انسان‌هایی که برای فرار از ظلم و بی‌عدالتی به آنها پناه آورده‌اند نمی‌نگرند بلکه آنها را مهاجمانی می‌بینند که قصد نابودی فرهنگ و راه و روش زندگی آنها و تحمیل عقاید خود را دارند.

ترکیب سیاست‌های تهاجمی حکومت‌های جمهوری اسلامی، عربستان، ترکیه، قطر و دیگر حکومت‌های ضد نظم لیبرال دموکراسی جهان همراه با موج مهاجرت مسلمانان به اروپا و رفتار نفرت‌انگیزشان نسبت به ارزش‌های مردمان کشورهای پناه‌دهنده به آنان و بی‌عملی رهبران سیاسی آن کشورها باعث قطع امید شهروندان از سیاستمداران سنتی کشورهای غربی و رو آوردن آنها به سیاستمدارانی



پانته آمدیری

شده است که با آنها احساس همدلی و همدردی می‌کنند. این روند به برآمدن سیاستمداران راست و ناسیونالیست انجامیده که می‌تواند در نهایت به نظم جدیدی در دنیا منجر شود.

از احتمال جنگ بین جمهوری اسلامی و اسرائیل تا احساسات جریحه‌دار شده اروپائیان به خاطر اعمال ضد انسانی مسلمانان ساکن این کشورها می‌بینیم که این مشکل به فوریت نیاز به شناسایی و رسمی شدن و پیدا کردن یک راه حل فوری و عاجل دارد. شاید شناسائی «اسلام سیاسی» به عنوان یک فرقه و ایدئولوژی مانند نازیسم و فاشیسم، و نه دین و مذهب، بتواند گام اول و مفیدی برای جلوگیری از رسیدن قطار تمدن به لبه پرتگاه درگیری‌های خشونت‌بار با پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی باشد.

*پانته آمدیری گزارشگر و تهیه‌کننده‌ی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور

نرخ زاد و ولد خانواده‌های مسلمان یک فرزند بیشتر از جمعیت غیرمسلمان این قاره است، مرکز تحقیقات پیو پیش‌بینی می‌کند که از هر ۵ نفر تقریباً ۱ نفر در اروپا، بریتانیا (۱۷٪)، فرانسه (۱۸٪) و آلمان (۲۰٪) مسلمان خواهند بود. درصد پیش‌بینی شده برای سوئد ۳۰ درصد مسلمان طی سه دهه است.

تحولات خاورمیانه به ویژه پس از انقلاب اسلامی در ایران و به قدرت رسیدن اسلام بنیادگرا و انتشار تفکر ضد تمدنی شیعه تحت زعامت جمهوری اسلامی چه در ایران و چه در مناطق زیر نفوذ آن و روایت سنی آن در بقیه خاورمیانه و شمال آفریقا در تسریع مهاجرت مسلمانان به اروپا، کانادا و امریکا بسیار اثرگذار بوده است. این روند باعث افزایش جمعیت مسلمانان و تشکیل محله‌های مسلمان‌نشینی شده است که هیچ تمایلی به همگرایی با شهروندان بومی کشورهای میزبان خود ندارند و فرهنگ اسلامی ضد لیبرال دموکراسی را در میان جوانان بیگانه از فرهنگ کشور میزبان تدریس و ترویج می‌کنند. این روند باعث عصبانیت فزاینده شهروندان کشورهای اروپائی به ویژه کشورهایی با جمعیت مسلمان بیشتر شده است. در اتریش با پیش‌بینی ۲۰ درصدی جمعیت مسلمان تا سال ۲۰۵۰، اکثریت کاتولیک این کشور اخیراً یک نقشه آنلاین اسلام را برای شناسایی مساجد و دیگر مراکز مذهبی سیاسی منتشر کرده است.

در کنار این وقایع اتفاقات خاورمیانه و سیاست جمهوری اسلامی در استفاده از منابع سرشار ایران برای تشدید تضاد بین مسلمانان و دنیای لیبرال دموکراسی مزید بر علت در تشدید این تضاد شده و مانند پاشیدن بنزین بر روی آتش تمدن‌ستیزی مسلمانان شده است.

و در این میان پرسش این است که آیا ترس مسیحیان اروپایی از آینده کشورهاییان بجاست؟ یا آنطور که لیبرال‌های اروپائی و آمریکائی می‌گویند این واکنش نوعی اسلام‌هراسی است؟

بر اساس آمار جمع‌آوری شده در گزارش اسلام‌هراسی اروپا در سال ۲۰۱۹ (۳۷ درصد از اروپایی‌ها دیدگاه منفی نسبت به مسلمانان دارند، در حالی که ۲۹ درصد از کار با مسلمانان احساس راحتی نمی‌کنند. و در دانمارک، ۲۸ درصد حداقل تا حدی با این ایده که مسلمانان باید اخراج شوند موافق بودند.

با وجود این اکثریت قابل توجهی از اروپائیان و آمریکاییان با مسلمانان رفتار خوبی دارند. ولی در این میان بازیگران زیادی وجود دارند که سعی در شکل دادن به این روند دارند. در میان آنها کشورهایی با اکثریت مسلمان مانند ایران، ترکیه، عربستان، امارات متحده، قطر و مراکش هستند که در اروپا مساجد می‌سازند و ائمه جماعت را تامین می‌کنند. شبکه‌های فراملی مانند جمهوری اسلامی، اخوان المسلمین و فرقه‌های دیگر اسلامی برای به دست آوردن طرفداران و تعریف اسلام با یکدیگر رقابت می‌کنند. واعظان شیعه و وهابی در اینترنت خطوط سنتی مرجعیت را از بین می‌برند و روایت ضد تمدنی خود را ترویج می‌دهند. و شورا‌های اسلامی مرتبط با دولت‌های اسلام‌گرا برای جلوگیری از ادغام مسلمانان ساکنان اروپا در جامعه سکولار کشور محل اقامت‌شان تلاش می‌کنند.

مسلمانان در دهه ۱۹۵۰ و پس از ویرانی‌های جنگ جهانی دوم عمدتاً به عنوان نیروی کار مهاجر به اروپا آمدند. با گذشت زمان خانواده‌های خود را آوردند، ازدواج کردند و صاحب فرزند شدند. در ابتدا به دلیل ندانست زبانی منزوی و بطور فزاینده ایزوله شدند و با

→ مملکت را در وجود رضاخان سردار سپه می‌بیند:

تجارت نیست، صنعت نیست، ره نیست
 امیدی جز به سردار سپه نیست.
 رعایا جملگی بیچارگانند
 که از فقر و فنا آوارگانند
 چه دانند این گروه ابله دون
 که حریت چه باشد، چیست قانون؟

تصویری که ایرج میرزا ترسیم کرده گویای وضعیت جامعه‌ای است که رضاشاه تحویل گرفت و در چنین اوضاعی بود که قوانین مشروطه می‌بایست در جامعه جاری می‌شد که نمی‌شد!

مخالفان مشروطیت طعنه می‌زنند که حاصل این جنبش نه دموکراسی که دیکتاتوری بود و حتا مشاطه‌گران مشروطه‌خواهی در درون دستگاه حکومت مذهبی مدعی‌اند که مشروطه را باید نجات دهند! که البته یک ریاکاری سیاسی بیش نیست. آنها امروزه می‌کوشند که برای فریب ساده‌اندیشان، یک خط فرضی میان مشروطه‌طلبان با انبوه بزرگ پادشاهی‌خواهان ترسیم کنند!

در فصول قانون اساسی مشروطه ایران و متمم‌های آن، حتا یکبار واژه «دموکراسی» دیده نمی‌شود ولی در جایجا، واژه حریت یا «آزادی» را پیدا می‌کنید که در عباراتی چون حاکمیت مردم ویا اراده مردم، متجلی شده. فرهیختگانی که این عبارات را در فصول و متمم‌های قانون اساسی مشروطه ملحوظ کردند، پیش از رضاشاه بزرگ مدیریت و امر راهبری مملکت را بر عهده داشتند ولی به مدت نزدیک به دو دهه، با وجود اشتیاق و علاقه وافر آنها نتوانستند حتا درصد کوچکی از این آرمان‌های ترقیخواهانه را عملی کنند تا اینکه سردار سپه، سکان کشتی به گل نشسته را بر عهده گرفت.

سخن پرمعنائی است که در قلمرو دگرگونی‌های سیاسی، نمی‌توان منفعلانه منتظر دست فرخنده مشیت بود. به عبارتی، اراده‌ای محکم لازم است تا بجنبد و جامعه را بجنباند. دگرگونی‌های بزرگ، نیازمند عاملیت فعال و دقیق و دلسوز است. پادشاهان پهلوی بستر ظرفیتی را فراهم کردند که آغازگر مدنیت مدرن قرن بیستمی شد و به آرزوها و آرمان‌های ارزشمند مشروطه خواهان لباس فاخر پوشاند.

- به عدالتخواهان، دادگستری متکی به قوانین را ارزانی داشتند که در آن حتا می‌شد علیه پادشاه نیز اقامه دعوا کرد،
 - زنان هوشمند ایران را از پستوی قرن‌ها به جایگاه بلند وزارت و وکالت و مدیریت سازمان‌های کلان رساندند،
 - جامعه‌ای فرقه‌گرا و قبیله‌ای را به یک کشور- ملت مبدل ساختند و بسیاری دیگر.

از همین روست که فریاد «رضاشاه، روح شاد، شاهنشاه روح شاد»، «کشور که شاه نداره، حساب، کتاب نداره» و «ای شاه ایران، برگرد به ایران»، همچنان در فضای پهناور ایران طنین‌افکن است.

امروزه، در شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان، با نوشته‌های صمیمانه بیست‌سالگان و سایر جوانانی روبرو می‌شوید که بی‌ریا، برای ابراز احساسات‌شان نسبت به پادشاهانی ابراز می‌شود که نادیده، شیفته و ارادتمند آنها شده‌اند. جملاتی خطاب به محمدرضا شاه پهلوی مانند «چگونه نادیده، و سال‌های دور پس از تو، عاشقت شدیم.»

درست به گونه‌ای مشابه این بیست‌سالگان، من و چه بسیاری از هم‌نسلان من نیز در دوران جوانی، شیفته رضاشاهی شدیم که نبوغ و شرح میهن‌دوستی و پادشاهی بی‌همتی او را از پدران و مادران و دیگر بزرگان شنیده و دریافته بودیم؛ و دریافته بودیم که او، فرزند خلف جنبشی بود که مهم‌ترین پیام‌اش در واژگان مختصر ولی پرمعنائی حریت، عدالت و قانون و مدرنیته خلاصه می‌شد.



راه‌والگو همانست که رضاشاه بزرگ آغازگر آن بود و شاهنشاه محمدرضاشاه پهلوی ادامه دهنده و تکامل‌بخش آن شد. به سخن دیگر، آزادی، مردمسالاری، شایسته‌سالاری و پیشرفت، دادگستری و یا حکومت قانون و خلاصه آنچه در اندیشه‌های پهلوی‌ها متبلور است، خواست و آرمان مردمان امروز ایران ماست؛ خواستی که در کسوت انقلابی به دور از خشونت حاصل خواهد شد، بسیار مدنی‌تر از آنچه که نمونه‌اش را این روزها در ونزوئلا و بنگلادش شاهد هستیم؛ انقلاب مردمی با پیامی انسانی.

جذابیت پهلوی‌ها، تنها به ما ایرانیان محدود نیست. هنوز هم پس از ۴۵ سال پس از توقف موقت آئین پادشاهی در ایران، نقش شاهان پهلوی، به ویژه تاثیر بی‌نظیر پادشاهی آریامهر بر دگرگونی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همچنان سوژه کتاب‌ها، گفتگوها و تحلیل‌ها و مقاله‌های خواندنی در جهان است. هنوز هم دشمنان پهلوی‌ها از نام و یاد و یادگارهای آنها سخت وحشت می‌کنند و همان شیوه شکست‌خورده‌ی خصومت را ادامه می‌دهند. علی‌خامنه‌ای اخیرا در مراسم به اصطلاح تحلیف رئیس‌جمهورش (بخوانید تدارک‌اتچی)، سی و هفت دقیقه از چهل و پنج دقیقه سخنرانی خود را به حمله علیه پادشاهان پهلوی اختصاص داد!

چپ‌های ایران که طی ۴۵ سال گذشته به شیوه‌های گوناگون با واپس‌گراترین حکومت ایدئولوژیک قرن حاضر همراهی و همکاری کرده‌اند، هنوز هم نتوانسته‌اند اندیشه به اصطلاح چپ دموکرات را برای خود تئوریزه کنند و همچنان در اسارت افکار وامانده استالینی و مائوئیستی و انور خوجه‌ای باقی مانده‌اند. بهترین چهره‌های مشروطه‌طلبان هم در کسوت فرصت‌طلبانی مانند مسعود پزشکیان و جلیلی و زاکانی و محمدجواد ظریف و محمدرضا عارف (پدر ژن برتر) خلاصه شده، در عوض ملیون ایران به داشتن شخصیت روشن‌بین و فرهیخته‌ای چون شهیر ایران رضا پهلوی افتخار می‌کنند که مانند نیای خود، ترقیخواه، انسانگرا و مدافع راستین حقوق بشر است و همچنین چهره‌های جوانی را پرورش داده‌اند که نمونه‌های آنها را در ایران و خارج از ایران می‌بینیم که آینده‌ای روشن و امیدبخش را نوید می‌دهند.

راه ما پادشاهی‌خواهان وفادار به آرمان‌های مشروطه، راهی است که رضاشاه بزرگ هموار ساخت و شاهنشاه آنرا به شاهراه تبدیل کرد و با همت وارث این مردان ایران‌دوست، مسیرش بار دیگر هموار خواهد شد.

او بود که امت عقب‌مانده‌ی بی‌نامی را شخصیتی حقیقی و حقوقی بخشید و فرهنگ پربرار آن را از ژرفای تاریخ بیرون کشید و نام «ایران» را دوباره زنده کرد.

در هیچیک از ایدئولوژی‌های مدعی عدالت اجتماعی، شما هیچ دستاورد از این دست را نمی‌بینید که پادشاهان پهلوی ارزانی کردند.

در هیچ رژیم مذهبی، دیده نشده که زن، جایگاه شایسته‌ای در امور اجتماعی داشته باشد.

در هیچ رژیم کمونیستی شما زنی را نمی‌بینید که به مقام دبیرکلی حزب زحمتکشان رسیده باشد و یا حتا به کمیته مرکزی مردسالار احزاب برادر قدم گذاشته باشد. ولی در دوران پهلوی‌ها، زن به آزادی می‌رسد، به نیابت پادشاهی می‌رسد، در مدیریت سازمان‌های دولتی و خصوصی سهیم می‌شود و اینهمه، از ژرفای آرزوهای بزرگ رضاشاه بزرگ و محمدرضاشاه آریامهر برخاسته بود. حتا در مدنیت پرآوازه‌ای مانند فرانسه، شما نمونه آن پیشرفت شگرف بانوان مستعد و هوشمند را نمی‌بینید که در کاخ الیزه، تاج لیاقت برسر نهاده باشد. با این حال کسانی بودند که قصد جان شاه و خانواده‌اش را می‌کردند. مسلمانان تندرو و چپ‌های افراطی هر دو سهمی مساوی در این نیت ناپاک و اهریمنی داشتند.

امروزه عملا ثابت شده که راه مبارزه برای آزادی و رها شدن از اندیشه‌های باطل حکومت مشروطه، درست در همان بستری جریان دارد که توسط پادشاهان پهلوی فراهم شد. ما ملت ایران، امروزه، در برابر یک واقعیت تاریخی قرار داریم با دو مسیر متفاوت و مختلف. مختلف به مفهوم اینکه این دو راه با یکدیگر اختلاف ماهوی دارند و دو مسیر مخالف را طی می‌کنند.

در یکسو نیروهای خودمحور که می‌خواهند جمهوری اسلامی را با عناوین گمراه‌کننده، مانند جمهوری سوم، جمهوری دموکراتیک، جمهوری ایرانی و از این قبیل جمهوری‌ها، تداوم بخشند و در سوی دیگر بخش بزرگی از ملت ایران که تمام آمال و آرزوهای آن برای آینده‌ای مقبول و مرفه و آزاد را در تداوم آرمان‌های مشروطیت و اندیشه‌های ترقیخواهانه پهلوی‌ها جستجو می‌کند.

اگر در این استبداد طولانی، عنصری از قانون اساسی مشروطه به زیر سوال رفتند و حتا به درستی مردود خوانده شدند، در نقطه مقابل، ارکان اندیشه‌های پهلوی بیش از پیش، در میان اکثریت بزرگ ایرانیان و به ویژه در نزد نسل جوان ایرانی، قدرت بیشتری گرفت و ژرفای عمیق‌تری یافت.

«پلیلاسی» دردهای مرا بگیر و با خود ببر... در ستایش آزادی و زمزمه‌های خاموش زنان سیستان



هورا میرشکاری

هورا میرشکاری به کیهان لندن می‌گوید: «من اهل زابل هستم. منطقه‌ای محدود، بسیار مذهبی و مردانه. سیستان دارای پیشینه تاریخی کهن است اما امروز به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی (هم‌مرزی با افغانستان) به حدی مورد تحقیر دولت جمهوری اسلامی در ایران قرار گرفته که در رسانه‌های ایران از آن به عنوان منطقه‌ای محروم و خطرناک یاد می‌شود.»

وی همچنین توضیح می‌دهد که «در زبان سیستانی ریشه‌های کهن زبان فارسی قابل تحقیق است. الفبای عربی که زبان فارسی با آن نوشته می‌شود، توانایی نوشتن این زبان را ندارد و تا کنون خط این زبان نوشته نشده و ما آن را به عنوان زبان گفتاری و شفاهی می‌شناسیم. موسیقی در این منطقه امری حرام و گناه است. خوانندگی در سیستان امری بد محسوب می‌شود و تا کنون هیچ زنی جرأت انجام آن را در سیستان نداشته است.»

هورا میرشکاری در ادامه می‌گوید: «من به عنوان یک زن باید نخست با خانواده متعصب و مردسالار مبارزه می‌کردم و سپس با اجتماع... گاه احساسی تهایی می‌کنم، اما آنقدر لذت آزادی شیرین است که وقتی برای اولین بار صدایم را آزادانه رها کردم، خودم را در آغوش گرفتم و با خودم به صلح رسیدم. وقتی آزادی را تجربه می‌کنید و طعم آن را می‌چشید دیگر هرگز نمی‌توانید به عقب برگردید. دیگر کسی نمی‌تواند آن را از شما بگیرد و محدودتان کند.»

وی درباره آلبوم خود توضیح می‌دهد: «نخستین آلبوم من شروعی برای از بین بردن تابوها و محدودیت‌ها خصوصاً در منطقه‌ای است که من در آنجا به دنیا آمدم. مطمئن هستم در آینده زنان و دختران سیستانی شهامت و قدرت شکستی تابوها را پیدا خواهند کرد.»

«پلیلاسی» که در یکی از ترانه‌هایش از وی می‌خواهد تا دردهایش را برداشته و با خود ببرد، به معنی پرند/ پرستو است.



مجسمه آزادی از یونس فقیهی به یاد خاندان لجه‌ای

روی صحنه رفتند. در بخش هنرهای تجسمی نمایشگاهی از نقاشی‌های نفیسه ملکی جو در حیاط آتلیه برپا بود و همچنین یونس فقیهی هنرمند چند رسانه‌ای کلاس کالیگرافی خط فارسی برگزار کرد.

یونس فقیهی می‌گوید: «مسترکلاس کالیگرافی خط فارسی در ادامه پروژه‌ای است که از زمان کووید ۱۹ با اسم تابستان فرهنگی شروع شد و پس از آن نیز ادامه پیدا کرد. سوژه امسال مرتبط با بازی‌های المپیک است. ورزشکارانی که خارج از قوانین دیکتاتوری کشور خود فعالیت کنند و زیر پرچم سفید بازی می‌کنند، در واقع از المپیک استفاده کردند تا پیامی سیاسی و اجتماعی را به گوش جهانیان برسانند.»

یونس فقیهی هنرمند چند رسانه‌ای است که حدود ۱۵ سال است در فرانسه زندگی می‌کند. او در جریان خیزش ملی ۴۰۱ در ایران یکی از هنرمندانی بود که حضوری فعال داشت. نقاشی‌های دیواری از جانباختگان یکی از کارهای اوست. او همچنین سال گذشته در سالن عمومی شرکت «هوس» که یک کمپانی تبلیغات و روابط عمومی است، مجسمه‌ای به یاد خاندان لجه‌ای با نام «تندیس آزادی» طراحی و نصب کرد.

در بخش موسیقی هورا میرشکاری خواننده به همراه بابک امیر مبشر نوازنده و آهنگساز برنامه اجرا کردند. شعرهایی از پیام سیستانی شاعر، پژوهشگر و زبان‌شناس سیستانی مقیم نروژ و هم‌بنظر از فروغ فرخزاد شاعر معاصر ایرانی با آهنگسازی و تنظیم بابک امیرمبشر هنرمند مقیم فرانسه و مؤسس گروه موسیقی «منوشان» روی صحنه اجرا شد. در یکی از اجراها کاوه کاوسی هنرمند نقاش و نوازنده تنبور نیز به صورت بداهه قطعه‌ای را اجرا کرد.

هورا میرشکاری هنرمند نقاشی، پروفورمر و خواننده است و از سال ۲۰۱۶ ساکن کشور فرانسه است. او در زابل واقع در استان سیستان و بلوچستان به دنیا آمده و اولین زنی از این استان است که به روی صحنه رفته است.



کلاس کالیگرافی

● یکی از صدابرداران ساکن پاریس که می‌خواهد نام‌اش فاش شود و در تظاهرات سال ۱۴۰۱ در تهران زخمی شده است به کیهان لندن می‌گوید: «دفاتر سینمای مستقل تقریباً همه در حال بسته شدن هستند. هنرمندان مستقل دیگر نمی‌توانند و نمی‌خواهند کار کنند. بسیاری از آنان در این دو سال اخیر خانه‌نشین شده‌اند، فضای بسیار غم‌انگیزی بر ایران حاکم است. اما ایران مانند کوه آتشفشانی است که از زیر در حال جوش و خروش است و به زودی فواران خواهد کرد.»

● در همین ارتباط، روز ۲۴ ژوئیه «آتلیه هنرمندان در تبعید» در پاریس روز خود را به ایرانیان و هنر آنها در تبعید اختصاص داده بود.

کتابیون حلاجان - روز به روز بر شمار هنرمندان ایرانی در تبعید اضافه می‌شود. نوازندگان، نویسندگان، خوانندگان، هنرمندان هنرهای تجسمی، بازیگران و دست اندرکاران سینما اگر زنده مانده‌اند و در زندان نیستند، یکی پس از دیگری یا بیکار و خاموش و خانه‌نشین و یا مجبور به ترک ایران شده‌اند.

یکی از صدابرداران ساکن پاریس که می‌خواهد نام‌اش فاش شود و در تظاهرات سال ۱۴۰۱ در تهران زخمی شده است به کیهان لندن می‌گوید: «دفاتر سینمای مستقل تقریباً همه در حال بسته شدن هستند. هنرمندان مستقل دیگر نمی‌توانند و نمی‌خواهند کار کنند. بسیاری از آنان در این دو سال اخیر خانه‌نشین شده‌اند، فضای بسیار غم‌انگیزی بر ایران حاکم است. اما ایران مانند کوه آتشفشانی است که از زیر در حال جوش و خروش است و به زودی فواران خواهد کرد.»

در همین ارتباط، روز ۲۴ ژوئیه «آتلیه هنرمندان در تبعید» در پاریس روز خود را به ایرانیان و هنر آنها در تبعید اختصاص داده بود.

در بخش موسیقی هورا میرشکاری و بابک امیر مبشر به

تداوم بحران کمبود برق هشدارها درباره تهدید امنیت غذایی کشور



تا تولیدکنندگان بتوانند موتور برق خریداری یا آن را وارد کشور کنند.

ابوذر شایگان مدیر عامل شرکت صنایع غذایی «مزرعه سفید» هم به قطع ۱۷ تا ۱۸ ساعته کارخانه‌ها در شهرک‌های صنعتی انتقاد کرده و گفته این مدت زمان طولانی حتی مواد اولیه درون سردخانه‌ها را هم فاسد می‌کند. این فعال صنعتی افزوده «به دنبال قطعی برق، مخازن آب شهرک خالی می‌شود و روز بعد با قطعی آب مواجه هستیم و این دو عامل از اساسی‌ترین مشکلات شرکت‌های شهرک غذایی در تولید هستند.»

فاسد شدن مواد غذایی درون سردخانه‌ها از سوی حسن اصغریان مدیر عامل فرآورده‌های گوشتی «سپاس» نیز مورد اشاره قرار گرفته و گفته «طرح جدید مدیریت بار و افزایش ساعات قطع برق بارها محصولات غذایی واحدهای صنعتی را تا آستانه فاسد شدن پیش برده و ما در این واحد تولیدی حتی گاهی مجبور به دورریز بخشی از محصولات گوشتی شده‌ایم. آن دسته از محصولاتی هم که خراب نمی‌شوند، عملاً کیفیت بافت‌شان را از دست می‌دهند. در نهایت این معضل هم به بازار فروش محصولات ضربه می‌زند، هم برای سلامت جامعه خطرناک است.»

از سوی دیگر برق بخش کشاورزی نیز از مدتها پیش جیره‌بندی شده و کشاورزان می‌گویند وزارت نیرو بدون اعلام قبلی برق مزارع را قطع می‌کند؛ این موضوع سبب از کار افتادن موتور چاه‌های آب و عدم آبیاری محصولات در فصل تابستان و خشک شدن مزارع و تخریب محصولات شده است.

در دامپروری‌ها و مرغداری‌ها هم قطع برق سبب از بین رفتن دام و طیور و زیان گسترده به تولیدکنندگان شده است. همچنین اختلال در روند تولید مواد غذایی سبب تهدید امنیت غذایی کشور و تحمیل هزینه بیشتر به خریدار به دلیل افزایش قیمت نهایی محصولات می‌شود.

محمدرضا مرتضوی رئیس هیئت مدیره کانون انجمن‌های صنعتی صنایع غذایی ایران خواستار مستثنی شدن صنایع غذایی از جیره‌بندی برق شده و گفته صنایع غذایی باید از سیاست قطع برق مستثنا شوند، چرا که امکان خراب شدن مواد اولیه صنعت غذا در اثر این اتفاق وجود دارد که لطمه بسیار سنگینی به اقتصاد واحدهای تولیدی در این حوزه می‌زند.

او معتقد است بیش از هر جای دیگری باید ادارات و سازمان‌های دولتی و منطقه‌ای در مصرف برق صرفه‌جویی کنند و حتی اگر در تأمین برق مشکل داریم، نباید برق واحدهای تولیدی و صنعتی قطع شود.

مسعود بختیاری رئیس سندیکای صنایع کسرو ایران نیز با بیان «اینکه هفته‌ای یک نوبت برق صنایع را قطع می‌کنند که ما را با مشکلات جدی مواجه کرده» گفته «بسیاری از مشکلات ناشی از بی‌تدبیری و سوءمدیریت مسئولان است و در شرایط فعلی برخی از مدیران کار را رها کرده و منتظرند تا تکلیف دولت آینده مشخص شود.»

محسن نقاشی دبیر فدراسیون تشکلهای صنایع غذایی و کشاورزی نیز با تأکید بر اینکه «قطعی برق صنایع غذایی را بیش از هر صنعت دیگری تحت تأثیر قرار می‌دهد» گفته است که تأثیر قطع برق در صنایع غذایی بسیار سریع خود را نشان می‌دهد و بازار حداکثر تا چند هفته بعد با کمبود و گرانی محصولات غذایی روبرو می‌شود.

محمدجواد کرمی رئیس اتحادیه نان فانتزی هم از خراب شدن خمیر نان‌ها به دلیل قطع ناگهانی برق و زیان گسترده برای فعالان در این صنف خبر داده است. او گفته هنگامی که در وسط کار تولید نان حجیم، برق قطع شود مواد اولیه خراب می‌شود و از بین خواهد رفت و حتی امکان فاسد شدن هم وجود دارد، دولت باید برای بخش نان تمهیداتی داشته باشد و در قالب تسهیلات آن را ارائه کند،

از ادارات و بانک‌ها خواسته شده در هفته آینده و به دلیل افزایش هوای دما مصرف برق را تا ۶۰ درصد کاهش دهند وگرنه برق آنها قطع خواهد شد.

دبیر فدراسیون تشکلهای صنایع غذایی و کشاورزی: تأثیر قطع برق در صنایع غذایی بسیار سریع خود را نشان می‌دهد و بازار حداکثر تا چند هفته بعد با کمبود و گرانی محصولات غذایی روبرو می‌شود.

یک فعال صنعتی گفته افزایش ساعات قطع برق بارها محصولات غذایی واحدهای صنعتی را تا آستانه فاسد شدن پیش برده و یا کیفیت مواد غذایی را تحت تأثیر قرار داده که هم به بازار فروش محصولات ضربه می‌زند، هم برای سلامت جامعه خطرناک است.

بحران کمبود برق در کشور همچنان ادامه دارد و مدیرکل مهندسی و راهبری شبکه برق توانیر از احتمال افزایش حوادث مختلف در شبکه برق به دلیل افزایش بار مصرف خبر داده است. قطع برق بخش کشاورزی و همچنین صنایع تولید مواد غذایی نیز به تهدیدی علیه سلامت مواد غذایی تولیدی و امنیت غذایی کشور تبدیل شده است.

سازمان هواشناسی از افزایش دمای هوا در ایران طی هفته آینده خبر داده و شرکت توانیر نیز در پی پیش‌بینی افزایش دمای هوا محدودیت‌های بیشتری برای ادارات و بانک‌ها اعمال کرده است. از جمله از ادارات و بانک‌ها خواسته شده مصرف برق را تا ۶۰ درصد کاهش دهند وگرنه برق آنها قطع خواهد شد.

در اطلاعیه شرکت توانیر آمده «با توجه به افزایش مجدد دمای هوا در هفته آینده و پیرو مصوبات ابلاغی هیأت وزیران، تمامی ادارات، بانک‌ها و دستگاه‌های اجرایی موظف هستند با قطع سامانه‌های سرمایشی، در مناطق عادی یک ساعت قبل از اتمام ساعت اداری و در مناطق گرمسیر همزمان با تعطیلی ادارات، مصرف برق خود را پس از پایان ساعت کار اداری تا ۶۰ درصد زمان فعالیت کاهش دهند.»

شرکت توانیر تهدید کرده که «بدیهی است وضعیت مصرف برق این دسته از مشترکان از طریق بازدیدهای میدانی و همچنین کنتورهای هوشمند به صورت برخط رصد و در صورت عدم رعایت مصوبات ابلاغی، نسبت به قطع برق آنها اقدام می‌شود.»

رضا کفیلی مدیر کل مهندسی و راهبری شبکه برق توانیر نیز با اشاره به افزایش ۶ هزارمگاواتی بار مصرفی شبکه نسبت به سال قبل از افزایش حوادث مختلف در شبکه توزیع برق به دلیل افزایش بار مصرف خبر داده است.

رضا کفیلی مواردی چون قطع برق یک تک مشترک ناشی از سوختن کابل یا فیوز پست توزیع تا قطع برق یک محله ناشی از قطع برق فیدر ۲۰ کیلوولت و حوادث گسترده‌تر در شبکه‌های بالادست توزیع و قطع برق قسمتی از یک شهر یا روستا را از جمله حوادث ناشی از افزایش بار مصرف خوانده است.

در روزهای گذشته گزارش‌های زیادی از زیان گسترده بخش صنعت به دلیل جیره‌بندی برق منتشر شده است. در این میان صنایع مواد غذایی به دلیل از بین رفتن یا فاسد شدن مواد اولیه با مشکلات بیشتری روبرو هستند.

برنامه ویژه گرمی ۲۰۲۵ برای کوروش یغمایی؟

به اشتراک گذاشتن سه ترانه کودکان در اینستاگرام نوشت: «اوایل انقلاب با ممنوع‌الکارشدن همه راه‌های شرافتمندانه برای ادامه زندگی‌ام به رویم بسته شد و من برای ماندن در سرزمینم که همواره به آن عشق می‌ورزم تنها یک راه به ذهنم رسید که تقریباً نزدیک به کارم یعنی موزیک بود و آن، کار در زمینه کتاب و نوار قصه کودکان بود. البته بدون ذکر نام! من ممنوع‌الاسم هم شده بودم. در آن هنگام موزیک و سازهای غربی ممنوع شده بود؛ گرچه در سرودهای انقلابی‌شان از موزیک و سازهای غربی استفاده می‌کردند. همان هنگامی که ریتم ممنوع بود و می‌بایستی فقط با ضربه‌های سنج، ریتم را اجرا کنیم.

همان هنگامی که گیتار و حتا گیتار باس ممنوع بود و می‌بایستی بجای گیتار باس از دست چپ پیانو استفاده کنیم.

همان هنگامی که برای رکورد همین نوار قصه‌ها شب‌ها پنهانی به استودیو می‌رفتیم و درها را از درون قفل می‌کردیم؛ چون داشتن ساز جرم بود و آن را سینه دیوار می‌گذاشتند و با لگد و... می‌شکستند.

همان هنگامی که نمی‌توانستم از خجالت و شرم به گیتار، ساز بی‌گناهی که همواره یار و همدمم بوده و حالا تکه تکه می‌شود، نگاه کنم.

همان هنگامی که در استودیو بجای نواختن گیتار از ملودیکای بچگانه بهره می‌بردم.

و همان هنگامی که...

حالا من بسیار خوشحالم از اینکه بسیاری از سازها از جمله گیتار را به موزیک و خانواده خود باز گرداندم و دیگر از نگاه کردن به گیتار شرم نمی‌کنم.

اشعار و آهنگ را هم خودم مرتکب شده‌ام.

وی که بارها در صفحات خود در شبکه‌های مجازی به وضعیت آموزش و ارائه موسیقی در مرکز موسیقی وزارت ارشاد انتقاد کرده است، چندی پیش در یکی از پست‌های صفحه اینستاگرام خود با اشاره به وضعیت مرکز موسیقی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشت: «ما همواره بر قطار مدرنیت آویزان بوده‌ایم!!! نه برای سوار شدن و هم‌نشین شدن با مسافران قطار بلیت می‌خریم (خود) را با دانش و فرهنگ جهانی هماهنگ می‌کنیم) و نه از قطار به پایین می‌پریم!!! و هنوز هم در حالت آویزان بسر می‌بریم.»

وی سپس ادامه می‌دهد: «در زمینه آموزش و شناخت و ارزشیابی هنر و (موزیک) همین بس که در برابر ممنوعیت‌های بدون قید زمان استادان و نخبگان موزیک و خانه‌نشین کردن و شکنجه شدن و دق کردن و در پی آن از میان رفتن گنجینه‌های بسیاری از دانش و فرهنگ آنها فقط خاموش ماندیم و از هیچکس و هیچ کجا گله و شکایتی که شایسته پشتیبانی و خدای ناکرده تقدیر از این نخبگان موزیک باشد برنخاست و از کسی هم دم بر نیامد (غافل از اینکه موزیک برآمده از امواج می‌باشد و مهار کردن و به بند کشیدن موجی آزاد و رها خیالی خام بیش نمی‌باشد). انگار که بود و نبود موزیک فرق چندانی در زندگی ما نداشته و بطور کلی نیاز چندانی هم به هنر و موزیک نداشته‌ایم.»

یغمایی در پایان این پست افزود: «نخبگان هنری همواره به فرهنگ ایران خدمت کردند و هرگز سزاوار چنین واکنشی از سوی مردم نبودند؛ بی‌تردید سال‌ها است که نتیجه این رفتار ناشایست، نخبه‌کشی از یکسو و تولید سر و



کوروش یغمایی در ۷۷ سالگی

موسیقی در سال ۱۳۴۸ خورشیدی، با ساخته شدن ترانه «گل یخ» در جهان صدا می‌کند! و سلیقه‌های سخت‌پسند آمریکایی و اروپایی را شیفته خود می‌سازد بطوری که به محض شنیدن این آوای پارسی نمی‌توانند نسبت به این اثر، بی‌تفاوت بمانند و آن را ستایش نکنند. حتی در گوشه و کنار دنیا تلاش می‌شود که با گیتار یا سازی دیگر، همچون کوروش، «گل یخ» را بنوازند و بخوانند!

حالا با بازنشر این اثر در رسانه‌های مهم موسیقی جهان، نام کوروش یغمایی بار دیگر مورد توجه قرار گرفته و باید تا «گرمی ۲۰۲۵» منتظر ماند و دید که آیا این حجم از اتفاقات خبری، در این مراسم جهانی مورد توجه قرار خواهد گرفت یا نه.

«گل یخ» به تمرین باشگاه‌های بزرگ اروپا هم رسید جدا از اینکه تا کنون بسیاری از هنرمندان غربی در اروپا و آمریکا برخی ترانه‌های مشهور کوروش یغمایی به ویژه «گل یخ» را به زبان فارسی بازخوانی و اجرا کرده‌اند در چند ماه اخیر نیز صفحات اینستاگرامی باشگاه‌های منچسترستی، لیورپول، اینتر میلان، یوونتوس و صفحه رسمی اینستاگرام جام جهانی فوتبال زنان، ویدئوهایی با آهنگ ترانه معروف «گل یخ» را منتشر کردند که با استقبال گسترده کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی مواجه شده است.

کوروش یغمایی نیز در صفحه شخصی خود در اینستاگرام ویدئوهایی از حساب اینستاگرام باشگاه‌های بین‌المللی فوتبال اروپا با بازنشر کرده که در آنها از موسیقی ترانه «گل یخ» استفاده شده است.

یغمایی که پس از انقلاب اسلامی در ایران سال‌ها از فعالیت هنری ممنوع شده بود، در دهه هفتاد خورشیدی مجوز ساخت و انتشار چند آلبوم موسیقی را تنها برای مدتی کوتاه دریافت کرد و بار دیگر از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از فعالیت ممنوع شد که این ممنوعیت تا امروز ادامه دارد.

این هنرمند سرشناس ایرانی روز سه‌شنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۲ با

● کوروش یغمایی، آهنگساز ترانه‌سرا و خواننده ایرانی که در دهه ۵۰ فعالیت هنری خود را آغاز کرد با وقوع انقلاب ۱۳۵۷ برخلاف بسیاری از هنرمندان عرصه موسیقی پیش از انقلاب از کشور مهاجرت نکرد. بیلپورد، هفته‌نامه تخصصی موسیقی با انتشار گزارشی نوشته است که احتمال می‌رود مدیران آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط (گرمی آواردز) برنامه ویژه‌ای برای این خواننده و آهنگساز نامدار ۷۷ ساله ایرانی در «گرمی ۲۰۲۵» برگزار کنند.

● در ۹ فوریه ۲۰۲۴ پس از گذشت هفت سال، تازه‌ترین اثر این هنرمند، آلبوم «یاغی» از سوی کمپانی آمریکایی Now-Again Records در سراسر جهان پخش شد.

● کوروش یغمایی در ۷۶ سالگی روز شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۲ با دنیای موزیک وداع کرد. وی با انتشار پستی در اینستاگرام همراه با انتشار ترانه‌ی «راه گم‌کرده» اعلام کرد که به فعالیت خود در دنیای موزیک پایان می‌دهد.

فیروزه نوردستروم- کوروش یغمایی، آهنگساز ترانه‌سرا و خواننده ایرانی که در دهه ۵۰ فعالیت هنری خود را آغاز کرد با وقوع انقلاب ۱۳۵۷ برخلاف بسیاری از هنرمندان عرصه موسیقی پیش از انقلاب از کشور مهاجرت نکرد. بیلپورد، هفته‌نامه تخصصی موسیقی با انتشار گزارشی نوشته است که احتمال می‌رود مدیران آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط (گرمی آواردز) برنامه ویژه‌ای برای این خواننده و آهنگساز نامدار ۷۷ ساله ایرانی در «گرمی ۲۰۲۵» برگزار کنند.

در ادامه گزارش هفته‌نامه «بیلپورد» با اشاره به ترانه «گل یخ» بر اساس شعری از مهدی اخوان لنگرودی که در سال ۱۳۵۲ معروف و محبوب شد، آمده است: «پس از محبوبیت و ترند شدن قطعه «گل یخ» در جهان، حالا مدیران «گرمی» از طریق خبرنگاران ایرانی، تلاش‌هایی برای ارتباط گرفتن با این خواننده و موزیسین سرشناس ایرانی را آغاز کرده‌اند.» بر اساس این گزارش، پخش ملودی ترانه «گل یخ» در صفحات باشگاه‌های معتبر فوتبال اروپا در ماه‌های اخیر باعث شد تا این ستاره‌ی راک ایرانی ترند یک اخبار موسیقی و فوتبال جهان شود.

صفحه رسمی پاریس ۲۰۲۴ در اینستاگرام نیز در روزهای نخست برگزاری بازی‌های المپیک در یک پست با استفاده از موزیک «گل یخ»، فرآیند افتتاحیه ارقابت‌های بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ را توضیح داد.

در سال ۱۳۹۲ هفته‌نامه «بیلپورد» با کوروش یغمایی به عنوان بنیانگذار راک فارسی و البته به مناسبت انتخاب وی به عنوان یکی از ۵۰ خواننده راک اول دنیا گفتگو کرده بود. کوروش یغمایی در انتهای این گفتگو درباره ممنوعیت فعالیت خود در ایران گفته بود: «به نظر کمتر مردی است که تاب و تحمل خاموش شدن (صدای) کارش و وارونه شدن رویا (آرزوها)یش را داشته باشد. در هیچ کلامی نمی‌گنجد. در این دوران بعضی از آهنگ‌هایم را با کاست چهار تراک ضبط کردم. خنده‌دار بود ولی من انجامش دادم. یک پرنده دست‌آموز خانگی هم که مجاز به پرواز نباشد، با گذشت زمان، پرواز را فراموش می‌کند. گرچه پرواز بخش جدانشدنی پرنده است و پرنده بدون پرواز پرنده نیست.»

هفته‌نامه «بیلپورد» درباره تاریخچه تولید «گل یخ» به روایت‌های متفاوتی اشاره کرد و نوشت: «قطعه شعری از مهدی اخوان لنگرودی به دست کوروش می‌رسد و این مهب

درس‌گفتارهای شاهرخ مسکوب درباره شاهنامه به زودی منتشر می‌شود



شاهرخ مسکوب



سرور کسمایی

ماجرا برمی‌گردد به اواخر دهه‌ی نود و آغاز سال‌های دوهزار میلادی... در آن دوره، دلمشغولی من از یکسو خواندن شاهنامه و از سوی دیگر مطالعه اوستا و متون مزدیسنا بود. در همین راستا مدتی بود که می‌خواستم به مسکوب پیشنهاد بدهم جلساتی آموزشی یا سمینارگونه درباره‌ی شاهنامه برگزار کند، اما هربار او را می‌دیدم او چنان از تنگی وقت و نبود زمان برای پیشبرد کارهای نوشتاری‌اش گله می‌کرد که من رویم نمی‌شد پیشنهادم را مطرح کنم و به دیدار بعدی موقوف می‌کردم. تا اینکه در آغاز سال ۲۰۰۲ رمان من «گورستان شیشه‌ای» به فرانسوی منتشر شد و نسخه‌ای را به مسکوب تقدیم کردم. او داشت برای چند هفته‌ای می‌رفت لندن پیش آقای کامشاد و گفت کتاب را با خود می‌برد... پس از بازگشت، روزی به من زنگ زد و قرار شد دیداری داشته باشیم و درباره‌ی رمان صحبت کنیم. من در این کتاب برداشتی از اسطوره‌ی جمشید و دژ زیرزمینی او «ورجمکرد» به استناد وندی‌داد، به دست داده‌ام که نظر مسکوب را جلب کرده بود. این موضوع و ساختار سه‌گانه‌ی رمان صحبت ما را کشاند به اوستا و شاهنامه، اسطوره و افسانه، مطالعات اسطوره‌شناسانه‌ی دومزیل و رمان مدرن و غیره. این صحبت‌ها همه بهانه‌ای شد که در حین گفتگو من پیشنهادم را مطرح کنم. مسکوب هم به گرمی از آن استقبال کرد و نظر بسیار روشنی هم در مورد چگونگی برگزاری آن داشت به این ترتیب که محور کار نه به روال رایج، بررسی داستان به داستان شاهنامه، که بررسی و تجزیه و تحلیل چند مفهوم بنیادین در سراسر کتاب باشد. مسکوب در آن زمان مشغول نوشتن آخرین اثرش «ارمغان مور» بود که آنهم درست حول محور همین چند مفهوم بنیادین شکل گرفته است. به همین خاطر این جلسات به گونه‌ای به موازات کار نگارش کتاب پیش می‌رفت و به نوعی مکمل آن بود. با این تفاوت که «ارمغان مور» کتاب کم‌حجم و فشرده و گاه دشواری است، اما این درس‌گفتارها پر از جزئیات و حواشی و مثال و غیره است. بنابراین قابل دسترس‌تر و آسان‌فهم‌تر است.

این کلاس‌ها از ۴ ژوئن ۲۰۰۲ تا ۶ ژوئیه ۲۰۰۴ در پاریس برگزار می‌شد. قرارمان با مسکوب هم از همان ابتدا ←

● سرور کسمایی نویسنده نام آشنا در حال حاضر مشغول تنظیم و ویراستاری یادداشت‌های کلاس‌های شاهنامه‌ی شاهرخ مسکوب است. این کلاس‌ها از ۴ ژوئن ۲۰۰۲ تا ۶ ژوئیه ۲۰۰۴ در پاریس برگزار شد.

● «آشنایی مسکوب با شاهنامه از سال‌های نوجوانی و جوانی شکل گرفته بود و از همان دوران این کتاب هرگز او را ترک نکرده بود. اما جالب است بدانیم که شاهنامه برای مسکوب زمانی بطور جدی اهمیت پیدا کرد که به قول خودش می‌خواست دنیا را عوض کند و نمی‌توانست.»

● «خاطره‌ی جمعی البته یک مجموعه‌ی منسجم نیست. در طول زمان تأثیرات گوناگون گرفته است... بازگشودن کلاف سردرگم باورها و عقاید درهم تنیده‌ای که خاطره‌ی جمعی یک قوم یا ملت را می‌سازد، کاری است که مسکوب سال‌های درازی از عمرش را به آن اختصاص داد. او در حاشیه‌ی یکی از کلاس‌ها استعاره‌ای را در اینباره به کار می‌برد که بسیار گویاست. می‌گوید: سال‌ها شاهنامه می‌خواندم و با زیر و بم آن آشنا بودم، اما همیشه در ذهنم به یک پازل بهم ریخته شبیه بود که نمی‌دانستم چگونه تکه‌های پراکنده‌اش را کنار هم بچینم تا به درک روشنی از اندیشه‌ی فردوسی برسم. اما حالا، به نظرم می‌رسد که فهمیده‌ام چگونه این پاره‌ها باید کنار هم چیده بشوند تا به ساختار فکر ایرانی که در فردوسی متبلور است، پی ببریم.»

سرور کسمایی نویسنده نام آشنا در حال حاضر مشغول تنظیم و ویراستاری یادداشت‌های کلاس‌های شاهنامه‌ی شاهرخ مسکوب نویسنده و مترجم است که در سال ۱۳۸۴ در ۷۹ سالگی در پاریس درگذشت. این کلاس‌ها از ۴ ژوئن ۲۰۰۲ تا ۶ ژوئیه ۲۰۰۴ تقریباً یک سال پیش از درگذشت مسکوب بر اثر ابتلا به بیماری سرطان خون در پاریس برگزار شد. در ارتباط با این کار که به زودی منتشر خواهد شد، با سرور کسمایی گفتگو کردیم.

● شما مبتکر راه‌اندازی جلسات بررسی شاهنامه توسط شاهرخ مسکوب در پاریس بودید؛ فکر می‌کنید انگیزه شخصی خود وی در این پروژه چه بود؟ این جلسات چگونه پا گرفت و ادامه یافت؟ چه مدت طول کشید و چگونه به پایان رسید؟

→ صدا به نام موزیک از سوی دیگر بر همه آشکار شده و همانگونه که خودشان به صراحت می‌گویند برای ادامه این ویرانگری فقط به جوانان بیکار و جویای نام و فرمانبر نیازمندی که فقط در نقش یک بلندگو ایفای نقش کنند و نه هنرمندی آزاد اندیش.»

کوروش یغمایی جزو خوانندگانی است که فعالیت خود را در دهه پنجاه خورشیدی آغاز کرد و در اوج بود که انقلاب ۵۷ روی داد ولی او از ایران مهاجرت نکرد و اگرچه در تمام این سال‌ها در سرزمین خود زندگی کرده اما همین باعث شد که فرصت فعالیت مناسب در موسیقی نداشته باشد.

در سال ۲۰۰۹ کمپانی Now Records Again در آمریکا آلبومی به نام «زنجیر خودت را بیا» منتشر کرد که شامل پانزده قطعه از موزیسین‌های راک سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۴ میلادی می‌شد. در این آلبوم، ترانه «حجم خالی» از کوروش یغمایی تنها نماینده خاورمیانه بود. انتشار این آلبوم، آغازی برای کشف دوباره کوروش در مغرب زمین شد. این گزینش برای نخستین بار انگیزه ثبت پژوهشی موسیقی مدرن ایران و ورود رسمی آن به گستره موسیقی جهانی تلقی شد. در سال ۲۰۱۰ جشنواره موسیقی RedBull که در لندن برگزار شد کوروش یغمایی را برای سخنرانی، دریافت جایزه و اجرای موسیقی دعوت کرد.

در سال ۲۰۱۱ آلبوم مستقل کوروش یغمایی با نام «بازگشت از لبه پرتگاه» (Back From The Brink) توسط شرکت Now Again منتشر شد. این آلبوم بهترین تک‌آهنگ‌های او طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ است. انتشار این آلبوم مورد ستایش و استقبال گسترده نشریات و وبسایت‌های موسیقی جهان قرار گرفت.

نشریه و وبگاه رولینگ استون آلبوم «بازگشت از لبه پرتگاه» را شایسته دریافت سه ستاره از چهار ستاره دانست. نشریه MOJO هم آن را بهترین آلبوم ماه جهان معرفی کرد و چهار ستاره، امتیاز کامل، به آن داد و مجله Billboard با او گفتگو کرد. در همان سال جشنواره ترنس موزیکال (Trans Musi- cales) از کوروش یغمایی برای اجرا در فرانسه دعوت کرد.

این هنرمند سرشناس ایرانی در سال ۱۳۷۸ کنسرتی در جزیره کیش برگزار کرد که خوانندگی، نوازندگی و رهبری ارکستر را خود بر عهده داشت. یغمایی که سال‌ها کنسرتی برگزار نکرده بود، چند ویدئو از اجرای خود را در کیش منتشر کرد.

کوروش یغمایی در ۷۶ سالگی روز شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۲ با دنیای موزیک وداع کرد. وی با انتشار پستی در اینستاگرام همراه با انتشار ترانه‌ی «راه گم‌کرده» اعلام کرد که به فعالیت خود در دنیای موزیک پایان می‌دهد.

وی نوشت: «از آنجا که برای گذر از این کوره‌راه سنگلاخ و دشوار برای سربلندی فرهنگ کشورم و هویت پرشکوه و ورجاوند ایران عزیزم، با نداشتن حتی کمترین امکانات، آنچه که در توان داشته را به کار گرفته‌ام، به آگاهی یاران مهربانم می‌رسانم که با پخش دو آلبوم «یاغی» و «پلاک ۴۴» که به زودی از طریق کمپانی Now Again Records از آمریکا پخش خواهد شد، از کار در زمینه موزیک کناره‌گیری می‌کنم. البته رابطه من با موزیک که از کودکی آغاز شده است ناگسستی است و کارهای ناتمامی دارم که در صورت تمام شدن با شما در میان خواهیم گذاشت.»

«گل یخ»، «ماه و پلنگ»، «ملیک جمشید»، «تفنگ دسته نقره»، «کاپوس» و «آرایش خورشید» و... از آثار مشهور این هنرمند نامدار ایرانی به شمار می‌روند.

در ۹ فوریه ۲۰۲۴ پس از گذشت هفت سال، تازه‌ترین اثر این هنرمند، آلبوم «یاغی» از سوی کمپانی آمریکایی Now-Again Records در سراسر جهان پخش شد.

این بود که هر جلسه روی نوار ضبط شود، برای روز مبادا. هر دو می‌دانستیم که ردی از این جلسات باید باقی بماند، اما هیچکدام نمی‌دانستیم چگونه از آن نوارها در آینده استفاده خواهیم کرد. در آن سالها کسی خبر نداشت اما مسکوب با بیماری سختی دست و پنجه نرم می‌کرد، به همین خاطر هم از تنگی وقت دل‌نگران بود و هراس داشت نتواند کار نگارش کتابش را که نتیجه یک عمر مطالعه و جستجو در شاهنامه بود به پایان ببرد. به همین خاطر این گردهمایی‌ها فکر می‌کنم به او انرژی می‌داد. به هر حال کلاس شاهنامه دو سال به‌درازا کشید و زمانی هم که به پایان رسید، مسکوب هنوز مایل بود چند جلسه‌ای به بحث مقایسه‌ی دو فرهنگ غرب و ایران بپردازد، که متأسفانه میسر نشد.

● پژوهش در شاهنامه‌ی فردوسی را مسکوب از چه زمانی شروع کرده بود و چگونه آن را پیش می‌برد؟

-مسکوب به تعریف خودش شاهنامه‌پژوه یا متخصص شاهنامه نبود. او می‌گفت من جستارنویس‌ام نه محقق. تفاوت این دو را هم با استاد به تعریف والتر بنیامین توضیح می‌داد. به باور بنیامین، «پژوهشگر به هیزم و خاکستر نظر دارد، جستارنویس به آتش!» مسکوب پژوهشگر آکادمیک نبود. او این نکته را به روشنی بیان می‌کرد و می‌گفت: «من مطلقاً متخصص نیستم. من جستارنویسم، یعنی برای نوشتن مجبورم تمام کارهای تحقیقی و علامه‌ای را بخوانم و سپس خودم را از شر آنها خلاص کنم... این چیزهایی که من می‌نویسم تحقیق به معنای کلاسیک نیست... کار من فکر کردن به ادبیات خودمان است، چه حماسی چه غنایی. برای این کار باید پژوهش کرد، اما سختی کار در این است که بعد حاصل تمام سواد را که به دست آمده باید به فراموشی سپرد. آدم باید یاد بگیرد اقوال این و آن را دور بریزد و فقط بینش آنها را بگیرد.»

آشنایی مسکوب با شاهنامه از سال‌های نوجوانی و جوانی شکل گرفته بود و از همان دوران این کتاب هرگز او را ترک نکرده بود. اما جالب است بدانیم که شاهنامه برای مسکوب زمانی بطور جدی اهمیت پیدا کرد که به قول خودش می‌خواست دنیا را عوض کند و نمی‌توانست. او در گفتگویی به این انگیزه اشاره می‌کند و می‌گوید: «قهرمان‌های شاهنامه اراده‌شان را در برابر سرنوشت یا تقدیر اعمال می‌کنند، اما در زمانه‌ی ما معمولاً آدمیزاد اراده‌ی خودش را نمی‌تواند عملی بکند، یعنی ما زندگی دلخواه خودمان را نداریم و سرنوشت بر ما تحمیل می‌شود... در حقیقت توجه من به شاهنامه یک چنین نوع توجهی است. اگر من خودم یک زندگی حماسی داشتم یا آنجور که فکر می‌کردم می‌توانستم عمل کنم، آنوقت دیگر به نفس عمل کردن می‌پرداختم. اما الان زندگی برای من بیشتر یک نوع حالت حسرت دارد... همه‌اش نگاه می‌کنم به جاهای دور که آدم‌هایی بوده‌اند که می‌توانستند آن چیزی را که دلشان می‌خواست عمل بکنند و من درست نقطه مقابل آنها هستم: همیشه جوری زندگی می‌کنم که دلم نمی‌خواهد و آنجوری که دلم می‌خواهد نمی‌توانم زندگی بکنم. علت توجه من به شاهنامه این است که نسبت به این کتاب من خودم را در قطب دیگری می‌بینم. آرزو می‌کنم که مثل شخصیت‌های کتاب باشم- که خواست‌شان را به عمل درمی‌آورند - اما می‌دانم که نیستم، و آگاهی دارم به اینکه نمی‌توانم آنطور باشم. این توجه مرا جلب می‌کند.»

● لطفاً درباره نگاه شاهرخ مسکوب به شاهنامه توضیحاتی بدهید.

- شاهنامه کالبد خاطره‌ی جمعی ماست که در شعر صورت‌پذیر شده است. خاطره‌ی جمعی هم تجربه‌ی دیرینه و کهنسالی است که در ضمیر ناخودآگاه مردمی پیدا می‌شود که طی تاریخی طولانی با همدیگر زندگی کرده‌اند و تجربیات

مشترک داشته‌اند. به قول مسکوب «خاطره‌ی جمعی نهر ناپیدایی است که در بطن روح و روان یک ملت جاری است». شاهنامه برای ما منبع این خاطره‌ی جمعی دیرینه است، هرچند خود شاهنامه از منابع گوناگونی بهره برده است.

خاطره‌ی جمعی البته یک مجموعه‌ی منسجم نیست. در طول زمان تأثیرات گوناگون گرفته است... بازگشودن کلاف سردرگم باورها و عقاید درهم تنیده‌ای که خاطره‌ی جمعی یک قوم یا ملت را می‌سازد، کاری است که مسکوب سال‌های درازی از عمرش را به آن اختصاص داد. او در حاشیه‌ی یکی از کلاس‌ها استعاره‌ای را در اینباره به کار می‌برد که بسیار گویاست. می‌گوید: سال‌ها شاهنامه می‌خواندم و با زیر و بم آن آشنا بودم، اما همیشه در ذهنم به یک پازل بهم ریخته شبیه بود که نمی‌دانستم چگونه تکه‌های پراکنده‌اش را کنار هم بچینم تا به درک روشنی از اندیشه‌ی فردوسی برسم. اما حالا، به نظرم می‌رسد که فهمیده‌ام چگونه این پاره‌ها باید کنار هم چیده بشوند تا به ساختار فکر ایرانی که در فردوسی متبلور است، پی ببریم.»

در این اندیشه به باور مسکوب زمان گرانبگاه اصلی است. زمان سرنوشت بشر را رقم می‌زند، با اینهمه بشر یا درست‌تر بگوییم پهلوان‌های شاهنامه وظیفه دارند با جبر زمان در بیافتند تا سرگذشت خود را آنگونه که می‌خواهند بسازند. تنش میان زمان یا سرنوشت با خویشکاری، اراده و سرگذشت آن چیزی است که در داستان‌های حماسی شاهنامه می‌بینیم... درواقع چگونه بودن در جهان و چگونه با جبر زمان در افتادن، این است پرسش اصلی شاهنامه! این آن چیزی است که مسکوب از این کتاب آموخته بود و به ما منتقل می‌کرد. تنگنای میان مرگ و زندگی که آزادی نام دارد و در این بیت فوق‌العاده رازآمیز فردوسی که مسکوب همیشه بر زبان داشت، متبلور است:

ز مادر همه مرگ را زاده‌ایم

همه بنده‌ایم از چه آزادایم

به این خاطر است که امروز نیز چون دوران‌های گوناگون این کتاب برای ما اهمیت پیدا می‌کند. نه صرفاً از این رو که بخوانیم و بدانیم، بلکه برای اینکه بفهمیم چگونه باید زندگی کنیم، چگونه با سرنوشت و شکست و درد و رنج روزگار روبرو بشویم. منظورم این است که فقط به انگیزه‌ی آکادمیک نیست، بلکه نیاز آدم‌هاست که از این داستان‌ها بیاموزند. همانطوری که مثلاً هنوز تراژدی‌های شکسپیر را می‌خوانیم یا به تئاتر می‌رویم و فلان اثر سوفوکل را تماشا می‌کنیم. چون هرچند دوران، دوران دیگریست، اما شاخص‌های ابدی همان‌هاست: اراده، عشق، قدرت، غرور، سرنوشت، زمان و غیره... به قول مسکوب، جنبه‌ی امروزی این داستان‌هاست که برای ما و در زمانه‌ی ما، جالب و آموزنده است. از این رو برای او شاهنامه در حقیقت کتاب بزرگ واقعیت بود.

● برخورد وی با شاهنامه بر کدام جنبه مثلاً فلسفی یا مردم‌شناسی و یا فرهنگ‌شناسی آن تأکید داشت؟ ارزش ادبی این اثر حماسی چه جایگاهی از نگاه مسکوب داشت؟

-جایگاهی یگانه! کتابی عظیم که خاطره‌ی جمعی ما را از روزگاران دور گرد آورده، به ویژه که به شعر سروده شده تا برخلاف خدای‌نامک‌های پیش از خود که به نثر بوده، در یادها بماند. منظورم خدای‌نامک‌هایی است که در زمان ساسانیان توسط موبدان زرتشتی از داستان‌ها و افسانه‌ها به نثر گردآوری شده بود، مثل شاهنامه‌ی ابومنصور که تنها یک مقدمه‌ی کوتاه از آن بجا مانده است... بنابراین داستان‌هایی از منابع گوناگون به فردوسی رسیده و او آنها را بنا بر طرح کار خود انتخاب کرده است، به قول مسکوب برخی را نگه داشته و برخی را کنار گذاشته است... و بعد آنها را آراسته و فرم دلخواه خود را به آنها داده است. و در

نتیجه، به قول خود شاعر:

پی افکندم از نظم کاخی بلند

که از باد و باران نیابد گزند

برین نامه بر عمرها بگذرد

بخواند هر آنکس که دارد درد

به عبارت دیگر، کاخ بلندی از شعر بنا شده که نه تنها با گذشت زمان از بین نخواهد رفت، بلکه خوانندگان آن خردمندان خواهند بود. پیامد این خوانش خردمندانه هم حفظ خاطره‌ی جمعی و حفظ زبان فارسی است. اینها همه البته تحقق نمی‌یافت اگر فردوسی استاد سخن نمی‌بود.

متدولوژی مسکوب جستارنویس اینگونه بود که در همه‌ی زمینه‌هایی که شما در پرسش‌تان نام بردید، پژوهش‌ها را بخواند و سپس، بر اساس آگاهی‌ای که به دست آورده، خوانش و تأویل خود را از کتاب ارائه بدهد. مباحثی که در ابتدا اشاره کردم او مایل بود در این کلاس‌ها (و در «ارمغان مور») برجسته کند، عبارت بودند از: زمان، تاریخ، جهاننداری، آفرینش و سخن. اینها محورهای اندیشه‌ورزی او در این جلسات بود. واضح است که برای پرداختن به آنها بایستی همه‌ی آثار پیش از خود را می‌خواند، البته نه برای تفسیر، بلکه برای خلق چیزی نو، برای آنکه دریافت خاص خود را از شاهنامه به‌دست بدهد.

● برخورد مسکوب با همین جلسات بررسی شاهنامه چگونه بود؟ آیا میدان را برای شرکت فعال علاقمندان و حاضران باز می‌گذاشت و به توفان اندیشه‌ها میدان می‌داد؟

-بله، بخش پایانی هر جلسه به پرسش و پاسخ اختصاص داشت. گاهی هم البته پرسشی در حین گفتار مطرح می‌شد که تمام وقت جلسه را می‌گرفت و چه بسا بحث مسکوب را به حاشیه می‌برد. البته این حاشیه‌ها هم خود پر از مطالب نغز و ارزشمند است که شاید در جای دیگر او فرصت طرح‌کردن‌شان را نیافته باشد. با وجود این، تلاش می‌کردیم از دو ساعت وقت جلسه به بهترین وجهی استفاده کنیم و زمان را به موضوع روز اختصاص بدهیم. کاربرد اصطلاح «توفان اندیشه‌ها» در مورد این گفتگوها البته اغراق‌آمیز است چون یگانه صاحب‌نظر او بود، اما نقد و نظر شرکت‌کنندگان برایش اهمیت داشت چون به نوعی ما اولین خوانندگان مطالب در دست نگارش او بودیم. شاهنامه‌خوانی هم به آن شیوه‌ی مرسوم اینگونه جلسات نداشتیم، هرچند مسکوب هر جلسه، بیت یا بیت‌های مورد نظر خودش را در تناسب با موضوع روز می‌خواند و تفسیر می‌کرد.

● هدف شما از تنظیم و ویراستاری یادداشت‌ها و صحبت‌های این جلسات چیست؟ تا چه حد شخصیت ادبی خود شما در نتیجه نهایی این پروژه تبلور پیدا خواهد کرد؟

-من پیشتر هم فایل‌های صوتی این جلسات را در کانال یوتیوب خودم و تارنمای قدیمی رادیو بین‌المللی فرانسه (اراف‌ای) در اختیار علاقمندان گذاشته بودم که با استقبال بسیار خوبی هم روبرو شده بود. البته برای تسهیل استفاده کاربران، پرسش‌ها و گفتارهای بی‌ارتباط را از آن حذف کرده بودم. اینبار اما، متن همان جلسات را به شکل نوشتاری و با درج تعدادی از پرسش‌ها و حفظ حواشی دارم آماده می‌کنم. شخصیت ادبی من تنها در خدمت پیشبرد این پروژه است. پروژه‌ای که حاصل یک عمر کار و اندیشه‌ی شاهرخ مسکوب است و من بنا به وظیفه و تعهد و البته علاقه‌ی خودم اکنون بیست سالی است که درگیر آن هستم و امیدوارم به زودی بتوانم آن را به نحوی شایسته به پایان ببرم و به دست مخاطب برسانم. نقش من درواقع نقش شاهده‌ی است که امانتی را از دست یکی می‌گیرد و به دست دیگری می‌سپارد و آن امانت هم سخن است. سخنی که به باور من برای درک ما از خودمان راه‌گشا خواهد بود.

افزایش قیمت نان؛ دولت برای پرداخت یارانه‌ی آرد پول ندارد!

در حالت اول حدود ۱۹۲ هزار میلیارد تومان و در حالت دوم ۱۷۸ هزار میلیارد تومان باشد. تفاوت دو حالت برآوردی تنها در تفاوت در قیمت خرید تضمینی گندم است و سایر فروض در هر دو حالت یکسان است.

در این گزارش آمده بود که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، یارانه نان برای امسال چیزی حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان و در بدبینانه‌ترین فرضیه، ۴۲ هزار میلیارد تومان کسری دارد و شاید به همین دلیل هم هست که در آخرین روزهای تغییر و تحولات دولت، استانداران دست به تغییر قیمت نان زده‌اند.

همچنین گزارش دیوان محاسبات نشان می‌دهد وزارت امور اقتصادی و دارایی بیش از ۹۵ هزار میلیارد تومان به سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها شامل ۳۴/۵ همت (هزار میلیارد تومان) در سال ۱۴۰۲، مبلغ ۴۲ همت بابت پرداختی به گندمکاران در سال ۱۴۰۳ و مبلغ ۱۸/۸ همت در سال جاری از محل وجوه امانی در اختیار و سرجمع بودجه عمومی به صورت تنخواه بابت کالا برگ و خرید تضمینی گندم پرداخت کرده است.

این گزارش می‌افزاید بانک مرکزی مبلغ ۳۱/۵ همت بابت مطالبات گندم‌کاران بدون رعایت ضوابط قانونی از حساب پرداخت دستگاه‌های اجرایی برداشت و به حساب سازمان هدفمندی یارانه‌ها واریز کرده است.

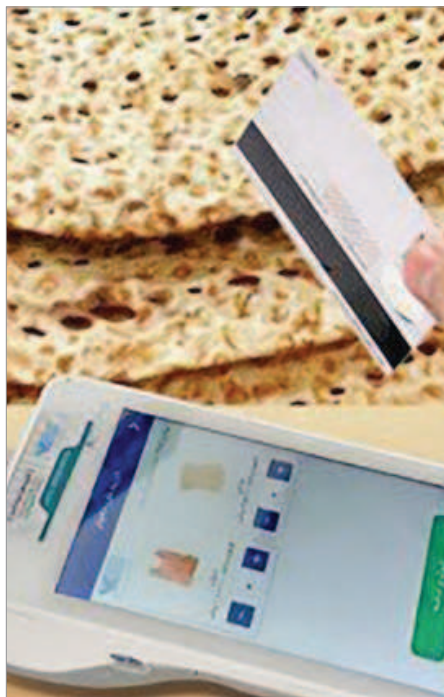
رد پای نداشتن بودجه کافی برای تأمین یارانه آرد را می‌توان در عدم تسویه حساب دولت با گندمکاران نیز دید. مدیر عامل بنیاد ملی گندمکاران هفته گذشته اعلام کرده امسال بیش از ۹ میلیون تن گندم تولیدی کشاورزان تحویل دولت شده و دولت نیز نزدیک ۵۴ همت از بابت خرید گندم پرداخت کرده، اما هنوز ۱۱۶ هزار میلیارد تومان از طلب گندمکاران پرداخت نشده است.

افزایش قیمت نان اما به شدت معیشت خانوارهای کم‌درآمد را که نان قوت غالب آنهاست تحت تأثیر قرار می‌دهد. به ویژه اینکه طی سالهای گذشته افزایش قیمت برنج و دیگر مواد غذایی مانند گوشت و سبزیجات، سبب شده غالب خانوارهای حقوق‌بگیر و کم‌درآمد نان را به عنوان کالای شکم پر کن در سبد مصرفی خود قرار دهند.

عیدعلی کریمی دبیر اجرایی «خانه کارگر» قزوین در گفتگو با «ایلنا»، به افزایش ۲۵ درصدی قیمت نان اعتراض کرده و گفته که افزایش ۲۵ درصدی قیمت نان آن هم در قزوین که شهرک‌های صنعتی بسیاری در آن وجود دارد و کارگرنشین است، فشار زیادی بر معیشت مردم وارد خواهد کرد.

این فعال کارگری افزوده «چه چیز تغییر کرده که قیمت نان را در میانه‌ی سال ۲۵ درصد افزایش می‌دهند؟ آیا حقوق کارگران ترمیم شده یا نرخ تورم پایین آمده است؟» دبیر اجرایی «خانه کارگر» قزوین تأکید کرده که نان یک کالای اساسی و قوت غالب مردم است و افزایش قیمت آن باعث افزایش قیمت بسیاری از کالاها و خدمات می‌شود. همین امروز هم کارگران به سختی زندگی می‌کنند و نیازهای اساسی خود را تأمین می‌کنند، با این اقدامات مشکلات معیشتی آن‌ها را بیشتر نکنید.

عیدعلی کریمی افزوده افزایش قیمت یک کالای اساسی، وسط سال و آنهم در شرایطی که سیستم اجرایی و مدیران در حال تغییر هستند، اتفاق درستی نیست؛ باید در این تصمیم تجدیدنظر کنند.



حالی رخ می‌دهد که پیشتر مرکز پژوهش‌های مجلس مبلغ یارانه نان در سال ۱۴۰۳ را ناکافی دانسته بود.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آمده بود که نان به عنوان یکی از تأمین‌کننده‌های اصلی کالری در ایران شناخته می‌شود از این رو گندم برای سیاستگذاران ارزش استراتژیک در امنیت غذایی کشور دارد. به همین دلیل دولت در ایران گندم را به قیمت تضمین شده که بالاتر از قیمت سر خرمن است از کشاورزان خریداری کرده و با قیمت یارانه‌ای برای مصارف نانواپی می‌فروشد. برای این منظور مطابق قانون هدفمندی یارانه‌ها، اعتباراتی در بودجه‌های سنواتی برای یارانه نان از محل هدفمندی یارانه‌ها اختصاص پیدا می‌کند.

این گزارش افزوده با افزایش قیمت خرید تضمینی گندم هر سال میزان اعتبار مورد نیاز برای یارانه نان افزایش پیدا کرده و این افزایش انگیزه‌های لازم برای رشد تولید داخلی و کاهش واردات را تقویت کرده است.

بر اساس این گزارش در بودجه سال ۱۴۰۲ کل مبلغی که برای یارانه نان تخصیص داده شده بود برابر با ۵۶ هزار میلیارد تومان بود. با این حال ۱۵۹ هزار تومان به منظور پرداخت یارانه این کالا از سوی دولت پرداخت شد. این موضوع نشان می‌دهد که پیش‌بینی مبلغ لازم برای تأمین یارانه نان در بودجه سال ۱۴۰۲ کاملاً کم برآورد شده و از این جهت موجب ناترازی شدیدی در بودجه هدفمندی یارانه‌ها شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اشاره کرده بود دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ یارانه نان را برابر با ۱۴۳ هزار میلیارد تومان تخمین زده که نسبت به سال ۱۴۰۲ به میزان ۱۵۰ درصد رشد کرده است. هرچند همچنان ۱۶ هزار میلیارد تومان از میزان یارانه تخصیص داده شده در سال ۱۴۰۲ به نان کمتر است.

مرکز پژوهش‌های مجلس همچنین برآورد کرده بود که اعتبار مورد نیاز برای یارانه نان در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳

● افزایش قیمت نان در یک سوم استان‌های ایران با عنوان «اصلاح یارانه نان» و به دلیل کسری بودجه دولت برای تأمین یارانه گندم صورت گرفته است.

● افزایش قیمت نان اما به شدت معیشت خانوارهای کم‌درآمد را که نان قوت غالب آنهاست تحت تأثیر قرار می‌دهد.

● عیدعلی کریمی دبیر اجرایی «خانه کارگر» قزوین با اعتراض به افزایش قیمت نان گفته «چه چیز تغییر کرده که قیمت نان را در میانه‌ی سال ۲۵ درصد افزایش می‌دهند؟ آیا حقوق کارگران ترمیم شده یا نرخ تورم پایین آمده است؟»

افزایش قیمت نان نیز در نخستین روزهای فعالیت دولت مسعود پزشکیان بار دیگر وعده‌های او را درباره بهبود وضعیت معیشت مردم را با تردید روبرو کرده است. قیمت این کالای اساسی در دست کم ۱۰ استان ایران بطور رسمی ۲۵ درصد افزایش یافته است.

در حالی که طی روزهای گذشته گزارش‌ها از افزایش قیمت نان در برخی استان‌های کشور حکایت داشت اکنون مقامات رسمی افزایش قیمت نان در ۱۰ استان را بطور رسمی اعلام کرده و گفته‌اند سقف افزایش قیمت نان ۲۵ درصد است.

افزایش قیمت نان در یک سوم استان‌های ایران با عنوان «اصلاح یارانه نان» و به دلیل کسری بودجه دولت برای تأمین یارانه گندم صورت گرفته است.

مهدی جعفری در کارگروه ساماندهی گندم، آرد و نان استان خراسان جنوبی در این رابطه گفته اصلاح قیمت نان از اواخر سال گذشته در دستور کار بود و قیمت کارشناسی نان بر اساس آنالیزها تعیین شده است.

امیر حسن‌زاده معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار کرمان و مقامات دیگر استان‌هایی که قیمت نان در آنها افزایش یافته اعلام کرده‌اند که سقف افزایش نان ۲۵ درصد است.

محمد جلال مشاور وزیر اقتصاد چهاردهم مرداد ماه با تأیید مشکلات نانواپان به دلیل افزایش هزینه‌ها، خواستار تعدیل قیمت نان شده بود. به گفته او، در حالی که دولت سیزدهم قیمت نان را ثابت نگه داشته است، افزایش هزینه‌های اجاره و دستمزد باعث نارضایتی گسترده نانواپان شده است.

روزنامه «اعتماد» با بازتاب سخنان محمد جلال و اشاره به افزایش قیمت نان نوشته «مشخص نیست که چرا در آستانه تغییر و تحولات در بدنه دولت و در حالی که هنوز کابینه رییس‌جمهور جدید تشکیل نشده، مسئولان وزارت اقتصاد به فکر نانواپان افتاده‌اند و حالا از افزایش قیمت نان دفاع می‌کنند»

«اعتماد» نوشته «گرانی نان با توجیه «دغدغه نانواپان» برای افزایش قیمت نان در حالی است که گزارش جدید دیوان محاسبات از انحراف هنگفت دولت در پرداخت یارانه نان خبر داده و بدهی معوق دولت به گندمکاران نیز به ۱۱۶ هزار میلیارد تومان رسیده است.»

رقم «۲۵ درصد» برای افزایش رسمی قیمت نان است در حالیکه معمولاً قیمت‌های واقعی بطور «غیررسمی» بیش از این ارقام خواهند بود!

از سوی دیگر افزایش قیمت نان در ۱۰ استان کشور در

تداوم اعتراضات و اعتصابات صنفی بی‌اعتنا به وعده‌های دولت اصلاح طلب و با وجود سایه جنگ



همزمان شماری از معلمان خرید خدمات در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان در مقابل نهاد ریاست جمهوری در پایتخت دست به تجمع زدند.

همزمان کارگران سکوی نفتی «نصر» در میدان نفتی اروند در خلیج فارس در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها بر اساس قانون در سال جدید تجمع اعتراضی برگزار کردند. در شهر اصفهان نیز کامیونداران در اعتراض به کمبود سهمیه گازوئیل از روز یکشنبه دست به اعتصاب زده‌اند و این اعتصاب امروز سه‌شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ نیز ادامه یافته است. در روز یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۳ نیز چند تجمع صنفی در شهرهای مختلف ایران برگزار شد. از جمله جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد، تامین اجتماعی، مخابرات و کشوری در اهواز، قائم‌شهر، کرمانشاه، شوش و تهران، گروهی از کارگران شرکت آبفا در اهواز و همچنین جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره شاغل در جزیره سیری، با برگزاری تجمعاتی اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. شماری از کارکنان رسمی شرکت نفت و گاز پارس در عسلویه، تعدادی از کارگران بیکار شده معدن تیتانیوم کهنوج، گروهی از کارکنان شرکت گلف اجنسی در بندر امام و شماری از کامیون‌داران شهرستان گلپایگان نیز در روز شنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۳ و در تجمعاتی جداگانه خواستار رسیدگی به خواسته‌هایشان شدند.

اینهمه در حالیست که در روزهای گذشته و پس از ترور اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران و توسط اسرائیل، تنش میان جمهوری اسلامی و اسرائیل بالا گرفته و خطر درگیری نظامی مستقیم میان این آنها وجود دارد. از سوی دیگر دولت پزشکیان در حال آماده شدن برای معرفی هیئت وزیران به مجلس شورای اسلامی است. شهروندانی که از تباہکاری جمهوری اسلامی به ستوه آمده و با مشکلات انباشته معیشتی روبرو هستند، بی‌اعتنا به وعده‌ها و بدون امیدواری به اینکه دولت چهاردهم جمهوری اسلامی گامی مثبت در بهبود وضعیت معیشتی آنها بردارد، اعتراضات و اعتصابات خود را پیش می‌برند.

داده است. پرستاران بیمارستان «مدنی» در بخش اتاق عمل نیز از روز شنبه به اعتصاب پیوستند و اتاق عمل به تعطیلی کشیده شده است.

در شهر شیراز نیز روز دوشنبه ۱۵ مرداد پرستاران با برگزاری تجمع صنفی خواستار افزایش دستمزدها و پایان یافتن اضافه‌کاری اجباری شدند. «نه به اضافه کاری اجباری»، «پرستار داد بزَن - حق‌تو فریاد بزَن»، «اتحاد علیه فقر و فساد»، «پرستار می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد» و «با کرونا جنگیدیم حمایتی ندیدیم» از جمله شعارهای پرستاران معترض بود.

مبلغ ناچیز ساعتی ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان برای اضافه‌کار، پرداخت نکردن مزایا و مبلغ ناچیز آن، فرمول تعرفه خدمات پرستاری و پرداخت نکردن شفاف و به موقع آن، اجرا نکردن ابلاغیه فوق‌العاده خاص و اصلاح ضریب حقوق پرستارهای و عدم تأمین نیروی انسانی اجباری به اضافه کاری به عنوان دلایل اعتراضات پرستاران عنوان شده است.

همچنین گزارش‌ها از اعتراضات مشابهی از سوی پرستاران در شهر بندرعباس حکایت دارد.

روز دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۳، جمعی از حواله‌داران شرکت «مدیران خودرو» برای دومین روز متوالی در تهران و در مقابل ساختمان وزارت صمت دست به تجمع اعتراضی زدند. به گفته شهروندان معترض، «متقاضیان مبلغ حواله خرید خودرو را بطور کامل پرداخت کرده‌اند اما مسئولان این شرکت قیمت محصولات خود را برخلاف قراردادهای منعقدۀ افزایش داده‌اند.»

صدها تن از بازنشستگان مخابرات نیز روز گذشته در شهرهای مختلف کشور در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و عدم اجرای قانون همسان‌سازی دستمزدها تجمع اعتراضی برگزار کردند. در شهر اراک نیز در روز دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۳ گروهی از کارگران کارخانه «واگن پارس اراک» در یکی از خیابان‌های این شهر و در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و اخراج شماری از همکاران‌شان تجمع و راهپیمایی کردند. اعتراضات این کارگران از هفته گذشته آغاز شده و در روزهای گذشته چند بار راهپیمایی و تجمع کرده‌اند.

● «صحرائی دروغگو، حاصل وعده‌هاست کو»، «معلم داد بزَن، حق‌تو فریاد بزَن»، «وزیر حماقت می‌کنه، بودجه حمایت می‌کنه»، «زحمتکش‌ان دیروز، حق‌طلبان امروز» از جمله شعارهای آموزگاران بازنشسته بود.

● پرستاران در چند بیمارستان کرج و بندرعباس طی روزهای گذشته دست به اعتصاب زدند و پرستاران در شیراز نیز روز گذشته تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● در شهر اصفهان نیز کامیونداران در اعتراض به کمبود سهمیه گازوئیل از روز یکشنبه دست به اعتصاب زده‌اند و این اعتصاب امروز سه‌شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ نیز ادامه یافته است.

سایه جنگ و وعده‌های محموجواد ظریف و مسعود پزشکیان هم نتوانسته شهروندان معترض در ایران را خانه‌نشین کند و تجمعات اعتراضی از سوی اصناف مختلف از بازنشستگان تا کارگران و پرستاران ادامه دارد.

صبح روز سه‌شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ آموزگاران بازنشسته از شهرهای مختلف ایران در پایتخت گرد آمدند و در مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بازنشستگان شعراهایی علیه رضا مراد صحرائی وزیر آموزش و پرورش و سیاست‌های جمهوری اسلامی سر دادند.

«صحرائی دروغگو، حاصل وعده‌هاست کو»، «معلم داد بزَن، حق‌تو فریاد بزَن»، «وزیر حماقت می‌کنه، بودجه حمایت می‌کنه»، «زحمتکش‌ان دیروز، حق‌طلبان امروز» از جمله شعارهای آموزگاران بازنشسته در این تجمع بود.

در شهر کرمانشاه نیز بازنشستگان آموزش و پرورش، کشوری، و تأمین اجتماعی در تجمعی مشترک به دستمزدهای ناچیز و تصمیماتی چون مالیات‌ستانی از جیب حقوق‌بگیران اعتراض کردند.

بازنشستگان در این تجمع شعراهایی چون «مالیات بی‌شمار، امکانات اسفناک»، «بازنشسته بپاخیز برای رفع تبعیض»، «آقازاده آمریکاست، تورمش مال ماست» و «صدا و سیما کجاست؟ صدای ما بی‌صداست» سر دادند.

پرستاران نیز از جمله اصنافی هستند که در روزهای گذشته اعتراضات صنفی خود را ادامه داده و در چند بیمارستان دست به اعتصاب زدند.

به گزارش منابع صنفی، پرستاران در چند بیمارستان کرج طی روزهای گذشته دست به اعتصاب زده‌اند. در حالی که گزارش شده بود این اعتصابات از سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳ با آغاز اعتراضات پرستاران بیمارستان «امام علی» کرج آغاز و طی یک هفته گذشته در چند بیمارستان دیگر نیز گسترده شده است. بر اساس این گزارش نیروهای پرستاری در اعتصاب کامل بسر برده و در سر کار حاضر نمی‌شوند؛ تنها تعداد معدودی از سوپروایزرها و نیروها برای رسیدگی به بیماران از پیش بستری شده حاضر می‌شوند. پرستاران بیمارستان «کوثر» استان البرز نیز از روز شنبه ۱۳ مرداد در اعتراض به وضعیت نامطلوب پرستاران دست به اعتصاب زدند.

منابع صنفی افزوده‌اند، پرستاران بیمارستان «رجایی» از روز شنبه ۱۳ مرداد به اعتصاب پیوسته و بخش اورژانس این بیمارستان و کلیه نیروهای پرستاری و کادر درمان با ترک کار به این اعتصاب پیوستند بطوری که مسئولینی چون دکتر صیادی رئیس دانشگاه نیمه شب برای مذاکره با پرستاران در بیمارستان حاضر شد و قول رسیدگی به درخواست پرستاران

خودکشی یکی دیگر از کارگران اخراج شده پتروشیمی ایلام چهار خودکشی طی دو هفته!

در چنین روزهایی حیدر محسنی کارگر متأهل و دارای دو فرزند با ۱۸ سال سابقه کار در پتروشیمی چوار ایلام پس از دریافت حکم اخراج، خود را حلق آویز کرد و جان باخت. در روزهای ۱۶ و ۱۷ مرداد ۱۴۰۱ علی محمد کریمی و محمد منصوری، دو کارگر جوان این شرکت پس از اخراج از کار «به دلیل مشکلات خانوادگی و اقتصادی» خودکشی کرده و به زندگی خود پایان داده بودند.

محمد منصوری ۳۲ ساله و پدر دو کودک شانزدهم امرداد ۱۴۰۱ خود را در خانه حلق آویز کرده بود و علی محمد کریمی نیز بعد از گذشت ۲۴ ساعت از حادثه اول، خود را به ضرب گلوله از پای درآورد.

در روزهای ابتدای دی ماه ۱۴۰۱ نیز یک کارگر پیمانکاری دیگر پتروشیمی چوار ایلام با نام آرش تبرک پس از اخراج با خوردن قرص برنج خودکشی کرد و جان باخت.

روز دوشنبه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۲، یک کارگر ساختمانی به نام علی آخوندی ۲۴ ساله و ساکن زاهدان به علت فقر مالی خودکشی کرده است. این کارگر جوان متأهل بوده و یک پسر ۴ ساله داشته است.

چند روز پیشتر در تیرماه ۱۴۰۲ نیز قدرت صدیق کارگر ۵۸ ساله شرکت قطار رجا بعد از اخراج از سوی مدیریت با پریدن روی ریل قطار و برخورد با لکوموتیو به زندگی اش پایان داد. به گزارش منابع کارگری، این کارگر با بیش از ۲۰ سال سابقه کار و در پی اخراج توسط شرکت و «عدم رد کردن بیمه» اقدام به خودکشی کرد. یکی از کارگران پروژه مسکن ملی شهر ایلام نیز خردادماه ۱۴۰۲ با رفتن بر روی «کرین تاور» در اعتراض به عدم پرداخت معوقات چهار ماهه خود قصد خودکشی داشته است. همکاران و دوستان این کارگر توانستند او را منصرف کرده و نجات دهند.

در اوایل دی ماه سال ۱۴۰۱ محمد، کارگر ۳۸ ساله ساکن خلیل آباد به دلیل مشکلات معیشتی ابتدا دو فرزندش را کشت و سپس، خود را حلق آویز کرد و جان باخت. یکی از کارکنان کنتورنویس شرکت آب و فاضلاب شهر لاهیجان تابستان ۱۴۰۱ در اعتراض به اخراج خود، پس از ورود به اداره آب و فاضلاب با بنزین خودسوزی کرد. یک جوان ۳۰ ساله اهل ایلام نیز امرداد ۱۴۰۱ به دلیل مشکلات معیشتی در یکی از خیابان‌های این شهر خودکشی کرد و جان باخت.

اواسط خردادماه ۱۴۰۱ نیز دو کارگر در ماهشهر در اعتراض به اخراج از محل کار خودکشی کردند. همزمان یک کارگر در یاسوج به دلیل ناتوانی در بدهی ۱۰ میلیون تومانی خودکشی کرد.

در حادثه تلخ دیگری در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ دو کارگر نانوائی با نام‌های سیروس و کریم در روستایی در شهرستان ممسنی استان فارس به دلیل مشکلات مالی و پس از اخراج از کار به دلیل افزایش هزینه‌های نانوائی، با خوردن قرص برنج خودکشی کردند و جان باختند.

اینها نمونه‌هایی از خودکشی کارگران در ایران است که فقر و فلاکت گسترده شده از سوی جمهوری اسلامی آنها را چنان ناامید و مستأصل کرده که راه دیگری جز پایان دادن به زندگی برای خود نمی‌بینند. در این میان کارگران شاغل نیز وضعیت معیشتی مناسبی ندارند و هر سال بیش از پیش به قعر خط فقر رانده می‌شوند.



خرج می‌کرده و پول یارانه هم به حساب نانوائی محل واريز می‌شده چرا که نان را به صورت نسیه می‌خریده و نانوا هر ماه با مبلغ یارانه، هزینه نان فروخته شده را حساب می‌کردند؛ به گفته کارگران، پدیده خرید نان نسیه و تسویه با کارت یارانه در چوار و روستاهایش فراگیر است!

سومین خودکشی نیز اقدام به خودکشی همسر یکی از کارگران اخراج شده کارخانه در نخستین روزهای امرداد بود. کارگران گفتند که بیکاری همسر و فقر و ناتوانی در تهیه نیازهای اساسی زندگی دلیل خودکشی نافرجام این زن بوده است. خبرگزاری «ایلنا» با انتشار اخبار این خودکشی نوشته بود حدود ۱۲۰ نفر از کارگران پیمانکاری این پتروشیمی، در ۴۰ روز گذشته، با نزدیک شدن به پایان پروژه راه‌اندازی و رسیدن موعد فعالیت خط تولید کارخانه، اخراج شده‌اند. مدیران این مجموعه به کارگران گفته‌اند که «پروژه ساخت تمام شده و دیگر به کارگران نیازی نیست و ظرفیت جذب وجود ندارد.»

کارگران اما معتقدند این ادعا تنها بهانه‌ای برای اخراج آنها بوده چرا که در طی ماه‌های گذشته شماری کارگر غیربومی در این پتروشیمی استخدام شده‌اند.

کارگران اخراج شده به «ایلنا» گفته‌اند که «برای ما که زمین‌های کشاورزی‌مان را در همجواری با پتروشیمی از دست داده‌ایم، تنها راه امرار معاش، کارگری کردن در پتروشیمی است.»

ساختار رانتي و پارتی‌بازی به اشتغال کارگران نیز رسیده بطوری که کارگران می‌گویند «استادکار، نزدیکان خود را برای کارگری انتخاب می‌کند و دیگران هیچ راهی برای پول درآوردن ندارند.»

خودکشی کارگران در ایران به یک پدیده تبدیل شده و هر چند آمارهای رسمی از آن وجود ندارد اما موارد گزارش و رسانه‌ای شده، نشان از فراگیری اقدام به خودکشی کارگران به دلیل بیکاری و فقر دارد.

تنها در پتروشیمی چوار ایلام طی دو سال دستکم هشت مورد خودکشی کارگران گزارش شده است. یک سال پیش

این کارگر دارای سه فرزند دختر و پسر کوچک است و به دلیل مشکلات ناشی از بیکاری در محل سکونت خود با خوردن قرص دست به خودکشی زد و هم‌اکنون در وضعیتی ناپایدار در کما به سر می‌برد.

سید رضا اسماعیلی چهارمین کارگر اخراج شده از پتروشیمی «ارغوان گستر» ایلام است که به دلیل مشکلات ناشی از بیکاری اقدام به خودکشی نافرجام کرده‌اند.

خودکشی کارگران در ایران به یک پدیده تبدیل شده و هر چند آمارهای رسمی از آن وجود ندارد اما موارد گزارش و رسانه‌ای شده، نشان از فراگیری اقدام به خودکشی کارگران به دلیل بیکاری و فقر دارد.

یکی دیگر از کارگران اخراج شده پتروشیمی ارغوان گستر در شهرستان چوار به دلیل مشکلات ناشی از بیکاری، اقدام به خودکشی کرد. این کارگر در حال حاضر در کما به سر می‌برد و وضعیت جسمی او ناپایدار اعلام شده است.

سید رضا اسماعیلی ۲۸ ساله اهل «لاشه کن» از روستاهای همجوار با پتروشیمی «ارغوان گستر» که مدتی پیش از کار اخراج شده بود در نخستین ساعات بامداد جمعه ۱۲ امرداد اقدام به خودکشی کرد. این کارگر دارای سه فرزند دختر و پسر کوچک است و به دلیل مشکلات ناشی از بیکاری در محل سکونت خود با خوردن قرص دست به خودکشی زد. خبرگزاری «ایلنا» گزارش داده که حوالی ساعت ۸ صبح روز جمعه خانواده او با پیکر بی‌جان این کارگر روبرو شده که در کنار او بسته‌ای خالی قرص دیدند.

به گزارش «ایلنا» با حضور گروه‌های امدادی این کارگر هم‌اکنون در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان «رازی» ایلام در حالت کما بستری است و وضعیت نامساعدی دارد.

یکی از همکاران سید رضا اسماعیلی گفته این کارگر با ۵ سال سابقه کار موقت در پتروشیمی، در پی اقدام شرکت پیمانکار در اخراج نیروها به دلیل مشکلات ناشی از بیکاری دست به این اقدام زده است.

همکاران او افزوده‌اند این کارگر روز قبل از حادثه برای چندمین بار برای رفع مشکل بیکاری به واحد اداری استخدامی محل کار سابق خود مراجعه کرده اما آنها شرط به کارگری مجدد وی را قبولی در آزمون اعلام کرده بودند.

سید رضا اسماعیلی چهارمین کارگر اخراج شده از پتروشیمی ارغوان گستر ایلام است که به دلیل مشکلات ناشی از بیکاری اقدام به خودکشی نافرجام کرده‌اند.

یکی از خودکشی‌های مرتبط با اخراج کارگران در پتروشیمی ایلام در دو هفته اخیر کارگری بود که ۲۷ تیرماه با ریختن بنزین به روی خود قصد داشت خودکشی کند. آخرین گزارش از وضعیت این کارگر حاکی از آن بود که به

دلیل عفونت شبکیه چشم و عفونت لوزه‌هایش به درمان نیاز دارد. همکارانش گفته بودند برای ۸۱۲ هزار تومان پول قطره چشم‌اش، از دوستان و آشنایان تنها ۴۸۳ هزار تومان برایش جمع‌آوری کرده‌اند.

این کارگر در یکی از روستاهای اطراف «چوار» زندگی می‌کند و پس از بیکاری حتی برای تأمین یک وعده غذای روزانه هم به کمک نیاز داشت.

کارگر دیگری که اوایل امرداد جاری قصد داشته شبانه در قبرستان جان خود را بگیرد، جوانی ۲۹ ساله بود. این کارگر حقوق کارگری‌اش را برای مادر بیمار و برادر معلولش

ریزش شدید در بازار بورس ایران؛ افزایش خروج پول حقیقی از بازار سرمایه

در دستورالعمل‌ها و مصوبات موثر بر صنایع و اخذ تصمیمات خلق‌الساعه، ناترازی انرژی و قطعی برق صنایع در فصل تابستان و قطع گاز آنها در زمستان و نیز انتصابات و دخالت‌های سلیقه‌ای و نامناسب توسط نهادهای دولتی و نهادهای عمومی در شرکت‌های زیرمجموعه موجب شده تا بطور مستمر شاهد خروج منابع از بازار سرمایه باشیم.» «دنیای اقتصاد» تأکید کرده که چالش‌های فوق در سال‌های اخیر موجب شده تا متوسط حاشیه سود خالص صنایع از بیش از ۲۸ درصد در زمستان ۱۳۹۹ به حدود ۱۲ درصد در زمستان ۱۴۰۲ کاهش یابد که عملاً توجیه‌پذیری سرمایه‌گذاری مولد در کشور از بین رفته است.

در پایان مطلب «دنیای اقتصاد» آمده این کاهش در حاشیه سود سبب شده تا ضمن از بین رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار سهام، همزمان با کاهش ۵۰ درصدی ارزش دلاری کل بازار سهام طی همین بازه زمانی، بیش از ۱۳۵ هزار میلیارد تومان پول توسط اشخاص حقیقی از این بازار خارج شده و به سمت سایر بازارهایی نظیر ارز، طلا و مسکن گسیل شده یا از کشور خارج شود، در حالی که اقتصاد ایران از زمان اوج شاخص کل بورس تهران در سال ۱۳۹۹ تا به امروز تورم‌های بالایی را تجربه کرده، این شاخص در حال حاضر در سطحی پایین‌تر از مقدار آن در مرداد ماه آن سال قرار دارد.

وبسایت «فرارو» نیز نوشته بورس در قیاس با مدت مشابه سال قبل دستاوردی نداشته است. اگر بخواهیم اوضاع را نسبت به ابتدای سال بررسی کنیم، باز هم بوی شکست به مشام می‌رسد. تا الان بطور متوسط ۱۱ درصد ارزش دارایی سهامداران جلوی چشمشان دود شده و به هوا رفته، اما آنها حتی قادر نیستند برای خروج از بورس تصمیم بگیرند. شهاب خدابخشیان کارشناس بازار سرمایه در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا» با اشاره به اینکه بازار بورس بازتابی از اقتصاد واقعی کشور است، گفته «ریزش‌های روزهای کاری اخیر بورس به خاطر ریسک سیستماتیک ناشی از اتفاقات سیاسی است.» عدم جلب حمایت نظر سرمایه‌گذاران از سوی مسعود پزشکیان و تیم‌اش، تنش‌آفرینی جمهوری اسلامی در منطقه و خطر جنگ میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، در بن‌بست قرار داشت مذاکرات هسته‌ای و پابرجایی تحریم‌ها، انتظارات تورمی به دلیل بحران‌های ساختاری اقتصاد و کسری بودجه، از جمله مواردی هستند که از نظر کارشناسان علت ریزش‌های روزهای گذشته بازار بورس هستند. در همین رابطه شایان آرانی کارشناس بازار سرمایه معتقد است که اگر بورس ایران در این شرایط مثبت می‌شد جای سؤال داشت!

به گفته این کارشناس، بازار سرمایه نسبت به اخبار و هیجان‌ها واکنش نشان می‌دهد که این امر در عرضه و تقاضا نمایان می‌شود. او افزوده که بقیه در همه جای دنیا نیز وقتی دورها و فضای مرتبط با سرمایه‌گذاری توأم با ابهام می‌شود فعالان اقتصادی به سمتی سوق پیدا می‌کنند که بتوانند ارزش دارایی‌های خود را حفظ کنند.

شایان آرانی افزوده که در وقایع سیاسی افراد سعی می‌کنند منابع مالی خود را به سرمایه‌هایی همچون طلا و مسکن و ارز تبدیل کنند تا ارزش آن حفظ شود و این جریان طبیعی در فعالیتهای اقتصادی به شمار می‌رود.

او همچنین گفته با توجه به اتفاقات سیاسی اخیر بازار سرمایه اکثر کشورهای منطقه و حتی کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز تحت تأثیر این موضوع بودند و اگر بورس ایران در این شرایط مثبت می‌شد جای سؤال داشت!



مسائل مطرح‌شده در جلسه بود.»

او در ادامه گفته «ما بر این باور بودیم که تصمیم‌گیری درباره محدودیت دامنه نوسان مناسب نبوده و راه‌حل بهینه‌ای برای حل این مشکل وجود داشته است. ما پیشنهادی دادیم مبنی بر اینکه دامنه نوسان همچنان باز بماند اما حجم مینا به میزان ۱۰ برابر افزایش یابد.»

این فعال بازار سرمایه همچنین گفته «در جلسه‌ای که با آقای معصومی خانقاه داشتیم، ایشان اذعان کردند وضعیت کنونی بازار مناسب نیست و گفتند درد اصلی بازار، کمبود پول است. ایشان اشاره کردند که در تلاش‌اند با جمع‌آوری نقدینگی، به بازار کمک کنند.»

به گفته حسین مریدسادات «بازار برای رفع مشکلات نیازمند تأمین ۵۰ هزار میلیارد تومان سرمایه است و تا زمانی که این نقدینگی برای آن تأمین نشود وضعیت بازار به همین شکل خواهد بود.»

او همچنین افزوده که «به نظر می‌رسد بازار در بدترین شرایط خود در ۱۰ سال گذشته قرار دارد. امیدواریم توانسته باشیم صدای سهامداران را به گوش مسئولان برسانیم و در روزهای خوب هم کنار مردم باشیم.»

بورس و مصائب آن به تیر اصلی خیره‌های اقتصادی ایران تبدیل شده است. روزنامه «دنیای اقتصاد» در مطلبی نوشته بازار سرمایه طی سه سال اخیر بیش از پیش با چالش‌های جدی مواجه بوده که همگی موجب ایجاد نیروی دافعه برای اقبال سرمایه‌گذاران به این بازار شده‌اند.

«دنیای اقتصاد» این چالش‌ها را مواردی چون قیمت‌گذاری دستوری و بی‌اعتنایی به ساز و کار بازار در تخصیص بهینه منابع، شفاف قابل توجه میان نرخ‌های رسمی و بازار آزاد و توزیع رانت از محل نرخ‌های ارز چندگانه، عدم همسویی میان سیاست‌های اقتصادی و ایجاد سردرگمی در فعالان اقتصادی با ارائه سیگنال‌های متناقض شده است.

در این مطلب آمده «انباشت مطالبات شرکت‌های بورس از دولت و ایجاد مشکل سرمایه در گردش و افزایش هزینه تأمین مالی آنها با اعمال سیاست‌های پولی انقباضی و افزایش ناگهانی نرخ بهره به بالای ۳۰ درصد، تعدد تغییرات

● امروز سه‌شنبه ۱۶ مرداد، شاخص کل بورس تهران حدود ۲ هزار واحد ریزش کرد و در ارتفاع ۲ میلیون و ۲ هزار و ۵۸۰ واحدی قرار گرفت.

● روند خروج پول از بورس ادامه دارد و امروز رقمی معادل ۴۹۱ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد.

نمادهای بورس در ایران همچنان قرمز هستند و در ریزش شاخص و خروج پول حقیقی از بازار سرمایه با سرعت بالایی در جریان است. سرمایه‌گذاران می‌گویند مدیر سازمان بورس پاسخگو نیست.

بازار بورس ایران روزهای پیاپی با ریزش روبرو بوده و این ریزش‌ها امروز سه‌شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ نیز ادامه داشته است. امروز، سه‌شنبه ۱۶ مرداد، شاخص کل بورس تهران حدود ۲ هزار واحد ریزش کرد و در ارتفاع ۲ میلیون و ۲ هزار و ۵۸۰ واحدی قرار گرفت.

شاخص کل هم‌وزن بورس، نیز با ریزش ۸۳۳ واحدی در ارتفاع ۶۳۵ هزار و ۲۵۷ واحدی قرار گرفت. شاخص کل فرابورس ایران در پایان معاملات بازار سرمایه با ریزش ۱۱ واحدی در ارتفاع ۲۰ هزار و ۷۱۱ واحدی قرار گرفت؛ ارزش بازار اول و دوم فرابورس ایران به ۱۰ همت و ۹۸۶ میلیارد تومان رسید.

همچنین امروز، سه‌شنبه ۱۶ مرداد، رقمی معادل ۴۹۱ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد.

خروج پول حقیقی از بازار بورس در روزهای گذشته سرعت گرفته به طوری که سهامداران حقیقی روز شنبه هزار و ۴۵۸ میلیارد تومان که معادل ۲۴ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار می‌شود را از بورس خارج کردند. یکشنبه هم دو میلیون و ۲۱۷ هزار دلار دیگر به همین ترتیب از بازار سرمایه بیرون رفت.

مجید عشقی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار کاهش دامنه نوسان را چاره‌ساز کنترل بحران بورس دانسته بطوری که از دیروز، دوشنبه ۱۵ مرداد، بازار سرمایه با دامنه نوسان مثبت و منفی یک درصد فعال بوده و این روند تا آخر هفته ادامه دارد.

تلاطم شدید در بازار بورس اما در روزهای گذشته سبب اعتراضاتی نیز شده است. در روز شنبه ۱۳ مرداد معامله گران تالار بورس تهران در اعتراض به وضعیت قرمز بازار دست از معامله بکشند و میز کار خود را ترک کنند.

روز گذشته نیز ده‌ها تن از سرمایه‌گذاران بورس در مقابل سازمان بورس و اوراق بهادار تهران تجمع کردند و با مدیران بورس سخن گفتند.

درباره نتیجه این اعتراض و البته مذاکره، حسین مریدسادات کارشناس بازار سرمایه که یکی از معترضان به وبسایت «تجارت نیوز» گفته «روز گذشته، به دنبال فراخوانی که از سوی دوستان و همکاران به عمل آمده بود، همگی در مقابل سازمان بورس گرد هم آمدیم و درخواست کردیم جلسه‌ای با آقای عشقی رئیس سازمان داشته باشیم. متأسفانه ایشان مانند گذشته پاسخگو نبودند؛ اما با فشاری که آوردیم، موفق به ملاقات با آقای معصومی خانقاه شدیم.»

این کارشناس بازار سرمایه افزوده که «در این جلسه، کلیه گلایه‌های خود را مطرح کردیم؛ از جمله مهم‌ترین شکایات ما این بود که مدیریت کنونی سازمان به نظر می‌رسد بازار را به سمت پایین هدایت می‌کند. نحوه معاملات در روز چهارشنبه و شنبه باعث شد سهامداران در صندوق‌ها دو منفی ۱۰ درصدی بخورند که در واقع منفی ۲۰ درصدی است. بعد هم تبدیل بازار به وضعیتی مانند گروگان‌گیری مالی به دلیل محدودیت دامنه نوسان رخ داد که از جمله

سایه جنگ و ناکارآمدی جمهوری اسلامی بر بازارهای ایران

هزار تومان را رد کرد و قیمت هر سکه طلا نیز به ۴۱ میلیون و ۵۶۰ هزار تومان افزایش یافت.

وبسایت «اگو ایران» نیز در مطلبی «انتظارات» و «نقدینگی» را دو موضوع موثر در موفقیت دولت پزشکیان در کنترل قیمت‌ها در بازار ارز ارزیابی کرده است.

در این مطلب درباره «انتظارات» نوشته شده که انتظارات را می‌توان «اولین مورد را آرامش فضای داخلی و هماهنگی در اجرای امور کشور دانست. شاید اولین مسئله وزرای انتخابی و نحوه گرفتن رأی اعتماد از مجلس توسط وزرا است. دولتی که بتواند ایجاد اجماع در داخل کند و امور داخلی را با وحدت و آرامش پیش ببرد پشت میز سیاست خارجه هم با قدرت و توان بیشتری حاضر خواهد شد و بازار ارز اگر شاهد چنین آرامش و هماهنگی باشد به سختی طغیان می‌کند.»

«اگو ایران» افزوده بود که توازن نیروها در سیاست خارجی نیز از ابزار مهم دولت در کنترل بازار ارز است. بازار ارز نشان داده که به تنش‌هایی که در سیاست خارجه ایجاد می‌شود حساس است به همین خاطر کنترل فضای سیاست بین‌الملل برای بازار ارز حائز اهمیت است که البته با توجه به شرایط پرریسک جهانی، مانند تنش‌های منطقه‌ای، انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، جنگ اوکراین و روسیه، درگیری احتمالی چین و تایوان به نظر می‌رسد این مساله دقت و هوشمندی زیادی را طلب می‌کند.

این مطلب تأکید کرده بود «کنترل نقدینگی هم عامل مهمی برای کنترل نرخ دلار و تورم است. آنکه دولت بودجه خود را متوازن بنویسد و با اجرای سیاست مالی مناسب با بانک مرکزی در کنترل تورم و نرخ دلار همسو باشد حایز اهمیت بسیار است. یکی از مواردی که گفته می‌شود لازم است دولت برای کنترل تورم و توسعه اقتصادی انجام دهد، رفع ناترازی‌ها در بودجه و قیمت انرژی است.»

اینهمه در حالیست که به نظر می‌رسد نگرانی از تلاطم بیشتر بازارها در پی تشدید تنش میان جمهوری اسلامی و اسرائیل وجود دارد. در همین رابطه وبسایت «بصیرت» متعلق به معاونت سیاسی سپاه پاسداران، در یادداشتی با اشاره به تأثیر شوک‌های نظامی و امنیتی بر اقتصاد، نوشته که «بخش مهمی از کنترل بازار و اقتصاد بر عهده مردم بوده و آنها باید در این زمینه نقش اساسی خود را در کنترل مصرف، پرهیز از هجوم به بازارها و منابع، رعایت انصاف و غیره ایفا کنند.»

در ادامه آمده که «این ادعا به دور از ذهن نیست اگر بگوییم که اقتصاد ایران به یک همزیستی نسبی با شوک‌های امنیتی و سیاسی رسیده است. البته منظور این نیست که چنین شوک‌هایی تأثیر ندارند، بلکه اینطور به نظر می‌رسد شدت تأثیر چنین وقایعی بر بازار ارز به نسبت چند سال پیش کمتر است و بازار به یمن حکمرانی ارزی بانک مرکزی و منابع کافی، بخش مهمی از تأثیرات چنین شوک‌هایی را هضم می‌کند.»

تیم یادداشت افزوده «آنچه درباره دولت و حکمرانی اقتصاد در شرایط شوک‌های نظامی و امنیتی در منطقه گفته شد، نافی توجه مردم به وظیفه و تکلیف‌شان نیست. بدیهی است بخش مهمی از کنترل بازار و اقتصاد بر عهده مردم بوده و آنها باید در این زمینه نقش اساسی خود را در کنترل مصرف، پرهیز از هجوم به بازارها و منابع، رعایت انصاف و غیره ایفا کنند. به عبارتی، عبور از وضعیت فعلی و کاهش تأثیرات منفی اقتصادی با همکاری همیاری همه اجزای حاکمیت و نظام، به ویژه دولت و مردم امکان‌پذیر است.»



فعالیت‌های اقتصادی به‌شمار می‌رود.

او همچنین گفته با توجه به اتفاقات سیاسی اخیر بازار سرمایه اکثر کشورهای منطقه و حتی کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز تحت تأثیر این موضوع بودند و اگر بورس ایران در این شرایط مثبت می‌شد جای سؤال می‌داشت!

با ریزش‌های پی در پی در بازار بورس، محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان نخستین دستور دولت چهاردهم را در این رابطه صادر کرد.

این دستور شامل تزریق منابع صندوق توسعه ملی و شبکه بانکی به بازار سهام و برای برطرف شدن نگرانی سهامداران اعلام شده است.

ساعاتی پس از دستور محمدرضا عارف، مهدی غضنفری رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی از تزریق مبلغ ۶۰۰ میلیارد تومان واریزی به حساب صندوق تثبیت بورس خبر داد. حمیدرضا میرمعینی کارشناس و تحلیل‌گر بازار سرمایه درباره تزریق ۶۰۰ میلیارد تومان از منابع صندوق توسعه ملی به صندوق تثبیت بازار سرمایه گفته بود «چنین ارقامی، نمی‌تواند پاسخ مناسبی برای جلوگیری از صف فروش‌های گسترده در این روزهای بورس باشد.»

حمیدرضا میرمعینی افزوده بود که متأسفانه سرمایه مردم در بورس، در حال پودر شدن است. به گونه‌ای که در دو سه روز گذشته ۲۰ درصد از سرمایه مردم، علاوه بر ضرر و زیان قابل توجه در دو تا سه سال گذشته، آب شده است.»

این کارشناس بازار سرمایه تأکید کرده بود که «برآوردها نشان می‌دهد در سه سال گذشته ۱۰۰ میلیارد دلار کاهش ارزش در بازار سهام داشته‌ایم که با دلار ۶۰ هزار تومانی، رقمی در حدود ۶ هزار همت از ارزش بازار دود شده و سهامداران ضرر کرده‌اند.»

هر چند بازارهای مالی در ایران از ابتدای سال دچار نوسان بودند اما از هفته گذشته و در پی ترور اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی گروه تروریستی حماس در تهران و افزایش احتمال بروز دیگری نظامی مستقیم میان اسرائیل و جمهوری اسلامی این بازارها نیز با تلاطم بیشتری روبرو شدند.

قیمت‌ها در بازار ارز و طلا افزایش یافت و دلار مرز ۶۱

● شایان آرانی کارشناس بازار سرمایه معتقد است که اگر بورس ایران در این شرایط مثبت می‌شد جای سؤال می‌داشت!

● در معاملات روز دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۳، شاخص کل بورس تهران هزار و ۲۲۵ واحد نسبت به روز کاری گذشته پایین‌تر ایستاد و به سطح ۲ میلیون و ۴ هزار و ۳۸۲ واحد رسید.

● سایه جنگ، بی‌اعتمادی به عملکرد اقتصادی دولت پزشکیان، در بن‌بست قرار داشت مذاکرات هسته‌ای و تداوم تحریم‌ها، و کسری بودجه از جمله مواردی هستند که بازارهای ایران را بیش از پیش دچار تلاطم کرده است.

بازار بورس در ایران همچنان با ریزش‌های شدید روبروست و بازارهای طلا و ارز نیز ملتهب هستند. فعالان بازار در حالی نسبت به بهبود شرایط اقتصادی با آغاز به کار دولت پزشکیان تردید داشتند که ترور اسماعیل هنیه در تهران و احتمال بروز درگیری مستقیم نظامی میان اسرائیل و جمهوری اسلامی نیز بر تلاطم بازارها افزوده است.

در معاملات روز دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۳، شاخص کل بورس تهران هزار و ۲۲۵ واحد نسبت به روز کاری گذشته پایین‌تر ایستاد و به سطح ۲ میلیون و ۴ هزار و ۳۸۲ واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن بورس نیز با ریزش ۹۵۲ واحدی در رقم ۶۳۶ هزار و ۸۰ واحدی ایستاد.

شاخص کل فرابورس ۲۲ واحد افت کرد به رقم ۲۰ هزار و ۷۲۲ واحد رسید. همچنین شاخص هم‌وزن فرابورس با کاهش ۱۷۴ واحد به سطح ۱۰۹ هزار و ۵۶۸ واحد رسید.

بورس تهران طی هفت روز کاری اخیر با ریزش بیش از ۱۷۲ هزار واحدی شاخص کل روبرو شده است. تلاطم شدید بورس در روزهای گذشته سبب شد در روز شنبه ۱۳ مرداد معامله گران تالار بورس تهران در اعتراض به وضعیت فرمز بازار دست از معامله بکشند و میز کار خود را ترک کنند.

شاخص کل بورس تهران در روز شنبه با ریزش ۶۱ هزار و ۷۰۵ واحدی در ارتفاع ۲ میلیون و ۶ هزار و ۶۶۶ واحدی قرار گرفت. شاخص کل هم‌وزن بورس، نیز با ریزش ۱۹ هزار و ۸۸۸ واحدی در ارتفاع ۶۳۷ هزار و ۸۵۹ واحدی قرار گرفت.

عدم جلب حمایت نظر سرمایه‌گذاران از سوی مسعود پزشکیان و تیم‌اش، تنش‌آفرینی جمهوری اسلامی در منطقه و خطر جنگ میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، در بن‌بست قرار داشت مذاکرات هسته‌ای و پابرجایی تحریم‌ها، انتظارات تورمی به دلیل بحران‌های ساختاری اقتصاد و کسری بودجه، از جمله مواردی هستند که از نظر کارشناسان علت ریزش‌های روزهای گذشته بازار بورس هستند.

در همین رابطه شایان آرانی کارشناس بازار سرمایه معتقد است که اگر بورس ایران در این شرایط مثبت می‌شد جای سؤال داشت!

به گفته این کارشناس، بازار سرمایه نسبت به اخبار و هیجان‌ها واکنش نشان می‌دهد که این امر در عرضه و تقاضا نمایان می‌شود. او افزوده که یقیناً در همه جای دنیا نیز وقتی دورغا و فضای مرتبط با سرمایه‌گذاری توام با ابهام می‌شود فعالان اقتصادی به سمتی سوق پیدا می‌کنند که بتوانند ارزش دارایی‌های خود را حفظ کنند.

شایان آرانی افزوده که در وقایع سیاسی افراد سعی می‌کنند منابع مالی خود را به سرمایه‌هایی همچون طلا و مسکن و ارز تبدیل کنند تا ارزش آن حفظ شود و این جریان طبیعی در

مهاجران افغان در ایران؛ از نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی کارشناسان تا برچسب «مهاجرستیز» و «نژادپرست» علیه ایرانیان!



باید به کشورهای دیگری که پناهجوی پذیرند منتقل شده یا به کشور خودشان بازگردانده شوند. ایندست از شهروندان به اینکه ایران یک کشور پناهجوی پذیر نیست اشاره کرده و معتقدند افغانستانی‌ها در عمل حقوق ناچیز و باقیمانده برای خود ایرانیان را نیز ضایع می‌کنند و حتی بدون اینکه عنصر مفیدی برای ساختار اقتصادی و اجتماعی باشند و یا مالیات بپردازند از همه حقوق یک شهروند ایران از جمله یارانه‌های پنهان و امکانات زیرساختی مانند بهداشت و آموزش برخوردار می‌شوند.

در همین رابطه وبسایت «اقتصاد۲۴» در گزارشی نوشته در شرایطی که کارگر ایرانی مالیات و انواع هزینه‌ها و عوارض برای وی محاسبه می‌شود در مقابل کارگر افغانستانی و اتباع دیگر کشورها حتی در صورت ثبت و با کارت آمایش نیز از پرداخت مالیات معاف شده‌اند و از سوی دیگر بخش بزرگ‌تر این مهاجران غیرقانونی در عین حال که با دریافت ارقام پایین‌تر شرایط را برای کارگر ایرانی سخت کرده‌اند هیچ نوع مالیات و عوارضی در کشور پرداخت نمی‌کنند.

در این گزارش محاسبه شده که یارانه پنهان اتباع خارجی در ایران روی مرز ۲۵۰ هزار میلیارد تومان است. در این گزارش آمده بود که هر ساله حدود ۹۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار از منابع نفتی و انرژی، به همراه مواد غذایی در کشور ایران تخصیص می‌یابد.

بر این اساس رقم یارانه به تمامی افراد جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران و همچنین ۵ تا ۸ میلیون نفر از مهاجرین، تعلق می‌گیرد. در واقع هر بار با خرید هر کالایی که دارای یارانه حتی اگر به صورت محدود باشد، اتباع حاضر در کشور نیز از این یارانه سود می‌برند.

بنا بر گزارش «اقتصاد۲۴» به ازای هر یک میلیون نفر از جمعیت داخلی و اتباع خارجی در ایران، حدود یک میلیارد دلار یارانه در سال تعلق می‌گیرد. در هر سال حداقل پنج میلیارد دلار از یارانه‌ها به اتباع خارجی پرداخت می‌شود و

ارزش ریالی این یارانه‌ها با توجه به نرخ ارز، بیش از

برای بازداشت او به خشونت متوسل می‌شوند. در بخشی از این ویدئو صدای مهدی که می‌گوید «عمو ولم کن مرا، عمو!» در حالی که یک پلیس با دو زانو روی گردن او نشسته است!

زنی آنسو با جیغ و فریاد و تکرار اینکه «او گوش ندارد» تلاش می‌کند به مأموران بفهماند مهدی مشکل شنوایی دارد. هرچند در شبکه‌های اجتماعی نوشته شده که گردن مهدی بر اثر فشار زانوهای مأمور نیروی انتظامی شکسته اما ویدئوی دیگری که از سوی برادر مهدی منتشر شده و گزارش‌های تکمیلی، شکستگی گردن را رد اما تأیید می‌کند که گردن این نوجوان آسیب دیده و در شوک این ضرب و جرح قرار دارد.

برادر مهدی موسوی توضیح داده که او ناشنوا و کم‌توان ذهنی است؛ با اینهمه مأموران برادرش را سوار ماشین گشت کردند و مدرکی نخواستند. فقط گفتند سوار شو! او به دلیل سنگین بودن گوش‌هایش متوجه نشده و مأموران فکر کرده‌اند با آنها لج کرده است.

برادر مهدی گفته که یکی از سمک‌هایش که با دشواری تهیه شده زیر پا له شده است: «تب دارد و در شوک است... در حال خودش نیست. دکتر سرم به او وصل کرده و مقداری دارو داده تا حالش بهتر شود.»

احمدرضا رادان فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز بدون واکنش به آنچه بر سر مهدی آمده چهارشنبه ۱۷ امرداد اعلام کرد «مهاجران غیرمجاز» باید تا پایان سال خاک ایران را ترک کرده و به کشور خود بازگردند. موضوع مهاجران افغانستانی در ایران می‌رود که به یک بحران پیچیده تبدیل شود؛ شهروندان ایرانی که مخالف روند تحمیل مهاجران به بافت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه‌ای هستند که زیر بار فشار مشکلات معیشتی و اقتصادی کمر خم کرده به «نژادپرستی» یا «مهاجرستیزی» متهم می‌شوند.

در آنسو برخی شهروندان نیز معتقدند این مهاجران

● در ویدئویی که از ضرب و جرح یک نوجوان افغانستانی توسط نیروی انتظامی منتشر شده، مأمور با دو زانو روی گردن مهدی نشسته و او می‌گوید «عمو ولم کن مرا، عمو!».

● شهروندان ایرانی که مخالف روند تحمیل مهاجران به بدنه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه‌ای هستند که زیر بار فشار مشکلات معیشتی و اقتصادی کمر خم کرده به «نژادپرستی» یا «مهاجرستیزی» متهم می‌شوند.

● مهاجران افغانستانی در برخی مناطق بافت جمعیتی و بازار کار را دستخوش تغییر کرده و گزارش‌هایی از برخی ناامنی‌های اجتماعی در محله‌هایی حکایت دارد که شمار مهاجران افغانستانی در آنها بیش از حد زیاد است و حتا مطابق اظهارات مقامات شمار زندانیان افغانستانی که به اتهام جرائم مختلف دستگیر شده‌اند بسیار افزایش یافته است.

● متهم اصلی بروز چنین وضعیت اسفناکی درباره مهاجران افغانستانی، «جمهوری اسلامی» است که وقتی هم دست به کار ساماندهی مهاجران می‌شود ماجرای تلخ ضرب و جرح مهدی نوجوان را رقم می‌زند!

انتشار ویدئوی ضرب و جرح یک نوجوان افغانستانی توسط مأموران انتظامی جمهوری اسلامی بار دیگر موضوع مهاجران افغانستانی در ایران را برجسته کرده است. مهاجرانی که بسیاری از آنها به صورت غیرقانونی وارد خاک ایران شده‌اند و بی‌کفایتی جمهوری اسلامی سبب شده این مهاجران در عمل به حال خود رها شوند و حتی در بازارهایی مانند بازار کار و مسکن نیز اختلال ایجاد کنند.

مهدی نام نوجوان ۱۵ ساله افغانستانی است که ویدئوی ضرب و جرح او توسط مأموران انتظامی جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. بر اساس گزارش‌ها مأموران انتظامی در حال «جمع‌آوری اتباع غیرقانونی» قضا باداشت این نوجوان را داشته‌اند و با مقاومت این نوجوان،

۲۵۰ هزار میلیارد تومان است!

ضرورت مقابله با رژیم ایران برای جلوگیری از توافق‌های پنهانی با غرب



با این رژیم ضدبشری که در آخرین گزارش جاوید رحمان گزارشگر پیشین سازمان ملل در مسائل حقوق بشر ایران با صراحت و به طرز بی‌سابقه به «جنایت علیه بشریت» و «نسل‌کشی» متهم شده است، جلوگیری شود. هر توافقی با رژیم ایران، تنها به تقویت پایه‌های سرکوب آن کمک خواهد کرد و مردم ایران را بیشتر در معرض ظلم و ستمی قرار خواهد داد که با چنین معاملاتی چهار دهه استمرار یافته‌اند. به همین دلیل جامعه جهانی نباید به هیچ وجه به این رژیم اعتماد کند و می‌بایست اقدامات لازم و جدی و سختگیرانه برای منزوی کردن بیشتر آن را در دستور کار قرار دهد. تلاش‌های بین‌المللی می‌تواند شامل تحریم‌های شدیدتر، حمایت از مخالفان دموکراسی‌خواه داخلی و خارجی رژیم، و ایجاد فشارهای سیاسی و دیپلماتیک بر کشورهایی باشد که قصد معامله با رژیم ایران را دارند. این اقدامات می‌تواند به کاهش توانایی رژیم در سرکوب مردم و نهایتاً به سقوط آن منجر شود.

به عنوان جزئی از جامعه بین‌الملل، باید به یاد داشته باشیم که سکوت در برابر ظلم، همدستی با ظالمان است. فعالان سیاسی و اجتماعی آزادیخواه در خارج کشور می‌بایست به صورت متحد و به عنوان صدای مردم بی‌دفاع ایران، رژیم اسلامی را که نکبت آن منطقه و جهان را در بر گرفته به چالش بکشند و به جهانیان نشان دهند که معامله و توافق با این رژیم، هم به معنای چشم‌پوشی از حقوق بشر و حمایت از یک حکومت سرکوبگر است و هم با این کار آزادی و امنیت را در کشورهای خود در خطر قرار می‌دهند.

در نهایت، تنها با همبستگی و همکاری بین‌المللی می‌توان رژیم ایران را تحت فشار قرار داد و از ایجاد هرگونه توافقی که به نفع این رژیم جهنمی باشد، جلوگیری کرد.

این وظیفه‌ای است که همه ما در برابر مردم ستمدیده ایران و جوانان جانباخته و زندانیان سیاسی در بند داریم و باید با تمام توان در این راه قدم برداریم.

*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

● در روزهای اخیر رژیم جمهوری اسلامی در ایران با اجرای حکم اعدام گروهی نزدیک به ۳۰ نفر از شهروندان، بار دیگر چهره‌های خونبار و وحشیانه از خود به نمایش گذاشته است. این اقدام‌ها تنها بخشی از تلاش‌های نظام برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و کنترل اعتراضات داخلی است.

● تلاش‌های بین‌المللی در مقابله با این وضعیت می‌تواند شامل تحریم‌های شدیدتر، حمایت از مخالفان دموکراسی‌خواه داخلی و خارجی رژیم، و ایجاد فشارهای سیاسی و دیپلماتیک بر کشورهایی باشد که قصد معامله با رژیم ایران را دارند.

● تنها با همبستگی و همکاری بین‌المللی می‌توان رژیم ایران را تحت فشار قرار داد و از ایجاد هرگونه توافقی که به نفع این رژیم جهنمی باشد، جلوگیری کرد.

بهرام فرخی - در روزهای اخیر رژیم جمهوری اسلامی در ایران با اجرای حکم اعدام گروهی نزدیک به ۳۰ نفر از شهروندان، بار دیگر چهره‌های خونبار و وحشیانه از خود به نمایش گذاشته است. این اقدام‌ها تنها بخشی از تلاش‌های نظام برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و کنترل اعتراضات داخلی است. علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی با این اقدامات سرکوبگرانه سعی دارد هرگونه شورش و ناآرامی را که ممکن است در پی درگیری نظامی احتمالی با اسرائیل و آمریکا به وجود آید، در نطفه خفه کند.

این رویکرد رژیم ایران نه تنها نشانه‌ای از ضعف و ترس آن از خیزش‌های مردمی است، بلکه بیانگر استراتژی‌ای است که همواره به منظور بقای خود در پیش گرفته است.

در این میان، وظیفه فعالان سیاسی و اجتماعی در خارج کشور بیش از پیش حیاتی می‌شود. این فعالان باید با استفاده از ظرفیت‌های موجود در رسانه‌های بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری، چهره واقعی و وحشی و بی‌رحم رژیم ایران را بیش از پیش به افکار عمومی جهان معرفی کنند.

هدف از این تلاش‌ها می‌بایست افزایش فشار بین‌المللی بر رژیم جمهوری اسلامی باشد تا از هرگونه توافق و معامله

از سوی دیگر گزارش‌ها نشان می‌دهد مهاجران افغانستانی در برخی مناطق به صورت سازمانیافته ساکن شده و در نتیجه بافت جمعیتی را دستخوش تغییراتی نگران‌کننده کرده‌اند. در برخی کلاس‌های درس شمار دانش‌آموزان افغانستانی بیش از دانش‌آموزان ایرانی است و از سوی دیگر تن دادن مهاجران به مشاغل کارگری غیررسمی و بدون قرارداد سبب تمایل کارفرمایان به استخدام آنها به جای کارگر ایرانی شده است.

گزارش‌های دیگری از برخی ناامنی‌های اجتماعی در محله‌هایی حکایت دارد که شمار مهاجران افغانستانی در آنها بیش از حد زیاد است و حتا مطابق اظهارات مقامات شمار زندانیان افغانستانی که به اتهام جرائم مختلف دستگیر شده‌اند بسیار افزایش یافته است.

در این میان اما متهم اصلی بروز چنین وضعیت اسفناکی «جمهوری اسلامی» است که وقتی هم دست به کار ساماندهی مهاجران می‌شود ماجرای تلخ ضرب و جرح مهدی نوجوان را رقم می‌زند!

کارشناسان معتقدند نه تنها ورود مهاجران غیرقانونی که آمار دقیقی هم از آنها در دست نیست مسئله‌ساز شده بلکه ورود بی‌رویه و برنامه‌ریزی نشده‌ی مهاجران قانونی هم مشکل‌آفرین بوده است. جمهوری اسلامی هیچ سیاست شفاف و روشنی در زمینه مهاجرپذیری ندارد.

در همین رابطه قمر تکاوران پژوهشگر اجتماعی و فعال حقوق مهاجران به روزنامه «پیام ما» گفته که «ما در کشور ساز و کار مشخص پذیرش پناهجویی یا اقامت نداریم. کسی ۴۰ سال است در کشور ما زندگی می‌کند الان بر اساس یک اتفاق از یک شهر به یک شهر جابه‌جا شده و غیرقانونی تلقی می‌شود. بسیاری از کسانی که در این کشور به دنیا آمده‌اند هم مدرک ندارند. یا کسی که ویزا داشته به هر دلیلی ویزایش تمدید نشده است.»

این پژوهشگر اجتماعی افزوده «بنابراین تفکیک درستی نمی‌توانیم قائل شویم» و «قبل از هر چیز باید درباره این مفاهیم در کشور صحبت کنیم و بتوانیم این مرز را روشن کنیم. او در عین حال اقدام وزارت کشور برای طراحی سیاستی یکپارچه و دقیق درباره حضور مهاجران مستلزم انجام طرحی دقیق و بزرگ می‌داند که فعلاً اجرای آن دور از ذهن است.»

احمد انارکی‌محمدی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی معتقد است «افغانستانی‌ها باید مهمان جیب خودشان باشند نه ایرانیان» و گفته که حضور گسترده افغان‌ها در ایران باعث شده آنها به سادگی از منابع انرژی و یارانه‌ای کشور بهره‌مند شوند بدون اینکه کوچکترین مالیاتی را به دولت ایران همچون مردمان کشورمان پرداخت کنند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی هشدار داده که «واقعاً اگر به مانند گذشته خیلی برای این موضوع فکری اساسی نشود و همچنان درهای کشور برای مهاجرت ساده مردمان کشور افغانستان به ایران باز باشد، چالش‌ها به ابرچالش تبدیل خواهند شد.»

احمد انارکی‌محمدی افزوده بود که «امروز در کشور، افغانستانی‌های زیادی هستند که اصلاً هویت آن‌ها برای ما معلوم نیست. این موضوع، یک چالش امنیتی است. از طرفی، مرتب در کشور گفته می‌شود مشکل آب، برق، نان و... داریم و جالب است کسی نمی‌آید بطور جدی بگوید که حدود ۱۰ میلیون افغانستانی در ایران است و یارانه این سرمایه‌های بزرگ در حال از بین رفتن است.»

بحران آب و خشکسالی در استان سیستان و بلوچستان فرسایش بادی ناشی از توفان را دوچندان می‌کند



توفان سیستان به ۱۹۰ کیلومتر رسید. همچنین بنا بر اعلام هواشناسی سیستان و بلوچستان در این روز، سرعت وقوع توفان گردوخاک در منطقه سیستان شامل ۵ شهرستان واقع در شمال استان سیستان و بلوچستان برای چهارمین روز متوالی به بیش از ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت رسید.

در همان روز، ساعت کاری ادارات و دستگاه‌های اجرایی منطقه سیستان نیز کاهش یافت. همچنین روز جمعه ۱۲ مرداد بر اثر توفان شن در مسیر زاهدان به زابل، میزان غلظت آلاینده‌ها در زاهدان به چندین برابر حد مجاز رسید. به گفته مدیرکل هواشناسی سیستان و بلوچستان، در این روز میزان بیشترین غلظت آلاینده‌ها در زاهدان ۱۴۵۰ میکروگرم بر مترمکعب بوده که تقریباً ۱۰ برابر حد مجاز است.

در ادامه به دلیل توفان گرد و خاک و افزایش ریزگردها، فعالیت تمامی دستگاه‌های اجرایی، ادارات و بانک‌های منطقه سیستان بجز مراکز خدمات رسانی و مراکز بهداشتی و درمانی در روز پنجشنبه، ۱۱ مرداد، ساعت کاری ادارات از ساعت شش تا ۱۰ صبح اعلام شد.

در همین ارتباط خبرگزاری ایلنا روز شنبه ۱۲ مرداد با انتشار گزارشی اعلام کرد که یک میلیون نفر تحت تأثیر گرد و خاک بادهای ۱۲۰ روزه در شرق کشور قرار دارند از سوی دیگر توفان شن میدان دید در برخی محورهای مواصلاتی را به صفر رساند.

همچنین تا ظهر روز سه‌شنبه ۹ مرداد، بیشینه سرعت وزش بادهای ۱۲۰ روزه در زابل به ۱۰۸ کیلومتر بر ساعت رسید و گرد و خاک ناشی از آن میدان دید افقی در بسیاری از مناطق نیمه شمالی سیستان و بلوچستان را به شدت کاهش داد.

بادهای ۱۲۰ روزه همچنین برخی مناطق خراسان جنوبی و «خراسان رضوی» را تحت تأثیر قرار داد و شعاع دید افقی در محدوده فرودگاه بیرجند را به ۱۰۰۰ متر کاهش داد. تشدید سرعت وزش بادهای ۱۲۰ روزه در شرق باعث شده برخی مناطق خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی در غبار ناشی از وزش این بادهای فرو رفتند.

نیز شده است، محافظت کرد.

امسال نیز توفان گرد و خاک با سرعت ۱۰۰ تا ۱۱۵ کیلومتر بر ساعت، زندگی ساکنان این منطقه را مختل کرده و در منطقه سیستان تا کنون ۱۳۶۲ شهروند را راهی مراکز درمانی کرده است.

مدیرکل دفتر مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان روز شنبه ۱۳ مرداد به خبرگزاری ایسنا گفت: «در پی وقوع توفان گرد و خاک در منطقه سیستان واقع در شمال سیستان و بلوچستان از ۸ تا ۱۲ مردادماه، تعداد یک‌هزار و ۳۶۲ تن به مراکز درمانی و بیمارستان‌ها مراجعه کرده که از این تعداد ۱۱۱ نفر بستری شدند.»

مجید محبی افزود: «از این تعداد یک‌هزار و ۲۵۱ تن نیز پس از دریافت خدمات سرپایی مرخص شدند.»

به گفته مدیرکل دفتر مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان، مشکل تنفسی، قلبی و چشمی از عمده مشکلات مردم در این مدت بوده که در این بین تنها ۶۱۶ بیمار به علت مشکلات تنفسی در این بازه زمانی به مراکز درمانی مراجعه کردند.

بنا بر اعلام کارشناسان، بر شدت وزش بادهای ۱۲۰ روزه در شرق کشور افزوده شده و بیشینه سرعت باد در این منطقه به ۱۱۵ کیلومتر بر ساعت رسیده بطوری که گرد و خاک حاصل از آن بیش از یک میلیون نفر از مردم این منطقه را تحت تأثیر قرار داده است.

علاوه بر این، گزارش‌های محلی نشان داده است که بعد از ظهر روز جمعه توفان شن در محور زاهدان به زابل در محدوده «شیله» تا «تاسوکی» شعاع دید افقی را به محدوده صفر رساند.

همچنین شعاع دید افقی در برخی محورهای مواصلاتی شمال سیستان و بلوچستان مانند زابل- زهک، زابل- نهبندان، زاهدان- زهک، هیرمند- زابل و هیرمند- زهک نیز به شدت کاهش یافته است.

در جمعه‌ای گذشت برای چهارمین روز متوالی، سرعت

بادهایی که به دلیل شرایط اقلیمی همواره از گذشته‌های دور در منطقه استان سیستان و بلوچستان می‌وزد و بین ۱۲۰ تا ۱۳۰ روز به طول می‌انجامد و اهالی چنین مناطقی با تدابیری خود را از آن محفوظ می‌داشتند در حالی که با پیچیدگی‌ها و ساخت و سازهای زندگی شهری می‌بایست با اشکال مناسب شهروندان را از این پدیده‌ی طبیعی که به دلیل کمبود آب در چند دهه‌ی گذشته تشدید نیز شده است، محافظت کرد.

مدیرکل دفتر مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان: «در پی وقوع توفان گرد و خاک در منطقه سیستان واقع در شمال سیستان و بلوچستان از ۸ تا ۱۲ مردادماه، تعداد یک‌هزار و ۳۶۲ تن به مراکز درمانی و بیمارستان‌ها مراجعه کرده که از این تعداد ۱۱۱ نفر بستری شدند.»

بادهای ۱۲۰ روزه در سال‌های دور به دلیل وجود هامون، تأثیر مثبتی بر منطقه شمال و شمال غرب سیستان داشتند و مردم از وزیدن این بادهای خنک کردن خانه‌هایشان استفاده می‌کردند اما اکنون به دلیل خشک شدن هامون و نرسیدن حبابه هیرمند و بی‌توجهی مزمن به مشکلات محیط زیست این منطقه بادهای موسمی به توفان‌های شن بعضاً ۲۰۰ روزه در سیستان تبدیل شده‌اند و به عقیده اهالی حتی امنیت منطقه را نیز به خطر انداخته‌اند.

استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران دارای اقلیم گرم و خشک، با متوسط بارندگی سالانه اندک، درجه حرارت بالا و بادهای ۱۲۰ روزه است. بادهایی که به دلیل شرایط اقلیمی همواره از گذشته‌های دور در این منطقه می‌وزد و بین ۱۲۰ تا ۱۳۰ روز به طول می‌انجامد و اهالی چنین مناطقی با تدابیری خود را از آن محفوظ می‌داشتند در حالی که با پیچیدگی‌ها و ساخت و سازهای زندگی شهری می‌بایست با اشکال مناسب شهروندان را از این پدیده‌ی طبیعی که به دلیل کمبود آب در چند دهه‌ی گذشته تشدید



ارسلان اخوان / عکس از صفحه اینستاگرام اخوان

کیهان لایف: ارسلان اخوان بازیگر و کمدین ایرانی- آمریکایی «ایرانی خوب» را به جشنواره ادینبورگ می برد

و «ایران» به عنوان یکی از کشورهای «محور شرارت» و «شیاطین» شناخته شد و ارسلان جوان احساس کرد که تنهاست. «شیطان؟ من؟» وی در حالی که آن زمان را به یاد می آورد می گوید که چگونه «رنگ قهوه ای اش او را به گاو پیشانی سفید تبدیل کرده بود».

او که می گوید «من انگیزه ی شهرت داشتم» با رفتن به لس آنجلس برای دنبال کردن کار حرفه ای به یک آژانس استعدادهای برتر پیوست و تا مدیریت اجرایی آن که نشانی ایمیل خودش را هم داشت ترقی کرد. با این حال اشاره می کند که «شکافی بین خود واقعی من و خودی که به دیگران ارائه می شود وجود دارد».

او از مادرش زهرا فریدنی اخوان، پژوهشگر شاهنامه، خواست تا درباره این «خود واقعی» به او بگوید و به این ترتیب گنجینه ی بی نظیری از اسطوره ها و روایات کهن را کشف کرد که غرب کاملا از آن غافل است.

او توضیح داد: «به نظر می رسد هیچکس اهمیت نمی دهد که تاریخ یک ملت نادیده گرفته شده است». به این ترتیب، شاهنامه راهی برای او شد تا با مادرش، با ایران و همچنین با کمدی ارتباط برقرار کند.

ارسلان اخوان پس از اجرای پیش پرده در کافه «برگاموت بوتیک» در گفتگو با «کیهان لایف» گفت که ایده اجرای این نمایش را زمانی به دست آورده که با داستان ضحاک آشنا شده است. او به عنوان کسی که «عاشق کمدی های مردم پسند و حرکات خنده دار» است، دریافت که اگرچه داستان ضحاک «خیلی سیاه و ترسناک» است اما پتانسیل کمدی نیز در آن وجود دارد.

او به این فکر افتاد که ضحاک را به صورت یک نمایش مردم پسند طراحی کند و از خود پرسید: «آیا کسی می تواند شاهنامه را به صورت کمدی بسازد؟»

و یک شب در اجرایی در لندن، دقیقا همین کار را انجام داد. او در آخرین لحظه بجای کمدینی که غیبت داشت، با بداهه پردازی طی ده دقیقه داستان ضحاک و کاوه را اجرا کرد و سپی بقایی، کارگردان جوان، کار وی را دید و حالا با هم نمایشی را که در ادینبورگ اجرا خواهد شد، آماده کردند. «ایرانی خوب» از ۱۱ تا ۲۵ اوت در حاشیه جشنواره ادینبورگ اجرا خواهد شد.

*منبع: کیهان لایف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● اواخر ماه اوت، ارسلان اخوان بازیگر و کمدین ایرانی- آمریکایی مقیم لندن استندآپ کمدی جدید خود را با عنوان «ایرانی خوب» در حاشیه جشنواره ادینبورگ در اسکاتلند که یکی از پر بیننده ترین رویدادهای نمایشی و کمدی اروپاست، اجرا خواهد کرد.

اواخر ماه اوت، ارسلان اخوان بازیگر و کمدین ایرانی- آمریکایی مقیم لندن استندآپ کمدی جدید خود را با عنوان «ایرانی خوب» در حاشیه جشنواره ادینبورگ در اسکاتلند که یکی از پر بیننده ترین رویدادهای نمایشی و کمدی اروپاست، اجرا خواهد کرد.

اخوان در «ایرانی خوب» داستان های دوران کودکی اش را با اسطوره هایی از شاهنامه شاعر قرن دهم ترکیب می کند. این کمدین آخر هفته گذشته در کافه «برگاموت بوتیک» در غرب لندن که توسط ایرانیان اداره می شود پیش پرده این نمایش را اجرا کرد که با خنده و تشویق حضار روبرو شد. اخوان خاطرات بزرگ شدن اش در آتلانتا، جورجیا، را با قسمت هایی از شاهنامه که شامل سه شخصیت بود، در هم آمیخت: جمشیدشاه، ضحاک جانشین خبیث وی و کاوه آهنگر که علیه ضحاک قیام می کند.

برای اپیزودهای اساطیری، اخوان- با سرپرستی سپی بقایی کارگردان جوان بریتانیایی-ایرانی- از وسایل و لباس هایی استفاده می کرد که از یک صندوقچه بیرون می آورد.

«ایرانی خوب» با یادآوری خاطرات دوران کودکی اخوان زمانی که یک پسر کوچک و خجالتی و ساکت بود آغاز می شود که از ته دیگ بدش می آمد، چون لای بریس دندان هایش گیر می کرد.

این کمدین ایران را زمانی کشف کرد که مادرش او را در یک سفر خاطره انگیز به آنجا برد. ویدئوهای آن سفر نشان می دهند که چگونه ارسلان نوجوان هنگام بازدید از کاخ گلستان (محل اقامت شاه) و خانه ای که زمانی پدر بزرگ و مادر بزرگش در آن زندگی می کردند و در آنجا یک کپی از کارنامه مدرسه پدرش به او داده شد، تفسیر ارائه می دهد. او ۱۳ ساله بود که پدر و مادرش از هم جدا شدند. مادر و خواهرش به پاریس نقل مکان کردند و او در آتلانتا ماند و در آنجا به تحصیل ادامه داد. او می گوید که در آن دوران «اعتماد به نفس و خودآگاهی من افزایش یافت».

زندگی به عنوان یک آمریکایی که ایرانی هم بود، خوب بود تا اینکه حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ روی داد

در روز ۹ مرداد نیز بنا بر تصمیم مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان، به دلیل وقوع توفان گرد و خاک و افزایش ریزگردها فعالیت تمامی دستگاه های اجرایی، ادارات و بانک های منطقه سیستان بجز مراکز خدمات رسان و مراکز بهداشتی و درمانی، از ساعت ۶ صبح تا ۱۱ اعلام شد. بادهای ۱۲۰ روزه در سال های دور به دلیل وجود هامون، تأثیر مثبتی بر منطقه شمال و شمال غرب سیستان داشتند و مردم از وزیدن این بادهای خنک کردن خانه هایشان استفاده می کردند اما اکنون به دلیل خشک شدن هامون و نرسیدن حقایبه هیرمند و بی توجهی مزمین به مشکلات محیط زیست این منطقه بادهای موسمی به توفان های شن بعضا ۲۰۰ روزه در سیستان تبدیل شده اند و به عقیده اهالی حتی امنیت منطقه را نیز به خطر انداخته اند.

بعضی از روستاهای محل عبور این بادهای خالی از سکنه شده اند و به دلیل مرزی بودن این روستاها خالی ماندن شان به ضرر امنیت منطقه است. علاوه بر تمام این موارد اما در سایه قرار گرفتن سلامتی مردم و بالای ۱۰۰ روز تنفس در آلودگی های بیش از ۱۹ برابر حد مجاز، در چند سال اخیر به یک بحران تبدیل شده است.

حسین سرگزی کارشناس حوزه بیابان زدایی ۵ تیرماه ۱۴۰۲ در گفتگو با روزنامه «فرهیختگان» توضیح داده بود: «برای مقابله با فرسایش بادی، سه کار بیشتر نمی توان انجام داد. یکی، کار مکانیکی است. یعنی ایجاد موانع برای جلوگیری از باد مانند بادشکن، ساخت دیوار یا کارهایی از این قبیل. دیگری کارهای بیولوژیکی مانند درخت و بوته کاشت و حفاظت کردن از این پوشش است و آخری نیز انتشار آب و تخصیص حقایبه است تا رطوبت را نگه دارد و اجازه ندهد خاک بلند شود.»

به گفته وی، این سه کار انجام نشده و بعضا نیز امکان انجام آن نیست. مثلا از جمله کارهای مکانیکی ای که می توان انجام داد، مالچ پاشی است که سطح تالاب را نمی توان مالچ پاشی کرد؛ چرا که هم وسعت بالایی دارد و هم آثار مخرب زیست محیطی. زیرا مجددا از طریق بادهای موسمی پایین دست را به شکل دیگری تحت تاثیر قرار خواهد داد و بر سلامتی مردم اثر خواهد گذاشت. کارهای دیگری مانند کنترل کانون های بحرانی هم هست که در سال های گذشته آنگونه که لازم است به آنها توجه نشده است.

سرگزی در ادامه تأکید کرده بود: «پوشش گیاهی و توسعه جنگل کاری به آب نیاز دارد. ما اکنون در سیستان بحران آب شرب داریم. بسیاری از روستاهای ته خط زابل مشکل آب دارند و آبرسانی سقایی به آنها می شود. عملا اکنون دیگر نمی توان به گزینه ای مانند توسعه پوشش گیاهی فکر کرد. توسعه پوشش گیاهی اکنون دیگر امکان پذیر نیست. اکنون از کدام منبع آبی می خواهیم کشت و کار کنیم؟ برای اینکه یک نهال مستقر شود، حداقل ۳۰ بار باید آبیاری شود. سال بعد دوباره نگهداری و مراقبت می خواهد تا این استقرار ماندگار شود. در این شرایط اصلا امکان پذیر نیست که کار بیولوژیکی انجام دهیم.»

انعطاف و کوتاه آمدن جمهوری اسلامی در برابر حکومت طالبان در افغانستان که با چون ساختن سدهای مختلف مانند کجکی و کمال خان بر روی هیرمند باعث انحراف مسیر آب شده و نصب و استفاده از انواع پمپ ها در این مسیر جهت هدایت آب برای کشاورزان آن کشور و از سوی دیگر کاهش بارندگی سالانه که خشک شدن دریاچه هامون را در پی داشت همگی دست به دست هم داده و باعث شده اند تا بادهای ۱۲۰ روزه در چند سال اخیر خانه و کاشانه شهروندان این استان را زیر خروارها شن دفن و آنها را راهی بیمارستان کند.

پدیده خودکشی پزشکان جوان «تراژدی بزرگ انسانی» در عدم توجه مسئولان جمهوری اسلامی

خودکشی دکتر پرستو بخشی، متخصص ۳۵ ساله قلب در بیمارستان ابن سینا در شهرستان دلفان، گویای اینست که خودکشی کادر درمان به «پدیده» مهمی تبدیل شده که گویا برای وزارت بهداشت جمهوری اسلامی اصلا اهمیتی ندارد. در اوایل اردیبهشت ماه نیز دکتر زهرا ملکی قربانی پزشک ۲۸ ساله در جاسک به زندگی خود پایان داد. استوری‌ها و توئیتهای این پزشک جوان نشان می‌داد که به شدت از شرایط سخت کار در بیمارستان ناراضی بوده است.

در اوایل فروردین ماه نیز دکتر پرستو بخشی متخصص قلب و عروق جوان در شهر خرم‌آباد خودکشی کرد. علی سلحشور سرپرست اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان نظام پزشکی ایران در پی درگذشت دکتر پرستو بخشی در مطلبی با عنوان «این حجم از افسردگی میان جوان پزشکان بی‌سابقه است!» در اینستاگرام نوشته بود: «خانم دکتر بخشی پس از دو ترومای بزرگ (از دست دادن پدر و مادر) و با یک سال تاخیر طرح خود را آغاز کردند. وزارت بهداشت کمکی به جابجایی محل طرح ایشان نکردند (ایشان در لیست سیاه وزارتخانه بودند).»

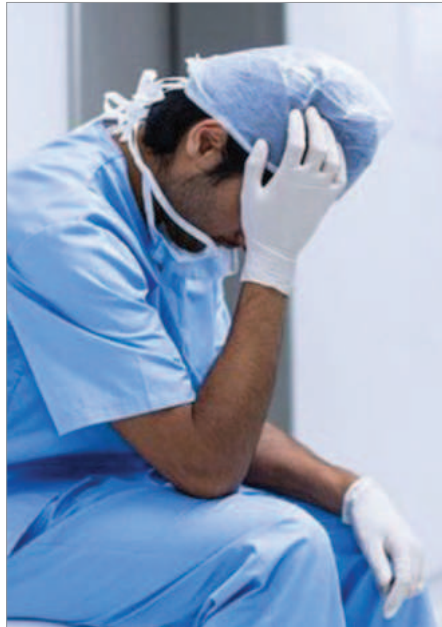
آمارهای موجود نشان می‌هد در سه ماه اول سال ۱۴۰۳ دست‌کم ۱۳ رزیدنت خودکشی کرده‌اند. وبسایت «خبرآنلاین» در ۱۴ خرداد گزارشی درباره افزایش ۳ تا ۵ برابری خودکشی در جامعه پزشکی منتشر اما ساعاتی بعد آن را حذف کرد. این گزارش در گفتگو با متخصصان و فعالان صنفی، روند خودکشی پزشکان در سال‌های اخیر را مورد بررسی قرار داده است. در این گزارش آمده بود که شرایط اجتماعی نامطلوب، یکی دیگر از اهرم‌های فشار بر اعضای کادر درمان است. افزون بر فشارهای مالی و نداشتن آرامش روانی تحت شرایط سخت کاری و شیفت‌های طولانی، روابط و شرایط اجتماعی هم در برخی موارد منجر به پرخاشگری و واکنش‌های هیجانی جبران‌ناپذیر می‌شود. «خطر خودکشی و مرگ خودخواسته در پزشکان حدود ۲/۷۳ درصد بیشتر از سایر مشاغل است.» این نتیجه تحقیقی است که در نشست به مناسب روز جهانی پیشگیری از خودکشی عنوان شده است.

انجمن علمی روانپزشکی ایران برای دومین بار طی چهار ماه، در نامه‌ای به بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت خواستار راه‌هایی جهت حل مشکل شد.

شهریورماه سال گذشته نیز علی سلحشور نماینده پزشکان متخصص با اشاره به اینکه «از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱، سیزده رزیدنت خودکشی کرده‌اند» گفته بود: «رزیدنت‌ها با حقوق ناچیز و بدون بیمه و سنوات مجبورند کار سنگین انجام بدهند و با این وضعیت، امید چندانی به آینده ندارند.»

در همین ارتباط روزنامه «دنیای اقتصاد» در ۹ اردیبهشت به نقل از مشاور اجتماعی سازمان نظام پزشکی هشدار داد: «سرعت خودکشی در میان پزشکان و رزیدنت‌ها صعودی شده و احتمال دارد که به زودی نرخ خودکشی پزشکان در ایران از سایر کشورها پیشی بگیرد.»

بر اساس آخرین بررسی‌ها، آمار خودکشی در میان پزشکان مرد ۴۰ درصد و در پزشکان زن ۱۳۰ درصد، نسبت به جمعیت عمومی، افزایش یافته که عدد قابل توجه و نگران‌کننده‌ای است. آمار دیگری نشان می‌دهد که خودکشی پزشکان در چند سال اخیر، پنج برابر شده است.



غفلت طولانی و زیان‌بار خود در پایان ندادن به بهره‌کشی و عدم لغو مقررات استثماری طرح خارج از مرکز باشند. موضوع خودکشی پزشکان جوان در ایران به پدیده‌ای تکاندنده تبدیل شده است و هرچند آمار این خودکشی‌ها از جمله آمارهای سانسور شده‌ی جمهوری اسلامی است اما آن دسته از خودکشی‌هایی که گزارش شده نیز نشان می‌دهد نرخ خودکشی در میان پزشکان جوان خیلی بالاتر از نرخ عمومی خودکشی در ایران است.

دکتر پرستو بخشی، دکتر سمیرا آل‌سعیدی، دکتر نور فروغی نسب، دکتر زهرا ملکی قربانی، دکتر مهران خسروانیان و دکتر شعله توکلی شیراجی از جمله پزشکان جوانی هستند که از ابتدای امسال خبر خودکشی و جان باختن آنها منتشر شده است. دکتر شعله توکلی شیراجی متخصص داخلی و فوق تخصص اختلالات رویی بیمارستان «شریعتی» تهران از آخرین نمونه‌های خبری شده‌ی خودکشی پزشکان جوان است. فرشاد زبردیان یکی از اینترن‌های پزشکی ورودی بهمن ۱۳۹۶ دانشگاه علوم پزشکی همدان با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داد. دکتر سمیرا آل سعیدی فوق تخصص روماتولوژی نیز در اردیبهشت ماه دست به خودکشی زد. دکتر مهدی عبدوس با اعلام این خبر در شبکه اجتماعی ایکس نوشته بود: «خانم دکتر سمیرا آل‌سعیدی فوق تخصص روماتولوژی از میان ما رفت. ایشان روز قبل پلن دارویی خودکشی خود را با رزیدنت‌ها مطرح کرده، آن‌ها موضوع را جدی نگرفته و سر به سر ایشان هم می‌گذارند، مرحوم به گواهی همکاران، خوش اخلاق، فعال و با وجدان کاری بوده. از ایشان یک فرزند به یادگار مانده است. شاید در لحظات آخر زندگی گفته من زنی هستم که دنیا را روی انگشتان خود می‌چرخانم، اما از پس دل‌تنگی‌هایم بر نمی‌آیم. پزشکان بیشتر از سایر اقشار جامعه در معرض تنش و استرس‌های فراوان کاری هستند. آن‌ها سرمایه کشور هستند احترام‌شان را حفظ کنید. تنهای‌شان نگذارید.»

خودکشی سمیرا آل سعیدی کمتر از یک ماه پس از

● **مصطفی معین وزیر پیشین بهداشت توضیح داده که «احساس تبعیض و ستم و بردگی در ساختار سلامت و نظام اجتماعی» از عوامل مهم اقدام به خودکشی پزشکان و متخصصان جوان است.**

مصطفی معین وزیر پیشین بهداشت و استاد دانشگاه پدیده خودکشی پزشکان جوان در ایران را «تراژدی بزرگ انسانی» خوانده و گفته یکی از دلایل این خودکشی‌ها «احساس تبعیض و ستم و بردگی در ساختار سلامت و نظام اجتماعی» است.

مصطفی معین توضیح داده که «احساس تبعیض و ستم و بردگی در ساختار سلامت و نظام اجتماعی» از عوامل مهم اقدام به خودکشی پزشکان و متخصصان جوان است و «کار و کشیک شبانه‌روزی و فرساینده جسم و روان دستیاران در بخش‌های بیمارستانی و اورژانس‌ها مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.»

این استاد دانشگاه به مسائلی همچون بی‌خامانی، فقر و تنگنای معیشت، عدم امنیت شغلی، کاهش منزلت اجتماعی، جدائی و طلاق، افسردگی و ناامیدی اشاره کرده و گفته «تحمیل خشونت و نداشتن امنیت جانی در اورژانس، درمانگاه و یا بیمارستان از مسائل مهم است، ضمن اینکه بیگاری در طرح استثماری و اجباری خدمت خارج از مرکز بدون امکانات مناسب زندگی و یا تحصیل فرزندان مقررات خدمت اجباری در خارج از مرکز بعد از هر مقطع تحصیلی از سال‌های اول انقلاب به دلیل کمبود شدید پزشک به اجرا گذاشته شده که هنوز هم علیرغم همه خسارات و اعتراضات ادامه یافته است.»

به گفته این متخصص کودکان، «نداشتن فرصت و امکان آموزش، مطالعه، کسب مهارت و انجام پژوهش‌های علمی پایه و بالینی در داخل و خارج کشور و بدور از اشتغالات و خدمات روزمره بهداشتی- درمانی نیز حائز اهمیت است.» مصطفی معین افزوده که «احساس حصر و زندانی بودن با گروهکشی دانشنامه تحصیلی دانش‌آموختگان و ایجاد مانع برای خروج از کشور و ادامه تحصیل در خارج یکی از علل اصلی بحران سوگ‌ناک از دست دادن کادرهای جوان پرستاری و علوم پزشکی است.»

وزیر پیشین بهداشت جمهوری اسلامی توضیح داده که «انتزاع رشته‌های علوم پزشکی از آموزش عالی در سال ۱۳۶۵ و ادغام شبکه‌های بهداشتی در دانشگاه‌های علوم پزشکی سرچشمه اصلی آفت کیفیت آموزشی و پژوهشی، فساد اداری و مالی، نابسامانی دارو و درمان و مهاجرت خسارت‌بار و سیل‌آسای استادان و پژوهشگران، طبیبان حاذق و پرستاران کارآمد به خارج از کشور و از همه تراژیک‌تر خودکشی سلسله‌وار پرستاران و پزشکان جوان بویژه دستیاران پزشکی در سال‌های اخیر است که با بی‌توجهی و عدم پاسخگویی مسئولانه مدیران وزارت بهداشت همراه بوده است.»

مصطفی معین مقررات وزارت بهداشت درباره‌ی فارغ‌التحصیلان پزشکی را مقررات ظالمانه‌ای دانسته که مهاجرت نیروها و اتلاف سرمایه‌های بی‌بدیل تخصصی و خودکشی کادرهای جوان پرستاری و دستیاران پزشکی را در پی داشته است.

او که خودش از وزرای بهداشت جمهوری اسلامی در دولت محمد خاتمی بوده گفته وزرای بهداشت که حداقل در یک دهه اخیر فعالیت داشته‌اند باید به دقت بررسی و در پیشگاه ملت و وجدان عمومی به استیضاح کشیده شود که پاسخگوی

«دانه‌ی انجیر معابد» محمد رسول‌اف، مهمان ویژه جشنواره سینمایی لوکارنو



صحنه‌ای از فیلم «دانه انجیر معابد» از محمد رسول‌اف

کرده است. لیلا امینی با «قصه خواهر» در هفته بین‌المللی منتقدین لوکارنو حضور دارد. «قصه خواهر» داستان «شیرین»، زنی از طبقه متوسط در تهران امروزی است که سخت عاشق خوانندگی است. «شیرین» با ازدواج با «محمد» ناگهان خود را اسیر تله افسردگی می‌بیند. مخالفت همسرش با آوازخوانی او زندگی‌اش را روز به روز در کشور که صدای زنان ممنوع است، آشفته‌تر می‌کند. لیلا امینی در رابطه با این فیلم گفته است که از زندگی خواهرش الهام گرفته است.

آناهیتا قزوینی‌راد با فیلم «زندگی من باد است» که به زبان‌های انگلیسی و فارسی تهیه شده در لوکارنو حضور دارد. این کارگردان ایرانی-آمریکایی با فیلم کوتاه «سوزن» توانست در سال ۲۰۱۳ یکی از جوایز حاشیه‌ای جشنواره کن، جایزه «بنیاد سینما» را از آن خود سازد. یکی دیگر از کارهای جالب این کارگردان «بچه وقتی بچه بود» است. «زندگی من باد است» که عنوان آن را کارگردان از فروغ فرخزاد قرض گرفته، روایت هفته اول زندگی یک زن پناهجو در اردوگاهی برای پناهندگان در یک کشور خیالی است.

امسال هیچکدام از فیلم‌های سینماگران ایرانی برای به دست آوردن «یوزپلنگ»های بخش اصلی رقابت نمی‌کنند. البته فیلم‌های ملیکا پازوکی و مریم تفکری می‌توانند «یوزپلنگ فردا» را به دست آورند. سال گذشته علی احمدزاده با «منطقه بحرانی» توانست «یوزپلنگ طلائی» را آن خود سازد. برای اولین بار در سال ۱۳۶۲ پرویز صیاد بود که با فیلم «فرستاده» توانست «یوزپلنگ برنز» را دریافت کند و پنج سال بعد همین جایزه به «ناخدا خورشید» ناصر تقوایی تعلق گرفت. در سال ۱۳۶۸ عباس کیارستمی با فیلم «خانه دوست کجاست؟» جایزه یوزپلنگ برنزی را با خود به تهران برد.

اولین «یوزپلنگ طلائی» را ابراهیم فروزش برای فیلم «خمره» در سال ۱۳۷۳ به دست آورد. در همان سال «یوزپلنگ نقره‌ای» هم به «آبادانی‌ها» به کارگردانی کیانوش عیاری تعلق گرفت. دومین «یوزپلنگ طلائی» را جعفر پناهی با «آینه» در سال ۱۳۷۶ به دست آورد. ترانه علیدوستی هم در سال ۱۳۸۱ «یوزپلنگ بهترین بازیگر زن» را برای ایفای نقش در فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم» رسول صدر عاملی دریافت کرد.

شعار بیافتد. محمد رسول‌اف با درایت و مهارت مرز غلتیدن به شعار را پشت سر می‌گذارد و هوشمندانه واقعیت‌های چند وجهی جامعه را به تصویر می‌کشد. البته در برخی صحنه‌ها با استفاده از تصاویر مقوایی قاسم سلیمانی و انگشت آقای بازپرس برخی نمادهای جمهوری اسلامی را به بیننده یادآوری می‌کند. در فیلم صحنه‌هایی واقعی از اعتراض‌های سال ۱۴۰۱ هم در گوشه‌های همراه دو دختر «ایمان» گنجانده شده که به خوبی نشان‌دهنده واقعیت‌های جامعه ایران و نسلی است که با شجاعت در مقابل رژیم حاکم و مزدورانش ایستاده و قصد عقب‌نشینی ندارند.

در برنامه جشنواره لوکارنو امسال در بخش‌های مختلف ۵ فیلم دیگر از سینماگران ایرانی داخل و خارج کشور نیز گنجانده شده‌اند. از ایران فیلم کوتاه «فرم» به کارگردانی ملیکا پازوکی به لوکارنو آمده. این فیلم طرحی از «آموزشگاه ۸ میلیمتری» است که توسط هومن سیدی اداره می‌شود و نوید محمدزاده تهیه‌کننده آن است. «فرم» داستان زنی را روایت می‌کند که درگیر یافتن هویت خود است، و در این جستجو با چالش‌های بسیاری مواجه می‌شود. صبا میرزائزاد و درسا شیرازی نقش‌آفرینان این فیلم هستند.

«مادر گناهکار طبیعی است»، فیلم کوتاهی از هدی طاهری کارگردان ایرانی ساکن آلمان است. در این فیلم ۱۵ دقیقه‌ای یک زوج جوان که هدی طاهری و هادی خانجانپور نقش‌هایشان را ایفا می‌کنند، گفتگویی را در رابطه با بارداری ناخواسته آغاز می‌کنند که در ادامه به روابط جنسیتی و چالش‌های ناشی از آن کشیده می‌شود.

سال گذشته نیز همین کارگردان با فیلم کوتاه «انگار مادرم گریسته بود آنشب» به جشنواره لوکارنو آمده بود. مریم تفکری کارگردان و نقاش ساکن لندن که دکترای هنرهای زیبا از دانشگاه کینگزتن دارد، با فیلم کوتاه «راز دل» به این جشنواره سوئیسی آمده است. «راز دل» داستان دو دختر دانش‌آموز را روایت می‌کند که نامه‌ای را برای یک روزنامه زنان در ایران می‌فرستند و در انتظار انتشار آن به تهیه یک فیلم غیرممکن می‌اندیشند. مریم تفکری با فیلم‌های قبلی‌اش چون «مست دل»، «اسم رمز» و «زخم» جوایزی را از جشنواره‌های سینمایی شیکاگو، روتردام و ملبورن دریافت

● مهمان ویژه جشنواره لوکارنو امسال (۱۷ تا ۲۷ مرداد) «دانه‌ی انجیر معابد» محمد رسول‌اف است که در آخرین جشنواره سینمایی کن جایزه ویژه هیات داوران را دریافت کرد.

● در برنامه جشنواره لوکارنو امسال در بخش‌های مختلف ۵ فیلم دیگر از سینماگران ایرانی داخل و خارج کشور نیز گنجانده شده‌اند.

● اولین «یوزپلنگ» را پرویز صیاد برای فیلم «فرستاده» دریافت کرد. آخرین «یوزپلنگ» هم سال گذشته به فیلم «منطقه بحرانی» علی احمدزاده تعلق گرفت.

● ناصر تقوایی، عباس کیارستمی، ابراهیم فروزش، کیانوش عیاری، جعفر پناهی و ترانه علیدوستی از دیگر سینماگرانی هستند که در سال‌های گذشته با «یوزپلنگ» لوکارنو را ترک کردند.

احمد رأفت - هفتاد و هفتمین جشنواره سینمایی لوکارنو در سوئیس که در رده‌بندی جشنواره‌های اروپایی در مقام چهارم پس از کن، ونیز و برلین قرار دارد، روز ۷ ژوئیه (۱۷ مرداد) آغاز به کار کرد و ۱۷ اوت (۲۷ مرداد) با انتخاب بهترین‌های سه بخش رقابتی پایان خواهد یافت.

در جشنواره امسال ۲۲۵ فیلم بلند و کوتاه داستانی، مستند و انیمیشن در یازده بخش اکران خواهند شد. یکی از ویژه مهمانان جشنواره امسال لوکارنو «دانه‌ی انجیر معابد» محمد رسول‌اف است که در آخرین جشنواره سینمایی کن جایزه ویژه هیات داوران را دریافت کرد. این فیلم در میدان مرکزی شهر لوکارنو به نام Piazza Grande اکران شبانه خواهد داشت. محمد رسول‌اف که همزمان با جشنواره کن در روز ۴ خرداد به صورت غیرقانونی ایران را ترک کرد، در آخرین دادگاهی که ۱۹ اردیبهشت علیه او در تهران برگزار شد، به ۸ سال زندان، شلاق، جزایر نقدی و ضبط اموال و البته ممنوع‌الخروجی محکوم شده بود.

«دانه‌ی انجیر معابد» داستان مردی را روایت می‌کند که پس از دو دهه خدمت برای رژیم به مقام بازپرسی دادگاه انقلاب منصوب می‌شود. مقامی که برای او امتیازاتی چون خانه بزرگتر و حقوق بالاتر و در نتیجه رفاه شخصی بیشتری دارد. ارتقاء مقام «ایمان»، نام شخصیت اصلی فیلم محمد رسول‌اف، مصادف با آغاز جنبش «زن، زندگی، آزادی» است. جنبشی که پایش به خانه این بازپرس دادگاه انقلاب نیز از طریق «رضوان»، دختر بزرگش، باز می‌شود. «رضوان» که یکی از نزدیک‌ترین دوستانش در جریان اعتراض‌های خیابانی مجروح می‌شود، در عمل خشونت‌های خیابانی را وارد این خانه می‌سازد. «ایمان» در مقام جدید اسلحه‌ای کمری نیز برای دفاع از خود دریافت می‌کند. اسلحه‌ای که همزمان نماد قدرت و خشونت است. با آغاز اعتراض‌های خیابانی، اسلحه «ایمان» نیز گم می‌شود. او برای پیدا کردن این نماد قدرت دست به هر کاری حتی بازجویی از همسر و دو دخترش می‌زند، ولی نشانی از اسلحه پیدا نمی‌کند. گم شدن اسلحه نماد قدرتی است که با آغاز این جنبش سراسری دیگر کارآئی ندارد. محمد رسول‌اف این بازپرس دادگاه انقلاب را هرگز در محل کار و در مقابل قربانیانش نشان نمی‌دهد، ولی رفتار خشن او در خانه به خوبی گویای واقعیت‌ها در محل کار اوست. تغییر رفتار همسر «ایمان» نشان‌دهنده تغییری است که در جامعه به ویژه با آغاز جنبش «زن، زندگی، آزادی» در حال شکل‌گرفتن است. زنی که ابتدا همراه همسر است، گام به گام از او و از رژیم حاکم فاصله می‌گیرد، بدون اینکه فیلم به دامان

رهب زبون رژيم ضعيف و بی کفایت از مردم و جوانان بی گناه ایران انتقام می گیرد

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی در بزرگداشت رضا رسایی که سحرگاه سه شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ توسط جمهوری اسلامی اعدام شد، بر تداوم راه وی در مبارزه برای آزادی تأکید و از ایرانیان خواست که پشتیبان خانواده وی باشند. متن این پیام که در رسانه های اجتماعی منتشر شده چنین است: «خانمهای ضحاک، جان جوان دیگری را گرفت. رهبر زبون جمهوری اسلامی، هربار که ضعف و بی کفایتی خود و رژیم اش آشکارتر، و در افکار عمومی داخلی و خارجی تحقیر می شود، از مردم و جوانان بی گناه ایران انتقام می گیرد. رضا رسایی، جوانی میهن پرست از جامعه یارسان ایران بود که در جریان خیزش مهسا همچون هزاران هزار هم میهن خود برای رسیدن به آزادی به خیابان آمد. اوباش رژیم او را با اتهامات واهی بازداشت کردند؛ در دو سال گذشته زیر شکنجه و فشار شدید در زندان نگه داشتند؛ و سرانجام بدون اطلاع و حضور خانواده و وکیل اش، شبانه به قتل رساندند. رژیم صدامی، حتی برای اجرای حکم اعدام، به قوانین و مقررات فرمایشی خود نیز پایبند نماند. در اندوه رضا رسایی و همدرد خانواده و مادر داغدارش هستم. از هم میهنانم می خواهم که پشتیبان خانواده او باشند و یاد این جوان میهن پرست و آزادخواه را به بهترین شکل گرمی بدارند. راه رضا و همه جاویدنامان سربلند ایران تا روز آزادی ادامه خواهد داشت.»

به مناسبت ۱۴ مرداد سالگرد انقلاب مشروطه
نخبگان عصر و پیشگامان و قهرمانان انقلاب مشروطه برای نجات ایران و خواست های مرفعی مشروطه در کنار سردار سپه ایستادند از متن پیام شاهزاده رضا پهلوی به مناسبت ۱۴ مرداد سالگرد انقلاب ملی و دموکراتیک مشروطه: «انقلاب مشروطه گامی بلند در مسیر بیداری ایرانیان، ساخت دولت مدرن، استقرار حاکمیت قانون، پاسخگوسازی حاکمان، و قدرت بخشی به شهروندان با دستیابی به حقوق و آزادی های بنیادین شان بود. پیشرفت و تعمیق مشروطیت در ایران و دیگر کشورها،



امری تدریجی و دارای فراز و فرود بوده است. در ایران، در انتهای دوران قاجار، نظام مشروطه دچار فترتی عمیق، و کشور گرفتار بحرانها و تهدیدهای وجودی بود. در چنان فضایی، نخبگان عصر که بسیاری شان از پیشگامان و قهرمانان انقلاب مشروطه بودند، برای نجات ایران و احیای مشروطه و خواسته های مرفعی آن، در کنار سردار سپه ایستادند و سلسله پهلوی را در چارچوب قانون اساسی مشروطه تاسیس کردند.»

صدای آنهايي باشيم که هيچ باند و گروهی پشت شان نيست

هاجر مهرابی خواهر #محمود_مهرابی شهروند معترض محکوم به اعدام با انتشار ویدئویی در واکنش به اجرای حکم #رضا_رسایی با بغض خطاب به برخی رسانه ها نسبت به «دسته بندی زندانیان سیاسی» برای اینکه صدای آنها باشند انتقاد کرد و گفت صدای آنهايي باشيم که هيچ باند و گروهی پشت شان نيست و بی کس و مظلوم هستند.

حسین سلامی:

صهیونیست ها اگر پاسخ محکمی دریافت کنند می فهمند در ترور هنیه اشتباه کردند

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دوشنبه ۱۵ مرداد در یک سخنرانی اسماعیل هنیه را «آزادخواه» نامید و گفت، صهیونیست ها در محاسباتشان مدام اشتباه می کنند و اگر پاسخ محکم دریافت کنند می فهمند که اشتباه کردند.

نامگذاری ساختمان های دانشگاه تهران به اسم «اسماعیل هنیه»!

جابر سلطانی مدیرکل عمرانی دانشگاه تهران از نامگذاری ساختمانی به اسم اسماعیل هنیه رهبر سازمان تروریستی حماس در این دانشگاه خبر داد و اعلام کرد که «اندیشکده حکمرانی مالی محاسباتی» و «خوابگاه متأهلان» بازسازی شده ی دانشگاه تهران با عنوان «ساختمان شهید اسماعیل هنیه» افتتاح می شود.

نگذارید مجاهد کورکور نیز در سکوت و بی خبری اعدام شود

نگار کورکور خواهر مجاهد کورکور، زندانی سیاسی که با پرونده سازی امنیتی ها به اتهام واهی کشتن کیان پیرفلک به اعدام محکوم شده، پس از اعلام خبر اعدام رضا رسایی در سحرگاه سه شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ در شبکه ایکس نوشت:



«رضارسانی روتوی سکوت بی خبری اعدام کردن... نذارید برادر منم توی سکوت بی خبری بلایی سرش بیارن صداش باشيد...» دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در حالی بر اتهام مجاهد کورکور اصرار می کند که خانواده پیرفلک که کودک ۹ ساله شان بر اثر تیراندازی مستقیم مأموران سرکوب در ایزه کشته شد، دخالت مجاهد کورکور را در این کودک کشی به شدت رد می کنند و خواهان آزادی او شده اند.

بحران کم آبی تشدید شد؛ مقامات خواستار کاهش مصرف شدند

فیروز قاسم زاده سخنگوی صنعت آب کشور با اشاره به افزایش شدید مصرف آب به دلیل افزایش دما در هفته های گذشته بر ضرورت کاهش مصرف آب تأکید کرد. سخنگوی صنعت آب کشور گفته «با افزایش دمای حداقل، ساعات روشن ماندن کولرها افزایش می یابد و بعضاً تا ۶۰ لیتر بر روز توسط کولرهای خانگی آب مصرف می شود که معادل مصرف یک خانواده است.»

هشدار به ایرلاین ها در مورد «خطر شلیک» در غرب ایران

سازمان هواپیمایی جمهوری اسلامی سه شنبه ۱۶ مرداد با صدور «NOTAM» (هشدار امنیت پروازی)، اعلام کرد که در روزهای ۱۷ و ۱۸ مرداد ماه در غرب ایران خطر شلیک وجود دارد و محدوده خطر را تا ارتفاع ۱۲ هزار پا در نظر گرفته است. با افزایش احتمال درگیری مستقیم جمهوری اسلامی و اسرائیل، تعداد زیادی از شرکت های هواپیمایی پروازهای خود به ایران، اسرائیل و لبنان را متوقف کرده اند. بسیاری از شرکت های هواپیمایی نیز از ورود به کریدورهای پروازی غرب ایران خودداری می کنند.

«یارانه کاهش طلاق» برای زوج های متقاضی طلاق

مرتضی ترینکی رئیس اداره بهزیستی قوچان از پرداخت ۱۰۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان یارانه کاهش طلاق برای جلسات مشاوره به ۲۲۸ نفر از متقاضیان طلاق در این شهرستان که در وضعیت اقتصادی پایینی قرار دارند، خبر داد.

خودکشی دانشجوی اینترن دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

محمدحسین شعبانی، اینترن ورودی بهمن ۹۶ دانشگاه



علوم پزشکی شاهرود، صبح روز یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۳ در خوابگاه سپهر این دانشگاه به زندگی خود پایان داد. به گزارش «تشکل دانشجویان پیشرو»، این دانشجوی جوان که در رشته پزشکی مشغول به تحصیل بود، با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داده است. همچنین گزارش ها حاکی از آن است که دو روز پیش از این حادثه، یک زیدنت اطفال نیز با اقدام به خودکشی، به زندگی خود خاتمه داده است.

مبینا نعمت‌زاده برنده مدال برنز تکواندوی المپیک شد؛ «مدالم تقدیم امام زمان و مردم ایران!»

مبینا نعمت‌زاده تکواندوکار ۱۹ ساله تیم ایران در مسابقات المپیک ۲۰۲۴ پاریس با شکست حریف خود از عربستان سعودی برنده مدال برنز شد. نعمت‌زاده در وزن منهای ۴۹ کیلوگرم و در مبارزه با دنیا ابوطالب از عربستان در دو راند به پیروزی رسید. او توانست دومین مدال المپیک زنان را در تاریخ ورزش ایران به دست آورد. پیش از این کیمیا علیزاده در المپیک ۲۰۱۶ ریو مدال برنز گرفته بود. وی در مصاحبه با خبرنگار صداوسیما جمهوری اسلامی گفت: «با امام زمان عهد کرده بودم مدال بگیرم مدالم را تقدیم مردم ایران و آقا امام زمان کنم.» او در تقاضایی عجیب، که گویا در جمهوری اسلامی خیلی عادیست، از مسعود پزشکیان رئیس دولت جدید رژیم خواست که بدون کنکور وارد دانشگاه شود!

محمد هادی ساروی طلای المپیک گرفت

محمد هادی ساروی کشتی‌گیر فرنگی‌کار ایران در مسابقات المپیک پاریس در وزن ۹۷ کیلوگرم با پیروزی در مقابل آرتور الکسانیان، قهرمان المپیک شد. این اولین مدال طلای کاروان ایران در المپیک پاریس است. الکسانیان قهرمان ارمنستان دارنده ۱۰ مدال المپیک و جهان است ولی ساروی موفق شد وی را با نتیجه چهار بر یک شکست دهد. ساروی تا پیش از فینال سه بار به مصاف الکسانیان رفته بود که هر سه دیدار را به او باخت.

دلشاد ابوبکرزاده آموزگار فداکار سردشتی برای نجات دانش‌آموزش جان باخت

روز ۶ مرداد ۱۴۰۳ یک معلم فداکار از شهر نلاس از توابع شهرستان سردشت، حین نجات دانش‌آموز خود در رودخانه زاب، جان خود را از دست داد. به گزارش «ایلنا»، دلشاد ابوبکرزاده برای نجات جان یکی

هشدار اقتصاددان حامی پزشک‌های دربار جمعیتی که در سال‌های اخیر «فقیر» شده‌اند

محمد صادق الحسینی اقتصاددانی که در انتخابات اخیر از حامیان مسعود پزشکیان بود در شبکه «ایکس» درباره جمعیت چند میلیون نفری که در سال‌های اخیر فقیر شده‌اند نوشت: «۱۰ میلیون نفر در این ۱۳ سال فقیر شده‌اند. اینها فقرای جدید هستند. فقرای تاریخی اجدادشان هم فقیر است و فقر را پذیرفته. فقر جدید وضعیت‌اش را نمی‌پذیرد. او سیاست را بازی کنیفی می‌داند که فقیرش کرده است. او از هر فرصتی برای بر هم زدن تعادل موجود و بهم زدن بازی سیاست استفاده می‌کند.»

وی توضیح نداد که کدام «تعادل موجود»؟! همچنین گفت «بازی سیاست» که میلیون‌ها شهروند را به فقر و خط زیر فقر رانده به چه دلیل نباید بهم بخورد!

آلمان برای تخلیه شهروندان خود از خاورمیانه «یگان ویژه» تشکیل داد

وبسایت نشریه «اشپیگل» روز دوشنبه ۵ اوت (۱۵ مرداد) گزارش داد که با افزایش احتمال درگیری میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، با همکاری نیروی هوایی آلمان برای تخلیه شهروندان این کشور از خاورمیانه یگان ویژه تشکیل داده است. این یگان شامل هواپیماهای باری ایرباس A400M است. بیش از دو هزار آلمانی در لبنان سکونت دارند.

نقض ضوابط میراث فرهنگی در قلعه دختر؛

شهرداری کرمان حریم این اثر باستانی را سنگفرش کرد!

رسانه‌های محلی کرمان از اجرای پروژه‌ای عمرانی در حریم قلعه باستانی دختر خبر داده‌اند که در آن ضوابط و مقررات مربوط به حریم و عرصه تاریخی زیر پا گذاشته

تیراندازی مرگبار به دو طلبه اهل سنت در راسک

صبح روز سه‌شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۳ دو تن از طلبه‌های اهل سنت شهرستان راسک توسط افراد مسلح ناشناس در منطقه گریکان هدف گلوله قرار گرفتند. در این حادثه، یکی از طلبه‌ها جان خود را از دست داد و دیگری مجروح شد. از هویت و انگیزه ضارب‌ان اطلاعی در دست نیست. سرهنگ دوم مرتضی نوری‌پناه، فرمانده انتظامی شهرستان راسک، ضمن تأیید این خبر اظهار داشت: «با دریافت گزارش از مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، تیم‌های پلیس آگاهی به سرعت به محل حادثه اعزام شدند و بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفت.»

اجرای نظام لغو روادید میان ایران و تاجیکستان

نظام لغو روادید بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان از ۲۰ مرداد ۱۴۰۳ برای اتباع دارای گذرنامه عادی دو کشور، به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. بر اساس یادداشت تفاهم امضا شده بین جمهوری اسلامی و جمهوری تاجیکستان دارندگان گذرنامه عادی دو کشور می‌توانند از ۲۰ مرداد جاری به مدت ۳۰ روز بدون دریافت روادید به کشور یکدیگر سفر کنند. در حال حاضر لغو روادید صرفاً برای افرادی که از مسیرهای هوایی دوشنبه-تهران و تهران-دوشنبه استفاده می‌کنند، اجرا می‌شود.

استرداد ۴ هزار زندانی افغانستانی از ایران به افغانستان

معاون سخنگوی حکومت سرپرست افغانستان اعلام کرد که تا کنون چهار هزار زندانی افغانستانی از ایران به کشور خود منتقل شده‌اند. به گزارش «ایسنا»، حمدالله فطرت معاون سخنگوی حکومت سرپرست افغانستان، از انتقال چهار هزار زندانی افغانستانی از زندان‌های ایران به آن کشور خبر داد. این در حالیست که ماه گذشته طالبان اعلام کرده بود که به دنبال آزادی زندانیان بیشتری از زندان‌های کشورهای مختلف است. ضیا احمد تکل معاون سخنگوی وزارت خارجه طالبان، اظهار داشت که «در سه سال گذشته، وزارت خارجه طالبان بسیاری



استرداد ۴ هزار زندانی افغانستانی از ایران به افغانستان



نقض ضوابط میراث فرهنگی در قلعه دختر؛ شهرداری کرمان حریم این اثر باستانی را سنگفرش کرد!



دلشاد ابوبکرزاده آموزگار فداکار سردشتی برای نجات دانش‌آموزش جان باخت

از شهروندان افغانستانی را که در کشورهای مختلف از جمله ایران، پاکستان، و امارات زندانی بوده‌اند، به افغانستان بازگردانده است. او تأکید کرد که «تلاش‌ها برای حل این مسئله به صورت جدی در جریان است.» این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که کاظم غریب‌آبادی معاون امور بین‌الملل قوه قضاییه ایران، اعلام کرده بود که شهروندان افغانستان ۹۵ درصد زندانیان خارجی در ایران را تشکیل می‌دهند.

شده است.

بر اساس گزارش‌های میدانی، شهرداری کرمان در روزهای اخیر اقدام به سنگفرش کردن ضلع جنوب و جنوب غربی حریم قلعه دختر با قدمت چند هزار سال کرده و اجرای این پروژه با سرعت نیز ادامه دارد. قلعه دختر یکی از آثار باستانی و مهم کرمان به عنوان یکی از نمادهای فرهنگی و تاریخی این منطقه شناخته می‌شود.

از دانش‌آموزان که در جریان اردوی تفریحی در رودخانه زاب در نزدیکی پل روستای گومان در حال غرق شدن بود، خود را به امواج خروشان این رودخانه انداخت و با وجود موفقیت در نجات دانش‌آموز، اما به علت خستگی و فشار زیاد آب، جان خود را از دست داد. پیکر این معلم فداکار پس از طی مراحل قانونی در آرامستان «پیرشیش» شهر نلاس به خاک سپرده شد.



عکس هفته | چه کسانی می‌گفتند گشت ارشاد اسلامی جمع شده؟!

هفته گذشته ویدئویی مربوط به اول تیرماه ۱۴۰۳ منتشر شد که در آن زنان سرکوبگر گشت ارشاد اسلامی در خیابان با وحشیگری به ضرب و جرح یک دختر ۱۴ ساله به نام نفس حاجی شریفی پرداخته‌اند. مادر این دختر اقدام به شکایت کرده ولی مقامات با وجود چنین شواهدی همچنان فرافکنی می‌کنند.